

مزامیر و سرودهای کتاب مقدس

ترجمه جدید
برای نیایش گروهی

www.irancatholic.com

فهرست کتاب

پیشگفتار	۱
مزامیر	۳
سرودهای عهد عتیق	۲۲۹
سرودهای عهد جدید	۳۶۳
فهرست موضوعی مزامیر	۳۷۵

پیشگفتار

مزامیر، نیایش قوم برگزیده است که طبق سنت کلیسا، به دوران داود پادشاه برمی گردد. قوم برگزیده بعدها نیز در تمامی مراحل زندگی خویش، با سرودهایی برگرفته از تجربیات زندگی، خداوند را نیایش و ستایش کرده است، بنابراین نه تنها در کتاب مزامیر بلکه در سرتاسر کتاب مقدس نیز سرودهایی می یابیم که در کتاب حاضر آورده شده و حتی چند سرود از عهد جدید نیز ذکر شده است.

از آنجا که این مزامیر نیایش قوم خداوند بوده و هست، طبعاً دعای خود مسیح نیز بوده که از طفولیتش در کنیسه ناصره جلیل تا روی صلیب صمیمیت خود را با پدرش بیان کرده است: «الهی، الهی چرا مرا ترک کردی» (متی ۲۷: ۴۶): «ای پدر روح خود را به دستهای تو می سپارم» (لوقا ۲۳: ۴۶).

چون عیسی در دعای خود از مزامیر استفاده می کرد بنابراین امروز نیایش کلیسا نیز هست. مزامیر شامل همه تجربیات مختلف انسان است و در هر موقعیتی، چه خوب و چه بد، می توانیم از طریق آنها با خداوند راز و نیاز کنیم.

هدف ما از ارائه کتاب حاضر این بوده که بهتر بتوانیم با هم مزامیر را بخوانیم و بسراییم. از این رو ترجمه فعلی می کوشد متنی ساده، روشن و روان و تا اندازه ای شاعرانه باشد. پس برای تفسیر و مطالعه دقیق و جدی، بهتر آن است که از ترجمه ای دقیقتر استفاده شود. در ترجمه فعلی، مزامیر به صورت بندهای مشخص و مجزا نوشته شده که دو گروه می توانند آن را به نوبت و در جواب یکدیگر بخوانند. در آخر هر مزمور دعایی آمده است که آن مزمور را با راز مسیح پیوند می دهد.

در مورد دعای شخصی و انفرادی بهتر است که چند مزمور در رابطه با حالت روحانی یا موقعیت زندگی خود انتخاب کنیم. مانند مزامیر سپاسگزاری یا استغاثه

یا زمزمه فقیر ودل شکسته... در آخر همین کتاب فهرست کوچکی وجود دارد که می تواند شما را در انتخاب مزامیر یاری دهد.

امیدواریم مسیحیانی که از این کتاب استفاده می کنند برای ما نیز دعا کنند تا بهتر بتوانیم خدمت کنیم.

نکاتی درباره شماره گذاری مزامیر

۱۵۰ مزموری که ما اکنون در اختیار داریم با دو نوع شماره گذاری متفاوت به دست ما رسیده اند: اول شماره گذاری کتاب مقدس به زبان عبری که غالباً در ترجمه های جدید و در کلیساهای پروتستان استفاده می شود و دوم شماره گذاری طبق ترجمه هفتاد تنان به زبان یونانی که در کلیساهای شرق و کتابهای آیین نیایش کلیسای کاتولیک به کار می رود. این کتاب بر اساس کتاب مقدس عبری شماره گذاری شده است.

لازم به یادآوری است که در شماره گذاری عبری از قسمت دوم مزمور ۹ تا مزمور ۱۴۷ به استثنای مزمور ۱۱۴ تا ۱۱۶ یک شماره جلوتر است.

«طریق عادلان»

مزمور ۱

- ۱ خوشا به حال کسی
که به شور شریران نرود،
همراه گناهکاران نشود،
و با گستاخان ننشیند.
- ۲ بلکه لذت او در فرایض خداوند باشد
و روز و شب کلام او را زمزمه کند!
- ۳ او همچون درختی کاشته شده
نزد نهادهای آب خواهد بود
که در موسمش بار می آورد،
و برگش هرگز پژمرده نمی شود.
پس هر آنچه کند، نیک فرجام خواهد بود.
- ۴ اما عاقبت شریران چنین نیست.
آنها به گاه می مانند،
که باد ایشان را پراکنده می سازد.
در روز داوری نه شریران خواهند ایستاد،
ونه گناهکاران در جماعت عادلان.
خداوند طریق عادلان را می شناسد،
ولی راه گناهکاران به نابودی می انجامد.

ای خدا که دوستدار انسانهایی، تو که خوشبختی ایشان را می خواهی! عطا کن حکم محبت تو را دوست داشته باشند؛ بگذار از پیروی مسیح لذت ببرند، او که یگانه راهی است که به هلاکت نمی انجامد، بگذار که در او میوه ای ماندنی بیاورند و در روز داوری در حضور او بایستند.

مزمور ۲

«تو پسر من هستی»

۱ چرا امتها شورش می کنند،
و قومها بیهوده شکایت سر می دهند؟

۲ پادشاهان زمین قیام می کنند
و بزرگان بر ضد خداوند و مسیح او توطئه می نمایند.

۳ می گویند: «بیایید تا زنجیرهایشان را بگسلیم
و خود را از قید بردگی آنها آزاد سازیم.»

۴ آن کس که تختش در آسمان است می خندد،
خداوند آنها را تمسخر می کند.

۵ آنگاه خشمناک، آنان را خطاب می کند
و غضبش آنها را می ترساند:

۶ «من هستم که پادشاه خود را مسح نموده،
و بر کوه مقدس خود صهیون برپا داشته ام.»

۷ فرمان خداوند را اعلام می نمایم:

مرا فرموده است: «تو پسر من هستی،
امروز، تو را مولود گرداندم.

۸ درخواست نما تا امتها را میراث تو کنم
و اقصای زمین را از آن تو گردانم.»

۹ با عصای آهنینت آنها را در هم خواهی شکست
و همچون کوزه ای سفالی خردشان خواهی نمود.

۱۰ اینک ای پادشاهان هوشیار باشید

و ای داوران زمین آگاه شوید؛

۱۱ خداوند را با ترس بندگی کنید،
هراسان او را ستایش نمایید.

۱۲ زیرا اگر خشمگین شود، شما هلاک خواهید شد
و خشم او به یکباره افروخته می شود.

خوشابه حال کسی که در او پناه گیرد.

ای خداوند آسمان و زمین، تو که پسر یگانه خود، عیسی مسیح را مولود گردانیده و
با رستاخیزش او را بر تمامی دشمنانش پیروزی بخشیدی؛ به ما عطا کن که نیروی
محبت تو را دریابیم؛ به ما تعلیم ده که چگونه با وفاداری تو را خدمت کنیم تا این که
شریک ملکوت تو شویم.

مزمور ۳

«نجات از آن خداست»

۲ ای خداوند دشمنانم چه بشمارند،

بسیاری بر علیه من برمی خیزند،

۳ بسیاری درباره من می گویند:

«نزد خدا برای او نجاتی نیست!»

۴ اما سپر و جلال من تو هستی، ای خداوند،

تو مرا سرافراز خواهی کرد.

۵ به آواز بلند خداوند را می خوانم

و او از کوه مقدس خود جوابم می دهد.

۶ من آسوده به خواب می روم

و آسوده بیدار می شوم زیرا خدا تکیه گاه من است.

۷ از این مردمان بیشمار که احاطه ام کرده اند و به من نزدیک می شوند، نمی هراسم.

۸ خداوند برخیز،
ای خدای من، مرا برهان!
بر رخسار همه دشمنانم می زنی
و دندان شیران را می شکنی.

۹ نجات از آن خداوند است،
باشد که برکت تو بر قومت ببارد!

تو ای خداوند! خادم خود را مستجاب نمودی آنگاه که به سوی تو فریاد برآورد. به هنگام رنجهایش، تو به ضد دشمنانش برخاستی و او را از مرگ رهایی دادی. امروز برکت و نجات خود را برای کلیسای رنج دیده ات زنده ساز.

مزمور ۴ «مرا در اطمینان ساکن می گردانی»

۲ ای خدا، ای عدالت گستر من!
وقتی تو را می خوانم مرا جوابگو باش!
تو که از تنگیها مرا رهایی می دهی،
بر من لطف فرموده، دعای مرا بشنو!

۳ ای فرزندان انسان،
تا به کی جلال مرا عار می دانید،
باطل را دوست داشته، دروغ را می طلبید؟

۴ بدانید که خداوند مرد عادل را برای خویش برگزیده،
چون او را بخوانم، خدا خواهد شنید.

۵ بترسید و دیگر گناه مکنید.
در دلها بر بسترهای خود تفکر کرده، خاموش باشید.

۶ قربانی های عدالت بگذرانید
و بر خداوند توکل نمایید.

۷ بسیاری می پرسند:
« کیست که خوشبختی را بر ما آشکار کند؟
خداوند، باشد که نور چهره تو بر ما روشنایی بخشد. »

۸ تو در قلبم شادی آفریدی
بیش از زمانی که گندم و شراب تازه فراوان بود.

۹ در آرامش بستم، در لحظه ای به خواب می روم.
چون تو ای خداوند مرا در اطمینان ساکن می گردانی.

ای خدای وفادار، تو دعای مسیح را شنیدی و او را از تنگی خلاصی دادی. مگذار
که دلهایمان پریشان شود، آنها را مطمئن ساز و در آنها شادی خود را قرار ده؛ و ما
در سکوت و آرامش، در انتظار سعادت دیدن روی تو خواهیم ماند.

مزمور ۵ «سحرگاهان صدای مرا می شنوی»

۲ ای خداوند به سخنانم گوش فرا ده،
التماسم را دریاب.
۳ دعایی را که به سویت می آید بشنو،
ای پادشاه من، ای خدای من.

۴ خداوند تنها از تو یاری می خواهم،
بامدادان به ندای من گوش می دهی،

- ۸ مزمو ر ۵
- ۸ سحرگاهان، خود را برای تو می آرایم
و در انتظار تو می مانم.
- ۵ تو خدایی نیستی
که شرارت را دوست بداری.
- ۶ شریران میهمان تو نیستند
و نادانان تاب نگاه تو را ندارند.
- ۷ از بدکاران نفرت داری.
خداوندا، تو دروغگویان را از میان می ببری
و از قاتلان و فریبکاران بیزاری.
- ۸ اما من در پناه محبت تو
به خانه ات داخل می شوم؛
و با ترس و احترام
به سوی معبد مقدست، به خاک می افتم.
- ۹ خداوندا، به حسب عدالت خود مرا رهبری کن!
و با وجود دشمنانی که در کمین من هستند
راه خود را پیش روی من هموار گردان.
- ۱۰ زیرا بر زبان ایشان هیچ راستی نیست،
اعمال قلبشان پر از شرارت،
گلویشان قبری گشاده و زبانشان فریبنده است.
- ۱۱ (خدایا، ایشان را گناهکار بدان،
توطئه هایشان را سبب سقوطشان گردان!
به جرم فراوانی جنایاتشان، آنها را طرد کن،
زیرا که بر ضد تو قیام کرده اند.)
- ۹ مزمو ر ۶
- ۱۲ شادی و نشاط جاودانه، از آن کسی باد
که به تو پناه آورد!
تو حامی آنانی هستی که نامت را عزیز می دارند،
و آنها با تو به وجد می آیند.
- ۱۳ خداوندا، این تویی که درستکار را متبارک می گردانی.
محبت تو همچون سپری حافظ اوست.
- ای خداوندا، بگذار که دعای من، دعای پسر محبوب تو باشد: مرا بسوی خودت
بازگردان و مرا در میان این دنیای افسار گسیخته، بیدار نگاه دار. در او که عادل
است مرا برکت ده، زیرا در اوست که نام تورا دوست دارم.
-
- مزمو ر ۶** «خدایا، مرا شفا ده»
- ۲ خداوندا، بدون غضب مرا تأدیب نما
و با خشم، سرزنشم مکن.
- ۳ ای خداوندا بر من رحم کن
زیرا که دیگر پژمرده ام!
- ۴ خداوندا، شفایم ده، چون تمامی استخوانهایم لرزانند
و تمامی وجودم به غایت پریشان.
- ۵ ای خداوندا، تا به کی؟
خدایا، به سویم بازگرد و رهایم ساز،
به خاطر محبت خود، مرا نجات ده.
- ۶ هیچکس در هاویه نام تورا ندا نمی کند.
کیست که در دنیای مردگان تورا سپاس گوید؟

- ۶ حق است که دشمن در پی من آید،
زندگی مرا در زمین پایمال سازد
و شرافتم را بر خاک بیفکند.
- ۷ خداوندا، خشمگین برخیز
و بر قهر دشمنانم چیره شو!
برای دفاع از من برخیز و حکم خود را اعلام کن.
۸ باشد که امتها گرداگرد تو جمع شوند!
بیا صدر ایشان، بر تخت خود بنشین!
۹ خداوندا، این تویی که داور امتها هستی.
خداوندا، موافق درستی و عدالت، داوریم کن.
بی گناهیم گواه من است.
۱۰ بدی شیران را پایان ده،
عادل را سرافراز نما.
ای خداوند عادل،
این تویی که از باطن و قلب همه آگاهی.
- ۱۱ نزد خدا سپری خواهم داشت،
نزد رهاننده راست دلان.
۱۲ خدا دآوری است عادل
و همواره بر کسی متغیر می شود،
که توبه نمی کند.
- ۱۳ اگر شیر از راه خود بازگشت نکند،
کمانش را کشیده، شمشیر خود را تیز می کند،
۱۴ آلات موت را که مهیّا ساخته،
تیرهای آتشینش را، شعله ور خواهد ساخت.

- ۷ از ناله های خود خسته و درمانده ام،
هر شب در بستر می گریم
و بالینم از اشکها تر شده است.
۸ از شدت غم و اندوه، چشمانم فرسوده شده،
و در میان این همه دشمنی، نگاه من تیره گشته است.
- ۹ ای بدکاران، از من دور شوید
زیرا خداوند آواز تضرع مرا می شنود.
۱۰ خداوند به فریاد من گوش می دهد
و دعای مرا اجابت می کند.
۱۱ باشد که تمام دشمنانم، خجل و لرزان،
به یکباره روگردانند و شرمند برونند!

ای خدای ما، تا به کی؟ چرا می گذاری ما از بین رویم؟ تو که از رحمت و محبت سخن می گویی، اشکهای پسر خود را به یاد آور. بر شب مهیب کلیسای خود بنگر؛ دشمنانش را دور کن، آنگاه می توانیم بار دیگر بی ترس و لرز، محبت و رحمت تو را بسراییم.

مزمور ۷ «این تویی که از باطن و قلب همه آگاهی»

- ۲ خداوندا، تو پناه من هستی.
در پی منند، نجاتم ده، رهایم ساز!
۳ اگر تو حامی من نباشی،
این درندگان چون شیر مرا می درند و خرد می سازند.
- ۴ خداوندا، اگر خطایی کرده ام،
اگر به دست خود ظلمی کرده ام،
۵ اگر به دوست خود بدی کرده ام
و یا دشمنانم را ملاحظه نموده ام،

- ۱۵ کسی که شرارت در سینه دارد،
عصیان را پرورانده دروغ را خواهد زاید.
۱۶ هرکه حفره می کند و گودال می سازد،
در چاهی که ساخته خواهد افتاد.
۱۷ ظلم او بر خودش باز خواهد گشت
و ستم او بر فرقهش فرود خواهد آمد.
۱۸ خداوند را برای عدالتش سپاس خواهیم گفت
و نام خدای متعال را تسبیح خواهیم خواند.

ای خدا، تو که آزماینده قلوب و باطن هستی، خادم بی گناه خود را نگرستی و با بخشیدن جلال خویش به او، عدالت خود را ظاهر نمودی. باز هم داور کلیسای خود باش؛ برای دفاع از آن درنگ منما و در ایمان آن را استوار ساز تا بتواند تورا سپاس گوید.

مزمور ۸

«چه بزرگ است نام تو»

- ۲ ای یهوه، خدای ما، در سراسر گیتی،
چه بزرگ است نام تو!
۳ جلال تو تا به آسمانها خوانده شده،
نام تو در دهان کودکان خردسال،
چون حصاری در برابر دشمنان توست
که آنها را از شورش و انتقام باز می دارد.
۴ در مقابل آسمان که کار انگشتان توست،
ماه و ستارگانی که تو آفریدی،
۵ چیست آدمی که به او فکر می کنی؟
کیست فرزند انسان، که تو نگران او باشی؟

- ۶ او را اندکی از خدا کمتر ساخته ای
و تاجی از شکوه و افتخار بر سرش نهاده ای؛
۷ آفریده های خود را در اختیار او گذاشته ای،
و همه چیز را زیر پایش قرار داده ای.
۸ گله گاوان و گوسفندان
و حتی حیوانات وحشی را،
۹ پرندگان آسمان و ماهیان دریا
و همه آبزیان.
۱۰ ای خداوند، خدای ما، در سراسر گیتی،
چه بزرگ است نام تو!

ای خدای ما، سپاس بر تو باد، زیرا تو زمین را آفریدی تا آدمی بر آن مسلط شود، و شکوه نام تو را همه جا بسراید! سپاس بر تو باد به خاطر عیسی، پسر یگانه تو، که اندک زمانی به مرتبه ای پایین تر از فرشتگان درآمد و تاج جلال بر سر نهاد، خداوند سراسر کائنات! سپاس بر نام تو باد!

مزمور ۹

«تو به انصاف داوری کرده ای»

- الف
۲ ای خداوند، تو را با تمامی دل سپاس می گویم
و اعمال شگفت انگیزت را بازگو می کنم.
۳ برای تو شادمانه پای می گویم،
به نام تو، ای خدای متعال، ترانه ها می سرایم.
۴ دشمنانم عقب نشسته اند
و در مقابل تو لغزیده، هلاک گشته اند.
۵ تو داوری کرده حق را به من داده ای.
تو بر تخت عدالت نشسته و داوری می کنی،

- ۱۶ بت پرستان در خندقی که خود کنده اند افتاده اند،
و پایشان در دامی که خود گسترده اند، گرفتار شده است.
- ۱۷ خداوند خود را شناسانده، داوری می کند
و شریران را در دام خود گرفتار می سازد.
- ۱۸ باشد که شریران به هاویه بازگردند،
و همه قوم هایی که خدای حقیقی را فراموش کرده اند.
- ۱۹ اما مسکین همیشه در فراموشی نمی ماند،
و امید فقرا هرگز مأیوس نمی شود.
- ۲۰ برخیز ای خداوند، مگذار انسان قدرت گیرد!
باشد که امتها در حضور تو داوری شوند.
- ۲۱ ای خداوند، آنها را ترسان ساز.
باشد که امتها دریابند که انسانهایی فانی نیستند!

خداوند! به یاد آور خون عیسی را که ریخته شد تا ما را از دروازه های موت بیرون
کشد. ای تو که جویندگان خود را ترک نمی کنی، عدالت خویش را بشناسان و
شرارت را مغلوب نما: باشد که ستمدیدگان، فقرا و مسکینان از شادی پیروزی تو،
پایکوبی نمایند.

مزمور ۱۰

«تو خواسته فقیران را می شنوی»

الف

- ۱ ای خدا، چرا دور هستی؟
چرا در روزتنگی روی می پوشانی؟
- ۲ شریر با غرورش، درماندگان را به ستوه می آورد
و آنها در دام تزویرش گرفتار می شوند.

- ۶ امتها را تهدید و شریران را نابود می سازی
و تا به ابد نامشان را محو می نمایی.
- ۷ دشمن نابود شده و برای همیشه از میان رفته است.
شهرهایشان را نابود کردی و هیچ نشانی از آنها نماند.
- ۸ اما خداوند جاودانه بر کرسی خویش نشسته،
و تختش را برای داوری برپا داشته است.
- ۹ او جهان را با انصاف داوری خواهد کرد
و ملتها را با عدالت رهبری خواهد نمود.
- ۱۰ باشد که خدا پناه مظلومان شود
و قلعه ای در وقت تنگدستی ایشان.
- ۱۱ آنها که نام تو را می شناسند به تو توکل خواهند کرد،
چون تو، ای خداوند، هرگز جویندگان خود را رها نمی کنی.
- ۱۲ بیایید خدایی را بسراییم که تختش در صهیون است،
و کارهای برجسته او را در میان امتها اعلام نماییم.
- ۱۳ او خون ریخته شده را می بیند،
و فریاد مسکین را می شنود.

ب

- ۱۴ بر من رحم نما، ای خداوند.
بنگر، که دشمنانم با من چه بدیها کرده اند،
ای که مرا از دروازه های مرگ رهانیدی.
- ۱۵ تو را سپاس بی پایان خواهم گفت و بر دروازه های صهیون،
شادمانه برای پیروزی تو پایکوبی خواهم کرد.

ب

- ۱۲ خداوندا، برخیز، دست خود را برافراز!
مسکینان را فراموش مکن!
- ۱۳ چرا شریر به خداوند اهانت می کند
و به او می گوید: «از پی من نخواهی آمد»؟
- ۱۴ اما تو اندوه و رنج را دیده ای،
تو آنها را در دست خود می گیری.
مرد مسکین، خود را به دست تو می سپارد.
این تویی که یاور یتیمان هستی.
- ۱۵ دست شرارت ظالم را بشکن،
تا دیگر ردی از جنایت او نماند.
- ۱۶ خدا تا به ابد پادشاهست.
بت پرستان از زمین او محو می شوند.
- ۱۷ ای خدا، خواهش مسکینان را می شنوی،
قلب ایشان را قوت می دهی.
- ۱۸ به گوش هستی تا حق یتیم و مظلوم باطل نشود،
تا بشر فانی، دیگر در زمین بذر شرارت نیفشاند.

ای خداوند، چرا می گذاری تصور کنند که تو هیچ نیستی و هیچ چیز را نمی بینی؟
تو خود را پنهان می کنی و بدی همه جا را فرا می گیری! تو بسیار دور هستی و
دشمنان ما بسیار نزدیک! برخیز ای خداوند، دست خویش را برافراز، رنج مسکینان
را در دست خود بگیر! تا به حششان برسند، زیرا آنها بدن تحقیر شده مسیح تو، در
میان ما هستند.

- ۳ آنگاه از هوس و خواهش خود مغرور می شود،
و در تکبرش به خداوند جسارت می ورزد.
- ۴ متکبر شده دیگر کاوش نمی کند.
می گوید: «خدا این نیست!»
چنین است اندیشه هایش.
- ۵ در کارهایش همیشه موفق است،
احکام تو را بالای سر خود نمی بیند
و همه دشمنانش را هیچ می شمارد.
- ۶ شریر به خود می گوید: «چیزی نیست که مرا بلرزاند،
تا مدت‌های مدید بدبختی را نخواهم دید.»
- ۷ دهانش پُر از لعنت و مکر،
و زبانش دروغگو و نیشدار است.
- ۸ در اطراف آبادی به کمین می نشیند
و در خفا، بی گناهان را می کشد.
- ۹ با چشمانش مراقب مسکین است،
همچو شیری پنهان در کمینگاه،
به نیت گرفتن مسکین، کمین کرده،
او را به دام خود می کشد.
- ۱۰ او کمین کرده مراقب است؛
و خود را بر روی مسکین می اندازد.
- ۱۱ می اندیشد: «خدا فراموش می کند؛
روی می پوشاند و هیچ نمی بیند»

مزمور ۱۱ «خداوند بر پهنه گیتی نظاره می کند»

۱ من در پناه خداوندم، چگونه می توانید به من گویند:

۲ «همچون پرنده ای به کوه بگریز. «
بنگر که چگونه شریران کمان کشیده اند؛
تیرها را در آن نهاده،
و در خفا راستدلان را نشانه می روند.
۳ آنگاه که بنیان فرو می ریزد،
عادل چه می تواند بکند؟»

۴ اما خداوند در معبد مقدس خویش،
از کرسی خود در آسمانها،
چشمانش را بر پهنه گیتی گسترده است.
او می بیند و بشر را می سنجد.
۵ خداوند، عادل و شریب را می آزماید،
اما از دوستدار خشونت، بیزار است.

۶ خداوند شریران را تنبیه خواهد کرد،
بر سر آنها آتش و گوگرد فرو خواهد ریخت،
نصیب آنان بادهای سوزان خواهد بود.
۷ چون خداوند به راستی عادل است.
او احکام عادلانه را دوست می دارد.
تنها راستدلان روی او را خواهند دید.

ای خدایی که انصاف را دوست می داری و از خشونت بیزاری، چشمانت را بر دنیای ما بگشای. عطا کن کسانی که به خاطر مسیح تحت تعقیب قرار می گیرند در

تو پناهگاهی داشته باشند و روزی روی تو را ببینند.

مزمور ۱۲

«توبه قول خود وفاداری»

۲ خداوندا، یاری کن! عادلای باقی نمانده،
صداقت از میان آدمیان رخت بریسته است.
۳ همه به هم دروغ می گویند،
قلبشان دو رو و لبهایشان فریبکار است.

۴ باشد که خداوند این لبهای چاپلوس
و این زبانهای گستاخ را از میان بردارد.
۵ می گویند: «زبان هایمان را آماده کنیم،
زیرا نوبت سخن باماست، کیست که استاد ما باشد؟»

۶ خداوند می گوید: «برای فقیر که ناله می کند،
برای مسکین که غارت می شود، اینک برمی خیزم
واز کسی که تحقیر می شود، دفاع می کنم.»

۷ کلام خداوند بی آرایش است،
همچون نقره خالص هفت بارپاک شده.
۸ ای خداوند تو وفاداری،
و همواره ما را از گزند این دوران نگاه می داری.
۹ شریران به هر سو در تگاپویند
و فساد، در میان مردم بالا گرفته است.

ای خداوند! به وعده خویش وفا کن، همان گونه که قول داده بودی، برای فقرا و مسکینان ستمدیده از دست این دنیای دروغگو، برخیز. آنها را توسط عیسی، تنها استادشان، از بدی نگاه دار.

مزمور ۱۳

«آیا مرا فراموش خواهی کرد؟»

- ۲ خدایا، تا به کی فراموشم می کنی؟
تا به کی روی خود از من می پوشانی؟
- ۳ تا به کی روح من پریشان،
و قلب من هر روزه غمگین باشد؟
تا به کی دشمنم بر من سرافراز باشد؟
- ۴ ای خدای من، بنگر، دعای مرا اجابت کن!
به چشمان من روشنایی ده،
که به خواب مرگ نروم؛
مبادا دشمنم فریاد پیروزی سردهد،
مبادا از شکست من به وجد آید!

۶ خداوند، من به رحمت تو ایمن دارم،
باشد که قلبم از آمرزش تو شاد شود.
برای خداوند سرود خواهم خواند، زیرا به من نیکی کرده است.

ای خداوند، خدای ما، به همراه خادم رنجدیده ات سوی تو فریاد برمی آوریم: بیش از این ما را فراموش مکن! ما با شریک شدن در مرگ پسر تو، اطمینان خود را به تو ابراز می داریم: به محبت تو اعتماد داریم! در نور تو، با اورستاخیز نموده، می توانیم تو را سپاس گوئیم: تو خدای نجات دهنده هستی!

مزمور ۱۴

«حتی یک نیکوکار هم نیست؟»

- ۱ نادان در دلش می گوید:
«خدایی نیست!»
پلیدی همه جا را پُر کرده،
هیچکس نیکی نمی کند.

۲ خداوند از برترین آسمانها،
به فرزندان آدم نظر می افکند
تا فرزانه ای را بیابد،
کسی که در جستجوی خدا باشد.

۳ ولی آنها همه گمراه گشته اند،
همگی فاسدشده اند.
نیکو کاری نیست، حتی یکی!

۴ آنها که بدی می کنند، آیا نفهمیده اند؟
همانطور که نان خود را می خورند،
قوم مرا می خورند.
آنان هیچگاه خداوند را نمی خوانند.

۵ حال به لرزه درآمده اند،
زیرا خدا عادلان را همراهی می کند.
شما به امیدواری عادل می خندید،
اما خداوند حامی اوست.

۷ چه کسی اسراییل را از صهیون نجات می دهد؟
آنگاه که خداوند تبعید شدگان قومش را باز آورد،
چه شادی و نشاطی برای یعقوب،
و چه وجدی در اسراییل خواهد بود!

ای خدایی که انسانها را دوست می داری، غیر از تو هیچ حقیقتی و هیچ نیکویی نیست. آنهایی که می گویند: «خدایی نیست»، می میرند. کلیسای خود را از نادانان که می خواهند آن را پاره پاره کنند، رهایی بخش و بگذار که قوم نجات یافته در شادی، تو را بسراید.

مزمور ۱۵

«که می تواند در خیمه تو فرود آید؟»

۱ خداوندا، چه کسی در خیمه تو قرار خواهد داشت؟
چه کسی در کوه مقدس تو منزل خواهد کرد؟

۲ کسی که طریقتش راستی باشد،
عدالت را به جای آورد،
در دل خود راستگو باشد
و نه بر زبانش بدگویی.

۳ حق برادرش را پایمال نکند،
و به همسایه خود تهمت نزند.
۴ ستمگر در نظرش حقیر و خوار،
ولی ترسندگانِ خداوند را گرامی دارد.

۵ اگر به زبان سوگند یاد کند،
آن را تغییر نمی دهد.
پول خود را به ربا ندهد
و بر علیه بی گناه رشوه نگیرد.
آن که اینها را به جای آورد تا به ابد پایدار است .

ای خداوند عیسی، تو در میان ما زیستی، به تعلیمی که دادی وفادار ماندی، و به نزد پدر صعود نمودی. عطا کن ما احکام ترا نگاه داریم، تا روزی با آنانی که محبتی همچون تو داشتند در مسکن جاودانه ات سکنی گزینیم.

مزمور ۱۶

«خداوند، میراث من است»

۱ خدای من، مرا نگاه دار،
پناه من تو هستی.

۲ به خداوند گفتم: «تو خدای من هستی!

۳ سعادت من تنها در توست!»
تمام خدایان سرزمینم،

۴ این خدایانی که دوست می داشتم،
فساد و تباهی شان حتمی است؛
و پیروان آنان حریص و آزمندند.

دیگر خون قربانی را تقدیم آنان نخواهم کرد
و هرگز نامشان بر لبانم جاری نخواهد شد.

۵ ای خداوند، ای میراث و نصیب من!
این تویی که ضامن سرنوشت من هستی.

۶ آنچه نصیبم شده، چه لذت بخش است!
میراثی که به من رسیده، چه زیباست!

۷ خداوند را که ناصح من است، متبارک می خوانم،
شبانگاه نیز یاد تو در دل دارم.

۸ خداوند را همواره پیش روی خود خواهم داشت،
او عدالت من است، استوار خواهم ماند.

۹ دلم در شادی و روحم در وجد است،
حتی بدن خاکیم نیز آرامش یافته.

۱۰ تو مرا به دست مرگ رها نخواهی کرد،
و نخواهی گذاشت قدّوست تباهی را ببیند.

۱۱ تو راه زندگی را به من می آموزی.

پیش روی تو کمال شادی،

و به دست راست تو خوشی جاودانی است.

ای پدر، تو پیاله مرگی تلخ را به مسیح نوشانیدی، ولی اجازه ندادی که بدنش فساد را ببیند و راه زندگی ابدی را به رویش گشودی. همان فیض را نیز به ما ببخش، تا در تو خوشبختی و در حضور تو شادی جاودانی را بیابیم.

مزمور ۱۷

«مرا نگاه دار»

الف

- ۱ خداوندا، عدالت را بشنو،
به ناله من گوش فرا ده، نیایش مرا بپذیر،
زیرا بر لبانم دروغی نیست.
- ۲ حکم مرا تو صادر خواهی کرد.
چشمان تو بر حقیقت دوخته شده است.
- ۳ اعماق قلب مرا می نگری و شبانگاه مرا ملاقات می نمایی،
تو مرا می آزمایی، اما در من هیچ پستی نمی یابی؛
- ۴ زیرا آنچه را اندیشیده ام بر لب نیاورده ام.
طبق وعده ات مرا راهنما باش.
- ۵ قدم هایم را بر اثر پایهای تو مستحکم گرداندم،
تا پایم هرگز نلغزد.
- ۶ خداوندا، تو را می خوانم و تو به من جواب می دهی.
گوش فرا دار و آنچه می گویم بشنو.

ب

- ۷ بخشایش شگفت خویش را نمایان ساز
و آنهایی را که در پناه تو آند،
از دست مهاجمین رهایی ده.
- ۸ چون نور چشم، مرا نگاه دار.
مرا زیر سایه بالهای خود پنهان کن
و از شریران که به من حمله ورنند،
از دشمنان بی رحم که گرداگردم هستند دور بدار.
- ۱۰ دلهایشان از قریهی بسته شده،
و دهانشان سخنان تکبر آمیز می گوید.
- ۱۱ درپی منند، اینک محاصره ام می کنند،
به من چشم دوخته اند تا مرا به خاک اندازند،
به مانند شیری که مشتاق دریدن باشد
و همچون حیوان درنده ای که در بیشه کمین کرده است.
- ۱۳ خداوندا، برخیز! با آنها مقابله کن، براندازشان.
به شمشیر خود، جانم را از دست شریر برهان!
- ۱۴ به دست خود ای خداوند، آنها را از میان آدمیان بران،
از بشریت و از این دنیا دورشان کن.
این همه، نصیبشان در زندگی شود.
برایشان ذخیره ساز، آنچنانکه حرص و آژشان را سیر کند،
آن قدر که پسرانشان را نیز سیر سازد
و همچنین فرزندان ایشان را.
- ۱۵ اما من بر حسب عدالت تو، رویت را خواهم دید
و سحرگهان، جانم از دیدن روی تو سیر خواهد شد.

ای خدایی که به عدالت عمل می کنی، تو ناله مسیح را شنیدی و او را از چنگ شریر رهایی دادی. اینک دعای کلیسای خود را بشنو که ستمگر در صدد ویرانی اش است. آن را با شمشیر کلام خویش نجات ده و شگفتی های فیض خود را برایش آشکار ساز.

مزمور ۱۸

«او مرا آزاد کرد، چون مرا محبت می نماید»

الف

- ۲ ای خداوند، ای قوت من، ترا دوست دارم.
ای خداوند، صخره من، قلعه من،
۳ ای خدا، ناجی من، پناه من،
سپهر من، سنگر من و سلاح پیروزی من!
۴ سپاس و ستایش بر خدا باد!
هرگاه از خداوند یاری می طلبم،
بر دشمنانم پیروز می شوم.
- ۵ زنجیرهای مرگ مرا احاطه کرده بودند،
سیلاب های مهلك مرا به وحشت انداخته بود،
۶ بندهای هاویه مرا دربرگرفته بود،
جلوی پایم دامهای مرگ گسترده شده بود.
- ۷ در تنگی، خداوند را به یاری خواندم
و به سوی خدای خویش فریاد برآوردم.
او آواز مرا از معبد خود شنید،
فریاد من به گوش او رسید.
- ۸ از طغیان خشم خدا،
زمین به جنبش درآمد
و پایه کوهها به لرزه افتاد.

- ۹ از بینی اش دود
و از دهانش، آتش سوزنده و ذغال گذاخته برآمد.
- ۱۰ آسمان را به زیر می آورد و فرود می آید.
زیر پای وی، ابری تیره است.
۱۱ بر کروی سوار شده،
و بر بالهای باد پرواز می کند.
- ب
- ۱۲ در دل تاریکی پنهان می شود،
خود را در لابلای آن مخفی می کند،
لابلای ابرهای تاریک و باران زار.
- ۱۳ نوری از پیشاپیش او می آید،
ابرها گشاده می گردند
و تگرگ و آتش افروخته می بارد.
- ۱۴ خداوند در آسمان می غرّد،
خدای متعال آوازش را به گوش می رساند،
از تگرگ و آتش افروخته.
- ۱۵ تیرهای خود را به همه جا پرتاب می کند،
رعد و برق می زند و هراس در دل ها می افکند.
- ۱۶ با غرش صدای تو ای خداوند
و نفس پُرغضبت،
اعماق دریاها نمایان می شود
و ارکان جهان به لرزه در می آید.

- ۲۸ تو فروتنان را نجات می دهی
لیکن چشمان متکبران را به زیر می افکنی.
- ۲۹ تو نور چراغ من هستی.
خداوندآ، تو شب مرا روشن می سازی،
۳۰ با تو از حفره ژرف گذر می کنم،
به لطف خدای خود حصار را می شکنم.
- د
- ۳۱ طریق خداوند کامل است
و کلام وی پاک و مصقاً.
او سپر هرکسی است که به او پناه بَرَد.
- ۳۲ کیست خدا، به جز خداوند ما؟
و کیست صخره، غیر از خدای ما؟
۳۳ این خداست که به من توانایی می دهد
و طریق کامل را بر من نمایان می سازد.
- ۳۴ مرا به سان «بزکوهی» چابک می سازد،
و مرا بر بلندی ها ایستاده نگاه می دارد.
۳۵ اوست که دستهایم را برای مبارزه،
و بازوانم را برای کشیدن کمان می پروراند.
- ه
- ۳۶ مرا سپری می دهی که نجاتم دهد،
دست راست تو پشتیبان من است،
لطف تو مرا سرافراز می نماید.
۳۷ تو هستی که بر قدم هایم می افزایی
بی آنکه پایم ضعیف شود.

- ۱۷ از آسمان دستش را پیش می آورد تا مرا بگیرد
و از آبهای عمیق بیرون کشد.
۱۸ مرا از دست دشمنی زورمند رهایی می دهد،
از دست حریفانی قویتر از من.
- ۱۹ آنها در انتظار روز شکست من بودند،
اما خداوند تکیه گاه من شد.
۲۰ آزاد و رهایم ساخته، نجاتم داد
زیرا که مرا دوست می داشت.
- ج
- ۲۱ خداوند با من، به حسب عدالتم رفتار می کند
و پاداش دست های پاک را به من می دهد؛
۲۲ زیرا طریق خدا را نگاه داشته ام،
و هرگز به خدای خود خیانت نکرده ام.
- ۲۳ تمام اوامر او در برابر منند،
از فرمانهای او دور نمی شوم.
۲۴ در نزد او بی عیب بوده
و خویشتن را از گناه دور نگاه داشته ام.
- ۲۵ موافق عدالتم، خدا مرا پاداش می دهد
و آن پاکی را، به چشم خویش می بیند.
۲۶ تو با انسان وفادار، وفاداری؛
با مرد بی عیب، چون خود او.
- ۲۷ با شخص پاک، پاکی!
لیکن با فریبکار به مکر رفتار می کنی.

۴۹ مرا از تمامی دشمنانم می‌رهانی
و بر حریفان پیروز می‌گردانی.
مرا از چنگ مردمان ظالم رها می‌سازی.

۵۰ ای خداوند، ترا در میان امته‌ها شکر خواهم کرد
و در میان امته‌ها نام تو را خواهم سرایید:
۵۱ «او پیروزی‌های بزرگ به پادشاه خود می‌بخشد
و به مسیح خویش، به داود و ذریت او،
تا به ابد محبت دارد.»

ای خدا، نجات‌دهنده ما، تو نسبت به مسیح خود، وفاداریت را نشان دادی، با بیرون کشیدن او از اعماق هاویه و قرار دادنش بر تارک امت‌ها. اکنون وفاداری او را بنگر و پاداش عدالتش را بر ما ببخش: قوت تو پناهگاه ما باشد و کلام تو نور ما، تا نبردهایمان به پیروزی رسد و راه‌هایمان بی‌عیب گردد.

مزمور ۱۹ «آسمانها شکوه خدا را بیان می‌کنند»

الف

۲ آسمانها عظمت خدا را آشکار می‌کنند،
و فلک، حکایت از عمل دست‌هایش دارد.
۳ روز، پیام را به روز دیگر می‌رساند
و شب، پیام معرفت را به شبی دیگر.
۴ نه سخنی است در این روایت،
و نه آوازی که گوش گیریم.
۵ ولی تمامی آنها در اقصای زمین هویدا شده،
و خبرشان تا آخرین نقطه جهان رسیده است.

۳۸ از پی دشمنان خود رفته به آنها می‌رسم
و تا نابود نشوند باز نمی‌گردم.
۳۹ ایشان را درهم می‌کوبم تا دیگر نتوانند به پاخیزند؛
و آنها پای انداز من می‌شوند.

۴۰ برای جنگ مرا نیرومند می‌سازی،
حریفان را به زیر پای من می‌افکنی.
۴۱ دشمنان شکست خورده‌ام را به من واگذار می‌کنی
و من آنها را نابود می‌سازم.

۴۲ آنها فریاد می‌زنند، ولی نجات‌دهنده‌ای نیست!
آیا خداوند؟ ولی جوابی نیست.
۴۳ ایشان را چون غبار به دست باد می‌دهم
و مانند گل‌کوچه‌ها پایمالشان می‌کنم.

۴۴ مرا از این قوم شورش‌گر رهایی می‌بخشی
و سر‌امته‌ها می‌سازی.
قومی ناشناس مطیع من شده است،
۴۵ به اولین کلام، از من اطاعت می‌کند.

فرزندان بیگانه به دور من می‌آیند.
۴۶ فرزندان بیگانه تسلیم من می‌شوند
و با ترس و لرز قلعه‌های خود را رها می‌کنند.

و

۴۷ پیروز و پاینده باد خداوند، متبارک باد صخره من!
سرافراز باد، خدای پیروزم،
۴۸ خدایی که به من قدرت انتقام می‌بخشد،
و امته‌ها را به زیر یوغ من درمی‌آورد.

۶ خیمه‌ای برای خورشید در آن بالا، به پا کرده
و او همچون داماد، از حجله‌اش بیرون می‌آید،
شجاعانه، شادی کنان خود را به جلو می‌راند؛

۷ از يك کرانه آسمان برمی‌خیزد،
و تا کرانه دیگر راه می‌پیماید.
هیچ چیز از گرمایش بی‌نصیب نمی‌ماند.

ب

۸ قانون خداوند کامل،
و آرام بخش جان است.
شریعت خداوند قابل اعتماد است
و به ساده‌دلان حکمت می‌آموزد.

۹ فرمانهای خداوند راستی،
و شادی بخش قلبهاست.
دستورات خدا زلال،
و روشنی بخش دیده‌هاست.

۱۰ ترس از خداوند مقدس،
و تا به ابد تغییر نمی‌پذیرد
احکام خداوند حقیقت،
و همواره به انصاف است.

۱۱ مرغویتر از طلا
طلای ناب،
شیرین تر از عسل،
از قطرات شانه عسل.

۱۲ اینست که خادم تو، احکامات را درمی‌یابد
و پاسبانی آنها، منفعت اوست.

۱۳ اما کیست که به خطای خود پی برَد؟
خدایا، مرا از خطاهای پنهانیم پاک ساز!

۱۴ بنده‌ات را از اعمال متکبران نیز باز دار
تا غرور بر من چیره نشود.
آنگاه بی‌عیب خواهم شد
و پاک از گناه عظیم.

۱۵ سخنان زبانم را،
و زمزمه دلم را بپذیر.
باشد که به حضور تو رسند،
ای خداوند، ای صخره من، مدافع من!

ای خدایی که آسمان و زمین را آفریدی، کلام تو به میان ما آمد، همچون خورشید
حقیقی عدالت که شکوه ترا آشکار می‌سازد، و رسولان انجیل، آواز او را تا اقصای
جهان رساندند. در پرتو احکام خود، نگاه ما را پاک ساز تا از غرور برهیم و در
کمال پاکی خدمت نموده، با مسیح بر فراز آسمانها رسیم.

مزمور ۲۰

«به مسیح خود پیروزی می‌بخشد»

۲ خداوند تو را در روز تنگی مستجاب نماید
و نام خدای یعقوب ترا نگاه دارد!

۳ برای تو از درگاهش یاری فرستد
و ترا از بلندی‌های صهیون یآوری کند!

۴ جمیع هدایای ترا به یاد آورد
و قربانی‌های سوختنی ترا قبول فرماید!
۵ خواسته‌های دلت را برآورد
و تمامی امیدهای ترا به انجام رساند!

۶ آنگاه با برافراشتن پرچم‌هایمان، با نام خدا،
پیروزی تو را جشن خواهیم گرفت.
باشد که خداوند تمامی خواسته‌های تراه انجام رساند.

۷ اینک می‌دانم:
خدا به مسیح خود پیروزی می‌بخشد؛
با اعمال شگفت‌انگیز دست راست خود،
از فراز آسمان‌ها او را پاسخ می‌دهد.

۸ قدرت برخی در ازابه‌ها و بعضی به اسبان است؛
لیکن فخر ما در ذکر نام خدای ماست.
۹ ایشان خمیده گشته به خاک خواهند افتاد؛
اما ما برخاسته، استوار برپا خواهیم ماند.

۱۰ خداوند، به پادشاه پیروزی ببخش
و روزی که تو را بخوانیم، ما را اجابت کن!

خداوند به یاد آور قربانی کامل صلیب را، به یاد آور که به مسیح پیروزی دادی.
حال به کلیسای خود که نامت را اعلام می‌دارد، پاسخ ده: باشد که در روزهای
تنگی، پایداری نماید.

مزمور ۲۱

«در قوت خویش برخیز»

۲ ای خداوند، از قدرت تو پادشاه شادی می‌کند
و پیروزی تو، شادمانی فراوان به او می‌بخشد.
۳ او را به آرزوی دلش رساندی
و تمّای لبانش را رد نکردی.

۴ تو برکات و لطف نصیب او می‌سازی
و تاجی از طلا بر سرش می‌گذاری.
۵ حیاتی را که از تو خواست، به وی می‌بخشی،
همچنین طول ایام را تا به ابد.

۶ جلال او به سبب پیروزی تو عظیم شده،
بر تنش اکرام و حشمت پوشانده‌ای.
۷ او را برای همیشه مبارک ساخته‌ای
و به حضور خود شادمان گردانده‌ای.

۸ آری، پادشاه بر خداوند توکل دارد؛
رحمت حضرت اعلی، او را استوار می‌سازد.

۹ دست تو، همه دشمنانت را خواهد یافت
و دست راست تو مخالفتت را به چنگ خواهد آورد.

۱۰ آنگاه که بیایی از ایشان مجمر آتشین می‌سازی.
خداوند آنها را در خشم خود می‌سوزاند،
آتش آنان را می‌بلعد

۱۱ و ثمره ایشان را از زمین.
و آنگاه نسل ایشان را از میان آدمیان برمی‌کنی .

۱۲ اگر بر تو قصد بد نموده
به توطئه نشینند،
کامیاب نخواهند شد.

۱۳ آری، تو آنها را به عقب خواهی نشانند
و تیرِ کمانت، قلب ایشان را نشانه خواهد رفت.

۱۴ ای خداوند، در قوت خویش برخیز.
ما با سرود، قدرت و عظمت ترا می سراییم.

ای خداوند، بگذار تو را سراپیده، وجد نماییم، تو که در مسیح قدرت خویش را
نمایان ساختی. تو او را رد نکردی بلکه زندگی بخشیدی. اوست پادشاه ما، اوست
سرچشمه همه برکتها. بار دیگر به آرزوی آنهايي که بر تو توکل دارند پاسخ ده،
قدرت بدی را از روی زمین محو کن و بگذار که فیض و رحمت تو، ما را استوار
سازد.

مزمور ۲۲

«ای خدای من، چرا مرا ترک کرده ای»

الف

۲ خدای من، خدای من، چرا مرا ترك کرده ای؟
هر چه فریاد بر می آورم، به نجاتم نمی آیی.

۳ خدای من، تمام روز صدایت می زنم، تو جواب نمی دهی؛
و حتی شب، خاطر من آسوده نیست.

۴ اما تو قدّوس هستی،
تویی که در سرودهای اسراییل مأوی داری.

۵ پدران ما، تنها بر تو امید بستند،
بر تو اعتماد کردند و آنها را نجات دادی.

۶ وقتی نزد تو فریاد برمی آوردند، رهایی می یافتند،
بر تو امید می بستند و هرگز شرمسار نگشتند.

۷ و اما من کرم هستم، نه انسان،
ننگ آدمیان و مطرود قوم.

۸ هر که مرا می بیند مسخره ام می کند،

با تمسخر سرهایشان را تکان می دهند و می گویند:

۹ «چون بر خداوند اعتماد می کند، بگذار هم او آزادش کند،
او را نجات دهد، زیرا دوستدار اوست.»

۱۰ تو مرا از رحم مادرم بیرون آوردی،

تو مرا به آغوشش سپردی.

۱۱ از لحظه تولدم، به تو سپرده شدم؛

از رحم مادرم، خدای من تو هستی.

۱۲ از من دور میباش، زیرا ایام سختی نزدیک است
و یاری دهنده ای نخواهد بود.

ب

۱۳ درندگان بسیار احاطه ام کرده اند،

نزه گاو «باشان» دور مرا گرفته اند؛

۱۴ شیران درنده غرش کنان،

بر ضدّ من دهان باز می کنند.

۱۵ مثل آب روان جاری شده ام

و بند بند استخوانهایم از هم گسسته است.

قلبم همچون موم شده،

و در میان احشایم گداخته می شود.

- ۲۵ زیرا او فقیر را در فلاکتش،
رد نکرده و تحقیر ننموده،
روی خود را از وی نپوشانیده،
بلکه ناله و زاری او را شنیده است.
- ۲۶ در میان جماعت بزرگ، ستایش و سپاس از آن توسست.
در برابر ترسندگان تو نذرهایم را ادا خواهیم کرد.
- ۲۷ فقرا غذا خورده سیر خواهند شد
و طالبان خداوند، او را تسبیح خواهند خواند:
«باشد که قلبتان جاودانه زنده بماند!»
- ۲۸ تمامی زمین این را به یاد خواهد آورد
و به سوی خداوند باز خواهد گشت؛
و تمام قبایل امتهای،
پیش آمده در مقابلش به خاک خواهند افتاد.
- ۲۹ بلی، پادشاهی از آن خداوند است،
و او بر تمامی امتهای تسلط دارد.
- ۳۰ همه قدرتمندان زمین،
سر تسلیم فرود خواهند آورد
و آنانی که محکوم به موت اند،
در حضورش تعظیم خواهند کرد.
- ۳۱ و من برای او زندگی می‌کنم،
فرزندانم او را خدمت خواهند کرد
و نام خداوند را به آیندگان اعلام خواهند نمود.
- ۳۲ به قومی که بعد از آن به دنیا خواهد آمد،

- ۱۶ قوتم مثل سفال خشک شده
و زبانم به کام چسبیده است.
تو مرا به خاک موت سپرده‌ای.
- ۱۷ آری، سگان دور مرا می‌گیرند،
جماعت شیران گرداگردم هستند
و دست و پایم را سفته‌اند.
- ۱۸ تمامی استخوانهایم را می‌توانم بشمارم.
شیران بر من چشم دوخته، مراقبند.
- ۱۹ جامه‌هایم را در میان خود تقسیم کرده‌اند
و بر ردای من قرعه انداخته‌اند.
- ۲۰ اما تو ای خداوند از من دور مباش،
ای قوت من، به یاریم بشتاب!
جان مرا از ضرب شمشیر حفظ نما
و زندگی مرا از چنگ سگان برهان.
- ۲۲ از دهان شیر و از شاخهای گاو،
مرا رهایی ده.
- ج
خدایا، تو مرا اجابت کرده‌ای،
نام تو را به برادرانم اعلام می‌کنم،
و در میان جماعت، ترا سپاس می‌گویم.
- ۲۳ «ای ترسندگان خداوند او را سپاس گویند،
ای تمامی نسل یعقوب او را بستابید،
ای تمامی فرزندان قوم برگزیده از او بترسید.»

عدالت او را اخبار خواهند نمود:
«این است عمل دست‌های او!»

ای خدای ما، چرا ما را ترک کرده‌ای؟ تو که هیچگاه کسی را ترک نمی‌کنی! چرا جواب ما را نمی‌دهی؟ تو که دعا را در قلب ما می‌گذاری، چرا این قدر از ما دور می‌مانی؟ تو که اطمینان ما هستی، بگذار همانند مسیح بر صلیب، از تو سؤال کنیم. همانگونه که او را نجات بخشیدی، ما را نیز نجات بخش. بر لبان ما سپاس او را قرار ده، تا عمل نجات بخش تو را به تمام دنیا اعلام کنیم.

مزمور ۲۳

«تو با من هستی»

- ۱ خداوند شبان من است،
محتاج به هیچ چیز نخواهم بود.
- ۲ در مرتع‌های سبز
مرا آسایش می‌دهد،
به کنار نه‌های آرام مرا رهنمون می‌سازد،
مرا زندگی دوباره می‌بخشد.
- ۳ به افتخار نام خود،
به راه راست هدایت‌م می‌نماید.
۴ اگر از دره موت نیز گذر کنم،
از هیچ گزند هراسان نخواهم شد،
زیرا تو در کنار من هستی.
عصای تو راهنما، و تسلی بخش من است.
- ۵ در برابر چشمان دشمنانم،
برای من سفره‌ای مهیبا می‌سازی؛
سر مرا با روغن تدهین می‌کنی
و جام من لبریز می‌شود.

۶ همه‌روزهای زندگی‌ام،
فیض و نیکی‌بختی همراهم خواهد بود
و تمامی ایام،
در خانه خداوند زندگی خواهم کرد.

ای عیسی، شبان جاودانی، با تو کلیسایت محتاج به چیزی نیست. تو در آب تعمید، بار دیگر ما را زنده می‌سازی؛ روح قدوس خود را بر ما نازل کن؛ سفره قربانی تن خویش را برای ما مهیا ساز؛ تو ما را به آن سوی مرگ، تا خانه پدرت، آنجا که مملو از فیض و خوشبختی است، می‌بری.

مزمور ۲۴

«اوست پادشاه جلال»

- ۱ دنیا و تمامی نعمت‌هایش،
و زمین با همه ساکنانش، از آن خداوند است.
- ۲ اوست که بنیان زمین را بر دریاها گذارد
و آن را روی امواج استوار گردانید.
- ۳ چه کسی می‌تواند به کوه خداوند صعود نماید؟
و کیست که در مکان مقدس او ساکن شود؟
- ۴ آن که دست و دلش پاک باشد،
(از بت‌ها دوری نماید)،
و سوگند دروغ ادا نکند.
- ۵ او برکت خداوند را به دست خواهد آورد،
از خدایی که نجات دهنده اوست عدالت را خواهد دید.
- ۶ این قوم تو رامی جویند،
بازروی تو را ای خدای یعقوب طلب می‌نمایند.

- ۳ بر تو توکل دارم، مگذار شرمنده شوم،
مگذار دشمنانم بر من فخر کنند.
آنانی که بر تو امید دارند، هرگز شرمنده نمی شوند،
اما ننگ و رسوایی از آن خائن است.
- ۴ خداوندا، طریق های خود را به من بیاموز
و راه باریک حیات را به من نشان ده.
۵ مرا به حقیقت خود رهنمون ساز و تعلیم ده،
زیرا تو خدای نجات من هستی.
همواره بر تو امید دارم ای خداوند،
چون تو نیکو هستی.
[ای خداوند، چون تو نیکو هستی.]
- ۶ خداوندا، شفقت خود را به یاد آور
و محبت خود را که جاودانی است.
۷ گناهان و خطایای جوانیم را از یاد ببر!
در محبت خود، فراموشم مکن!
[ای خداوند، چون تو نیکو هستی.]
- ۸ خداوند عادل و نیکوست.
اوست که بر گناهکاران، راه را نمایان می سازد.
۹ فروتنان را عادلانه رهبری می کند
و طریق خود را به آنان می آموزد.
برای آنها که عهد و فرمانهایش را نگاه می دارند،
همه راه های خداوند، محبت و راستی است.
۱۰ به خاطر نام خود ای خداوند، گناهانم را بیامرز
۱۱ زیرا که بسیارند.

- ۷ ای دروازه ها سربرافزاید،
برافزاید ای دروازه های جاودانی:
تا پادشاه جلال وارد شود!
- ۸ کیست این پادشاه جلال؟
او خداوند است، خدای پر توان و دلیر،
خداوندی که در میدان جنگ، شجاع است.
- ۹ ای دروازه ها سربرافزاید،
برافزاید ای دروازه های جاودانی:
تا پادشاه جلال وارد شود.
- ۱۰ به راستی کیست این پادشاه جلال؟
او خداوند است، خدای جهان،
اوست پادشاه جلال.
- ای خداوند خدا، پادشاه آسمان و زمین، تو آن کسی را که قبلاً شریک طبیعت
انسان شده بود، شریک جلال خود نمودی، یعنی عیسی مسیح، تنها کاهن ما را. عطا
کن که با قلبی پاک این پادشاه جلال را بپذیریم تا او نیز بر روی کوه مقدس ما را
بپذیرد، آنجا که برای همیشه نزد تو سلطنت می نماید.

مزمور ۲۵

«در محبت خود، مرا از یاد مبر!»

- ۱ ای خداوند، به سوی تو جان خود را برمی افرازم،
۲ به سوی تو، ای خدای من.

ای خداوند به یاد آور: تو خدای نجات من هستی! با دادن پسر خود به ما، محبت خود را آشکار می‌نمایی، با بخشیدن خطاهایمان، رحمت خود را نمایان می‌سازی، عصیان ما را به یاد می‌آوری، بلکه راه نیکی کردن را به ما بیاموز. بگذار عهد تو را شناخته آن را نگاه داریم.

مزمور ۲۶ «خانه‌ای را که در آن ساکنی، دوست می‌دارم»

- ۱ خداوندا، مرا انصاف ده،
زیرا که در پاکی گام برمی‌دارم.
من بر خداوند توکل می‌کنم
و هرگز گمراه نخواهم شد.
- ۲ خداوندا، مرا بیازما، درونم را بنگر،
باطن و قلبم را پاک گردان.
- ۳ محبت تو پیش روی من است
و در راستی تو گام برمی‌دارم.
- ۴ با دو رویان ننشسته،
نزد ریاکاران نخواهم رفت.
- ۵ از جماعت بدکاران نفرت دارم،
و با شریران نخواهم نشست.
- ۶ برای نزدیک شدن به قربانگاه تو، ای خداوند،
دستهایم را به نشانه بی‌گناهی شسته‌ام،
به آواز بلند رحمت تو را اعلام می‌کنم
و تمامی کارهای شگفت ترا به یاد دارم.
- ۸ خانه‌ای را که در آن ساکنی،
و تجلی‌گاه جلالت را دوست دارم.

- ۱۲ آیا کسی هست که از خداوند بترسد؟
خدا راهی را که باید برود به او نشان می‌دهد.
- ۱۳ جان او در سعادت خواهد زیست
و فرزندان او، وارث زمین خواهند شد.
- ۱۴ اسرار خداوند از آن ترسندگان است
و برای آنان که عهد او را آشکار می‌سازند.
- ۱۵ چشمان من بر خداوند دوخته شده‌اند،
او پایهای مرا از دام رهایی خواهد داد.
- ۱۶ به سوی من نظر کن، بر من رحم نما،
بر من که بی‌کس و درمانده‌ام.
- ۱۷ اندوه در قلبم فزونی می‌یابد،
مرا از این رنج رهایی ده!
- ۱۸ مصیبت و درد مرا بنگر،
مرا از همه گناهانم را پاک کن!
- ۱۹ بنگر که دشمنانم چه فراوانند
و چه سخت بر من نفرت دارند!
- ۲۰ جانم را حفظ کن، مرا رهایی ده،
پناه من تویی، مگذار شرمنده شوم.
- ۲۱ بگذار که راستی و درستی، پشتیبان من باشند.
آری، من به تو امید بسته‌ام ای خداوند.
- ۲۲ ای خدای من، قوم خود را،
از تمامی رنجهایش برهان!

- ۹ مگذار به گناهکاران بپیوندم
و شريك زندگي ستمگران شوم.
۱۰ آنها در دستهایشان فساد و تباهی دارند
و دست راستشان پر از رشوه است.
- ۱۱ و من، در کمال راستی گام بر می دارم.
مرا عفو کن، بر من رحم نما!
۱۲ پایهای من در طریق راست گام بر می دارد.
ای خداوند، ترا در میان جماعت متبارك خواهم خواند.

ای عیسی مسیح، خداوند ما، تو که هیچ خطا نکردی و برای همه بی عیب بودی، در تو انسان تبرئه شد، با تو زمین پایدار است، با حقیقت خود، ما را تا خانه پدر هدایت کن، آنجا که خواهیم توانست در جماعت مقدسین او را سپاس گوئیم.

مزمور ۲۷

«نور و نجات من»

الف

- ۱ خداوند نور و نجات منست،
از که بترسم؟
خداوند پناه زندگانی منست،
از که بهراسم؟
- ۲ اگر شیران خصمانه پیش آیند
تا مرا نابود کنند،
این دشمنان و بدخواهانم هستند
که از پای افتاده تسلیم می شوند.

- ۳ اگر لشگری در مقابلم صف آرایی کند،
دل من نخواهد ترسید.
اگر جنگ بر من در گیرد،
اطمینان از دست نمی دهم.
- ۴ يك چیز از خداوند خواسته‌ام
و فقط این را می طلبم:
که تمام روزهای زندگیم را
در خانه خداوند ساکن باشم،
به معبد او بپیوندم،
و جمال او را بنگرم.
- ۵ او در روز تنگی ،
مرا زیر سایبان خویش پناه داده،
و در پنهان‌ترین گوشه خیمه خود جای می دهد،
و مرا بر فراز صخره خواهد نشاند.
- ۶ هم‌اکنون در میان دشمنانم
که احاطه‌ام کرده‌اند،
سر برمی افرازم،
و قربانی شادمانی را
در سراپرده او خواهم گذرانید.
(برای خدا، می خواهم سرودی بخوانم:)
- ب
- ۷ خداوندا، گوش فرا ده، نزد تو فریاد بر می آورم!
رحم کن، جوابم ده!
- ۸ قلبم سخن تو را به یاد می آورد

«در برابرم خاموش مباش»

مزمور ۲۸

- ۱ ای خداوند، صخره من، ترا می خوانم؛
در برابرم خاموش مباش.
زیرا اگر تو خاموش بمانی،
من نیز به قبر فرو خواهم رفت.
- ۲ وقتی نزد تو فریاد برمی آورم،
آنگاه که دستهایم را به سوی قدس الاقداس برمی افرازم،
آواز دعای مرا بشنو!
- ۳ مرا از پی شریران مبر،
و نه نزد جنایتکاران،
که با همسایگان سخن از صلح می گویند،
اما دلهایشان پر از شرارت است،
- ۴ (به حسب اعمال زشت و بدی هایشان
با آنان رفتار نما؛
موافق کردارشان به آنان عوض ده
و آنچنانکه شایسته اند با ایشان عمل کن.
- ۵ آنها اعمال خداوند را نمی شناسند
و همچنین مصنوع دست وی را!
باشد که خدا آنها را به زیر افکند
و هیچگاه برنخیزاند!
- ۶ متبارک باد خداوند
زیرا آواز تضرع مرا می شنود!

که گفتی: «روی مرا بطلبید.»

- ۹ خداوندا، روی ترا می طلبم،
روی خود را از من مپوشان.
بنده خود را با خشم مران،
این تویی که یاور من هستی.
- رهایم مساز، ترکم مکن،
ای که نجات من هستی!
اگر پدر و مادر مرا ترك کنند،
تو مرا پذیرا خواهی شد.
- ۱۱ ای خداوند، طریق هایت را بر من آشکار ساز،
مرا به راه راست هدایت کن.
- ۱۲ مرا به میل دشمنانم وامگذار،
زیرا شاهدان دروغین و دمنندگان ظلم،
علیه من برخاسته اند.
- ۱۳ آری، ایمان دارم که در زمین زندگان،
نیکویی خداوند را خواهم دید.
- ۱۴ بر خدا امید دار، قوی و شجاع باش.
به خداوند امیدوار باش.
- ای مسیح، کلمه خدا، تو نور حقیقی و نجات دهنده جهانی: با تواز که بترسیم؟ ای
عیسی، مسیح و خداوند، تو بر شریر پیروزی. پدر ترا ترک نکرده، در تو ما از که
بترسیم؟ ای عیسی، پسر محبوب، تویی آن صخره حقیقی، تویی راه مطمئن: با تکیه
بر تو، از که بترسیم؟

- ۷ خداوند قوت و سپر من است،
دل من به او توکل دارد.
او مرا نصرت داد و قلبم بسیار شادی می کند،
با نغمه های شادی، سپاس او را می سرایم.
- ۸ «خداوند قوت و سپر قوم خویش است،
پناهگاه و نجات مسیح او.
قوم خود را نجات ده و میراث خود متبارک فرما،
شبان او باش و همواره ایشان را بر پا دار.»

ای خداوند، تو که با هر کس طبق اعمالش رفتار می نمایی، تو صدای پسر خود را شنیدی و در صبح رستاخیز، بار دیگر بدن او را شکوفا نمودی. در برابر دعای کلیسای خود، سکوت منما، بر او آرامش ببخش تا برای عمل دست های تو، ترا سپاس گویند.

مزمور ۲۹

«ندای یهوه»

- ۱ ای فرزندان خدا، خداوند را توصیف کنید،
جلال و قوت خداوند را ذکر کنید.
- ۲ جلال نام خداوند را وصف نمایید.
خداوند را، در زینت قدوسیتش بپرستید.
- ۳ آواز خداوند برفراز آبهاست،
خدا در جلال خویش می غرّد؛
خداوند برفراز آبهای بی کران جای دارد.

- ۴ آواز خداوند پر قوت است،
آواز خداوند پر جلال است،
- ۵ آواز خداوند، سروهای آزاد را درهم می شکند.
خداوند، سروهای لبنان را خرد می کند.
- ۶ او لبنان را چونان کره اسب،
و سریون را همچون بچه گاو وحشی، می جهانند.
- ۷ آواز خداوند زیانه های آتش را می شکافد؛
۸ آواز خداوند بیابان را به جنبش می آورد.
خداوند، صحرای «قادش» را می لرزاند.
- ۹ آواز خداوند غزالها را به درد زه دچار می کند
و جنگل را عریان می سازد.

- در معبد او، همگان فریاد می زنند: جلال!
۱۰ خداوند بر طوفان جلوس دارد؛
خداوند جلوس نموده، تا به ابد پادشاه است.
- ۱۱ خداوند قوم خود را قوت خواهد بخشید،
خداوند قومش را در صلح و آرامش برکت خواهد داد.

ای خدایی که تمامی جلال و قوت از آن توست، تو آواز خود را از بالای سر عیسی ناصری به گوش رساندی، تا ما در او پسریگانه ات را دریابیم؛ پسریگانه تو که در قدوسیت خیره کننده است. بار دیگر بر آبهای تعمید مسلط شو، آنجا که فرزندان خدا متولد می شوند، آنانی که در کلام تو روشنایی را یافته اند: باشد که آنها قوم برکت یافته ای شوند که در آن، تمامی محبت خویش را قرار دهی.

مزمور ۳۰

«تو مرا شفا دادی»

- ۲ خداوندا، تو را ستایش می‌کنم زیرا مرا سرافراز می‌کنی و به تمسخر دشمنانم وا نمی‌گذاری.
- ۳ خداوندا، وقتی نزد تو فریاد بر آوردم، تو مرا شفا دادی، ای خدای من.
- ۴ خداوندا، جانم از هاویه بیرون کشیدی و آنگاه که به قبر فرو می‌رفتم، زندگی دوباره‌ام بخشیدی.
- ۵ برای خداوند سرود بسرایید، آنانیکه به عهد او وفا دارید، نام مقدسش را سپاس گوید.
- ۶ خشم او لحظه‌ای ست، اما نیکی او سراسر زندگی. شب هنگام، اشکها سرازیر می‌شوند، اما صبحگاهان فریاد شادی بلند می‌شود.
- ۷ من در کامروایی خود گفتم: «هرگز لغزش نخواهم خورد!»
- ۸ به لطف تو، در اوج قدرت استوار می‌شوم. تو روی خود را از من پوشاندی و من پریشان شدم.

- ۹ به سوی تو فریاد می‌زدم، ای خداوند، تمتای رحم از خدایم می‌کردم: از خون من ترا چه حاصل است؟
- ۱۰ و چه سود، اگر به قبر فرو روم! آیا خاک می‌تواند شکر ترا گوید؟

- می‌تواند ستایش تو گوید و وفاداریت را هویدا کند؟
- ۱۱ خدایا بشنو و بر من رحم فرما! برای یاریم بشتاب!»
- ۱۲ ماتم مرا به پایکوبی بدل ساخته ای و جامه عزایم را به لباس جشن.
- ۱۳ باشد که قلبم برای تو به ترم در آید و به خاموشی نگراید. خداوندا، ای خدای من، پیوسته ترا شکرگزارم.

تو را سپاس می‌گوییم ای مالک مرگ و زندگی، زیرا تو پسر خود را در قبر ترک نمودی، بلکه اراده نمودی که بعد از شب رنج، در سپیده روز عید گذر با فریاد شادمانی وجد نماید. زمانی که اشکها بر ما می‌رسند و توری خود را از ما پنهان می‌سازی، بگذار نزد تو فریاد بر آوریم و اعلام کنیم که وفاداری تو ما را برخواهد خیزاند.

مزمور ۳۱

«به دستهای تو روح خود را می‌سپارم»

الف

- ۲ ای خداوند به تو پناه می‌برم، مگذار تا به ابد شرمنده شوم. در عدالت خویش مرا نجات ده؛
- ۳ به من گوش گیر، شتاب کن!

- ۱۲ مرا تمسخر می کنند دشمنان و همسایگانم
و باعث خوف نزدیکانم شده ام.
چون مرا بر سر راهی ببینند، از من می گریزند.
- ۱۳ مثل مرده ای از یاد رفته ام،
مطرود و متروک شده ام.
۱۴ تهمت مردم را می شنوم،
به هر سو هراس و وحشت است.
بر ضد من جمع شده اند
و برای نابود کردنم توطئه می کنند.
- ۱۵ و اما، اعتماد من بر توست، ای خداوند،
می گویم: «تو خدای من هستی؛
۱۶ جان من در دست توست،
مرا از دست دشمنان کینه جو برهان.»
- ۱۷ نور رخسارت را بر بنده خود تابان ساز؛
مرا با محبت خود نجات ده.
۱۸ ای خداوند، مگذار شرمنده شوم
حال که تو را می خوانم.
- ۱۹ (باشد که شریبان شرمنده شوند
و در سکوت دوزخ فرو روند!
لبهای دروغگوییشان بسته شود،
زیرا بر عادلان،
با غرور و گستاخی و تحقیر سخن می رانند.

- برایم صخره ای باش قدرتمند،
خانه ای استوار، که مرا رهایی بخشد.
۴ صخره و قلعه من تو هستی،
برای جلال نام خود، مرا هدایت و رهبری می نمایی.
- ۵ از دامی که برایم گسترده اند، مرا می رهانی.
آری، قوت من تو هستی.
۶ روح خود را به دست تو می سپارم.
ای خداوند، تو مرا فدیة داده ای،
ای خدای حقیقی.
- ۷ از شیفتگان خدایان دروغین نفرت دارم،
اعتماد من بر خداوند است.
۸ محبت تو، مرا شادمانه به وجد می آورد!
- تو حقارت مرا دیده و آلام روحم را شناخته ای.
۹ مرا اسیر دست دشمن نساخته ای
و پیش رویم، راهی فراخ گشوده ای.
- ب
- ۱۰ ای خداوند، بر من رحمت فرما
زیرا در تنگی هستم.
چشم من از غصه بی نور شده،
و سینه و درونم کاهیده،
- ۱۱ زندگانیم به اشک و روزگارم به ناله تباه شده،
گناه، قوتم را از من گرفته
و استخوانهایم فرسوده شده است.

ج
 ۲۰ ای خداوند، نیکویی تو چه عظیم است!
 آن را برای ترسندگان خود نگه داشته‌ای
 و همه آنهایی را که به تو پناه می‌آورند،
 در پیش روی جهان، از نیکی لبریز می‌نمایی.

۲۱ ایشان را در پنهان‌های رویت می‌پوشانی
 و از فتنه‌های مردم دور می‌داری.
 تو آنان را زیر سقفی مطمئن،
 دور از نیش زبانها جای می‌دهی.

۲۲ متبارك باد خداوند!
 محبت او برای من کارهای شگرف انجام داد،
 در شهری که محاصره شده بود.

۲۳ اما من در پریشانی خود می‌گفتم:
 «از نظر تو دور مانده‌ام.»
 با این همه، آنگاه که
 نزد تو فریاد بر می‌آوردم، دعای مرا می‌شنیدی.

۲۴ ای مؤمنان خداوند، او را دوست بدارید:
 خداوند، ایشان را نگاه می‌دارد،
 اما متکبران را سخت مجازات می‌کند.

۲۵ قوی و دلیر باشید!
 ای کسانی که بر خداوند امید دارید.

ای خدا، تو که در تنگی انسان، پیش رویش راهی می‌گشایی، و برای ایمانداران

حقیر شده خود، مکانی مطمئن فراهم می‌آوری، روزگار کلیسا را در دستهای خود
 بگیر و به امیدواران خود شهادت عطا کن. اگر آنان با مسیح در رنج هستند، عطا
 کن که بتوانند همراه با او، تو را برای تمامی شگفتی‌های محبت متبارك خوانند.

مزمور ۳۲

«تو گناه مرا از میان برداشتی»

۱ خوشابه حال کسی که خطایش بخشیده شد
 و از گناهانش تبرئه گردید.

۲ خوشابه حال آن که خداوند جرمی به حسابش نیاورد
 و روحش عاری از مکر و فریب باشد.

۳ از ناله‌هایم در سراسر روز،
 جانم ضعیف می‌گشت و خاموش می‌شدم.

۴ دست تو، شب و روز
 بر من سنگینی می‌کرد.
 جانم همچون بوته خشکی در فصل گرما
 کاهیده شده بود.

۵ گناهم را نزد تو اعتراف کردم
 و خطای خود را پنهان ننمودم؛
 گفتم: «گناهم را نزد خداوند اقرار خواهم کرد.»
 و تو، مرا از آلودگی گناهم پاک نمودی.

۶ همچنین هر آن کس که در وقت اجابت،
 نزد تو دعا خواهد کرد.

اگر آنها نیز، همچون سیلی روان شوند،
 نمی‌توانند او را دربرگیرند.

۷ تو برای من پناهگاه هستی و مرا از تنگی حفظ می‌کنی.
 تو با نغمه‌های رهایی، مرا در بر گرفته‌ای.

- ۸ می خواهم ترا تعلیم دهم
و راهی را که باید در آن سلوک کنی،
به تو بنمایانم.
پندت دهم و از تو مراقبت کنم.
۹ همچون اسب یا قاطر میباش،
آنها حکمت دهنه و افسار را نمی دانند
و چون برای رام کردنشان پیش روی، باز می دارند.
- ۱۰ شریب آلام بیشماری خواهد داشت،
اما محبت خداوند،
کسانی را که بر او توکل کنند، دربر خواهد گرفت.
- ۱۱ در خداوند شادمان باشید!
ای عادلان، به وجد آیید!
ای راستدلان، شادی بسیار نمایید!

ای پدر ما را محافظت نما، ما را پند ده، آنگاه که وسوسه به ما نزدیک می شود. تو که اجازه دادی خطاهای ما بر پسر بی گناه تو، سنگینی کند، تو که می خواهی گناهان ما را همواره برداری، راهی به سوی خود بر ما آشکار نما، و گرداگرد ما را از سرود آزادی پر ساز.

مزمور ۳۳

«خوشا به حال قومی که یهوه خدای ایشان است»

- ۱ ای عادلان، برای خداوند آواز شادی سر دهید!
زیرا ستودن، تنها درستکاران را می شاید.
- ۲ با نوای ریاب خداوند را سپاس گوئید،
به آوای چنگ برایش بنوازید.
- ۳ سرودی تازه برای او بسرایید؛
هنرمندانه او را بستایید.

- ۴ آری، سخن خداوند راست است؛
او در همه کارهایش با وفاست.
- ۵ عدالت و درستکاری را دوست می دارد،
جهان سرشار از محبت اوست.
- ۶ از کلام خداوند، آسمانها،
و از نفخه دهانش جهان پدیدار شد.
- ۷ آب دریاها را در يك جا جمع می کند
و گردابها را ذخیره می سازد.
- ۸ باشد که ترس خداوند زمین را فراگیرد
و همه ساکنان جهان در مقابلش بلرزند!
- ۹ چون هرچه به کلام آرد، به وجود می پیوندد
و هرچه امر کند، پدیدار می شود.
- ۱۰ خداوند مشورت امتهای را باطل می کند،
او تدابیر ملتها را نابود می سازد.
- ۱۱ اما اراده خداوند جاودانی است،
و تدابیر قلب او، نسل بعد نسل.
- ۱۲ خوشابه حال امتی که خداوند، خدای ایشان باشد،
خوشابه حال آن امت که خداوند میراث خویش را به ایشان بخشید.
- ۱۳ خداوند از فراز آسمان می نگرند،
او فرزندان آدم را يك به يك می بیند.
- ۱۴ از جایگاه سکونت خویش،
بر تمامی ساکنان جهان نظر می افکند.
- ۱۵ اوست که کالبد هریک از ایشان رامی شناسد
و اوست که از همه اعمال ایشان را درک می نماید.

۱۶ پیروزی پادشاه در لشگریانش نیست
و نه پیروزی جنگاور در قوت بسیار او!
۱۷ پیروزی با اسبان، رؤیایی بیش نیست
و قوت فراوان نمی آورد!

۱۸ خدا ترسندگانش را حمایت می کند،
و همچنین آنانی را که به محبت او امید بسته اند.
۱۹ آنها را از مرگ نجات می دهد
و در روز قحطی آنها را زنده نگاه می دارد.

۲۰ ما در انتظار خداوند هستیم،
او حامی و سپر ماست،
۲۱ شادی قلب ما از اوست
و اعتماد ما، در نام قدوسش.
۲۲ ای خداوند، رحمت تو بر ما باد
همانگونه که امید ما بر توست!

ای خدایی که زمین را دوست می داری، تو را سپاس می گویم: توسط مسیح، کلام
زنده تو، هر آنچه را بخواهی به وجود می آوری و توسط او، پسر محبوبت، با ما
پیمان بسته ای. تو که در قلب و اعمالمان نفوذ می کنی، ما را از مرگ برهان؛ تو که
قومی برای خویش برگزیده ای، آن را در محبتت نگاه دار.

مزمور ۳۴

«بچشید و ببینید خدا نیکوست!»

۲ پیوسته خداوند را متبارک خواهیم خواند،
سپاس او همواره بر لبانم جاری خواهد بود.
۳ جان من در خداوند فخر خواهد کرد،
تا فروتنان شنیده، شادی نمایند!

۴ با من به ستایش خداوند برخیزید،
نام او را با یکدیگر جلال دهیم.
۵ خدا را می طلبیم و او مرا جواب می دهد
واز تمامی ترسهایم می رهاند.

۶ هر که به او بنگرد، نورانی می شود
و سایه شرم بر چهره اش نمی افتد.
۷ مسکینی فریاد زد؛ خدا می شنود
و او را از تمامی نگرانی هایش نجات می بخشد.

۸ فرشته خداوند، گرداگرد ترسندگان او
خیمه زده ایشان را می رهاند.
۹ بچشید و ببینید خداوند چه نیکوست:
خوشا به حال کسی که در او پناه یابد!

۱۰ ای مقدسین از خداوند بترسید،
زیرا ترسندگان او کمبودی ندارند.
۱۱ توانگران بینوا شده گرسنگی می کشند،
اما برای طالبان خدا از ثمرات نیکو هیچ کم نیست.

۱۲ فرزندانم، بیایید و به من گوش فرا دهید
تا ترس از خداوند را به شما بیاموزم.
۱۳ چه کسی زندگی را دوست دارد؟
و در آرزوی دیدن روزهای شادی است؟

۱۴ زبان خود را از بدی،
و لبهای خود را از سخنان فریبنده نگاهدار؛
۱۵ از بدی دوری جوو نیکی کن.
صلح را طلب کن و در پی آن باش.

۱۶ خداوند چشمانش را بر عادلان دوخته
به ناله ایشان گوش می‌دهد.
۱۷ خدا با شریران مقابله می‌کند
تا یاد آنها از زمین محو شود.

۱۸ خداوند به استغاثه کنندگان گوش فرا می‌دهد
و آنها را از تمامی نگرانی‌هایشان می‌رهاند.
۱۹ خداوند به شکسته دلان نزدیک است
و روح درماندگان را نجات خواهد داد.

۲۰ رنجهای مرد عادل بسیارند،
اما خداوند، هربار او را می‌رهاند.
۲۱ هر استخوان او را حفظ می‌کند
که حتی یکی از آنها شکسته نخواهد شد.

۲۲ شریب را، شرارت ناپود خواهد کرد
و دشمن مرد عادل، جزا خواهد دید.
۲۳ خداوند بندگان خود را فدیة خواهد داد،
آن کس که پناهِش اوست، مجازات نخواهد شد.

ای خدای زنده، ما زندگی را دوست می‌داریم و تشنه خوشبختی هستیم. آیا همیشه در شمار ثروتمندانی خواهیم بود که در پی آرامشند بی آنکه بدان برسند؟ و ناتوان از انجام نیکی و دوری از زشتی هستند؟ بگذار در تن مسیح فقیر و درمانده، پناه یابیم. آنگاه در ناله او، فریاد ما را نیز خواهی شنید و در «قربانی مقدس» او، سپاس و ستایش ما را.

مزمور ۳۵

«به دفاع از من برخیز»

الف

- ۱ ای خداوند، تهمت زندگانم را متهم نما،
به حمله کنندگانم، یورش بر؛
۲ سپر و سلاح برگیر
و به دفاع از من برخیز.
- ۳ نیزه و شمشیر را برافراز
و راه را بر تعقیب کنندگانم ببند.
سخنی بگو، ترا می‌خوانم، بگو:
«من نجات تو هستم!»
- ۴ (حقارت و رسوایی باد بر آنهايي،
که قصد جانم را دارند.
باشد که سرافکنده باز گردند!
آنان که برای خوار کردنم توطئه می‌کنند،
- ۵ باشد که مانند کاه در باد شوند
و فرشته خداوند آنها را بروید!
۶ راهشان تاریک و لغزان شود
و فرشته خداوند تعقیبشان کند!
- ۷ بی سبب دام گذارده‌اند،
بی سبب برای نابودیم چاه کنده‌اند.
۸ باشد که مصیبتی ناگهانی به آنها رسد،
در دامی بیفتند که خود پهن کرده‌اند
و در این مصیبت، از پای در آیند!

- ۹ ولی جان من در خداوند به وجد می آید و آنگاه که مرا نجات دهد، شادمان خواهم شد.
- ۱۰ با تمامی وجود خواهم گفت: « کیست مانند تو، ای خداوند، که مسکین را از دست قدرتمند برهاند و فقیر و درمانده را از چنگ غارتگران نجات دهد؟ »
- ب
- ۱۱ شاهدان دروغین برخاسته اند، از آنچه نمی دانم، باز خواستم می کنند،
- ۱۲ به عوض نیکی به من بدی می رسانند. اکنون تنها مانده ام.
- ۱۳ هنگامی که بیمار بودند، جامه خشن به تن می کردم جان خود را به روزه می رنجانیدم و از ته دل دعا می خواندم.
- ۱۴ انگار که دوست یا برادر من باشند، می رفتم، می آمدم. چنان گرفته و غمگین بودم که انگار در عزای مادرم نشسته ام.
- ۱۵ اما چون بیفتم، جمع می شوند و می خندند، آری، این فرومایگان به ضد من مهمه می کنند، دیگر مرا نمی شناسند و هیاهوکنان مرا پاره پاره می کنند؛ این ریاکاران مرا زخم می زنند و دشنام می دهند و بر علیه من، دندانهایشان را برهم می ساینند.

- ج
- ۱۷ ای خداوند، چگونه تحمل می کنی؟ جانم را از این مصیبت خلاصی ده و مرا از دست این وحوش برهان.
- ۱۸ تو را در جماعت بزرگ سپاس خواهم گفت و به همراه قومی بیشمار ستایش ترا خواهم خواند.
- ۱۹ تا آنانی که به ناحق از من بیزارند، دیگر مرا تمسخر نکنند، و آنها که بی سبب از من نفرت دارند، کنایه هایشان را بس کنند.
- ۲۰ (آنها هرگز سخن از صلح نمی آورند و برای مردمان بی آزار دام می اندازند.
- ۲۱ با دهان باز، علیه من می گویند: « آری چنین است، ما به چشم خویش دیدیم! »
- ۲۲ خداوندا، تو اینها را دیده ای، پس سکوت خود را بشکن. ای خداوند از من دور مباش!
- ۲۳ خداوندا، ای خدای من، برای دفاع از حق من، بیدار شو و قیام کن!
- ۲۴ (خداوندا، ای خدای من، به حسب عدالت خود مرا داد بده، تا دیگر بر من نخندند!
- ۲۵ تا در دل خود نگویند: « به مراد خود رسیده ایم! » تا دیگر نگویند: « او را بلعیده ایم! »

۲۶ تا آنهایی که در بدبختی من شادی می کردند،
همگی خجل و شرمندۀ شوند!
تا آنانی که بر من غالب آمده اند،
خجالت و رسوایی نصیبشان شود!

۲۷ تا آنانی که برایم طلب عدالت می کردند،
ترنم و شادی نمایند!

آنها همیشه خواهند گفت: «خداوند که برای خدمتگزارش
آرامش و صلح می خواهد، پیروز خواهد شد.»

۲۸ بدین سان زبانم عدالت تو را بیان خواهد کرد
و تمامی روز ستایش تو را خواهد خواند.

ای خدایی که خیر و صلاح فرزندان خویش را می خواهی، چگونه می توانی پایمال
شدن ضعیفان و سوء استفاده از فقیران را ببینی و همچنان خاموش باشی؟ برای
دفاع از حق آنها برخیز، همانگونه که برای نجات مسیح خود برخاستی. آنگاه شادی
قوم خود خواهی بود که هر روزه سپاس و ستایش ترا خواهد سرایید.

مزمور ۳۶

«در نور تو، نور را خواهیم دید»

۲ در اعماق قلب شریب،

گناه است که سخن می گوید

و ترس خدا را،

از جلوی چشمانش دور نگه می دارد.

۳ او خویشتن را با فخر می نگرد

تا گناهانش را نشناسد و از آنها بیزار نشود.

۴ در دهان او جز تزویر و ریا نیست

و از حکمت و نیکوکاری دست کشیده است.

۵ در بستر خود آرمیده، جنایتی را اندیشه می کند.
در راهی که نیکو نیست اصرار می ورزد،
نه، او بدی را ترك نخواهد کرد.

۶ خداوندا، آسمانها لبریز از محبت تو هستند
و حقیقت تو، تا به عرش کهکشانهاست.

۷ عدالت تو همچون افراشته ترین کوهها
و احکام تو، لجه عظیم.

تو، یاور انسان و حیوان هستی؛

۸ محبت تو ای خداوند، چه گرانبهاست!

۹ ای خدا، بدین سان فرزندان آدم در سایه بالهای تو پناه می گیرند،
از ضیافت خانه تو سرمست می شوند،

و از نهرهای گوارای خود سیرابشان می کنی؛

۱۰ چون سرچشمه زندگی در توست.

نور را، در پرتو نور تو می بینیم.

۱۱ محبت خویش را برای آنانی که ترا شناخته اند،

و عدالت خود را برای همه راستدلان نگاهدار!

۱۲ مبادا پای متکبران بر من بر آید،

و دست شریبان مرا به نابودی افکند!

۱۳ اینجاست که بدکاران می افتند؛

افکنده می شوند و دیگر توان به پاخواستن نمی یابند.

ای خدا، یگانه سرچشمه زندگی، ای نوری که نور را می نمایانی، گناهکاران را از
نابینایی شان بیرون آر تا محبت و حقیقت تو را بشناسند. به تمامی انسانهای نجات
یافته توسط مسیح، مکانی در ضیافت خانه خود، ارزانی دار.

مزمور ۳۷

«بردباران وارث زمین خواهند شد!»

الف

- ۱ از دیدن شریران خشمگین مشو،
بر متقلبان بی انصاف حسد مبر؛
- ۲ چون به مانند گیاه به زودی رنگ می‌بازند
و مثل سبزه کشتزارها پژمرده خواهند شد.
- ۳ به خداوند توکل نما و نیکویی کن،
در زمین مسکن گزین تا در امان بمانی.
- ۴ در خدا شادمان باش
و او آرزوهای دلت را برآورده می‌سازد.
- ۵ طریق خود را به سوی خداوند بگردان،
بر وی توکل کن، و او آن را به انجام خواهد رساند.
- ۶ عدالت تو را همچون روز،
و انصافت را چون آفتاب نیمروز پدیدار خواهد ساخت.
- ۷ در خداوند بی‌آرام
و به او اعتماد کن.
در برابر آن که حيله گریست و موفق می‌شود،
خویشتن را مشوش مساز.
- ۸ غضب را کنار بگذار، خشم را ترك كن!
برافروخته مشو، زیرا بدی روی خواهد نمود.
- ۹ شریران از ریشه کنده خواهند شد،
اما امیدواران به خداوند، وارث زمین خواهند گشت.

- ۱۰ در اندك زمانی، شریر نابود خواهد شد؛
تو مکانش را جستجو می‌کنی ولی او دیگر نخواهد بود.
- ۱۱ بردباران وارث زمین خواهند شد
و در آرامشی بی پایان شادی خواهند نمود.
- ب
- ۱۲ شریر بر مرد عادل توطئه می‌کند
و دندانهای خود را به هم می‌ساید.
- ۱۳ خداوند به او می‌خندد،
زیرا می‌بیند که روزش سر خواهد رسید.
- ۱۴ شریر شمشیر را برهنه کرده و کمان را کشیده است
تا مسکین و ناتوان را از پا در آورد؛
- ۱۵ ولی شمشیرش در دل خود او فرو خواهد رفت
و کمانش درهم خواهد شکست.
- ۱۶ برای مرد عادل، دارایی کم،
بهتر است تا توانگری شریران.
- ۱۷ زیرا بازوی شریر شکسته خواهد شد،
اما خداوند مددکار عادلان است.
- ۱۸ خداوند روزهای کاملان طریق را می‌شناسد
و میراث جاودانه از آن او خواهد بود.
- ۱۹ در روزگار سختی شرمنده نخواهد شد
و در زمان قحطی گرسنه نخواهد ماند.
- ۲۰ آری، شریران از بین خواهند رفت؛ آنها که دشمن خداوند هستند.
چون خرمی سبزه زاران، فانی‌اند و همچون دود محو خواهند شد.

- ج
- ۳۰ لبهای عادل حکمت را زمزمه می کند
و دهانش انصاف را اعلام می نماید.
- ۳۱ شریعت خدایش در قلب اوست،
او می رود و از لغزش گامهایش نمی ترسد.
- ۳۲ شیران در کمین عادلند
و قصد قتل وی را دارند.
- ۳۳ اما خداوند او را رها نمی کند
و به حکم حاکمان او نمی گذارد.
- ۳۴ به خداوند امیدوار باش
و راه او را نگاه دار
تا ترا به وراثت زمین برافزاید؛
آنگاه نابودی شیران را خواهی دید.
- ۳۵ شیر را قدرتمند دیدم،
مثل گیاه خودرو ریشه کرده بود،
اما گذشت و اینک دیگر نیست.
- ۳۶ او را جستجو کردم ولی نیافتنی بود.
- ۳۷ عادل را بنگر و مرد کامل را ببین،
نسل صلح جویان برپا خواهد ماند
- ۳۸ اما خطاکاران، همگی از میان خواهند رفت
و نسل شیر نابود خواهد شد.
- ۳۹ خداوند نجات عادلان است،
در زمان سختی پناه آنهاست.

- ۲۱ شریر قرض می گیرد و بر نمی گرداند،
مرد عادل رحیم است و می بخشد.
- ۲۲ برکت یافتگان از خدا، وارث زمین خواهند شد
و آنانی که ملعون وی اند، ریشه کن خواهند گشت.
- ۲۳ آنگاه که خداوند گامهای انسان را رهبری می نماید،
قدمهایش استوار و مورد پسند اوست.
- ۲۴ اگر بلغزد، از پا نمی افتد،
زیرا خداوند دستش را می گیرد.
- ۲۵ از زمان جوانی تا روز پیری،
هرگز ندیدم که درستکار در مانده بماند
و فرزندان او گدایی نان کنند.
- ۲۶ هر روز او به رحم می آید و وام می دهد؛
و نسلش مبارک خواهد شد.
- ۲۷ از بدی دور شو و نیکی کن،
تا منزلی جاودانه بیابی.
- ۲۸ زیرا خدا انصاف را دوست می دارد
و دوستان خود را رها نمی کند.
- ۲۹ آنها را همیشه حفظ خواهد کرد
در حالی که نسل شریر ریشه کن خواهد شد.
درستکاران وارث زمین خواهند بود
و در آنجا برای همیشه مأوا خواهند گرفت.

۴۰ خدا آنان را یاری می‌کند و از بند شریب می‌رهاند،
زیرا پناهشان را در خدا می‌جویند.

ای خداوند عیسی، که گفتی: «خوشا به حال فروتنان! خوشابه حال صلح‌کنندگان! [که] آنها وارث زمین خواهند بود،» ما را نگاه دار تا بر شریبان و ثروت آنها حسادت نورزیم، بلکه اطمینان بر پدر آسمانی مان را، به ما ببخش. آیا او نمی‌تواند تمامی آرزوهای کسانی را که بیش از هر چیز، جوینده ملکوت او هستند برآورده سازد؟

مزمور ۳۸

«هیچگاه مرا ترک مکن»

الف

- ۲ خداوندا، در خشمت مرا توییح مکن
و در حال غضب مرا تأدیب مفرما.
۳ تیرهای تو در من فرو رفته‌اند
و دست تو بر من فرود آمده است.
۴ از خشم تو جان سالم به در نخواهم برد.
از وقتی خطا کرده‌ام، استخوانهایم سالم نمانده‌اند.
۵ گناهانم مرا در خود فرو برده‌اند،
بار سنگینشان از پایم افکنده،
۶ زخم‌هایم پوسیده و متعفن شده‌اند؛
این است سزای حماقت من.
۷ ناتوان و رنجور و خمیده شده‌ام
و تمامی روز، در تاریکی خود را می‌کشانم.
۸ تب و درد به مغز استخوانم رسیده
و در جسم من عضو سالمی نمانده است.

ب

- ۹ خسته، کوفته و شکسته شده‌ام
و قلب من به فغان آمده است.
۱۰ ای خداوند، همه فریادم به درگاه توست،
هیچ يك از ناله‌هایم از تو پوشیده نیست.
۱۱ قلبم می‌طپد،
قوتم و حتی نور چشمانم از دست می‌رود.
۱۲ دوستان و همراهانم از اندوه من خود را کنار می‌کشند
و نزدیکانم مرا از سرشان باز می‌کنند.
۱۳ آنها که قصد جانم را دارند، درپی من هستند
و مردمانی که بدبختی مرا می‌جویند.
ایشان سخنان فتنه‌انگیز می‌گویند
و تمام روز، در دلشان حيله می‌اندیشند.
ج
۱۴ اما من به مانند گران هیچ نمی‌شنوم
و مثل گنگان، دهانم را باز نمی‌کنم.
۱۵ به کسی می‌مانم که هیچ نمی‌شنود
و جوابی در دهان ندارد.
۱۶ امید من به توست، ای خداوند،
جوابگو تویی ای خداوند، ای خدای من.
۱۷ گفتم: «مبادا پیروز شوند
اینانی که بر من پوزخند می‌زنند آنگاه که ضعیف هستم!»

- ۱۸ نزدیک است که بیفتم!
اندوهم همواره مقابل دیدگانم است.
- ۱۹ همواره گناهم را اعتراف می‌کنم
واز خطای خود وحشت دارم.
- ۲۰ دشمنان من قوی و زورمندند
و آنها که بر من دشمنی می‌ورزند بسیار.
- ۲۱ به عوض خوبی، به من بدی روا می‌دارند
و وقتی در پی نیکی هستم، مرا متهم می‌نمایند.
- ۲۲ خداوندا، هیچگاه مرا ترك مکن،
خدای من، از من دور مشو؛
- ۲۳ به کمک من بشتاب،
رهاننده من تویی، ای خداوند.
- ای خدایی که تمامی ندهای ما را درک می‌کنی، دور مباش؛ ما را جواب ده! تو مسیح را در نهایت درماندگی جسمانی اش ترک نکردی تا به خاطر محبت استهزاء شود. حال بگذار فرزندان که از سنگینی خطاهایشان خمیده شده اند به کمک و بخشش تو امیدوار باشند.

مزمور ۳۹

«انسان نفسی بیش نیست»

الف

- ۲ گفتم: «طریق خود را نگاه خواهم داشت
تا به زبان خود خطا نورزم.
تا زمانی که شریر در حضور من است،
برلبانم مَهرسکوت می‌زنم.»

- ۳ من لال شدم و ساکت ماندم؛
اما بی فایده بود
و تشویشم پایانی نداشت.
- ۴ قلبم در سینه می‌سوخت،
هرچه می‌اندیشیدم، بیشتر می‌گداختم.
- ۵ آنگاه زبان به سخن گشودم:
ای خداوند، فرجامم را بر من آشکار ساز،
از روزهایم چقدر مانده؟
بگو تا بدانم که چقدر ناتوان هستم.
- ۶ ببین چه عمر کوتاهی به من داده‌ای،
روزهایم در نظر تو لحظه‌ای بیش نیست.
پا برجایی انسان مثل باد در گذر است،
همچون سایه‌ای، می‌آید و می‌رود.
- ۷ هیاهویش، دمی بیش نیست.
او ذخیره می‌کند و نمی‌داند چه کسی برداشت خواهد کرد.
- ب
- ۸ حال ای خداوند، در انتظار چه باشم؟
امید من بر توست.
- ۹ مرا از همه گناهانم پاک ساز،
مرا از آسیب بی‌فهمان دور بدار.
- ۱۰ در سکوت می‌مانم و دیگر دهان باز نمی‌کنم،
زیرا تو دست به کار هستی.
- ۱۱ بلای خود را از من دور ساز،
زیرا از ضربه دست تو تلف می‌شوم.

۱۲ با مجازات گناهان، انسان را تأدیب می‌کنی،
 تو همچون موریانه، طمع و رزان را از بین می‌بری.
 انسان نفسی بیش نیست.
 ۱۳ ای خداوند، به دعای من گوش فرا ده،

فریادم را بشنو، در برابر اشکهایم خاموش مباش،
 زیرا نزد تو مهمان هستم؛
 رهگذری چون همه پدراتم.
 ۱۴ نظر خشم خود را از من بگردان تا نفسی تازه کنم،
 پیش از آنکه بروم و دیگر نباشم.

ای خدایی که همیشه دست به کار هستی، حتی اگر به نظر آید که بدی پیروز شده
 است، در برابر ناله‌های کلیسای خود خاموش مباش. مسیح را سرمشق تعالیم آن
 قرار ده، او که در حضور محکوم کنندگانش دهان خود را نگوید، زیرا امید خود را
 بر تو بسته بود.

مزمور ۴۰

«اینک می‌آیم»

۲ با امیدی فراوان در انتظار خداوند بودم.
 او به سوی من مایل شد تا فریادم را بشنود.

۳ مرا از گرداب هلاکت،
 و از میان گل و لای بیرون کشید؛
 پاهایم را بر صخره نهاد
 و قدمهایم را استوار نمود.

۴ در دهانم سرودی تازه گذارد، ستایشی برای خدای ما.
 بسیاری چون این را ببینند،
 ترسان شده به خداوند ایمان خواهند آورد.

۵ خوشباه حال کسی که
 به خداوند ایمان دارد
 و به سوی متکبران
 و دروغگویان نمی‌رود.

۶ خداوندا، ای خدای من،
 چه کارهای عظیمی برای ما انجام داده‌ای؛
 چه تدبیرها، چه چیزهای شگفت‌انگیز!
 به راستی که همتا نداری.
 می‌خواهم اعمال تو را بازگو کنم و اعلام نمایم،
 ولی شمار آنها بسیار زیاد است.

۷ تو قربانی و هدیه نخواستی،
 تو گوش مرا باز کردی؛
 تو محتاج قربانی سوختنی و قربانی گناهانمان نبودی.
 ۸ پس گفتم: «اینک می‌آیم.»

۹ در طومار کتاب برای من نوشته شده،
 اراده ترا باید به انجام رسانم.
 ای خدای من،
 شریعت ترا دوست دارم،
 شریعت توست
 که در اعماق قلبم به آن رغبت دارم.

۱۰ در جماعت بزرگ
 عدالت را اعلام می‌کنم.
 بنگر، لبهایم خاموش نمی‌مانند؛
 خداوندا، تو آگاهی.

۱۱ عدالت ترا در اعماق قلبم پنهان نکردم،
نجات و وفاداری تو را بازگو نمودم،
محبت و حقیقت تو را در جماعت بزرگ اعلام نمودم.

۱۲ تو ای خداوند، رحمت خود را از من دور مساز.
باشد که محبت و حقیقت تو
همواره نگهدار من باشد!

۱۳ زیرا تیره بختی‌ها مرا در بر گرفته‌اند
آنگونه که قادر به شمردن آنها نیستم.
گناهانم مرا مبتلا نموده
و من خیره مانده‌ام.
آنها بیشتر از موهای سرم شده،
دیگر مایوس گشته‌ام.

۱۴ خداوندا، رحمت فرما و مرا نجات ده.
ای خداوند به یاری من بشتاب!
۱۵ (آنانی که قصد جان مرا دارند،
شرمگین و رسوا شوند!

آنانی که در آرزوی بدبختی من هستند،
شرمنده باز گردند.

۱۶ آنانی که به من می‌گویند: «چه خوب شد!»
مبهوت شده، در ننگ و پستی لگدمال شوند.

۱۷ اما ای خداوند،
شادی و وجد طالبانت در توست؛
آنانی که همواره می‌گویند «خداوند پیروز است!»

۱۸ من فقیر و بیچاره‌ام،
اما خداوند به یاد من است.
تو یاور و نجات دهنده من هستی،
ای خدای من، درنگ مکن!

خدای فقیران و مسکینان، تو را سپاس می‌گوییم زیرا قربانی دیگری به جز قربانی
عیسی نخواستی، او که به میان ما آمد تا اراده ترا به انجام رساند. تو او را از ورطه
موت بیرون کشیدی و در دهانش آواز رستاخیز را گذاردی که در جمع ایمانداران
شنیده می‌شود. بگذار که همچو عیسی فرمان‌های تو را دوست بداریم، آن کاری
که برای او انجام دادی برای ما نیز انجام ده و ما محبت و حقیقت ترا اعلام خواهیم
کرد.

مزمور ۴۱

«خواهم دانست که تو مرا دوست داری»

۲ خوشابه حال کسی که در اندیشه فقیر و ناتوان است!
خداوند او را در روز تنگی نجات خواهد داد
۳ و زنده و خوشبخت، روی زمین نگاه می‌دارد.
از روی ترحم، او را تسلیم دشمنانش نخواهد کرد.
۴ خداوند او را در رنجش تسلا می‌دهد
و او را کاملاً از بستر بیماری بر می‌خیزاند.

۵ گفته بودم: «بر من رحم نما، ای خدا،

مرا ببخش، زیرا به حضور تو گناه کرده‌ام!»

۶ دشمنانم از من به بدی یاد می‌کنند؛

می‌گویند: «کی خواهد مرد تا نام او محو شود؟»

۷ اگر کسی به دیدنم آید، یاوه می‌گوید،

قلبش پر از افکار پلید است

و چون بیرون رود، بدگویی می‌کند.

۸ دشمنانم بر علیه من،

به گوش یکدیگر نجوا می کنند.

آنان برای هلاک کردم

به بدی مشورت می نمایند:

۹ «مرض خطرناکی او را از بین می برد

و حال که خوابیده است برنخواهد خاست.»

۱۰ حتی آن صمیمی ترین دوست که به او اعتماد داشتم

و نان و نمک را می خورد، مرا لگدمال می کند.

۱۱ اما تو ای خداوند بر من رحم کن؛

مرا برخیزان تا سزایشان را بدهم.

۱۲ آنگاه خواهم دانست که به من محبت داشته ای.

دشمنانم دیگر آواز پیروزی سر نخواهند داد.

۱۳ تو مرا در عدالت استوار می سازی

و برای همیشه در حضور خود پایدار نگاه می داری.

۱۴ خداوند، خدای اسرائیل،

از ازل تا به ابد متبارک باد.

آمین، آمین!

ای خداوند عیسی، تو که بیماران را شفا دادی و گناهکاران را بخشیدی، تو که گفتی «خوشابه حال رحم کنندگان زیرا بر آنها رحم کرده خواهد شد»، به ما تعلیم ده تا به فقرا ببندیشیم و از آنانی که رنج می برند چون تو مراقبت کنیم و تو نیز، در روز داوری، بر ما رحم کرده ما را نجات ده.

مزمور ۴۲

«جان من تشنه خداست»

۲ همچون آهویی تشنه از پی آب روان،

جان من نیز برای تو، ای خدای من،

مشتاق است.

۳ جان من تشنه خداست،

تشنه خدای زنده،

تا کی توانم

و رویش را ببینم.

۴ شب و روز جز اشکهایم

مرا نانی نیست؛

و من که هر روز می شنوم:

«خدای تو کجاست؟»

۵ می خواهم به یاد آورم، آن زمان را

که جانم در اطمینان ساکن می بود؛

و آن زمان را که بزرگان قوم را به سوی خانه خدا،

با آواز شادمانی و تسبیح،

در میان جماعت عید گزاران

رهبری می نمودم.

۶ ای جان من، چرا افسرده ای؟

و در خود می نالی؟

بر خدا امید دار.

دیگر بار شکر خواهم کرد؛

او نجات من و خدای من است.

۷ اگر جانم افسرده شود،
به تو می‌اندیشم،
از زمین اردن و خرمون، از کوه مصعار.

۸ لجه بر لجه در هیاهوی آبشارها،
بانگ برمی‌آورند؛
سیل امواج و خروش گرداب‌های تو،
از سرم گذشته است.

۹ ای کاش خداوند گاه روز،
فیض خود را ارزانی دارد
و شب، سرودش بر لبم،
و نیایش، با خدای حیاتم باشد.

۱۰ به خداوند، به صخره خود خواهم گفت:
«چرا مرا فراموش کرده‌ای؟
چرا درمانده از ظلم دشمن،
ماتم زده بروم؟»

۱۱ سرزنش بدخواهانم،
استخوانهای مرا خرد کرده است.
همه روز به من می‌گویند:
«خدای تو کجاست؟»

۱۲ ای جان من چرا افسرده‌ای!
برای چه می‌نالی؟ بر خدا امید دار.
بار دیگر شکرخواهم کرد.
او نجات من و خدای منست.

ای خدای زنده که حیات من هستی، در عیسی، آب زنده‌ای به من بخشیدی که
برطرف کننده هر تشنگی است. توسط آب تعمید مرا از اعماق موت به اوج زندگی
رساندی. چرا بر روی این سرزمین تبعید، آنجا که جان من در جستجوی توست، مرا
فراموش می‌کنی؟ بگذار روی تو نجات من شود آنگاه که دنیا می‌پرسد «خدای تو
کجاست؟» بعد از نان سختی‌ها و رنج‌ها، نان قربانی مقدس خود را به من ارزانی
دار و مرا به سوی خانه خویش هدایت کن.

مزمور ۴۳

«تا مسکن تو!»

۱ ای خدای من، مرا داد بده،
از حقم در برابر مردمان ستم پیشه دفاع کن،
از حيله گران و بدکاران
مرا رهایی ده.

۲ خدایا، تو قوت من هستی،
چرا مرا دور انداختی؟
چرا درمانده از ظلم دشمن،
ماتم زده بروم؟

۳ نور و راستی خود را بفرست
تا گامهایم را هدایت کند
و مرا به کوه مقدس،
تا جایگاه تو، رهنمون شوند.

۴ تا قربانگاه خداوند پیش خواهم رفت،
به سوی خدایی که همه شادمانی منست.
با نوای چنگ ترا سپاس خواهم گفت،
خدایا، ای خدای من.

۵ ای جان من چرا افسرده‌ای؟
برای چه می‌نالی؟ بر خدا امید دار.
دیگر بار شکر خواهم گفت.
او نجات من و خدای من است.

ای خدایی که تمامی شادی من هستی، آیا تویی که مرا رد می‌کنی آنگاه که دشمن
مرا تعقیب می‌کند؟ بگذار در پیش گامهای من نور مسیح بدرخشد، حقیقت او مرا
سوی خانه‌ای که آماده کرده هدایت کند، یعنی تا قربانگاه جلالش، آنجا که غم و
اندوه، به شکرگزاری مبتلا می‌شود.

مزمور ۴۴

«ما را دور مینداز»

الف

۲ خدایا، ما شنیده‌ایم
و پدرانمان به ما گفته‌اند
که چه کارها در زمان آنها،
در روزگاران گذشته، به دست خود انجام داده‌ای.
۳ برای قرار یافتن ایشان،
امتها را مطرود کردی؛
برای وسعت دادنشان،
قوم‌ها مغضوب تو شدند.
۴ شمشیرشان نبود که سرزمین‌ها را تسخیر کرد،
قدرت بازوانشان نبود که پیروزشان نمود،
دست راست و بازوی تو و نور رویت این را نمود؛
زیرا آنها را دوست می‌داشتی.

۵ تو پادشاه من و خدای من هستی،
پیروزی‌های یعقوب خواست تو بود.
۶ دشمنانمان را به قدرت تو شکست می‌دادیم،
مهاجمان خود را، به نام تو پایمال می‌کردیم.
۷ برای پیروزی، نه به کمانم اطمینان می‌کردم
و نه به شمشیر.
۸ تو بودی که ما را بر دشمنانمان پیروز کردی،
تو مخالفان ما را شرمنده ساختی.
۹ در هر وقت سپاس تو بر زبانمان بود
و پیوسته شکرگزار نام تو بودیم.

ب

۱۰ اینک ما را رها کرده و رسوا ساخته‌ای
و با لشگرهای ما به میدان نمی‌آیی.
۱۱ تو ما را از مقابل دشمن گریزان می‌سازی
و آنها شادمانه به غارت می‌پردازند.
۱۲ تو ما را چون گوسفندی که برای ذبح برند، رها می‌کنی
و در میان امتهای پراکنده مان می‌سازی.
۱۳ قوم خود را به بهای اندک می‌فروشی
و در این معامله، سودی نمی‌بری.
۱۴ ما را مسخره همسایگانمان کردی،
مایه خنده و استهزاء اطرافیان خود شده‌ایم.
۱۵ ما را در میان امتهای ضرب‌المثل ساخته‌ای
و بیگانگان سرهایشان را تکان می‌دهند.

- ۱۶ رسوایی من، همواره پیش رویم است؛
شرمساری چهره‌ام را می‌پوشاند.
۱۷ جلوی چشم انتقام گیرندگان،
زیر باران فحش و ناسزا رفته‌ام.

ج

- ۱۸ تمامی اینها واقع شد،
ولی تو را فراموش نکردیم
و به عهدت خیانت نورزیدیم.
۱۹ قلب ما از تو برنگشت
و قدمهای ما، طریق تو را رها نکردند.
۲۰ تو ما را به میان شغالان راندی
و ما را به سایه موت پوشاندی.

- ۲۱ اگر نام خدایمان را فراموش کرده بودیم،
اگر دست‌هایمان را سوی خدایی غریب افراشته بودیم،
۲۲ آیا از نظر خدا دور مانده بود،
او که اسرار قلوب را می‌شناسد؟
۲۳ برای توست که ما را مدام می‌گُشنند
و با ما چون گوسفند ذبحی رفتار می‌کنند.

- ۲۴ بیدار شو ای خداوند!
چرا به خواب رفته‌ای؟
برخیز و ما را برای همیشه دور مینداز.
۲۵ چرا روی خود را برمی‌گردانی؟
بدبختی و فلاکت ما را فراموش می‌کنی؟

- ۲۶ حال آنکه به خاک افتاده‌ایم
و سینه‌مان به خاک ساییده است.
۲۷ برخیز و به یاری ما بشتاب،
به خاطر محبت خود، ما را فدیة بده.

ای خدایی که اجازه دادی مسیح توهمانند بره‌ای ذبح شده در استهزاء و ناسزا بمیرد،
تو که او را پیروزی بخشیدی همانگونه که قوم برگزیده خود را در دوران پیشین
پیروز نمودی. پس آنگاه که کلیسای ترا مسخره می‌کنند چرا سکوت می‌کنی؟ بیدار
شو، برخیز، به نام محبت خود ما را فدیة ده تا تو را سپاس گوئیم!

مزمور ۴۵

«خدای تو، ترا مسح کرده است»

الف

- ۲ در اندرون دلم، کلامی مبارک در جوشش است.
آنگاه که در مدح پادشاه می‌سرایم،
زبانم به قلم نویسنده‌ای چیره دست می‌ماند.
۳ تو زیبایی، زیباتر از همه آدمیان،
و فیض بر لبان تو جاری است.
آری، خدا تو را تا به ابد متبارک گردانیده است.

- ۴ ای دلاور، شمشیر شرافت و نجات را بردار،
۵ برای دفاع از عدالت و مروّت و حقیقت،
با افتخار به آوردگاه برو!

- ۶ دست راست تو همگان را به حیرت وا می‌دارد،
تیرهایت می‌شکافند،
از ضرب دست تو، امت‌ها سرنگون می‌شوند
و دشمنان پادشاه، شهامتشان را می‌بازند.

۷ تخت تو، ملکوتی و جاودان است؛
عصای فرمانروایی تو، عصای راستی است.
۸ تو عدالت را دوست می‌داری و از شرارت بی‌زاری.

آری، خدا، خدای تو، تو را مسح کرده،
هیچکس به مانند تو در شادمانی تدهین نشده،
۹ جامه‌ات به مرّ و عود معطر شده است.

از قصر عاج، نوای ساز مجذوبیت می‌کند،
۱۰ دختران پادشاه، بهترین یارانت هستند.
به دست راست تو، شهبانویی پوشیده به طلای اُفیر ایستاده است.

ب

۱۱ ای دختر، بنگر و گوش فرا ده،
قوم خود و خانه پدرت را فراموش کن!
۱۲ آنگاه، پادشاه شیفته جمال تو خواهد شد.
او خداوند توست، در مقابل او تعظیم نما!
۱۳ آنگاه ای دختر صور، توانگران قوم
با تحفه‌ها، تو را مسرور خواهند کرد.
۱۴ دختر پادشاه آنجاست،

با شکوه و جلال، آراسته به جامه‌های زریفت؛
۱۵ دوشیزگاه همراهِش می‌کنند
۱۶ و در میان آواز شادمانی، به قصر پادشاه وارد می‌شود.

۱۷ به جای پدران تو، فرزندان بر خواهند خاست
و تو آنها را شاهزادگان زمین خواهی کرد.
۱۸ من نام تو را نسل بعد نسل زنده نگاه خواهم داشت.
تا اُمّتها تو را همواره و تا به ابد سپاس گویند.

ای عیسی خداوند، مسیح خدا و شاه شاهان، سرشار از فیض و حقیقت، با گرفتن
انسانیت ما بر خویش، با طبیعت انسانی ما ازدواج نمودی، تا با زیبایی الوهیت، آن
را زینت بخشی و آن را تا کاخ آسمانی هدایت کنی؛ بگذار که همانند مریم
-شمایل کلیسا- ما نیز به سخن تو گوش فرا دهیم و با از یاد بردن خانه پدریمان،
شادی کنان به ضیافت عروسی جاودانه برویم.

مزمور ۴۶

«خدا با ماست»

۲ خدا پناه و قوت ماست؛
مددکاری که در سختی‌ها همواره به یاری می‌آید.
۳ اگر زمین بلرزد،
اگر کوهها در اعماق دریاها فرو ریزند،
۴ آبها بخروشد و به جوش آیند،
و کوهها از طوفان بلرزند، ما نمی‌هراسیم.

خدای تمامی جهان به همراه ماست،
خدای یعقوب، قلعه بلند ماست.

۵ نه‌ری است که شاخه‌هایش، شهر خدا،
جایگاه مقدس حضرت اعلی را خرمی می‌بخشد.
۶ خدا آنجاست، پس جنبش نخواهد خورد.
با طلوع دوباره صبح، خدا او را یاری می‌کند.
۷ آنگاه که بانگ بر می‌آورد، زمین دهان می‌گشاید،
امتها نعره می‌زنند و مملکت‌ها ویران می‌شوند.

۸ خداوند جهان با ماست،
خدای یعقوب،
قلعه بلند ماست.

- ۹ بیایید و کارهای خداوند را نظاره کنید،
اوست که ویرانی‌های جهان را پدید می‌آورد.
۱۰ او جنگ را تا اقصای جهان از میان برمی‌دارد،
کمان را می‌شکند، نیزه را خرد می‌کند و ارابه‌ها را می‌سوزاند:
۱۱ «باز ایستید! و بدانید من خدا هستم
و بر ملت‌ها و بر جهان حکمفرما.»
- ۱۲ خداوند جهان با ماست،
خدای یعقوب،
قلعه بلند ماست.

ای خدای گیتی، تویی که همیشه با ما هستی، تویی که به کلیسای خویش قول دادی که استوار باقی خواهد ماند؛ باشد که تنها قدرت تو و نهر محبتی که از قلب مسیح جاری شد آن را حفظ کند! آنگاه ما از قدرتمندان این جهان نخواهیم ترسید: تو، برای ما، جنگ را از همه جا ریشه کن خواهی نمود.

مزمور ۴۷

«خدا برتر از همه است»

- ۲ ای تمامی امتها دست بزنید،
خدا را شادمانه سپاس گوید!
۳ زیرا خداوند، بلندمرتبه و مهیب است
و پادشاه عظیم بر تمامی جهان.
- ۴ اوست که ملتها را به اطاعت وا می‌دارد،
قوم‌ها را زیر پای ما می‌افکند.
۵ برای ما میراثی برگزید،
جلال بنده محبوبش، یعقوب.

- ۶ خدا در میان هلله
و هیاهوی کرتا، بر می‌شود.
۷ بنوازید! برای خدای ما بنوازید،
بسرایید برای پادشاه ما بسرایید.
- ۸ او، پادشاه تمامی زمین است؛
به آواز بلند این را اعلام نمایید!
۹ خدا بر بت پرستان سلطنت می‌کند،
خدا بر عرش مقدسش نشسته است.
- ۱۰ سروران قوم‌ها گرد هم آمدند؛
اینست قوم خدای ابراهیم!
پادشاهی زمین از آن خداست
که از همه برتر است.

ای عیسی خداوند، پادشاه گیتی، صعود کرده در جلال بالاتر از هر چیز، تو بر آن تخت پادشاهی که پدر برای تو آماده ساخته بود، نشستی. تو از سوی او بر امتها و بر سروران و شاهزادگان نشان قدرت یافتی. تمامی اقوام جهان را در قوم برگزیده خدا گرد آور، تا با تو و در تو، تمامی زمین، پدر تو و پدر ما را بستایند.

مزمور ۴۸

«در شهر خدای ما»

- ۲ در شهر خدای ما،
خداوند بزرگ و پر جلال است.
۳ کوه مقدس، سر بر افراشته و زیبا،
شادی تمامی زمین است.

کوه صهیون، قلب جهان
و شهر پادشاه بزرگ است.
۴ خدا در میان قصرهایش،
چون دژی راستین ایستاده است.

۵ آری، پادشاهان گرد آمده بودند
و با هم پیش می‌رفتند.
۶ آنها دیدند و به ناگاه مات و مبهوت،
با وحشت بسیار گریختند.

۷ لرزه بر ایشان افتاد،
همچون لرزش زنی که می‌زاید.
۸ باد شرقی از صحرا می‌وزید
که کشتی‌های ترشیش را شکست.

۹ ما آنچه شنیده بودیم، در شهر خدای خود،
در شهر خداوند جهان، دیدیم.
شهری که خدا آن را تا به ابد استوار خواهد ساخت!

۱۰ ای خدا، ما در محبت تو،
در میان معبد تو، زندگی دوباره می‌یابیم.
۱۱ ستایش تو به مانند نام تو،
اقصای جهان را فرامی‌گیرد.

دست راست تو پُر از عدالت است.
۱۲ کوه صهیون شادی می‌کند؛
شهرهای یهودا، در مقابل داوریهای تو
به وجد می‌آیند.

۱۳ صهیون را طواف کنید، به آن نظر اندازید،
برج‌هایش را بشمارید؛
۱۴ به حصارهایش دل بسپارید
و قصرهایش را نظاره کنید.

برای نسلهای آینده بگویید:
۱۵ «این خدا، خدای ماست،
پیوسته و برای همیشه،
اوست که ما را رهبری می‌کند.»

ای خدا، راهنمای همیشگی ما، تو در تن پسر رستاخیز کرده خود، معبد ساخته نشده
به دست انسان و صهیون جدید را که کلیسا است به ما بخشیدی. باشد که این شهر
ساخته شده از سنگهای زنده، قطب روحانی دنیا شود و کوهی که قدرتمندان در
آنجا شکست بخورند؛ خانه ای که فرزندان در آن خوشبخت باشند تا محبت تو را
زنده کنند و عظمت تو را به تمامی زمین اعلام نمایند.

مزمور ۴۹

«دولتمند رادوامی نیست»

الف

۲ ای تمامی قومها این را بشنوید،
ای ساکنان زمین،
۳ ای شهیران، ای گمنامان،
ای ثروتمندان و ای فقیران، همه با هم گوش فرا دهید!

۴ دهانم به حکمت سخن می‌راند،
قلبم، مالا مال از مشورت حکیمان است.
۵ به مثل‌ها گوش فرا می‌دهم
و معمای خویش را به بریط می‌گشایم.

- ۶ چرا در روزهای بدبختی،
از شرارت شریرانی که به دورم حلقه زده‌اند،
از آنانی که بر ثروتشان تکیه می‌کنند
و یا از آنها که به مکنت خود می‌بالند،
هراسان شوم؟
- ۸ هیچکس را قدرت فدیه دادن دیگری نیست
و نه قدرت ادای دین او به خدا،
۹ زیرا فدیه جان ایشان گرانبهاست
که هرگز نمی‌توان باز پس داد.
- ۱۰ آیا می‌توان همیشه زندگی کرد
و قبر را ندید؟
۱۱ اکنون بنگرید، حکیمان نیز می‌میرند
آن‌گونه که دیوانه و نادان از بین می‌روند
و ثروتشان را به دیگران وا می‌گذارند.
- ۱۲ قبرها برایشان خانه‌های ابدیست،
این مسکن همیشگی آنهاست؛
و آنان بر املاکشان، نام خود را نهاده بودند!
- ۱۳ دولتمند با دولتتش، دوامی ندارد؛
به چهارپایی می‌ماند که برای ذبح می‌برند.
- ب
- ۱۴ این عاقبت نادانان است
و آنانی که به تقلید ایشان برخیزند.
۱۵ گله‌ای هستند جمع شده در هاویه،
که موت ایشان را می‌چرانند.

- سحرگهان،
تصویرشان در هاویه محو می‌شود!
و برای آنها مکان دیگری نیست،
۱۶ اما خدا زندگی مرا از چنگ موت فدیه خواهد داد،
آری، اوست که مرا باز خواهد خرید.
- ۱۷ از کسی که ثروتی به دست می‌آورد
و جلال خانه اش افزون می‌شود، نترس!
۱۸ زیرا چون بمیرد چیزی از آن نخواهد برد
و جلالش همراه او نخواهد رفت.
- ۱۹ در حیات خود، خویشان را مبارک می‌خواند:
«چون بر خود احسان کنی، مردم ترا می‌ستایند!»
۲۰ اما به خاندان پدران خود، خواهد پیوست
که دیگر نور را هرگز نخواهد دید.
- ۲۱ دولتمندی که هوشیار نباشد
همچون حیوانی است که برای ذبح می‌برند.
- ای خداوند عیسی، فرمودی: «وای به حال شما، ای ثروتمندان! شما تسلی خود را
یافته‌اید! خوشابه حال شما فقیران! ملکوت آسمان از آن شماست!» به ما بیاموز از
آنهایی که به ثروت خود تکیه می‌کنند، نترسیم، بلکه به آن کسی که با زندگی خود
فدیه برادرانش را پرداخت، توکل نماییم.

مزمور ۵۰

«به خدا قربانی شکرگزاری تقدیم کن»

الف

- ۱ خدای خدایان، خداوند سخن می گوید
و تمامی زمین را، از شرق تا غرب، فرامی خواند.
- ۲ از صهیون که کمال زیبایی است،
خدا جلالتش را آشکار می کند.
- ۳ خدای ما می آید
و سکوت خود را می شکند.

- پیشاپیش او آتشی است که می بلعد؛
و طوفان شدید گردآگردش می غرد.
او آسمانها و زمین را فرامی خواند،
تا قوم خود را داوری کند.

- ۵ «مقدسان مرا نزد من آورید،
آنانی که عهد مرا با قربانی خود استوار نمودند.»
- ۶ آسمانها عدالت او را اخبار می نمایند:
«آری، خدا خود داور است.»

ب

- ۷ «ای قوم من گوش فرا دهید، سخن می گویم؛
ای قوم برگزیده، شاهد من باش.
من خدا هستم، خدای تو!
(تو را انکار نموده، بازخواست خواهم کرد.)

- ۸ «ترا به خاطر قربانی هایت محکوم نمی کنم؛
قربانی های سوختنی تو همواره در نظر منست.

- ۹ نه گوساله ای از خانه تو
و نه بزى از آغلت خواهم گرفت؛
- ۱۰ «زیرا که تمام حیوانات جنگل از آن منست،
همچنین بهایمی که بر بالای کوهها می چرند.
تمام پرندگان آسمان را می شناسم،
حیوانات صحرا نیز از آن من هستند.
- ۱۱
- ۱۲ «اگر گرسنه شوم ! به تو نمی گویم
چون تمامی جهان و فراوانیش، از آن منست.
از گوشت گاوان بخورم!
خون بزها را بنوشم؟
- ۱۳
- ۱۴ «قربانی شکرگزاری به خدا تقدیم کن،
نذرهای خویش را به حضرت اعلی وفا نما؛
در روز تنگی مرا بخوان،
تو را رهایی خواهم بخشید، و تو مرا جلال خواهی داد.»
- ۱۵
- ج
- ۱۶ اما خدا به شریر می گوید:
«چرا احکام مرا تنها به زبان می آوری
و عهد من بر لبانت جاری است؟
تو که قانون را دوست نداری
و سخنان مرا پشت سر می اندازی.
- ۱۷
- ۱۸ چون دزد را ببینی شریک او می شوی،
در میان زناکاران به جای خود هستی،
دهان خود را به بدی می گشایی
و زیانت دروغ می بافد.
- ۱۹

- ۲۰ در محفل می‌نشینی تا برادرت را بدنام کنی و پسر مادرت را رسوا سازی.
- ۲۱ ببین، اینست کاری که تو می‌کنی؛ پس چگونه ساکت بمانم؟ فکر می‌کنی من هم چون تو هستم؟ [ترا انکار نموده بازخواست خواهم کرد.]
- ۲۲ «بنابراین، شما که خدا را فراموش می‌کنید، از برای خود پناهی جوید، مبادا رسوایتان سازم و یاوری نداشته باشید! کسی که قربانی شکرگزاری تقدیم می‌کند، هم اوست که مرا جلال می‌دهد. در راهی که پیش گیرد، نجات خدا را به او نشان خواهم داد.»

ای خداوند، اگر ما نسبت به پیمان تویی وفا باشیم، از دعاها و قربانی‌هایمان، کاری ساخته نیست. اگر ادعا کنیم ترا خدمت کرده‌ایم بدون اینکه برادران خود را دوست بداریم، تو در روز داوری ما را محکوم خواهی کرد. به ما بیاموز به همراه مسیح که به خاطر دوستی با انسانها مصلوب شده، تنها آن قربانی که تو را جلال می‌بخشد، تقدیم داریم.

مزمور ۵۱

«روح مرا تازه ساز»

- ۳ در محبت خود ای خدای من، بر من رحم کن، با رحمت بی‌پایانت، گناه مرا پاک ساز؛
- ۴ خطاهایم را بشوی، و از گناه، ای خداوند، ظاهرم کن.

- ۵ زیرا، من گناه خود را می‌شناسم و خطایم همواره در برابر من است.
- ۶ به تو و تنها به تو گناه ورزیدم، آنچه در نظر تو بد بود همان را انجام دادم تا بتوانی به سخن آمده عدالت خویش را نشان دهی و داوری نموده، پیروزی خود را آشکار سازی.
- ۷ من پلید به دنیا آمده‌ام، از رحم مادر گناهکار بودم.
- ۸ اما تو، در ژرفای وجودم خواستار حقیقتی و در نهان، حکمت را به من می‌آموزی.
- ۹ مرا با زوفا پاک کن تا پاک شوم، مرا بشوی تا از برف سفیدتر گردم.
- ۱۰ بگذار آواز جشن را بشنوم تا استخوانهایی که تو می‌کوبیدی، پایکوبی کنند.
- ۱۱ از خطاهایم روی خود را برگردان، شرارت را در قلبم محو کن.
- ۱۲ ای خدای من، در من دلی پاک بیافرین، در درونم روحی تازه استوار ساز، مرا از حضور خود دور مکن، روح قدّوست را از من باز مگیر،
- ۱۴ شادی نجاتم را به من بازگردان و بگذار روح بخشنده تو، حامی من باشد.
- ۱۵ راه تو را به گناهکاران خواهم آموخت و گم‌گشته‌گان را سوی تو باز خواهم گرداند.

۱۶ از قصاص خون ریخته مرا آزاد کن، ای خدا، خدای نجات من؛
و زبانم عدالت ترا اعلام خواهد کرد.
۱۷ ای خداوند لبهایم را بگشا،
تا دهانم سپاس ترا بسراید.

۱۸ اگر قربانی تقدیم کنم، تو نمی پذیری،

قربانی سوختنی را نیز رد می کنی.

۱۹ قربانی مقبول خدا،
روح افسرده و قلب شکسته و خُرد شده است.
خداوندا، تو آن را می پذیری.

۲۰ به صهیون خوشبختی ده،
دیوارهای اورشلیم را دیگر بار برافراز.

۲۱ آنگاه قربانی های راستین،
تقدیمی ها و قربانی های سوختنی را خواهی پذیرفت،
آنگاه، گاوهای وحشی را بر قربانگاه تو تقدیم خواهند نمود.

ای خدای مهربان و سرشار از رحمت، تنها با نگریستن بر صلیب، آنجا که پسر تو به خاطر ما خود را گناه ساخت، در حقیقت این رحمت را درک می کنیم که تو فقط دوستدار بخشش هستی، تو تنها خواستار نجات هستی. روح شکسته ما را ببین و قلب لبریز از پشیمانی ما را، و نیز ما را از تمامی خطاهایمان پاک کن، در شادی روح القدس بار دیگر ما را زنده ساز: آنگاه می توانیم عدالت تو را تحسین کنیم و محبت تو را به برادرانمان اعلام نماییم.

مزمور ۵۲

«خداوند با وفاست»

۳ ای انسان گزافه گو!
چرا به بدی فخر می کنی؟
خداوند همواره با وفاست.

۴ با زبانی چون تیغ تیز شده،
جنایت را در دل می پرورانی
ای فریبکار!

۵ تو بدی را بیش از خوبی
و دروغ را بیش از راستی دوست داری.
۶ تو سخنان مهلك را دوست داری
ای زبان خیانتکار!

۷ اینست که خدا، تو را درهم کوبیده،
عاقبت نابود خواهد کرد.
ترا از خیمه ات بیرون آورده،
از زمین زندگان ریشه کن خواهد نمود.

۸ عادلان می بینند و می ترسند
و بر تو خواهند خندید:

۹ «اینک، این مرد را ببین!
که قدرتش را در خدا نگذاشت،
به مکنتش تکیه می کرد
و بر عصیان خود می بالید.»

۱۰ اما من همچون درخت زیتونی سرسبز
در خانه خدا،
فیض و بخشش خداوند را پیش رو دارم؛
برای همیشه و تا به ابد.

۱۱ می خواهم پیوسته ترا شکر گویم،
چون تو این را کرده ای.

برنام تو امید دارم،
زیرا او برای دوستدارانش نیکوست!

ای خداوند عطا کن از آنانی باشم که ترا دوست می دارند نه از آنانی که بدی را می پسندند، از آنانی باشم که بر وفاداری تو تکیه می کنند نه بر دارایی خویش. مگذار آن علف هرزی باشم که برای سوختن آن را خواهی کند بلکه از جمله درختان زیتون همیشه سرسبز خانه تو. به همراه عیسی، پسر تو که قوت خود را در تو نهاد همیشه ترا شکر خواهم کرد و در حضور تمامی برادران خود خواهم گفت که تو چقدر نیکو هستی.

مزمور ۵۳

«آیا آنان ندانسته اند؟!»

۲ نادان در دل می گوید:

«خدایی نیست!»

همه چیز فاسد و ناپسندیده شده،
یک انسان نیکوکار هم نیست.

۳ خداوند، از آسمانها

سوی فرزندان آدم مایل می شود،
تا دانی را بیابد،
و یا کسی که طالب خدا باشد.

۴ ولی همه گمراه گشته اند،

همگی فاسد شده اند؛

هیچ کس نیک نیست،

حتی یک نفر.

۵ آنان که بدی می کنند

آیا نمی دانند؟

همانگونه که نان می خورند،

قوم مرا می خورند!

آنها هرگز خدا را نمی خوانند.

۶ اینک شروع به لرزیدن نموده اند،

و نه فقط لرزیدن،

چون خدا استخوانهای تو را از هم می پاشد.

حال می توانی تمسخرشان کنی چون خدا به دورشان می افکند.

۷ چه کسی نجات اسرائیل را از صهیون پدید می آورد؟

هنگامی که خدا اسیران قومش را باز آورد،

چه شادی و نشاطی برای یعقوب،

و چه وجدی در اسرائیل خواهد بود!

ای خداوند، تو دیگر تحمل نمی کنی که فرزندان را تباه کنند، حتی اگر نیکی در آنها نباشد! در دیوانگی دنیا که ترا انکار می کند، تنها کسی که بدی نکرده، عیسی پسر خود را ببین. به خاطر او که ترا می طلبد قوم خود را رهایی ده و گردهم آور.

مزمور ۵۴

«پناه من در میان همگان!»

۳ ای خدا، در نام خود مرا نجات ده

و به قوت خویش مرا داد بده.

۴ خدایا، دعای مرا بشنو

و به سخنان زبانم گوش گیر.

- ۵ بیگانگان به ضدّ من برخاسته‌اند،
قدرتمندان قصد جانم دارند؛
آنها در اندیشه خدا نیستند.
- ۶ اما بنگرید! خدا به یاری من می‌آید،
خداوند پناه من در میان همگان است.
- ۷ (شرارتِ آنانی را که در کمین من هستند، بر خودشان بیفکن،
در راستی خود، ای خدا، آنان را از بین ببر.)
- ۸ با تمام وجودم، به تو قربانی تقدیم خواهم کرد،
به نام تو شکر خواهم نمود، زیرا که نیکوست.
- ۹ آری، او مرا از تمامی آشفتگی‌ها رها نمود
و من دشمنانم را شکست خورده دیدم.

ای خداوند، قربانی کلیسا را برای شکرگزاری از نیکویی‌ات بپذیر: زمانی که
زورمندان، در پی شکست کلیسا بودند تو دعای پسرت را اجابت کردی. همانطور
که او را نجات بخشیدی، ما را نیز نجات ده.

مزمور ۵۵

«می‌شتابم، تا پناهی بیابم»

الف

- ۲ ای خدای من، دعایم را بشنو،
خواسته مرا رد مکن!
- ۳ مرا اجابت فرما، ترا التماس می‌کنم جوایم ده.
در پریشان حالی خود می‌نالم!
- ۴ از فریاد دشمن، و از تهمت‌های شیران آزرده‌ام.
گناهان را بر دوش من می‌گذارند
و خشمگین، مرا متهم می‌کنند.

- ۵ قلبم در درونم فشرده می‌شود،
ترس موت بر من می‌افتد؛
- ۶ ترس و لرز مرا دربرگرفته،
وحشت بر من چیره می‌شود.
- ۷ می‌گویم: «چه کسی بالهای کبوتر به من خواهد داد
تا به جای امنی پرواز کنم؟
به مکانی دور می‌گریزم
و در بیابان مسکن خواهم گزید.»
- ۹ شتابان در جست و جوی پناهی هستم،
از طوفان تهمت‌ها.
- ۱۰ خداوندا، بر آنها تفرقه بینداز
و زبانهایشان را مغشوش نما!

ب

- خشونت و کشمکش را،
در شهر می‌بینم؛
روز و شب، بر بالای حصارها می‌گردند.
- ۱۲ داخل شهر، جنایت و بدبختی،
خرابی و ویرانی است.
نیرنگ و خشونت،
خیابانهایش را رها نمی‌کند.
- ۱۳ اگر دشمنی به من تهمت می‌زد،
می‌توانستم تاب آورم؛
اگر رقیبی بر من برمی‌خاست،
خود را پنهان می‌کردم.

- ۲۱ خائن دست خویش را بر دوستانش دراز کرده
و عهد خویش را شکسته است؛
- ۲۲ چهره‌اش را دلفریب می‌نماید،
اما قلبش، جنگ را می‌طلبد.
سخن او از عطر مطبوع‌تر،
اما به سان خنجر است.
- ۲۳ «غم و اندوه خود را به خداوند بسپار،
او تو را نگاه می‌دارد.
خدا هیچگاه اجازه نخواهد داد
که درستکار نابود شود.»
- ۲۴ و تو، ای خدا! خونریزان و دورغگویان را
به اعماق قبر پرتاب می‌کنی.
زندگیشان به نیمه نخواهد رسید.
اما من، بر تو توکل خواهم داشت.

ای خدایی که از ازل سلطنت می‌کنی، تو ناله مسیح را که به دست یکی از همراهانش
تسلیم شد، شنیدی. دعای کلیسای خود را که از باد عظیم و طوفان آزار می‌بیند، رد
مکن. مگذار در جنگی که علیه آن می‌شود، سقوط کند. باشد که فقط در تو جایی
مطمئن جستجو کند، آن را رهایی ده و صلح عطا فرما.

مزمور ۵۶ «دیگر از هیچ چیز نخواهم ترسید!»

- ۲ ای خدای من! بر من رحم کن،
مرا جفا می‌رسانند.
پرخاشگران هر روز در پی منند،
۳ تمامی روز حریصانه، در کمین من هستند.
اما حضرت اعلی، با لشکری عظیم برایم می‌جنگد.

- ۱۴ اما تو، انسانی نظیر من بودی،
یار من، جانان جان من بودی.
- ۱۵ یکرنگی مان چه دلپسند بود
آنگاه که همگام یکدیگر،
به خانه خدا می‌رفتیم.
- ۱۶ (موت غافل‌گیرشان کند
و زنده در هاویه فرو روند،
زیرا بدی در منزل آنها جای گرفته
و در میانشان ساکن شده است.)
- ج
۱۷ من به سوی خدا فریاد می‌زنم؛
خداوند مرا نجات خواهد داد.
- ۱۸ شب و صبح و ظهر،
نال می‌کنم و پریشانم!
و خدا، فریاد مرا شنید.
- به من آرامش و سلامت بخشید.
بسیاری دور مرا گرفته بودند،
او مرا از نبرد با آنها رها نمود.

- ۲۰ باشد که خدا بشنود و ذلیلشان کند!
آنانی را که از او نمی‌ترسند.
او که از ازل پادشاه است،
بخشنده‌گی نخواهد داشت.

۴ روزی که بترسم، به تو توکل می‌کنم؛
 ۵ به خدایی که کلامش را می‌ستایم،
 به خدا توکل دارم و دیگر نمی‌ترسم.
 مگر انسان خاکی با من چه می‌تواند بکند؟

۶ همه روزه، سخنانم را به دروغ برمی‌گردانند،
 آنان تنها در اندیشه آزار من هستند.

۷ ایشان جمع شده کمین می‌کنند و بر گامهای من چشم می‌دوزند؛
 گویا قصد جانم را دارند.

۸ (آیا با همه جنایاتشان، نجات خواهند یافت؟

۹ غضب تو ای خدای من، امتهای را درهم کوبد!)
 تویی که گامهای سرگردانم را می‌شماری،
 اشکهایم را در مشک خویش جمع کن.
 (مگر این چیزها در کتاب تو نیست؟)

۱۰ آنگاه که ترا بخوانم، دشمنانم پس خواهند رفت.
 من می‌دانم، خدا با من است.

۱۱ به خدایی که سخنش را ستایش می‌کنم،

به خداوندی که کلامش را می‌ستایم،

۱۲ به خدایی که به او توکل دارم و دیگر از چیزی نمی‌ترسم.
 مگر آدمی با من چه می‌تواند بکند؟

۱۳ ای خدای من، به عهدم وفا خواهم کرد،

قربانی‌های شکرگزاری تقدیم تو خواهم نمود؛

۱۴ زیرا تو مرا از موت رهانیدی

و پاهای مرا از گناه نگاه داشتی؛ تا بتوانم در حضور خدا،
 و در روشنائی زندگان قدم بردارم.

ای خدای متعال، می‌دانیم که تو اشکهای مسیح خود را جمع کردی و در نور رستاخیز،
 او را رهسپار نمودی، از مبارزه ات در راه کلیسای خود دست نمی‌کشی. ما را از
 ترس این دنیا آزاد نما، تا بتوانیم سخن تو را بستاییم و قربانی شکرگزاری را به تو
 تقدیم داریم.

مزمور ۵۷

«جلال تو بر تمامی زمین سلطنت کند»

۲ ای خدای من، بر من رحم فرما! بر من رحم فرما!
 تا آن وقت که بدبختی برجا باشد،
 من در تو پناه می‌جویم؛
 پناهگاهی در زیر سایه بالهای تو.

۳ به سوی خدای متعال فریاد برمی‌آورم،
 به سوی خدا، که همه چیز را برایم به سرانجام می‌رساند.

۴ باشد که از آسمان برای من نجات فرستند:
 (دشنام دهندگان مرا ناسزا گفتند!)

۵ باشد که خدا محبت و حقیقت خود را بفرستد!
 آنگاه می‌توانم در میان شیران،

که چون آتش انسان را می‌بلعند، آرام گیرم.
 آنان به جای زبان، سلاحی برنده،

و به جای دندان، نیزه و تیر دارند.

۶ ای خدا، بر فراز آسمانها برخیز

تا جلالت بر تمامی زمین مسلط شود!

۷ دامی زیر پایهایم گسترند،

نزدیک بود در آن بیفتم.

آنان چاهی پیش پای من کردند،

ولی خود در آن افتادند.

- ۸ قلبم آگاه است ای خدای من،
دلم مهیاست.
می خواهم آواز بخوانم، سرود بسرایم،
۹ ای جلال من برخیز!
ای عود و بربط، بیدار شوید!
تا سپیده را برخیزانم!
- ۱۰ تو را در میان امتهای ستایش خواهم کرد،
در همه جا سرودهای خود را خواهم سرایید.
۱۱ محبت تو عظیم تر از آسمانهاست،
حقیقت تو بالاتر از عرش اعلی.
۱۲ ای خدا، برفراز آسمانها برخیز،
تا جلال تو بر تمامی زمین آشکار شود!

ای خدای متعال که از هیچ کاری برای ما کوتاهی نکردی، در تنگی، پناهگاه ما باش. چه به خاطر محبت و راستی خود برای ما نجات بفرست؛ همراه با عیسی که به آسمان بردی، ما جلال عظیم ترا خواهیم سرایید.

مزمور ۵۸

«شما عدالت را خاموش می سازید!»

- ۲ ای فرزندان آدم،
به راستی آیا، عدالتی که از آن دم می زنید گنگ نیست؟
آیا به انصاف داوری می کنید؟
۳ اما نه! در دلهایتان گناه می پرورانید
و دستهایتان در زمین، ظلم را پیمان می کند.

- ۴ شیران، از آغوش مادر گمراهند،
از لحظه تولد، دروغگو و خطاکار؛
۵ آنها را زهری است، همچون زهر افعی!
آنان گوشه‌های خود را می گیرند، همانند مار،
۶ که نمی خواهد آواز افسونگر را بشنود،
هر چند ماهرترین ساحر باشد.
- ۷ ای خدا، دندانها و آرواره‌هایشان را بشکن،
خداوندا، دندانهای این شیران بیچگان را خرد کن!
۸ باشد که مثل آب جاری فرو ریزند!
خدا تیرهایش را نشانه می رود و نابود می شوند.
۹ به مانند حلزون که گداخته شده، آب می شوند،
مثل گیاه نارس یا موش کور که آفتاب را نمی بیند.
- ۱۰ زودتر از آن که همچون خار و خس نمو کنند،
خشك و تر، آنها را خواهی رفت.
۱۱ خوشایه حال درستکار که انتقام خود را می بیند
و پایهایش را در خون شریب می شوید.

- ۱۲ خواهند گفت: «مرد عادل پیروز شد؛
آری، برای داوری جهان، خدایی هست.»

ای خداوند اگر اجازه دهی خشونت بر راستی غالب آید، چگونه می توانیم ایمان آوریم که تو وجود داری؟ عطا کن که ما ثمرات عدالت را به بار بیاوریم، و مردم خواهند دید که تو تنها خدای روی زمین هستی.

مزمور ۵۹

«از دست قاتلان مرا نجات ده»

- ۲ ای خدای من، مرا از دشمنانم رهایی ده،
مرا از یورش بَرندگان در امان بدار،
- ۳ از شرّ گناهکاران رهایم ساز
و از چنگ قاتلان خونریز نجاتم ده.
- ۴ اینک برای جانم کمین می سازند،
قدرتمندان بر من هجوم می آورند.
- ۵ بدی و گناهی در من نیست ای خداوند،
و نه خطایی از من سر زده،
لیکن آنان با شتاب به ضدّم مهیا می شوند.
- ۶ برخیز! به نزد من بیا و بنگر،
تو، ای خدای لشکریان، خدای اسرائیل،
(برخیز و تمامی این بت پرستان را مجازات کن،
بر این خائنین بدکردار ترحم منما.
- ۷ شامگاهان باز می گردند،
همچون سگان می غرّند
و به دور شهر هرزه گردی می کنند.
- ۸ آنها را ببین! دهانشان کف برآورده،
و بر لبهایشان شمشیر: «کیست که بشنود؟»
- ۹ تو ای خداوند، آنها را تمسخر می کنی؛
تو بر تمامی این بت پرستان می خندی.

- ۱۰ ای قوت من، نزد تو بیدار می مانم،
آری، خدا قلعه من است.
- ۱۱ خدای امین به نزد من می آید،
خدا، حقارت دشمنانم را پیش رویم آشکار می سازد.
- ۱۲ به یکباره از میانشان مبر
تا در خاطر قوم ها بماند
که قدرت تو، آنان را به زمین کوفت
و نابودشان ساخت.
- ۱۳ تا دهان می گشایند، گناه می ورزند.
باشد که در تکبر خویش گرفتار آیند
زیرا دروغ و کفر گویی را از بر هستند.
- ۱۴ در غضب خود نابودشان ساز،
نابودشان ساز تا دیگر نباشند.
آنگاه همگان خواهند دانست که خدا،
بر یعقوب و بر اقصای زمین حکمفرماست.
- ۱۵ شامگاهان باز می گردند،
همچون سگان می غرّند
و به دور شهر هرزه گردی می کنند.
- ۱۶ به صید شکار می روند
و شبانگاه، گرسنه زوزه می کشند.
- ۱۷ اما من، قدرت تو را خواهم سراپید،
سپیده دمان محبت تو را خواهم ستود.
تو قلعه من بوده ای، پناه روز تنگی من.

۱۸ ای قوت من، برایت سرود خواهم خواند:
آری خدا قلعه من است،
او محبوب من است.

ای خدای محبوبم، صخره من و سپر من، تو پناه عیسی ناصری بودی، آنگاه که هیچ کس نمی توانست او را به گناه محکوم کند. بار دیگر به یاری کلیسای خود که طعمه نفرت جهان شده، بشتاب. در شب آزمایش کلیسا، مگذار کارهای تو را فراموش کند. عطا کن وقتی در آن صبح رستاخیز برمی خیزد، بتواند قدرت ترا بستاید.

مزمور ۶۰

«در آزمایش، ما را یاری ده»

۳ ای خدا، تو ما را طرد کرده و از هم گسیخته ای،
تو خشمگین بودی، اینک به سوی ما بازگرد!
۴ زمین را لرزان ساختی، شکاف دادی،
شکافهایش را ببند و گرنه فرو می ریزد.

۵ مشقت ها را پیش روی قومت گذاشتی،
باده سرگردانی را به ما نوشانده ای؛
۶ به مومنانت نشانه ای دادی،
که از تیرکمانداران، جان به در برند.

۷ باشد که محبوبان تو رهایی یابند.
آنان را به دست راست خود نجات ده، ما را اجابت فرما!
۸ خدا در قدس الاقداس خود سخن گفت:
«پیروزی از آن من است، من شکیم را تقسیم می کنم!
و وادی سگوت را می پیمایم.

۹ «جِلعاد و مَنَسی از آن من است،
اَفْرَایم کلاه خُود من است
و یهودا، عصای سلطنت من!

۱۰ «موآب پیاله پاکیزگی من است؛
نعلین خود را بر آدوم خواهم انداخت.
ای فلسطین، پیروزی مرا فریاد کن.»

۱۱ چه کسی مرا به شهر استوار رهبری خواهد کرد؟
چه کسی مرا تا به آدوم راه می نمایاند؛
۱۲ چه کسی جز تو ای خدا، تویی که ما را طرد می نمایی،
که دیگر با لشگریان ما بیرون نمی آیی؟

۱۳ ما را یآوری کن در برابر ستمگران.
نجاتی که آدمی دهد محکوم به فناست.
۱۴ به همراه خدا دلیری خواهیم داشت،
و او، حریفان ما را درهم خواهد کوبید.

ای خدایی که با سپردن پرچم صلیب به ایمانداران خود، بر موت و هابویه پیروز می شوی، قوم محبوب خویش را ترک منما، دیگر او را آزمایش مکن، بلکه توسط مسیح به او آزادی و نجات ببخش.

مزمور ۶۱

«تو پناه من هستی»

۲ ای خدا ناله هایم را بشنو،
دعای مرا پذیرا باش؛
۳ از دور دستها تو را می خوانم آنگاه که قلبم لبریز از غم است.
مرا به صخره ای بس بلند رهنمون خواهی شد.

۴ زیرا تو پناه من بوده‌ای
و دژی در برابر دشمنم.

۵ می‌خواهم تا ابد در خیمه تو مأوی گیرم
و زیر سایه بالهای تو پناهی یابم.

۶ خدای من، این تویی که آرزوی مرا بر آورده می‌کنی،
که با سخاوت هستی، برای ترسندگان نامت.

۷ بر عمر پادشاه بیفزا

تا سالهایش، قرنهایش شوند!

۸ تا در حضور خدا، همیشه سلطنت کند!

رحمت و راستی را حامی او قرار ده!

۹ آنگاه پیوسته نام تو را ستایش خواهم کرد
و نذر خود را هر روزه ادا خواهم نمود.

ای خدای من، آیا تویی که از من دور می‌شوی؟ یا من هستم که بیش از حد از تو دور
می‌شوم؟ الآن در این جا همانند یک تبعیدی به سر می‌برم و تنها پناه من، تو هستی!
بگذار که محبت و حقیقت مسیح، مرا به نزد تو هدایت نماید، آنگاه ناله‌ام به
سرود، سپاس و ستایش نام تو بدل خواهد شد.

مزمور ۶۲

«تنها در خدا آرامش دارم»

۲ تنها در خدا آرام می‌گیرم،

نجات من در اوست.

۳ او، صخره من و نجات من است!

او قلعه استوار من است.

۴ تا به کی بر یک مرد، همگی هجوم می‌برید،
تا همچو دیواری کج،
یا حصاری فرو ریخته،
با خاک یکسانش سازید؟

۵ تنها به آن می‌اندیشند که آبرویش را بریزند.
از دروغ گفتن لذت می‌برند؛
با زیان‌شان برکت می‌دهند
و در دلشان لعنت می‌کنند.

۶ تنها در خدا آرام می‌گیریم،

آری، امید من در اوست،

۷ او صخره من و نجات من است،
او قلعه استوار من است.

۸ نجات و جلال من در خداست،

خدایی که پناه من در اوست

و صخره پایدار من.

۹ شما ای مردم،

همواره بر او اعتماد کنید،

قلب خود را در حضور او بگشایید،

خدا برای ما پناهگاه است.

۱۰ آدمیان، دمی بیش نیستند؛

و دروغی بیش نی؛

متشخصین، سراپا دروغند؛

همگی آنها در کفه ترازو،

به یک باد هوا نمی‌ارزند.

۱۱ بر نیرنگ توکل مکنید،
در منفعت حریص نباشید،
اگر ثروتی جمع کردید، بر آن دل مبنیدید.

۱۲ خدا يك چیز گفته است

دو چیز است که من شنیده‌ام:
اول آنکه قدرت از آن خداست؛

۱۳ خداوندا، رحمت نیز از آن توست!
و آن دیگر، اینکه تو هرکس را موافق اعمالش پاداش می دهی.

ای عیسی، ای خدا، ای صخره من! در تو، آرامش من؛ از تو، نجات من؛ نزد تو، پناهگاه و جلال من؛ قدرت از آن توست؛ در تو، امید من؛ و تو تمامی فیض من هستی.

مزمور ۶۳

« از سپیده دمان ترامی جویم »

۲ ای خدا، تو خدای من هستی،
از سپیده دم تو را می جویم،
در زمین خشک و تشنه و بی آب.
جان من تشنه توست

و جسمم نیز با ناله ترا می خواهد.
۳ آنگاه، ترا در قدس الاقداس نگریستم
و جلال و نیرومندی ترا دیدم.

۴ محبت تو از زندگی پُربهاتر است،
ستایش تو بر لبانم خواهد بود.

۵ تا زنده هستم، ترا متبارک خواهم خواند،
به نام تو، دستهایم را برمی افرازم،

۶ جان من از ضیافت تو سیر خواهد شد،
بر لبانم شادی و در دهانم سپاس تو خواهد بود.

۷ شبانگاه که یاد تو می کنم،

در شب بیداری هایم، به تو می اندیشم.

۸ این تویی که به یاری من آمده‌ای
و زیر سایه بالهای تو فریاد شادی سر می دهم.

۹ جانم به تو پیوسته است،

دست راست تو مرا نگاه می دارد.

۱۰ (اما آنها که در کمین جانم هستند،

باشد که در اعماق زمین فرو روند،

۱۱ باشد که از دم شمشیر بگذرند

و طمع‌ه گرگها شوند!)

۱۲ (و اما پادشاه، در خدای خود شادی خواهد کرد.

هر که به او قسم یاد کند،

به جلال خواهد رسید؛

لیکن دروغگو دهان بسته خواهد ماند.)

ای خدای من، روی زمین - که تبعیدگاه منست! - کجاست سرودهای خانه تو؟ در سرزمینی که می خواهد گمراهم نماید، ضیافت تو کجاست؟ در بیابان هایی که داخلشان می شوم، آبهای تعمیدم کجایند؟ به یاری من بیا، ای خدای من، بار دیگر به قلب و تن من تشنگی ده، تا در ظلمت شب خویش تو را به یاد آورم، و از سپیده دمان تو را جستجو نمایم، آنگاه با تمامی وجود به تودل خواهم بست و دست برافراشته تو را متبارک خواهم خواند.

مزمور ۶۴

«زندگیم را حفظ کن»

- ۲ ای خدا، ناله ام را بشنو،
از دشمن مُهیّب، جانم را خلاصی ده.
- ۳ از فتنه شریران مرا رها ساز
و از جماعت بدکاران دور بدار.
- ۴ زبانهای خود را چون شمشیر تیز می کنند،
سخنان زهرآگین را چون تیر نشانه می روند
تا در خفا بر بیگناهان بیفکنند.
- ۵ ناگهان می افکنند و ترسی در دل ندارند.
- ۶ سخنان شوم از خود می بافند،
دامها در خفا می اندازند
و می گویند: «کیست که اینها را ببیند؟»
جنایات خود را ترتیب می دهند
و می گویند: «تدبیر ما عالی است.»
- ۸ اما خدا بر ایشان تیر می اندازد
و بی درنگ زخمها پدیدار می گردند.
- ۹ آنها قربانی زبانیشان می شوند
و آنانی که می بینند، سر تکان خواهند داد.
- ۱۰ همه کس را ترس فرا می گیرد،
کار خدا را اعلام می کنند
و از آن درس عبرت می گیرند.
- ۱۱ مرد عادل در خداوند
پناه و شادی خواهد یافت
و تمامی راستدلان سرفراز خواهند شد.

ای خدایی که در قلب یکایک ما نفوذ می کنی، بیگناهی پسر خود را دیدی و او را
از توطئه قیافا و هیرودیس حفظ نمودی. بار دیگر آنانی را که به خاطر نام عیسی رنج
می برند حفظ کن: باشد که تمامی مردم، جلال صلیب را دریابند.

مزمور ۶۵

«توزمین را ملاقات می کنی»

- ۲ خدایا، چه زیباست در صهیون ترا سپاس گفتن
و به نذرهای خود وفا کردن؛
به حضور تو، که دعا می شنوی.
- ۳ تمامی جانها به سوی تو می آید،
گران بار از گناهان.
- ۴ خطاهایمان ما را دربرگرفته اند،
اما تو، آنها را می بخشی.
- ۵ خوشا به حال برگزیده و مقرب درگاهت
که در خانه تو ساکن است.
نیکویی های خانه تو
و عطایای مقدس معبدت ما را سیراب می کند.
- ۶ عدالت تو با اعمال شگفت انگیز،
ما را پاداش می دهد.
ای خدا، ای نجات دهنده ما،
تو امید ساکنان جزایر و اقصای عالم هستی.
- ۷ قوت تو کوهها را استوار می سازد،
کمر خود را به قدرت بسته ای،
هیاهوی دریا و امواجش،
و نیز شورش امتهای را، تو فرو می نشانی.

۹ از دیدن نشانه‌های تو ،
ساکنان سراسرزمین می‌ترسند.
تو بانگ شادمانی را
بر دروازه‌های شرق و غرب می‌غرانی.

۱۰ به دیدار زمین می‌روی، آن را سیراب می‌سازی
و لبریز از نعمت می‌گردانی.
ای خدا، نه‌های تو سرشار از آبست،
تو خرمن‌ها را مهیا می‌سازی.

۱۱ این گونه زمین را نظم می‌بخشی.
شبارهایش را آب می‌دهی،
خاکش را هموار می‌کنی و با باران هم‌آغوش می‌سازی
و بذرش را برکت می‌دهی.

۱۲ تو سالی نیکو را تاجگذاری می‌نمایی،
بر گذر تو فراوانی جاری می‌شود.

۱۳ بیابان از مرتعها پوشیده ،
کمر تپه‌ها به شادمانی بسته می‌شود،

۱۴ چمن‌زارها به گله‌ها آراسته،
و دره‌ها به گندم نمایان می‌گردند.
همه، در همه جا،
شادمانی می‌کنند و می‌سرایند.

چه زیباست تو را ستودن، ای خدای نجات دهنده، تو را که به دیدار زمین می‌آیی،
و در مسیح، آن را از نعمتها سرشار می‌سازی. آنجا که گناه سلطنت می‌کرد، فیض
خود را جاری ساختی، آنجا که کلیسایت بذر افشانی نمود، تو محصول را آماده
ساختی؛ باشد که از دیدن نشانه‌های تو، تمامی انسانها در روح القدس وجد نمایند.

مزمور ۶۶

«کارهای شگفت‌انگیز خدا را بنگرید»

الف

۱ ای تمامی زمین، خدا را بستایید؛

۲ جلال نامش را بسرایید،
در ستایش جلالش، او را سپاس گوید.

۳ به خدا بگویید: «چه مهیب است اعمال تو،
و در مقابل قدرت تو، دشمنانت سر تعظیم فرود می‌آورند.

۴ تمامی زمین در برابر تو سجده می‌کنند
و از برای تو، از برای نام تو، سرود شادی می‌سرایند.»

۵ بیایید و بنگرید کارهای شگفت خدا را،
که مهیب است در نظر بنی آدم.

۶ دریا را خشک ساخت
و از آب با پای خشک گذشتند.

۷ آنجا در حضورش شادی می‌کنیم.
در قدرتش، تا به ابد پادشاه است.

با نگاهش، امت‌ها را دیده‌بانی می‌کند
تا سرکشان سر به زیر افکنند!

۸ ای قوم‌ها، خدای ما را متبارک خوانید!
و آواز ستایش او را به گوش همه رسانید،

۹ چون اوست که به ما زندگی می‌بخشد
و پاهای ما را از لغزش نگاه می‌دارد.

- ۱۰ ما را آزموده ای ای خدا،
ما را پاك ساختی، چون نقره که صاف می کنند؛
- ۱۱ ما را به دام انداختی،
بارگران بر گرده مان نهادی،
- ۱۲ ما را زیر دست مردمان نمودی،
از آب و آتش گذراندی،
آنگاه به سوی خیر و برکت، ما را بیرون آوردی.

ب

- ۱۳ با قربانی سوختنی به خانه تو می آیم،
نذرهایم را به تو ادا خواهم کرد،
- ۱۴ نذرهایی که لبانم را گشودند
که روز تنگی بر زبان آوردم.
- ۱۵ قربانی سوختنی پروار تقدیم تو خواهم کرد،
با عطر گوشت قوچ ها؛
گاوها و بزها را برای ذبح می برم.
- ۱۶ ای ترسندگان خدا بیایید و گوش گیرید:
شما را می گویم که او برایم چه کرده است.
- ۱۷ آنگاه که نزدش فریاد می زدم،
زبانم او را می ستود.
- ۱۸ اگر قلبم به بدی مایل بود،
خداوند آواز مرا گوش نمی گرفت؛
- ۱۹ لیکن خدا گوش فرا داد،
ناله ام را شنید.

- ۲۰ متبارك باد آن خدا،
که دعای مرا رد نکرد
و محبتش را از من باز نستاند.

ای خدایی که در قوت خود تا به ابد سلطنت می کنی، ما آن کارهایی را که برای ما انجام می دهی می بینیم: تو مسیح را برخیزانیدی تا ما را از میان آبهای تعمید، از مرگ به سوی زندگی بیرون آورد؛ شکرگزاری فرزندان و قربانی سپاس و ستایش آنها را بپذیر.

مزمور ۶۷

«قومها ترا سپاس گویند»

- ۲ خدا بر ما رحم کند و ما را مبارك سازد،
نور روی خود را بر ما بتاباند،
- ۳ تا طریق تو در جهان آشکار شود
و نجات تو در تمامی امت ها.
- ۴ ای خدا، باشد که قومها ستایش ترا گویند
و با هم شکر ترا سرایند.
- ۵ امتها آواز شادمانی سر دهند
زیرا جهان را به عدالت داوری می کنی.
تو بر جهان به انصاف حکم می رانی،
موافق راستی بر آدمیان داوری می کنی،
بر روی زمین، امتهای جهان را تو هدایت می نمایی.
- ۶ باشد که قومها ستایش ترا گویند
و با هم شکر ترا سرایند.

- ۷ زمین ثمر خود را داده است،
خدا، خدای ما، ما را برکت می دهد.
۸ خدا ما را مبارك سازد
و تمامی زمین او را ثنا گویند.

تو را سپاس می گوئیم و تو را متبارک می خوانیم، ای پدر عیسی، که در او ما را سرشار از فیض و برکت نمودی. تو در میان آسمان و زمین، درخت صلیب را برافراشتی! باشد که شاخه هایش بر جهان گسترده شود و میوه آن، امتهای را شفا بخشد. باشد که نشانه آن، انسانها را به نجات رساند و تمامی اقوام در مسیح جمع شده تو را تا ابد بسرایند.

مزمور ۶۸

«خدای پیروزی ها»

الف

- ۲ آنگاه که خدا برمی خیزد، دشمنانش پراکنده می شوند
و از پیش روی او می گریزند.
۳ همچو دود ایشان را محو می کنی
و مثل موم گداخته با آتش،
شریران در برابر خدا نابود می شوند.
۴ اما عادلان شادمانه جشن می گیرند،
پیش رویش از شادی به رقص می آیند.
۵ خدا را بسرایید، نامش را بستایید،
برای او که سوار بر ابرهاست، راهی بگشایید،
نام او خداوند است، در حضورش به وجد آید.
- ۶ پدر یتیمان، داور بیوه زنان،
چنین است خدا، در مکان مقدس خویش.
۷ مطرودان را خانه می بخشد
و اسیران را آزادی؛ ولی عاصیان، در شوره زار مأوی می گیرند.

- ۸ ای خدا، آنگاه که پیش روی قوم خود خرامیدی،
وقتی بیابان را پیمودی، زمین لرزید؛
۹ آسمان نیز در حضورش باریدن گرفت،
در برابر خدا، خدای اسراییل.
۱۰ تو بر میراث خود باران نعمت بارانیدی،
در ناتوانی استوارش کردی
و در آنجا، گله تو ساکن شد.
۱۱ آنجا را مهیا ساختی، ای خدایی که از برای مسکین نیکو هستی.

ب

- ۱۲ خداوند فرمان می دهد؛
قاصدانش چون لشگری عظیم اعلامش می کنند،
۱۳ پادشاهان شکست خورده، سپاهیان می گریزند
و زنان در خانه، غنیمت را نصیب می برند.
۱۴ پشت دیوارهایتان در امنیت ساکن شوید
آنگاه که بالهای کبوتر سیمین می شود و
پرهایش چون طلا می درخشد.
۱۵ آنگاه که قادر مطلق، پادشاهان را به خاک می کشید
و در کوه «صلمون» برف می آمد!
- ۱۶ ای «باشان»، کوه خدا،
ای باشان، کوه بلند،
۱۷ ای کوههای برافراشته چرا حسادت می ورزید
بر آن کوهی که خدا جایگاه خود ساخته؟
آنجا که خداوند تا به ابد ساکن خواهد ماند.

- ۲۹ خدای تو فرمان داده: «قوی باش!»
ای خدا، قدرتت را نمایان ساز؛
همچون وقتی که آن را به ما نمایان ساختی.
- ۳۰ پادشاهان با تحفه‌های خویش، به سوی کاخ تو
که بر اورشلیم مسلط است، روانه می‌شوند.
- ۳۱ در دل این بهایم درنده خو، گاوان نر، رُعب بیفکن؛
این فرومایگان را توبیخ نما!
تا آنان، با پیشکشی‌هایشان ترا سجده کنند؛
قومهایی که جنگ را دوست دارند، پراکنده ساز
تا با شمشهای نقره به خاک افتند.
- ۳۲ قاصدان از مصر خواهند رسید،
حبشه با دست‌هایی پُر به سوی خدا خواهد آمد.
- ۳۳ ای ممالك جهان، برای خدا سرود خوانید،
خداوندرا با سرودها و مزامیر بسرایید.
- ۳۴ او که در برترین آسمانها،
و بر فلک الافلاك مسکن دارد.
اینک آوازش را سرمی‌دهد، آوازی پر قدرت؛
جلال و قوت را به خدا باز دهید،
عظمت و شوکت او بر اسرائیل است
و قوتش بر فراز ابرها.
- ۳۶ خدا در قدس خود مُهیب است؛
هم اوست خدای اسرائیل.
اوست که به قوم خود،
قوت و عظمت می‌بخشد.
متبارك باد خدا!

- ۱۸ ارابه‌های خدا، هزاران هزارند؛
خداوند در میان آنهاست و سینا در قدس او!
- ۱۹ بر آسمانها صعود کردی و اسیران را به اسیری بردی.
از آدمیان، حتی از سرکشان، غرامت گرفتی
تا ای خداوند، در میانشان منزل نمایی.
- ۲۰ همواره خداوند را متبارك باد!
اوست که ما را ظفر می‌دهد.
- ۲۱ خدای ما، خدای نجات است.
دروازه‌های موت از آن خداوند خداست.
- ۲۲ او سر دشمنان خود را می‌کوبد؛
هرزه‌گرد گناهکار را سر از تن جدا می‌سازد.
- ۲۳ خداوند گفت: «از باشان آنان باز خواهم آورد،
از اعماق دریا باز خواهم آورد
تا پای خود را در خون آنها فرو بری،
تا دشمنانت، طعام سگان تو شوند»
- ج
- ۲۵ ای خدا مُلتزمین ترا دیدیم،
مُلتزمین خدا و پادشاهم را در معبد دیدم.
- ۲۶ پیشاپیش، نغمه سرایان و در پس آنها نوازندگان؛
و در میانشان، دوشیزگانِ دف‌زن بودند.
- ۲۷ در جماعت‌ها، خدا را متبارك خوانید؛
خداوند، قوت اسرائیل است.
- ۲۸ بنیامین، اولاد آخر، راه را می‌گشود،
شاهزادگان یهودا در جامه‌های زر بفت،
شاهزادگان زبولون، امیران نفتالی، آنجا بودند.

ای عیسی مسیح، خداوند ما، تو که روزی، نشسته بر ابرها باز خواهی گشت، در صبح رستاخیز در برابر قوم خود نمایان شدی و بر فراز آسمان نزد پدر صعود نمودی، تا نوبت انسانهایی شوی که موت آنان را برده ساخته بود. کلیسای خود را در روح قدرت، استوار ساز تا آن روح، راه زیارت زمینی کلیسا را هموار سازد و آن را با نیکویی تا خانه پدرت همراهی نماید.

مزمور ۶۹

«در اعماق آبها»

الف

- ۲ ای خدای من، مرا نجات ده.
آبها از سرم گذشته‌اند،
- ۳ به درون باتلاق افتاده‌ام
و دیگر توان ایستادنم نیست؛
به گرداب فرو می‌روم
و موج‌ها مرا می‌بلعند.
- ۴ از زیادی فریاد، دیگر مرا رمقی نمانده،
گلویم می‌سوزد و در انتظار خدا،
چشمانم تار شده است.
- ۵ آنانی که بی سبب از من بیزارند،
از موهای سرم زیاده‌اند؛
تحقیر کنندگانم چه بسیارند
آنان که به ناحق بدخواه منند.
- بنگر چه چیز نصیبم شده
که باید پس دهم؟
- ۶ ای خدا، حماقت مرا خوب می‌دانی
و گناهانم نزد تو پوشیده نیست.

۷ ای خداوند، خدای جهان،
مگذار امیدواران تو به سبب من خجل شوند،
ای خدای اسرائیل،
مگذار جویندگان تو به سبب من شرمنده شوند.

۸ به خاطر توست که توهین را تاب می‌آورم
تا شرم روی مرا بپوشاند.
۹ نزد برادرانم بیگانه،
و نزد پسران مادرم، نا آشنا هستم.
۱۰ از غیرت خانه تو فنا شده‌ام،
آنگاه که ترا ناسزا گویند، مبتلا می‌شوم.

۱۱ اگر گریه کنم یا روزه گیرم،
نصیبم دشنام و ناسزاست.
۱۲ چون پلاس بر تن کنم،
برایشان ضرب‌المثل می‌شوم.
۱۳ حکایت دروازه نشینان
و سرود میگساران شده‌ام.

ب

۱۴ من به درگاه تو دعا می‌کنم
ای خداوند،
ای خدا، در دریای محبت خود مرا اجابت کن
و در راستی خود نجاتم ده.

۱۵ مرا از لجن زار بیرون آور و گرنه غرق می‌شوم.
باشد که از دست دشمنانم، از مهلکه‌های یابم،
۱۶ موجها مرا دربرنگیرند و گرداب مرا نبلعد
و دهانه چاه، بر من بسته نشود.

- ۲۷ بر کسی که تو تنبیه کرده‌ای، جفا می‌رسانند
و زخمهای او را می‌شمرند.
- ۲۸ گناه بر گناهشان افزوده کن
تا عدالت تو را نیابند!
- ۲۹ از دفتر حیات نامشان را محو کن
تا در شمار عادلان نیابند!
- ج
- ۳۰ من حقیر و درمانده‌ام،
باشد که نجات تو ای خدا، مرا سرافراز سازد!
- ۳۱ با سرود نام خدا را ستایش خواهم کرد
و با شکرگزاری او را جلال خواهم داد.
- ۳۲ این، بیش از گوشت قربانی،
و بهایم شاخ و سم دار،
خدا را خوش می‌آید.
- ۳۳ فقرا این را دیده شادمان می‌شوند:
«ای طالبان خدا، عمرتان دراز باد!»
- ۳۴ زیرا خداوند فروتنان را اجابت می‌کند
و اسیرانش را فراموش نمی‌کند.
- ۳۵ باشد که آسمان و زمین،
دریاها و هر آنچه در آن است،
او را ستایش کنند.
- ۳۶ زیرا خدا برای نجات صهیون خواهد آمد
و شهرهای یهودا را دوباره بنا خواهد کرد.
آنجا را آباد ساخته، میراثی خواهد گذارد؛
میراثی برای نسل خدمتگزارانش،
و منزلگاهی برای دوستداران نامش.

- ۱۷ خداوندا، جوابم ده،
محبت تو نیکوست؛
در مهربانی بی حد خود، مرا بنگر؛
- ۱۸ روی خود را از بندهات مگردان،
بشتاب، جوابم ده، بغض گلویم را می‌فشرد،
نزد من بمان و مرا رستگار ساز
و فدیة مرا به دشمن بپرداز.
- ۲۰ تو از رسوایی من آگاهی،
عار و ننگ مرا تو می‌دانی؛
و تمامی دشمنانم
پیش روی تو هستند.
- ۲۱ قلبم از اهانت آزرده شده،
بدی ایشان بی درمان است.
به امید یاری بودم، اما بیهوده بود؛
چشم انتظار تسلی دهنده‌ای، اما نیافتم.
- ۲۲ نان مرا به زهر آلودند
و در تشنگی سرکه‌ام نوشانیدند.
- ۲۳ باشد که سفره‌شان دام آنها،
و برای یارانشان کمینگاه مرگ شود؛
چشمانشان تار شود و دیگر نبینند،
قامتشان در لحظه‌ای، خمیده گردد!
- ۲۵ خدایا، غضب خود را فرود آر
تا آتش خشم تو به آنها برسد!
- ۲۶ باشد که اردوگاه ویرانه‌ای شود
تا در خیمه‌های ایشان هیچکس مسکن نگیرد!

ای عیسی که بی دلیل ترا استهزاء کردند، رحم کن بر آنانی که محبتشان با خیانت روبرو شده؛ ای عیسی که به خاطر ما، محبت ملکوت خویش را از یاد بردی، بر آنانی که به زندان می افتند، رحم نما؛ ای عیسی که تسلی دهنده ای نیافتی، بر آنانی که اندوهگین هستند رحم نما؛ ای عیسی که با سرکه خواستند تشنگی ترا از بین ببرند، بر آنانی که به خاطر عدالت زحمت می بینند، رحم نما؛ ای عیسی، تحقیر شده از سوی مردمان و نجات یافته از سوی پدر، جشن و سرور فقرا باش!

مزمور ۷۰

«به یاری ام بشتاب»

- ۲ ای خدا، بیا و رهایی ام ده؛
ای خداوند، به یاری ام بشتاب!
- ۳ (تا آنانی که قصد جانم دارند
خجل و بی آبرو شوند؛
تا آنانی که بدبختی ام را می خواهند،
با رسوایی پس روند؛
تا آنانی که می گویند: «این شایسته توست»)
مبهور مانده،
در شرمساری لگدمال شوند.
- ۵ تو شادی همه آنانی هستی
که تو را می جویند.
آنانی که نجات تو را دوست می دارند
همواره خواهند گفت: «خدا بزرگ است!»
- ۶ من، فقیر و بدبخت هستم،
خداوند من بشتاب!
تو یاور من و نجات من هستی،
ای خداوند درنگ ننما!

ای خداوند، مگر تو رهاننده پسر خود نبودی؟ مگر تو آنهایی را که خواستار تباه کردن زندگیش بودند، خوار نساختی؟ به یاری فقرا و مسکینانی بشتاب که از صمیم قلب جویای تو هستند: بدی را دور کن و شادی خود را به یکایک ایشان ببخش.

مزمور ۷۱

«تو زندگی نوینی به من خواهی بخشید»

- ۱ خداوندا، پناه من تویی،
مگذار شرمنده شوم!
- ۲ در عدالت خود، از من دفاع کن، رهایم ساز،
به سوی من گوش فرا گیر و مرا نجات ده.
- ۳ صخره ای باش که در آن پناه برَم
جایی که همواره پذیرایم باشد!
نجات من اراده توست،
قلعه و صخره من، تو هستی.
- ۴ خدای من، مرا از دست شریر،
و از چنگ فریبکار و ظالم رهایی ده.
- ۵ خداوندا، ای خدای من،
از جوانیم، امید و تکیه گاه من تو هستی.
- ۶ از گاه تولدم، به همراهم بوده ای،
از رحم مادرم، مرا برگزیدی،
تو همواره ستایش و سپاس من بوده ای.
- ۷ برای بسیاری، مایه حیرت بوده ام؛
و تو قوت من و پناهگاه نیرومند من بوده ای.

- ۸ همواره بر لبهایم ستایش تو بود.
- ۹ مرا دور مینداز حال که پیر و فرسوده‌ام.
در زوال قوتم، مرا ترك مکن.
- ۱۰ زیرا دشمنانم، برعلیه من سخن می‌گویند،
مراقبم هستند و مشورت می‌کنند.
- ۱۱ می‌گویند: «خدا رهائش می‌کند،
کمین کرده او را بگیرید، زیرا مدافعی ندارد!»
- ۱۲ خدایا، از من دور مباش؛
ای خدای من، به یاریم بشتاب!
- ۱۳ تا آنان شرمسار و نابود شوند،
آنانی که قصد جانم دارند؛
آنانی که بدبختی‌ام را می‌خواهند،
شرم و رسوایی نصیبشان باد!
- ۱۴ من پیوسته امیدوارم،
سپاس تو را افزون گردانم.
- ۱۵ عدالت و نجات تو،
همواره بر لبانم جاری است.
(که در کلام نگنجد!)
- ۱۶ کارهای شگفت خدا را بیان خواهم کرد،
عدالت بی‌همتای تو را در خاطر خواهم آورد.
- ۱۷ خدای من، از جوانیم مرا تعلیم داده‌ای
و تاکنون، کارهای شگفت تو را اعلام نموده‌ام.

- ۱۸ در روزهای پیری و مو سپیدی
مرا ترك مکن، ای خدای من؛
تا به مردمان این عصر، قدرتت را بازگو کنم
و شگفتی‌هایت را به نسل آینده.
- ۱۹ چه رفیع است عدالت تو، ای خدای من،
تو که کارهای بزرگ کرده‌ای.
ای خدا کیست همانند تو؟
- ۲۰ تویی که بدین سان،
درد و سختی را نشاتم دادی،
زندگی دوباره‌ام خواهی بخشید
و از ژرفای زمین بیرونم خواهی آورد.
- ۲۱ تو مرا سرافراز خواهی کرد
بازگشته مرا تسلی خواهی داد.
- ۲۲ وفاداریت را ای خدای من،
با بریط شکر خواهم گذارد،
برای تو با عود خواهم نواخت
ای قدّوس اسراییل!
- ۲۳ لبانم پر از شادی، برایت خواهم سرایید
چون تو جانم را باز خریدی؛
- ۲۴ پس در تمامی روز،
زبانم عدالت تو را خواهد گفت.
شرم و رسوایی برآنانی باد
که آرزوی بدبختی‌ام را دارند.

می گویند وقتی ما حقیر شمرده می شویم، تو ما را ترک می کنی ای خداوند! اگر در هنگام سالخوردگی ما را رد کنی، پس چرا ما را پیش از تولد برگزیدی؟ می دانیم با فراخواندن پسر خود از زاویه، کارهای بزرگی انجام دادی. عطا کن در او زندگی نوینی داشته باشیم: در زمانهای آینده جلال تو را بیان خواهیم کرد.

مزمور ۷۲

«پادشاهان در برابرش به خاک خواهند افتاد»

الف

- ۱ ای خدا، داوری هایت را به پادشاه بسپار، انصافت را به پسر پادشاه؛
- ۲ تا او بر قومت به عدالت حکمرانی کند و مظلومان را داوری نماید.
- ۳ ای کوهها! برای مردم صلح آرید، و شما ای تپه ها، عدالت را؛
- ۴ تا او مسکینان قوم خود را انصاف دهد، فقرا را نجات داده، ظالم را درهم کوبد!
- ۵ باشد که او در پرتو خورشید و ماه پایدار ماند، نسل بعد نسل!
- ۶ همانند بآران برعلفزار فرود آید، همچون بارانی که زمین را سیراب می کند!
- ۷ در آن روزها عدالت خواهد شکفت و تا آنگاه که ماه محو گردد، صلح کامل رخ خواهد نمود.
- ۸ باشد که از دریا به دریا، و از این رود تا اقصای جهان حکمرانی کند.

- ۹ قومها در برابرش تعظیم خواهند کرد و بینی دشمنانش به خاک مالیده خواهد شد.
- ۱۰ پادشاهان ترشیش و جزیره ها، به او باج خواهند داد.
- پادشاهان شبا و سبا، تحفه هایشان را می آورند.
- ۱۱ همه پادشاهان در برابرش به خاک خواهند افتاد و تمامی ملتها او را بندگی خواهند نمود.
- ب
- ۱۲ فقیری که زاری می کند و مسکینی را که یاوری ندارد، رهایی خواهد بخشید.
- ۱۳ او درمانده و مسکین را مراقب است و تهیدستان را نجات می بخشد.
- ۱۴ او جانهای ایشان را از ظلم و ستم فدیة خواهد داد؛ خون ایشان در نظر او گرانبهاست.
- ۱۵ زنده باشد، به او طلای سبا را خواهیم داد، او را پیوسته دعا خواهیم کرد، هر روزه او را مبارک خواهیم خواند.
- ۱۶ باشد که زمین تا فراز کوهها، پوشیده از گندمزار شود، خوشه هایش چون درختان جنگل لبنان به جنبش درآیند! و ساکنین شهر همچون علف زمین نمو کنند!

۱۷ باشد که نامی جاودانه داشته باشد،
نام او در زیر آفتاب پابرجا ماند!
تمام انسانها در او برکت خواهند یافت!
و همه امتهای او را سعادتمند خواهند خواند.

۱۸ متبارك باد خداوند، خدای اسرائیل!
تنها اوست که اعجاز می کند.

۱۹ متبارك باد نام پر جلال او تا به ابد؛
تا تمامی زمین از جلال او پُر شود!
آمین! آمین!

ای خدایی که کارهای شگفت انگیز انجام می دهی، زمانی که به پسر خود که از مریم متولد شد، ملکوت داود را بخشیدی، فقیران بیت لحم مژده را شنیدند و پادشاهان از دور دستها آمدند تا مسیح را پرستش نمایند؛ عطا کن ملکوت او بر زمین فرارسد تا صلح و آرامش را برای همه انسانهایی که دوستشان می داری، و نیز عدالت را برای مسکینان به ارمغان آورد. باشد که تمامی قومها در او برکت یابند.

مزمور ۷۳

«اندیشیدم تا بدانم»

الف

۱ به راستی خدا برای اسرائیل نیکوست،
برای مردمان پاك دل.

۲ اندکی بیش، و من از خود بیخود می شدم،

کمی بیشتر، و پایم می لغزید؛

۳ زیرا متکبران را حسادت می ورزیدم
و آسایش شریران، در نظرم بود.

۴ تا زمان مرگ، سدّی بر راهشان نیست،
در نهایت سلامتی اند،
۵ از رنج و اندوه مردم گریزان
و از صدمه روزگار در امان.

۶ این است که تکبّر، گلویندشان،
و خشونت ردایی بر دوش آنهاست.
۷ چشمانشان از کامیابی می درخشند
و هوسهای دلشان را می نمایانند.

۸ استهزاء می کنند و بدی را می ستایند،
از بلندی، ظلم را می ستایند،
۹ دهانشان آسمان را مدعی است
و زبانشان زمین را می روید.

۱۰ آنگاه با بزرگان می نشینند
و روزهای از دست رفته به آنها باز می گردد.
۱۱ می گویند: «خدا چگونه خواهد دانست.
آیا خدای متعال داناست؟»

۱۲ این است آنچه شریران هستند:
همواره در آرامش و دولتمندی!

ب

۱۳ به راستی بیهوده قلب خود را پاك نگاه داشته ام
و دستهایم را به بی گناهی شسته ام؛

۱۴ هر روز رنج می کشم
و هر بامداد، تنبیه می شوم.

- ۲۶ گرچه جسم و جانم ناتوان شده اند ،
نصیب من، پناه جان من، خداست برای همیشه.
- ۲۷ آن که از تو دور شود خواهد مرد .
تو جفاکارانت را نابود می کنی .
- ۲۸ نزد تو بودن، سعادت من است .
نزد خدای خود پناه برده ام
تا همه کارهای او را اعلام کنم .

ای خدای من، قسمت من و صخره قلب من، دیگر تحمل دیدن پیروزی شریران را ندارم. با این وجود مرا از حسادت به موقعیت آنها حفظ نما: بگذار بفهمم آینده آنها چه خواهد بود. بگذار صلیب مسیح برای من ننگ نباشد، بلکه نشانه آن باشد که تو فرزندان را به جلال خواهی برد.

«دیگر پیامبری نیست!»

مزمور ۷۴

- ۱ ای خدا چرا همیشه ما را طرد می کنی؟
چرا چنین بر گوسفندان گلهات خشم می گیری؟
- ۲ امتی را که از ازل مالک شدی به یاد آر.
آن قبیله ای که فدیه دادی تا میراث تو باشند
و کوه صهیون را که مسکن خود کردی.
- ۳ به سوی ویرانه های بی شمارش گام بردار،
دشمن در معبد همه چیز را غارت کرده است.
- ۴ در جماعت تو، دشمن خشمناک سرکشید
و در آنجا عَلم خود را برافراشت.

- ۱۵ اگر گفته بودم: «چو آنان سخن خواهم گفت»،
آنگاه به نسل فرزندان تو خیانت می کردم.
- ۱۶ اندیشیدم تا بدانم،
دیدن چیست که محزونم می کند؛
- ۱۷ اما آنگاه که به قدس الاقداس خدا داخل شدم،
آینده شان را دریافتم.
- ۱۸ به راستی آنها را در سراسیب نهاده ای
و به نابودی می کشانی.

- ۱۹ ناگاه به مصیبت می رسند
زوال یافته از وحشت نابود می شوند.
- ۲۰ خداوند، تو ظاهر احمقانه آنها را،
مثل رویایی در بیداری، حقیر می شماری.

ج

- ۲۱ لیکن دل من تلخ شده
و درونم زخم خورده بود.
- ۲۲ همچو حیوانی نادان و بی فهم بودم و فی دانستم،
اما با تو بودم.
- ۲۳ من همیشه با تو هستم،
با تو که دست راست مرا در دست گرفته ای؛
- ۲۴ در اراده ات مرا هدایت می کنی
و پس از این، مرا به جلال خواهی رساند.
- ۲۵ در آسمان چه کسی با من خواهد بود؟
به روی زمین آرزوی دیگری ندارم، چون تو با من هستی.

- ۵ ایشان را دیدیم که تبر به دست داخل شدند
و بر دل چوب کوفتند؛
- ۶ آنگاه که نقوش دیوار را
به ضرب پُتک نابود می کردند.
۷ معبد ترا به آتش کشیده اند،
مسکن نام تو را آلوده و با خاک یکسان کرده اند.
- ۸ آنها گفتند: «برویم و همه چیز را از نابود کنیم!»
در زمین، جایگاه مقدس تو را سوزانند.
- ۹ دیگر نشانه های خود را نمی بینیم،
دیگر پیامبری نیست! تا به کی؟
هیچکس از میان ما نمی داند!
- ۱۰ ای خدا تا به کی مخالفین تو، کفر خواهند گفت؟
دشمن از اهانت به نام تو، کی دست خواهد کشید؟
- ۱۱ چرا دست خود را پس می کشی؟
چرا دست راستت را پنهان می کنی؟
- ۱۲ حال آنکه تو، ای خدا، ای پادشاه ازلی من،
تویی که قوم ها را ظفر می دهی،
۱۳ تو که با قدرتت دریا را شکافتی
و سرهای نهنگان را در آبها خرد کردی.
- ۱۴ تو که سرهای «لویاتان» را به هم کوفتی
و او را خوراک ددان صحرا گرداندی؛
۱۵ این تو بودی که چشمه ها و سیلابها را باز کردی
و نهرهای بی زوال را خشک گرداندی.

- ۱۶ روز از آن توست، شب از آن تو،
تویی که خورشید و ماه را آفریدی!
- ۱۷ تویی که حدود زمین را برقرار نمودی؛
زمستان و تابستان را تو بنا نهادی.
- ۱۸ به یاد آور، دشمن ترا کفر گفت!
قوم نادان به خداوند اهانت کرد.
- ۱۹ کبوتر را به دست حیوان وحشی مسپار،
مسکینان خود را هیچگاه فراموش مکن.
- ۲۰ به عهد خویش بنگر؛
زیرا سرزمین ها پر از ظلم و جور است.
- ۲۱ باشد که مظلومان شرمنده باز نگردند
و فقیر و مسکین نام تو را بسرایند.
- ۲۲ ای خدا برخیز و از حق خویش دفاع کن!
به یاد آور نادان را که هر روز تو را ناسزا می گوید.
هیاهوی دشمنان و غوغای مخالفان را،
که پیوسته افزون می شود، فراموش مکن.
- ای خدایی که از ازل پادشاه ما هستی، کلیسای مظلوم خود را به یاد آور. تو خدایی
آفریننده و پیروز هستی که کلیسا را در مرگ مسیح تعمید دادی. امروز به قوم عهد
خود بنگر، برخیز و از حق خویش دفاع کن، اگر جاهلان نام تو را ناسزا و کفر
می گویند، اما فقیران و مسکینان نام تو را می سرایند.

مزمور ۷۵

«خداست که داوری خواهد کرد»

۲ تو را ای خدا سپاس می گوئیم،
نامت را سپاس می گوئیم زیرا تو نزدیک هستی.
از کارهای شگفت تو خبر می دهیم.

۳ «آری، آنگاه که زمان مقرر فرا رسد،
به انصاف داوری خواهیم کرد.

۴ باشد که زمین و ساکنانش فرو ریزند،
این من هستم که ستونهایش را برپا کرده‌ام!

۵ «به متبکران گفتم: دیگر تکبر نورزید!
و به شریان، که سرهایتان را برنیفزاید!
رویتان را به آسمان مکنید
و با تکبر سخن مگویید!»

۷ سرافرازی نه از مشرق، نه از مغرب، نه از صحرا می آید.
۸ این خداست که داوری خواهد کرد؛
او که به زیر می افکند و سرافراز می کند.

۹ خداوند در دستش پیاله‌ای دارد
که در آن شرابی قوی در جوشش است؛
چون بریزد، همه شریان زمین
نوشیده، تا به آخر سر خواهند کشید.

۱۰ و من در سرودهایم برای خدای یعقوب،
همواره خواهم گفتم:

۱۱ «پیشانی شریان را خواهم شکست
ولی عادل سرافراز خواهد شد.»

مزمور ۷۶

«آنگاه که خدا برای داوری برمی خیزد!»

۲ خدا، در یهودا خود را شناساند،
در اسراییل نام او عظیم است.

۳ خیمه‌اش را در «شالیم»
و مسکنش را در صهیون برپا داشت.

۴ در آنجا که تیرهای کمان،
شمشیر، سپر و جنگ را درهم شکست.

۵ بر فراز کوه غنائیم،
تو چه زیبا درخشیدی!

۶ این جنگجویان را بنگرید! تاراج شده به خواب رفته‌اند؛
این شجاعان دستانی بی حرکت دارند.

۷ از توبیخ تو، ای خدای یعقوب،
عرابه و اسبشان ایستاده اند.

۸ تو مَهیب هستی؛
از ضرب دست تو، که جان به در بَرَد؟

۹ آنگاه که از آسمانها حکم می رانی،
زمین می ترسد و خاموش می شود.

۱۰ آنگاه خدا به داوری برمی خیزد
تا فروتنان زمین را نجات بخشد.

- ۶ به گذشته می اندیشم،
به سالهای دور؛
- ۷ آواز شبانه ام را به یاد می آورم،
در دل می اندیشم و روحم می پرسد:
- ۸ آیا خداوند، برای همیشه مرا ترك کرده؟
دیگر رحمت نخواهد کرد؟
- ۹ محبتش برای همیشه از بین رفته؟
سخن جاودانه اش تباہ شده؟
- ۱۰ خدا ترحم را فراموش کرده؟
یا در غضب خویش، قلب خود را بسته است؟
- ۱۱ گفتم: «آنچه آزارم می دهد این است:
دست راست خدای متعال برگشته است.»
- ۱۲ کارهای شگرف خدا را به یاد می آورم،
معجزات ایام قدیم به خاطر می آید.
- ۱۳ همه کارهای بزرگ تو را به خویش بازگو می کنم
و در اعمال شگرف تو می اندیشم.
- ۱۴ ای خدا، تو قدوس هستی!
کدامین خدا همانند تو عظیم است؟
- ۱۵ تو همانی که کارهای شگفت می کنی
و قدرتت را به قومها ظاهر می سازی.
- ۱۶ قوم خود را با قدرت بازویت،
از نسل یعقوب و یوسف فدیہ دادی.

- ۱۱ خشم آدمیان ترا جلال می دهد،
و بازماندگان، به تو می پیوندند.
- ۱۲ شما که گرداگرد او هستید،
برای خداوند خدای خود،
نذر کنید و وفا نمائید؛
به نزد او که مہیب است.
- ۱۳ او نفس امیران را خاموش می کند،
و پادشاهان زمین از او می ترسند.

ای خدای صلح و آرامش، جنگ را خاموش کن و فروتنان را نجات ده. ای خدای مہیب برخیز، جان سروران زمین را بگیر. تقدیمی کلیسای خود را بپذیر و بگذار روزی که حکم خود را اعلام می داری، کلیسایت پایدار بماند.

مزمور ۷۷ «آیا خدا رحمت را فراموش کرده؟»

- ۲ به سوی خدا فریاد می زنم!
فریاد می زنم تا خدا، صدایم را بشنود!
- ۳ در روز تنگی، خداوند را می جویم؛
شبانگاه، پیوسته دستانم به سوی او بلند است
و روحم تسلی نمی پذیرد.
- ۴ خدا را یاد می کنم و ناله سر می دهم،
می اندیشم و روحم سرگردان می شود.
- ۵ نمی گذاری خواب به چشم من رود،
پریشانم و توان سخن ندارم.

- ۳ آنچه شنیده‌ایم و می‌دانیم،
آنچه پدرانمان برای ما گفته‌اند،
۴ به آیندگان خواهیم گفت.
صفت‌های جلال خداوند و قدرتش،
و کارهای شگفت او را
از فرزندانمان پنهان نخواهیم داشت.
- ۵ او شریعتی در یعقوب برقرار ساخت
و قانونی در اسراییل؛
به پدران ما حکم کرد
که آن را به فرزندانمان تعلیم دهند؛
۶ تا نسل آینده،
و نسل‌های بعد، آن را بشناسند؛
- ۷ تا آنها نیز برخیزند و فرزندانمان را بیاموزند
که بر خدا توکل کنند،
و کارهای بزرگ خداوند را فراموش نکنند
و فرمانهای او را گردن نهند؛
- ۸ تا همچون پدرانمان،
نسلی سرکش و فتنه‌انگیز،
نسلی با قلب‌هایی سست
و روحی بی‌وفا نسبت به خدا نباشند.
- ۹ فرزندان آفرایم، کمان داران ماهر،
در جنگ روی گردانیدند.
۱۰ عهد خدا را نگاه نداشتند،
از پیروی شریعت خدا سرباز زدند.

- ۱۷ خدایا، آبها تو را دیدند و به خروش آمدند،
لجّه‌ها به جنبش درآمدند.
۱۸ ابرها آبهایشان فرو ریختند،
آسمانها غریزند
و صاعقه همه جا به صدا آمد.
- ۱۹ صدای رعد تو در گردباد بود
و برقها زمین را برافروخت،
زمین لرزان شد.
۲۰ راه تو از دریا می‌گذشت
و راه باریکه‌های تو از آب‌های عمیق؛
و هیچکس نشان تو را نشناخت.
- ۲۱ تو به مانند گله‌ای قوم خود را،
به دست موسی و هارون هدایت کردی.
- ای خداوند کارهای بزرگ و شگفت‌انگیز تو را به یاد می‌آوریم: تو عیسی را
برخیزاندی، همانطور که قوم خود را نجات داده بودی آنگاه که از دریا آنها را
گذراندی؛ هر وقت سختی‌های این زمان، کلیسای ترا آشفته می‌سازد، دعای
طولانی‌اش را اجابت فرما؛ باشد که وفاداری همیشگی تو را، به خاطر بسپارد.

مزمور ۷۸ «باشد که آنها کارهای بزرگ خداوند را فراموش نکنند»

الف

- ۱ ای قوم من، شریعت مرا بشنو،
به سخنان دهانم گوش فرا ده؛
۲ دهانم را به مثل خواهم گشود
و اسرار ازل را آشکار خواهم ساخت.

- ۲۱ پس خداوند شنیده از جای برخاست،
غضبش بر یعقوب زیانه کشید
و خشمش تا اسراییل رسید؛
- ۲۲ زیرا به خدا ایمان نداشتند
و نه اعتمادی به نجات او.
- ۲۳ او به ابرهای بلند فرمان داد،
درهای آسمان را گشود؛
- ۲۴ و برای خوراك آنها، «من» را باراند،
گندم آسمانی به آنها داد.
- ۲۵ هر يك، از نان نیرومندان خوردند.
خوراك کافی برایشان فرستاد تا سیر شوند.
- ۲۶ در آسمان، باد شرقی را وزاند،
در قوتش باد جنوبی را فرستاد.
- ۲۷ بر آنان گوشت همچون غبار گسترده،
پرنده‌گانی به بی‌شماری شن دریاها.
- ۲۸ آن را در میان اردوی ایشان فرود آورد،
گرداگرد مسکنهای ایشان.
- ۲۹ آنها خوردند و سیر شدند،
خدا خواهش ایشان را برآورد.
- ۳۰ اما خواسته‌هایشان سیری ناپذیر بود،
هنوز دهانشان پر بود
- ۳۱ که غضب خدا برافروخت و شجاع‌ترینشان را هلاک کرد
و جوانان اسراییل را نابود نمود، ولی باز هم گناه ورزیدند.

- ۱۱ کارهای برجسته‌اش را از یاد برده بودند.
شگفتی‌هایی که شاهد آن بودند.
- ۱۲ در نزد پدران ایشان،
در زمین مصر و سرزمین صوعن، معجزه‌ها کرده بود.
- ۱۳ او دریا را شکافت و آنان گذشتند.
آبها را مانند سدی برپا داشت.
- ۱۴ روز با ابر، آنان را هدایت کرد
و شبانگاه با روشنایی آتش.
- ۱۵ صخره صحرا را شکافت،
با چشمه‌های عمیق، آنان را نوشانید.
- ۱۶ از صخره نهری بیرون آمد
و چون رودی جاری شد.
- ب
- ۱۷ اما آنان به او گناه ورزیدند
و در صحرا از آفریدگار روگرداندند.
- ۱۸ در قلبشان خدا را می‌آزمودند
و در گرسنگی، طالب غذا می‌شدند.
- ۱۹ به خدا پرخاش نموده می‌گفتند:
«آیا خدا می‌تواند سفره‌ای در صحرا بگستراند؟»
- ۲۰ او بی‌درنگ صخره را شکافت،
آب فوران زد و نهرها جاری شد.
«او می‌تواند به ما نان دهد
و خوراك برای قومش آورد؟»

- د
- ۴۳ در مصر از خود نشانه‌ها گذاشت
و در زمین صوعن معجزه‌ها کرد.
- ۴۴ او آب رودها و نه‌رهایشان را به خون مبدل ساخت
تا از نوشیدن محرومشان کند.
- ۴۵ او حشرات گزنده را به سوبشان فرستاد
و قورباغه‌هایی که همه جا را پوشاندند.
- ۴۶ محصولشان را به ملخ‌ها
و ثمره کارهایشان را به حشرات سپرد.
- ۴۷ با دانه‌های تگرگ تاکستان آنان را درهم کوبید
و درختان انجیرشان را به رگبار تند؛
- ۴۸ چهار پایان را به تگرگ سپرد
و گله‌هایشان را به رعد و برق.
- ۴۹ آتش خشم خویش را بر آنها فکند،
غیظ، غضب و و فلاکت!
او فرشتگان حامل بلا را فرستاد،
- ۵۰ برای خشم خود راه گشود.
جان آنان از موت حفظ نکرد
و زندگی‌شان به ویا سپرد.
- ۵۱ تمامی نخست زادگان مصر،
و ثمره اول نسل «حام» را نابود کرد.

- ۳۲ به کارهای شگفت‌انگیزش ایمان نیاوردند.
- ۳۳ به يك دم، روزهایشان را پایان داد
و سالهایشان را به اضطراب سوزاند.
- ۳۴ آنگاه که خدا آنان را تباه می‌کرد در جستجویش بودند،
برمی‌گشتند و به سوی او می‌شتافتند.
- ۳۵ به یاد آوردند که خدا صخره آنها،
و خدای متعال رهاکننده آنانست.
- ۳۶ اما دهانشان چابلوسی می‌کرد
و با زبانشان به او دروغ می‌گفتند.
- ۳۷ قلبشان از او دور،
و به عهد او بی‌وفا.
- ۳۸ اما او رحیم و مهربان،
به عوض هلاکتشان عفو می‌نمود.
بارها، غضب خود را نگاه داشت
و خشمش را برنیفروخت.
- ۳۹ او به یاد می‌آورد که انسانی بیش نیستند،
نفسی که می‌رود و باز نمی‌گردد.
- ۴۰ بارها در صحرا از او روگرداندند
و در خلوت به او گناه ورزیدند.
- ۴۱ در آزمودن خدا پافشاری می‌کردند،
قدوس اسرائیل را محزون می‌ساختند.
- ۴۲ آن روز را فراموش کرده بودند
که دستش، آنها را از دشمن‌رهای بی‌بخشید.

- ۵۲ قوم خود را همچون يك شبان هدايت نمود ،
گله خود را سوى صحرا برد .
- ۵۳ در امنيت آنان را رهنمون شد كه ترسى نداشتند .
دشمنان ايشان را ، دريا بلعيد .
- ۵۴ ايشان را به زمين مقدس خود پذيرفت ،
به كوهي كه به دست راست خود تسخير کرده بود .
- ۵۵ امته را از برابرشان راند ،
سهم ميراثشان پيمود
و قبائل اسراييل را در خيمه هاشان برپا داشت .
- ۵۶ اما آن قادر را حقير شمردند و آزمودند ،
از فرامينش سرپيچيدند .
- ۵۷ همچو پدرانشان كج رفتند و خيانت ورزيدند ،
مثل كماني بي وفا كه پشت به رو مي شود .
- ۵۸ مكانهاي بلندشان ، خشم او را برانگيختند
و بت هايشان ، غيرتش به هيجان آوردند .
- ۵۹ خدا شنيد ، خشمگين شد
و اسراييل را به كلي طرد كرد ؛
مسكن شيلورا ،
خيمه اي كه بين آدميان برپا کرده بود ترك نمود .
- و
- ۶۱ جلال و قدرتش را
به دشمنان واگذارد .

- ۶۲ قوم خود را به شمشير تسليم نمود
و بر ميراث خویش خشمگين شد .
- ۶۳ آتش ، جوانان را بلعيد ،
دوشيزگان ، شادي جشن عروسي را نشناختند .
- ۶۴ كاهنان به دم شمشير غلطيده ،
بيوه زنان مرثيه خواندند .
- ۶۵ آنگاه خداوند چون كسي كه بيدار شود از خواب برخاست ،
چون جنگجويي به وجد آمده از شراب ،
دشمن را از پس و پيش زد ،
دشمنان را به ننگي ابدی سپرد .
- ۶۷ خيمه يوسف را کنار گذارد ،
افرايم را ديگر برنگزيد ؛
او يهودا را برگزيد ،
و صهيون را كه دوستش دارد .
- ۶۹ معبدش را به سان آسمان ساخت
و به مانند زمين ، جاودانه پي نهاد .
- ۷۰ بنده اش داود را برگزيد ،
او را از چراگاهي برگرفت .
- ۷۱ از عقب گوسفندان او را خواند
تا شبان يعقوب ، قوم خود شود ؛
شبان اسراييل ، ميراث خود .
- ۷۲ و او با دلي پاك آنها را شباني كرد
و با حكمت هدايتشان نمود .

ای خدای متعال، تو برای قوم خویش، شبانی دل پاک برگزیدی، فرزند داود، عیسی، مسیح موعود را. آنگاه که فراموش می کنیم او ما را از بردگی دشمنان خلاصی داده و نجات بخشیده تا به ملکوت تو هدایت نماید، به یاد آور که ما نفسی بیش نیستیم، قلب هایمان سست اند و کم ایمان. رحیم باش، بار دیگر ما را ببخش، و ما در این لحظه عمرمان، کارهای شگفت ترا که دیدیم، اعلام خواهیم نمود.

مزمور ۷۹

«محکومین به مرگ را برهان!»

- ۱ خدایا، بت پرستان به میراث تو وارد شده اند،
معبد مقدس تو را نجس کرده اند
و اورشلیم را ویرانه ساخته اند.
- ۲ اجساد خدمتگزاران را
نصیب مرغان هوا نموده اند
و بدن ایمانداران ترا به حیوانات زمین سپرده اند.
- ۳ آنها مثل آب خون ریختند
و گرداگرد اورشلیم،
مردگان بی قبر مانده اند.
- ۴ مورد اهانت همسایگان شده،
زبانزد و مسخره اطرافیان گشته ایم.
- ۵ خداوندا، تا به کی خشم خواهی گرفت؟
تا به کی آتش غیرت تو شعله ور خواهد بود؟
(خشم خود را بر بت پرستان ریز که تو را نشناخته اند،
و بر ممالکی که نامت را نمی خوانند؛
۷ زیرا که یعقوب را دریده
و زمینش را ویران ساخته اند.)

- ۸ گناه نیاکامان را بر ما مگذار
تا رحمتت زودتر بر ما رسد،
زیرا دیگر ناتوان شده ایم!
- ۹ ای خدا، نجات دهنده ما، ما را یاری ده،
به خاطر شکوه نام خود،
ما را نجات ده؛
به خاطر جلال نامت خطایایمان پاک کن.

- ۱۰ مبدا بت پرستان بگویند:
«پس خدای ایشان کجاست؟»
باشد که بت پرستان این را بفهمند
که برای خون خادمانت،
انتقام پس خواهند داد.
- ۱۱ باشد که ناله اسیر به حضور تو برسد.
بازوی تو قوی است، محکومین به مرگ را برهان!
- ۱۲ همسایگان ما را، هفت چندان جزا ده
زیرا ای خداوند تو را اهانت کرده اند.
- ۱۳ و ما قوم تو، گله آغل تو،
پیوسته تو را شکر می گوئیم،
نسل بعد نسل جلالت می دهیم.

ای خدای نجات دهنده ما، آیا باز هم اجازه خواهی داد که کلیسای تو برای مدت زیادی مورد تمسخر این جهان قرار گیرد؟ ما اعتراف می کنیم که گناهکاریم، دیگر نیرویی در ما باقی نمانده، خطاهایمان را پاک ساز، خونی را که پسر تو در راه ما ریخت به یاد آور، و ناله هایمان را به دعای شکرگزاری تبدیل نما.

مزمور ۸۰

«ما را سوی خود باز آور»

- ۲ ای شبان اسرائیل، گوش فرا دار،
تو که یوسف را همچو گله‌ای هدایت می‌کنی،
ای که بر کرّوبین جلوس نموده‌ای،
به حضور افرایم، بنیامین و منّسی،
قدرتت را آشکار ساز
و برای نجات ما بیا.
- ۳
- ۴ ای خدا، ما را سوی خود باز آور،
چهره خود را نورانی نما
تا نجات یابیم!
- ۵ خداوندا، ای خدای لشگرها،
تا به کی، التماسهای قومت،
ترا غضبناک می‌کند؟
تا به کی ایشان را نان ماتم می‌خورانی
و اشکهای بسیار به ایشان می‌نوشانی؟
ما را هدف تیر همسایگانمان قرار داده‌ای،
دشمنانمان همواره چیزی برای تمسخر دارند!
- ۶
- ۷
- ۸ ای خدای لشگرها، ما را سوی خود باز آور،
چهره خود را نورانی نما تا نجات یابیم.
- ۹ آن تاك را که از مصر بازگرفتی،
با طرد امتها دوباره می‌کاری.
زمین مقابلش را مهیا ساختی،
آن را به ریشه استوار می‌کنی تا این سرزمین را بپوشاند.
- ۱۰

- ۱۱ سایه اش بر کوههاست
و برگهایش سروهای بلند را می‌پوشانند.
- ۱۲ شاخسارهایش را تا دریا
و جوانه‌هایش را تا رود گسترانیده است.
- ۱۳ پرچین‌هایش را چرا شکافته‌ای
که هر راهگذری از آن بچیند؟
گرازهای جنگل، ویرانش می‌سازند
و حیوانات صحرا از آن می‌چرند.
- ۱۴
- ۱۵ ای خدای لشگرها، بازگرد؛
از برترین آسمان‌ها نظر کرده، ببین.
بر این تاك رحم فرما؛
این نهالی که دست راست تو کاشته،
جوانه‌ای که او را قدرت بخشیده‌ای،
حال بنگر که مثل هیزم آتش گرفته
و از عتاب روی تو، تاب نخواهد آورد.
- ۱۶
- ۱۷
- ۱۸ دست راست تو بر این مرد قرار گیرد،
بر پسر انسان، که تو قدرت داده‌ای.
دیگر هرگز از تو دور نخواهیم شد،
بگذار زندگی کنیم و نام ترا بخوانیم.
- ۱۹
- ۲۰ خداوندا، ای خدای لشگرها ما را سوی خود باز آور؛
چهره خود را نورانی نما تا نجات یابیم.

ای خدای جهانیان و شبان قوم خود، از کلیسای ما که از هر سو به آن هجوم می‌آورند

دفاع کن؛ دست تو آن را همچون تاک در زمین کاشت، مگذار که دشمنان به آن زیان رسانند؛ ما را در اتحاد با تن عیسی نگاه دار همانند شاخه های مو در تاک؛ به نزد ما باز آی، تا ما نزد تو بازگردیم، آنگاه با خواندن نام تو، زندگی خواهیم نمود.

مزمور ۸۱

«اگر قوم من مرا می شنید!»

۲ برای خدا که قوت ماست فریاد شادی برآورد،
برای خدای یعقوب هلهله نمائید.

۳ بنوازید، دف بزنید،

بربط خوش آهنگ و تار بنوازید.

۴ برای ماه نو کرتا بزنید،

برای ماه بدر، روز جشن ما.

۵ زیرا، این در شریعت اسراییل است،
فرمانی از خدای یعقوب؛

۶ برای یوسف، وقتی راهی سرزمین مصر بود.

کلامی می شنوم که نمی شناختم:

۷ «دوش او را از بار گران آزاد ساختم
و دستانش، بار خود برجا نهاد.

۸ «در تنگی مرا خواندی، تو را نجات دادم.

پنهان در میان طوفان، تو را اجابت کردم
و نزد آبهای «مریبا» تو را آزمودم.

۹ «ای قوم من گوش فرا ده، آگاہت می کنم،

ای اسراییل! اگر به من گوش دهی،

۱۰ نزد خود، خدایی دیگر نخواهی داشت

و هیچ خدای بیگانه ای را پرستش نخواهی کرد.

۱۱ من هستم، خداوند، خدای تو،
که تو را از زمین مصر بیرون آوردم.
دهان خود بگشا، من آن را پُر خواهم ساخت.

۱۲ «اما قوم من صدای مرا گوش نگرفت،

اسراییل مرا نخواست.

۱۳ آنها را به سنگدلیشان واگذاردم

تا بروند و پیرو پندار خود باشند!

۱۴ ای کاش قوم من، به من گوش می داد

و اسراییل در راه های من گام برمی داشت،

۱۵ در حال دشمنانش را به زیر می افکندم

و دست خود را بر آزارندگانش برمی گرداندم.

۱۶ «مخالفین من، نزد او پشت خم می کردند،

سرانجام آنان تا به ابد این خواهد بود.

۱۷ از گل گندم به او غذا خواهم داد

تو را با عسل صخره سیر خواهم نمود.»

ای خدایی که مسیح را از زندان مردگان به درآوردی، شانه های ما را از سنگینی خطاهایمان سبک ساز، ما را به قلب های سختمان وامگذار بلکه به ما پیاموز که فقط به تو گوش فرا دهیم. لبهایمان را بگشا تا ترا بسراییم و با قربانی مقدست ما را سیر نما.

مزمور ۸۲

«بر مسکین داد رسی نما»

- ۱ خداوند در ضیافت الهی می ایستد،
در میان خدایان، او داوری می کند.
- ۲ «تا به کی، به بی انصافی داوری می کنید
و شریران را طرفداری می نمایید.
- ۳ فقیران و یتیمان را دادرسی کنید،
مظلومان و مسکینان را انصاف دهید.
- ۴ ضعیف و فقیر را نجات دهید
و از دست شریر برهانید.»
- ۵ بی درك و فهم در ظلمت پیش می روند
و اساس زمین را سست کردند.
- ۶ من گفتم: «شما خدایانید!
و همه شما پسران حضرت اعلی.
- ۷ لیکن همچون آدمیان خواهید مرد
و همه چون شاهزادگان خواهید افتاد.»
- ۸ برخیز ای خدا و جهان را داوری کن،
زیرا تمامی امتها از آن تو هستند.
- ای خدایی که داور زمین هستی و به داد مسکین می رسی و سروران این جهان را به
زمین می زنی، عطا کن با قیام علیه هرگونه بی عدالتی، در فراوانی نور تو گام برداریم
و مانند فرزندان حضرت اعلی رفتار کنیم.

مزمور ۸۳

«آنها برضد تو پیمان بسته اند»

- ۲ خدایا خاموشی مگزین،
ساکت و آرام مباش.
- ۳ خروش دشمنان خود را ببین.
مخالفین تو، سربلند می کنند.
- ۴ علیه قوم تو، توطئه می چینند،
بر ضد آنانی که حامیشان هستی، فتنه برمی انگیزند.
- ۵ می گویند: «بیایید آنها را از میان ملتها، برگنیم
تا نام اسرائیل دیگر نباشد.»
- ۶ همه به يك دل تباخی می کنند
تا علیه تو هم پیمان شوند.
- ۷ ساکنان «آدوم» و «اسمعیل»
«موآب» و «هاجر»؛
- ۸ «جبال» و «عمّون» و «عمالیق»،
«فلسطین» و ساکنان «صور»؛
- ۹ «آشور» نیز با اینان همراه شده،
تا فرزندان لوط را یآوری کند.
- ۱۰ با آنان چنان کن که با «مدیان» کردی،
و با «سیسرا» و «یابین» در مسیل «قیشون».
- ۱۱ آنها در «عیندور» هلاک گشتند
و همچون کود، خوراک زمین شدند.

- ۱۲ سروران آنها را به مانند «عُراب» و «ذئب»
و تمامی شاهزادگانشان را چون «ذبیح» و «صلمناع»، از میان ببر.
- ۱۳ آنها که می گفتند:
«بیایید مسکنهای خدا را از آن خود سازیم!»
- ۱۴ خدایا آنها را همچون کاه و عُبار گردان
که به دست باد اسیرند.
- ۱۵ همچون آتشی جنگل را بسوزان،
چون شعله ای کوهها را در میان گیر.
- ۱۶ آری، با تندبادهایت تعقیبشان کن؛
باشد که طوفانهای تو آنها را بترساند!
- ۱۷ بر پیشانی آنها مُهر رسوایی بزن،
باشد که نامت را بچویند ای خداوند!
- ۱۸ برای همیشه شرمنده و هراسانسان کن
تا در رسوایی هلاک شوند و این را بدانند:
تو که نامت خداوند است،
بر تمامی زمین تنها تو متعال هستی.
- ای خدای متعال، تو که تمامی قدرتهای نفرت و غرور را به زیر پای یگانه پسر خود
عیسی گذاردی، به دنبال مخالفین کلیسایش برو تا آنان نیز جویای روی تو شوند.
اتحاد آنها علیه خودت را از بین ببر و آنها را به سوی معرفت نامت راهنمایی کن.

مزمور ۸۴

«خوشابه حال ساکنان خیمه تو»

- ۲ چه دلپذیرند مسکنهای تو،
ای خدای لشگرها!
- ۳ برای صحنهای معبد خداوند،
جان من مشتاق و آرزومندست؛
جسم و جانم آوایی است،
به سوی خدای زنده.
- ۴ پرنده برای خود آشیانه ای یافته،
و پرستو لانه ای برای گذاشتن جوجه هایش؛
در قربانگاههای تو، ای خدای لشگرها،
پادشاه من، خدای من.
- ۵ خوشابه حال ساکنان خانه تو،
که بی وقفه سپاست گویند.
- ۶ خوشابه حال آنانی که قوتشان از توست
و طریق تو در قلبشان است.
- ۷ چون از دره تشنگی بگذرند،
چشمه ها به جوش می آیند
و باران بهاران سرپایشان را برکت می بخشد.
- ۸ آنها از بلندی به بلندی می روند
و در صهیون، به حضور خدا می رسند.
- ۹ خداوندا، ای خدای لشگرها، دعای مرا بشنو،
ای خدای یعقوب گوش فرا ده؛
- ۱۰ ای خدا، ای سپر ما، چشمانت بگشا
و بر مسیح خود نظر افکن.

- ۱۱ يك روز در صحن های تو،
برای من بیش از هزار می ارزند.
آستانه خانه خدای خود را،
برخیمه شریبان برگزیده ام.
- ۱۲ آری خداوند، خورشید است و سپر.
خداوند فیض و جلال می دهد.
هرگز خوشبختی را، از آنانی که به راستی سالک باشند دریغ نمی کند.
- ۱۳ ای خداوند لشگرها،
خوشابه حال کسی که در تو امید دارد.
- ای خدای جهانیان، ای خورشید عدالت ما و ای پادشاه ما، تو که فیض و جلال به مسیح بخشیدی، خوشبختی قومی باش که خواستار توست و سرود آدمیانی که خانه تو را دوست دارند و امید کلیسایی که در راه است.

مزمور ۸۵

«جلال بر زمین ما ساکن خواهد شد»

- ۲ خداوندا، محبتت را به سرزمین خود نمایاندي،
اسیران یعقوب را بازگرداندي؛
۳ گناه قوم خویش را پاک نمودی؛
خطاییشان را پوشاندي؛
۴ خشم خود را واگذاردی
و از غضب عظیم خود بازگشتی.
- ۵ ای خدا، نجات دهنده ما، ما را بازگردان،
از کینه خود را بر ما، دست کش.
- ۶ آیا برای همیشه بر ما خشمگین خواهی بود؟
و غضبت را نسل بعد نسل نگاه خواهی داشت؟

- ۷ مگر نه بازخواهی آمد تا جان دوباره مان بخشی؟
و مایه شادی قوم خود شوی؟
- ۸ ای خداوند، محبت خویش را بر ما بنما
و ما را بیامرز.
- ۹ به آنچه خداوند می گوید گوش می دهیم،
زیرا آنچه می گوید،
برای قوم خود و ایماندارانش آرامش است.
مبادا به نادانی خود بازگردند!
- ۱۰ نجات او به ترسندگانش نزدیک است
و جلالش بر زمین ما ساکن خواهد شد.
- ۱۱ رحمت و راستی به هم رسیده اند،
عدالت و صلح یکدیگر را بوسیده اند؛
۱۲ حقیقت از زمین خواهد رویید
و عدالت از آسمان فرود خواهد آمد.
- ۱۳ خدا خود سعادت می بخشد.
زمین ما نیز محصولش را خواهد داد.
- ۱۴ عدالت پیش روی او خواهد خرامید
و اثر گامهایش، راه را معلوم خواهند ساخت.
- تو ای خداوند آن قدر زمین ما را دوست داشتی که اجازه دادی تا در عدالت تو،
عیسی، ثمره مریم و هدیه آسمانی، جوانه زند. توسط او که سرشار از نعمت و
حقیقت است، جلال تو در میان ما ساکن گشت، زیرا که او در میان ما آمد تا ما به
نزد تو آییم، بگذار که محبت او را ببینیم و صلح و آرامش او را بر ما ببخش.

مزمور ۸۶

«قلبم را پاک نما»

- ۱ خداوندا، به من گوش فرا دار و مرا اجابت کن،
زیرا مسکین و درمانده‌ام.
- ۲ جانم را حفظ کن، من دوستدار توأم،
خادم خود را نجات ده،
- او که اعتمادش بر توست.
- ۳ تو خدای من هستی، بر من رحم کن ای خداوند.
تمامی روز نام ترا می‌خوانم.
- ۴ خداوندا، بندهات را شاد نما،
زیرا روح خود را به سوی تو برمی‌افرازم.
- ۵ تویی که بخشنده و نیکو هستی،
سرشار از محبت، برای آنان که ترا می‌خوانند.
- ۶ به دعایم گوش فرا ده ای خداوند!
آواز تمثای مرا بشنو.
- ۷ در روز تنگی ترا می‌خوانم
و تو ای خداوند، مرا اجابت می‌کنی.
- ۸ در میان خدایان، خدایی چون تو نیست
و نه نظیر اعمال تو.
- ۹ همه ملت‌هایی که تو آفریده‌ای،
به حضور تو آمده، سجده خواهند کرد
و نام تو را ای خداوند جلال خواهند داد؛
زیرا تو عظیم هستی و کارهای شگفت می‌کنی،
تنها تو، ای خدا.
- ۱۰

- ۱۱ راه خود را نشانم ده،
تا به سوی حقیقت تو گام بردارم،
مرا از شك رها ساز تا از نام تو بترسم!
- ۱۲ با همه قلبم شکر می‌کنم ای خداوند،
پیوسته نام تو را جلال خواهم داد.
- ۱۳ محبت تو بر من عظیم است،
جانم را از هاویه بیرون کشیدی.
- ۱۴ ای خدای من، متکبران بر من برخاسته‌اند،
جماعت زورمندان قصد جانم کرده‌اند،
در نظرشان جایی برای خدا نیست.
- ۱۵ تو، ای خداوند، خدای محبت و رحمت،
دیر غضب و سرشار از محبت و راستی،
- ۱۶ سویم نظر انداز، بر من رحم کن،
قدرت خود را به بندهات ببخشی
و پسر خدمتگذار خود را نجات ده.
- ۱۷ نظر لطف بر من بینداز،
باشد دشمنانم سرافکنده شوند
چون خواهند دید که تو، ای خداوند،
تو مرا یاری می‌کنی و تسلی می‌بخشی!

ای خدایی که مهربان و بخشنده‌ای، تو به نداهای عیسی، خادم رنج‌دیده خود پاسخ دادی و او را از زندان مردگان بیرون کشیدی. از کلیسای خود که خادم و فقیر است مراقبت نما هنگامی که در ایام تنگی خود به تو توکل می‌نماید؛ نشانه‌ای از حمایت خود از آن آشکار ساز تا جهان عظمت محبت تو را ببیند و نام تو را برای کارهای شگفت‌انگیزت جلال دهد.

مزمور ۸۷ «تمامی چشمه های ما در توست، ای شهر مقدس خدا»

- ۱ آنچه بر کوههای مقدس بنا نموده،
خداوند دوست می دارد.
- ۲ او دروازه های صهیون را،
بیش از جمیع مسکنهای یعقوب عزیز می دارد.
- ۳ به خاطر جلالت، از تو سخن می گویند
ای شهر مقدس خدا.
- ۴ «رهب و بابل را نام می برم،
میان آنهايي که مرا می شناسند.
بنگرید صور، فلسطین و حبش را،
پست باد آنکه در آنجا به دنیا آمد.»
- ۵ ولی «مادرمان» صهیون را می گوئیم:
«زیرا هر انسانی در او متولد شده»
و خدای متعال است که آن را استوار می سازد.
- ۶ در ثبت ملتها، خداوند می نویسد:
«هر کسی در صهیون به دنیا می آید»
و همه با هم پایکوبان می خوانند:
«تمامی چشمه های ما در توست، ای صهیون.»

ای خدای متعال، برای کلیسا، مادر ما، عروس محبوب پسرت، نزد تو دعا می کنیم،
باشد که کلیسا با بخشیدن زندگی و نام تو به تمام انسانها، جلالش را با دیگران
تقسیم نماید و از به دنیا آوردن قوم ایمانداران باز نایستد.

مزمور ۸۸ «در این شب است که فریاد می زنم»

- ۲ خداوند خدا، نجات من،
شبانگاه که نزد تو فریاد می زنم،
- ۳ دعای من به درگاه تو برسد،
به ناله من گوش فرا ده!
- ۴ زیرا جانم پُر از یأس شده،
زندگانییم بر لبه پرتگاه رسیده است.
- ۵ اینک پاییی بر لب گور دارم،
به پایان راه رسیده ام.
- ۶ جایم در میان مردگان است،
مثل کشته ای در گور خوابیده؛
آنانی که تو دیگر به یاد نمی آوری
آنانی که مطرود و از دست تو دورند.
- ۷ مرا در عمق قبر گذارده ای،
در تاریکی ها، در اعماق نیستی.
- ۸ خشم تو مرا می فشرد،
امواج خود را بر من فرو ریخته ای؛
- ۹ دوستانم را از من دور می کنی،
مرا در نظرشان منفور کرده ای،
زندانی شده خلاصی ندارم؛
- ۱۰ چشمانم از رنج بسیار، تار شده است.

خداوندا، پیوسته ترا می خوانم،
دستهایم سوی توست.

۱۱ آیا برای مردگان اعجاز می کنی؟
آیا اشباحشان برای سپاس تو برمی خیزند؟

۱۲ چه کسی در گور، سخن از محبت تو می گوید
و در نیستی، از وفاداری تو؟

۱۳ آیا معجزه های تو را در ظلمت می شناسند
و عدالت تو را در زمین فراموشی؟

۱۴ اما من ای خداوند، به سوی تو فریاد برمی آورم،
سحرگاهان، دعایم پیش روی تو می آید.

۱۵ خداوندا، چرا مرا از خود می رانی؟
چرا روی خود را می پوشانی؟

۱۶ بیچاره و از پا درآمده ام،

به مصیبت های تن در داده ام و دیگر توانم نیست.

۱۷ خشم تو بر من گذشته است
و خوف تو نابودم ساخته است.

۱۸ تمامی روز مثل آب مرا دربرمی گیرد،

به سان گرداب مرا در خود فرو می کشد.

۱۹ دوستان و نزدیکانم را از من دور می کنی
و تنها همراه من، تاریکی است.

ای خداوند، تنها نجات مسکینان، در فریاد آنهایی که ترک می شوند، عیسی را بشنو که از تو درخواست می کند؛ در بدنهایی که مورد نفرت هستند، تن پسر خود را بر روی صلیب ببین؛ در ترس و وحشت آنهایی که در حال مرگ هستند احتضار

محبوب خود را بنگر. آیا حاضر نیستی برای مردمی که جویای تو هستند همان کاری
را انجام دهی که برای او انجام دادی؟

مزمور ۸۹

«آن محبت نخستین کجاست»

الف

۲ محبت خداوند را پیوسته می سرایم،
دهانم وفاداری تو را نسل بعد نسل خواهد شناساند.

۳ می گویم: «محبتی است جاودانه بنا شده،
وفاداری تو پایدارتر از آسمانهاست.»

۴ «با برگزیده خود پیمان بسته ام،
برای داود سوگند یاد کرده ام:

۵ نسلت را پایدار خواهم ساخت تا به ابد؛
برای تو تختی در تمامی اعصار برقرار خواهم ساخت.»

۶ ای خداوند، آسمانها این اعجاز تو را سپاس گویند
و تمامی مقدسین وفاداریت را!

۷ کیست در آسمانها به مانند خداوند؟
کیست در میان خدایان، نظیر خداوند؟

۸ در جمع مقدسین، خدا مُهیب است،
عظیم و ترسناک بر آنانی که گرداگرد اویند.

۹ خداوندا، خدای جهان، کیست مانند تو،
خداوند قادر، که وفاداری زینت توست؟

ب

- ۲۰ پیش از این، در رؤیا با قومت سخن گفتمی،
به ایشان گفتمی:
« جوانی را از این قوم برانگیختم،
حامی برگزیده خود هستم.
- ۲۱ « بنده خود داود را یافتم،
با روغن مقدس، او را مسح نمودم.
۲۲ به دست قوی او را نگاه می‌دارم
و بازوی من، نیرومندش خواهد ساخت.
- ۲۳ « دشمن، ناگهان بر او غالب نخواهد شد
و خائن را توان خوار کردنش نخواهد بود.
۲۴ حریفان را پیش رویش لگد مال خواهم کرد
و بدخواهانش را خواهم زد.
- ۲۵ « محبت و وفاداری من همراه اویند،
به فیض نام من، سربلند خواهد شد.
۲۶ دستش را بر دریا،
و قلمرویش را تا رودها می‌گسترانم.
- ۲۷ « مرا خواهد گفت: تو پدر من هستی،
خدای من، صخره من نجات من!
۲۸ و من او را نخست زاده خواهم ساخت
و بزرگترین پادشاه زمین.

- ۱۰ تویی که بر خروش دریا حکم می‌رانی؛
آنگاه که امواجش برخیزد،
تویی که آنرا رام می‌کنی؛
- ۱۱ تو هستی که پیکر «رهب» را درهم کوفتی!
به قدرت بازوی خود، دشمنانت را محو کردی.
- ۱۲ آسمان از آن توست، زمین از آن تو،
دنیا و فراوانی آن را تو بنیان نهاده‌ای؛
۱۳ تو هستی که شمال و جنوب را آفریده‌ای،
«تابور» و «خرمون» در نامت شادی می‌کنند.
- ۱۴ بازوی همه دلآوری‌ها از آن توست،
دست تو زورآور است و دست راستت متعال.
۱۵ عدالت و انصاف اساس تخت توست
و محبت و راستی پیش روی تو می‌خرامند.
- ۱۶ خوشابه حال قومی که برستایش تو آگاهست،
زیرا در نور روی تو راه می‌رود ای خداوند!
۱۷ تمامی روز، در نام تو شادمانه می‌رقصد
و در عدالت تو سرافراز می‌شود.
- ۱۸ فخر قدرت ایشان، تو هستی،
از فیض توست که سر برمی‌افرازیم.
۱۹ آری، پناه ما در خداوند است،
در خدا، قدوس اسراییل، پادشاه ما.

د

- ۳۹ لیکن تو او را خوار کردی و به دور انداخته‌ای؛
بر مسیح خود خشم گرفتی،
۴۰ با خدمتگزار خود پیمان شکستی
و تاجش را به خاک نجس کردی؛
- ۴۱ حصارهایش را شکستی
و قلعه‌هایش ویران ساختی؛
۴۲ تمامی راهگذران تاراجش نمودند،
اینک همسایگانش به او اهانت می‌کنند.
- ۴۳ تو حریفانش را قدرتمند ساختی
و دشمنانش را شاد نمودی؛
۴۴ تیغه شمشیر را برخودش چرخاندی
و در جنگ همدوشش نبودی.
- ۴۵ جلال او را پایان دادی
و تخت او را به خاک افکنده‌ای؛
۴۶ جوانیش را کوتاه کردی
و شرمنده‌اش ساختی.

ه

- ۴۷ خداوندا تا به کی روی خواهی پوشاند؟
آیا آتش خشمت فروخته خواهد ماند؟
۴۸ به یاد آور، عمر من چه زودگذر است،
از چه رو آدمیان را برای نیستی آفریده‌ای!
۴۹ که قادر است زندگی کند و مرگ را نبیند؟
که قادر است جانش را از هاویه برهاند؟

- ۲۹ «محبت من، جاودانه با او خواهد ماند
و عهد من، با او برقرار خواهد بود؛
۳۰ تا ابد نسل او را پایدار خواهم ساخت
و تخت او را پابرجا، به سان آسمانها.
- ج
- ۳۱ «اگر فرزندان‌ش شریعت مرا ترك كنند
و از اراده‌ام پیروی نکنند،
۳۲ اگر از دستوراتم سرپیچی نمایند
و فرمانهایم نگاه ندارند،
- ۳۳ «گناهشان را به ضرب عصا،
و عصبانیشان را به تازیانه کیفر خواهم داد؛
۳۴ بی آنکه محبت خود را بازگیرم
و وفاداریم را واگذارم.
- ۳۵ «هرگز عهد خود را نخواهم شکست
و از آنچه به زبان آورم، روی نخواهم گرداند.
۳۶ بر قدوسیت خود يك بار قسم خوردم:
به داود هرگز دروغ نخواهم گفت!
- ۳۷ «که نسل او همیشه باقی خواهد ماند
و تختش در حضور من به سان آفتاب.
۳۸ چونان ماه برقرار خواهد بود
همچون شاهدهی پایدار در آسمان.»

- ۵۰ خداوندا، کجاست آن محبت نخستین تو که برای داود در وفاداری خویش قسم خوردی؟
- ۵۱ خداوندا، آن اهانتها را بر بندهات به یاد آر که بسیاری از قومها بر من روا داشتند.
- ۵۲ ای خداوند، دشمنان بر مسیح تو اهانت می کنند به هر جا که پا نهند.
- ۵۳ متبارك باد خداوند تا به ابد!
آمین! آمین!

ای خدا، پدر من، تو که برای عیسی پسر یگانه خود محبت جاودانت را نشان دادی، تا آخرین لحظه، وفاداری ترا اعلام خواهم کرد. ای خدای مالک عهد ابدی، توسط عیسی، مسیحی که در او پیمان خود را با داود نگاه می داری، در نور روی تو گام برمی دارم. ای خدا، صخره من و نجات من، با عیسی، خادم تو که توسط او قدرت کلیسا را می افزایی، به خاطر نامت از شادی به رقص خواهم آمد.

مزمور ۹۰

«مارا بیاموز روزهایمان را بشماریم»

۱ نسل بعد نسل ای خداوند،
تو پناه ما بوده ای؛

۲ پیش از آن که کوهها به وجود آیند،
پیش از اینکه زمین را بیافرینی،
از ازل تا ابد، تو خدا هستی.

۳ انسان فانی را به خاک بازمی گردانی؛

۴ می گویی: «ای فرزندان آدم بازگردید.»
در نظر تو هزار سال، همچون يك روز است
که می گذرد، مثل ساعتی از بیداری شب.

- ۵ آنها، همچون رژیای سحرگاه گذرانند،
مثل گیاهی که می روید.
- ۶ بامدادان می شکفتد و می روید
و شامگاهان پژمرده و خشک می گردد.
- ۷ ما را ببین اکنون، که از غضب تو نابود
و از خشم تو هراسان شده ایم.
- ۸ گناهانمان پیش روی توست
و اسرار ما به نور چهره خویش می بینی.
- ۹ روزهایمان در سایه خشم تو می گذرد
و سالهای ما به دمی پایان می یابد.
- ۱۰ سالهای زندگیمان؟ هفتاد!
هشتاد، برای آنها که نیرومندترند.
جلالشان جز محنت و فقر نیست،
به زودی می گذرد و ما بر باد رفته ایم.
- ۱۱ کیست که حدت خشم تو را بداند؟
ترس تو را با غضبت پیمانه می کنند.
- ۱۲ ما را بیاموز روزهایمان را بشماریم
تا به حکمت در قلب خود بگشاییم.
- ۱۳ باز آی، ای خداوند، چرا درنگ می کنی؟
بندگان را تسلی ده!
- ۱۴ صبحگاهان از محبت خویش ما را سیر کن
تا روزهایمان را در شادمانی بگذرانیم!
- ۱۵ به شمار روزهایی که تنبیهمان کردی
و سالهای بدبختی مان، ما را شادمانی ده!

- ۱۶ باشد که اعمال تو بر بندگانت آشکار شوند
و جلال تو بر فرزندانشان!
- ۱۷ لطف خداوند، خدای ما بر ما باد!
به ثمره دست‌هایمان برکت ده،
آری ثمره دست‌هایمان را استوار ساز!

ای خدای ازلی و ابدی، تو نسبت به ما شکیبایی فراوان نشان می‌دهی تا به پشیمانی
رسیم. تو روزها و سالهای زندگیمان را به ما می‌بخشی تا ضعف خود را بفهمیم و
قلب‌هایمان به حکمت در گشایند. آنگاه که به خاک برمی‌گردیم برای بازگرداندن
ما درنگ مکن؛ وقتی خطاهایمان در برابر تو قرار گیرند، بگذار که نور و جلال آن
رستاخیز کرده، بر ما بتابد.

مزمور ۹۱

«زیر سایه قادر مطلق»

- ۱ آن که در پناه خدای متعال است
و در سایه قادر مطلق آرام می‌گیرد،
- ۲ به خداوند می‌گوید: «پناه من، قوت من
خدایی که اعتمادم بر اوست.»
- ۳ اوست که تو را از تور صیاد
و از ویای شوم می‌رهاند.
- ۴ تو را با بالهایش می‌پوشاند
و زیر سایه‌اش پناه می‌جویی.
[وفاداری او، زره و سپر توست.]
- ۵ تو، نه از خوفهای شب،
نه از تیری که در روز می‌پرد،
نه از ویای خرامان در تاریکی،
- ۶ و نه از طاعونی که به وقت ظهر می‌زند، نخواهی ترسید.

- ۷ اگر در کنار تو هزار تن،
یا به دست راستت ده هزار نفر بیفتند،
ترا آسیبی نخواهد رسید:
[وفاداری او، زره و سپر توست.]
- ۸ تنها چشمان خویش را بگشا
تا سرانجام شیران را ببینی.
- ۹ تویی که می‌گویی: «خداوند، پناه من»،
در سایه قادر مطلق مأوی گزیدی.
- ۱۰ نه بدبختی به سرت می‌آید،
و نه بلایی به خانه‌ات خواهد آمد.
- ۱۱ او فرشتگان خود را فرمان می‌دهد
تا در تمامی راه‌ها تو را پاسبانی کنند.
- ۱۲ تو را بر دستهای خود خواهند برد
تا مبادا پایت به سنگی خورد.
- ۱۳ بر افعی و عقرب پای خواهی گذاشت
و شیر و اژدها را لگدکوب خواهی کرد.
- ۱۴ «حال که به من توکل می‌کند، آزادش سازم،
از او دفاع می‌کنم زیرا نام مرا می‌شناسد.
- ۱۵ مرا می‌خواند و به او جواب می‌دهم
و در تنگی، با او هستم.
- ۱۶ «می‌خواهم او را آزاد و سرافراز نمایم،
با عمر دراز او را سیر نمایم
و نجات خویش را به او نشان خواهم داد.»

ای خدای متعال، ای خدای توانا، تو که از خادم خود حمایت کردی، تو او را در همه راه های انسانی نگاه داشتی و در آزمایش، با او بودی. در وحشت های شب، ما را چون او در اطمینان نگاه دار، به هنگام نبرد از ما دفاع کن تا به همراه او جلال یابیم.

مزمور ۹۲

«کارهای تو مرا از شادی لبریز می سازد»

- ۲ چه نیکوست خداوند را سپاس گفتن و نام خدای متعال را سرودن؛
- ۳ سپیده دمان از محبت تو گفتن و سراسر شب، از وفاداری تو یاد کردن.
- ۴ با نوای چنگ و بریط ده سیم و نوای موزون رباب سرودن.
- ۵ کارهای تو مرا از شادی لبریز می سازد، در برابر اعمال دست تو با فریاد می گویم: «خداوندا، کارهای تو چه عظیم است و فکرهای تو بی نهایت عمیق!»
- ۷ نادان این را نمی داند و جاهل این را درک نمی کند.

۸ اگر شریان همچون علف رشد کنند

و شرارتشان ثمر دهد،

سرانجامشان جز فنا نیست.

۹ تو که بر بالای آسمانها ساکنی،

خداوند هستی تا به ابد.

۱۰ خداوندا دشمنانت را ببین که از بین می روند

و بدکاران را که نابود می شوند.

- ۱۱ تو به من جنبش گاو نر را می بخشی، مرا با روغنی ناب مسح می نمایی.
- ۱۲ چشم من، جاسوسانم را ورنانداز می کند و گوشم، صدای حمله کنندگانم را می شنود.

۱۳ عادل مثل نخل خواهد رویید،

چون سرو آزاد لبنان نمو خواهد کرد.

۱۴ کاشته شده در خانه خداوند،

در صحن های خدای ما خواهد شکفت.

۱۵ در پیری اش نیز، میوه می آورد،

شیره و سبزش پایدار خواهد ماند.

۱۶ ندا کنید: «خداوند راستی است

و در خدا، صخره من، هیچ لگه ای نیست!»

ای خدا، که خداوند جاودانی هستی برای زندگی مسیح تو و برای بدن او که در میان ما رشد نموده، تو را سپاسگزاریم. بگذار که کلیسای تو باز هم ثمر دهد: تا سرشار از شادمانی عظمت کارهای تو محبت را به تمامی دنیا اعلام کند.

مزمور ۹۳

«از ازل، تو هستی!»

۱ خدا سلطنت می کند و به جلال ملبّس است.

خداوند خود را به قدرت آراسته

و کمر خود را به قوت بسته است.

زمین نیز پایدار است و نمی لرزد.

۲ از ابتدا تخت تو استوار بوده

و از ازل، تو هستی.

۳ ای خداوند، امواج برافراشته اند،
امواج آواز خود به گوش می‌رسانند،
امواج خروش سر می‌دهند.

۴ بیش از آواز آبهای بسیار،
بیش از امواج زور آور دریا،
خداوند در برترین آسمانها باشکوه است.

۵ به راستی اراده ات تغییر نمی‌پذیرد،
قدوسیت، بنیان خانه تو،
تا جهان باقی است ای خداوند.

ای خدایی که از ازل هستی و بر آفرینش خود سلطنت می‌نمایی، جلال بر تو باد از سوی زمین و دریا! ای خدایی که عیسی را برخیزانیدی و او را پادشاه عالم ساختی، جلال بر تو باد در برترین آسمانها! ای خدا، تو که اراده محبت خود را به انجام رساندی و کلیسا را تقدیس می‌نمایی، جلال بر تو باد، اکنون و تا جهان باقی است!

مزمور ۹۴

«محبت تو حامی من شد»

۱ ای خداوند، خدای دادگر،
ای خدای دادگر، آشکار شو؛
۲ ای داور جهان برخیز،
متکبران را جزا ده!

۳ ای خداوند، تا به کی،
تا به کی شریکان فخر خواهند کرد؟
۴ بلند سخن می‌گویند و جسارت می‌ورزند،
آری، تمامی بدکاران لاف می‌زنند.

۵ خداوندا، این قوم توست که لگدمال می‌کنند،
میراث توست که پایمال می‌سازند.
۶ بیوه زنان و غریبان را می‌کشند
و یتیمان را به قتل می‌رسانند.

۷ می‌گویند: «خداوند نمی‌بیند،

خدای یعقوب نمی‌داند.»

۸ ای احمقان قوم آگاه باشید،

ای ابلهان! آیا روزی خواهید فهمید؟

۹ او که گوش را آفرید، آیا توان شنیدن ندارد؟!
او که چشم را ساخت، آیا نمی‌بیند؟

۱۰ او که امتهای را تنبیه می‌کند، آیا توان مجازات ندارد،
او که به آدمیان معرفت می‌بخشد؟

۱۱ او اندیشه‌های آدمی را می‌شناسد
و می‌داند که زودگذرند.

۱۲ خوشابه حال کسی که تو تأدیبش می‌کنی
و با احکامت تعلیمش می‌دهی،

۱۳ تا پس از تیره روزی‌ها او را آرامش دهی،
و لیکن گور شریر کننده می‌شود!

۱۴ زیرا خداوند قومش را رد نمی‌کند
و نه میراث خود را وامی‌گذارد.

۱۵ دگریار به عدالت داوری خواهد کرد
و راستدلان از پی او خواهند رفت.

- ۱۶ کیست که در برابر شریر به دفاع از من برخیزد،
کیست یاور من در برابر بدکاران؟
- ۱۷ اگر خداوند یاریم نکند،
زودا که جانم در تاریکی ها ساکن شود.
- ۱۸ آنگاه که می گویم: «پای من می لغزد»،
محبتت مرا نگاه می دارد ای خداوند.
- ۱۹ آنگاه که غم بسیار دارم،
تسلی های تو جانم را آسایش می بخشد.
- ۲۰ آیا حامی آن دیوان جنایت هستی
که بی اعتنا به قوانین، بدبختی می آفرینند؟
- ۲۱ بر مرد عادل یورش می برند
که بر مظلومان فتوی مرگ می دهند؟
- ۲۲ اما خداوند قلعه من است،
خدای من، صخره پناه من!
- ۲۳ شرارتشان را بر ایشان باز می گرداند.
برای شرارتشان، خداوند خدای ما،
آنها را به خاموشی می سپارد.

ای خداوند، تو پایمال شدن قوم خویش، حقارت غریبان، فراموش شدن بیوه زن و یتیم، و محکوم شدن بی گناه را می بینی! تو که پسرانسان را در روزهای رنج یاری نمودی تا در قلمرو مرگ ساکن شود، برخیز، فقیران را فریادرس باش! مگذار که شریک قدرتی فاسد شویم و با آنانی که حق را زیر پا می گذارند سهمیم گردیم.

مزمور ۹۵

«امروز کلام او را می شنوید؟»

- ۱ بیایید برای خداوند آواز شادی سردهیم،
صخره نجات خود را با ترنم بسراییم،
نزد او حمدگویان آییم،
با سرودهایمان، شادمانه سپاسش گوئیم.
- ۲ آری، خداوند، خدایی بزرگ است،
پادشاهی بزرگ، برتر از تمامی خدایان؛
نشیب های زمین در دستش
و فراز کوهها از آن اوست.
- ۳ دریا آن اوست، او آن را پدید آورد
و دستهای او، خشکی را ساخت.
- ۴ بیایید، زانو زنیم، به خاک افتیم،
خدا را که هستی بخش ماست بستاییم.
- ۵ آری او خدای ماست و ما،
قومی که او شبانی می کند
و گله ای که به دست او هدایت می شود.
- ۶ آیا امروز کلام او را می شنوید؟
«دل خود را سخت مسازید، آنگونه که در بیابان کردید،
روز مستا و مریبا؛
آن روز پدران شما مرا آزمودند و برانگیختند
حال آنکه کارهای شگفت مرا دیده بودند.

- ۱۰ «چهل سال نسل آنها مرا مایوس کرد
و گفتم این قوم گمراه دل است.
آنها راه‌های مرا نشناختند؛
۱۱ پس در خشم خود سوگند خوردم
که هرگز به آرامش من راه نخواهند یافت.»

ای خدایی که ما و دنیا را آفریدی، برای همه نعمت‌هایی که دست تو به ما می‌بخشد سپاسگزاریم، زیرا مسیح تو صخره‌ای است که ما را نجات می‌دهد و قومی هستیم که او ما را شبانی می‌کند. مگذار که قلب ما گمراه گردد که از حق شناسی روگردان شویم. بگذار که کلام تو را بشنوم تا در آرامش تو وارد شویم.

مزمور ۹۶

«او می‌آید تا زمین را داوری کند»

- ۱ سرودی تازه برای خداوند بسرایید،
ای تمامی زمین خداوند را بسرایید،
۲ خداوند را بسرایید و نام او را ستایش کنید.
۳ پیوسته نجات او را اعلام نمایید.
جلال او را برای همه اقوام حکایت کنید
و کارهای شگفتش را برای ملت‌ها.
۴ خداوند بزرگ است و یگانه شایسته مدح،
مُهییب و برتر از همه خدایان.
۵ خدایان امت‌ها دروغینند،
خداوند، آسمانها را آفرید.
۶ شکوه و جلال در حضور او،
زیبایی و قدرت در قدس اوست.

- ۷ ای قبایل قومها، خداوند را توصیف نمایید،
جلال و قدرتش را توصیف نمایید،
۸ خداوند را به جلال نامش توصیف نمایید.
۹ قربانی‌هایتان را بیاورید و به صحنهای او وارد شوید،
خداوند را در زینت قدوسیت بپرستید،
ای تمامی زمین در حضور وی بلرزید.
۱۰ رفته در میان امت‌ها بگویید: «خداوند پادشاه است!»
زمین، بی‌تزلزل استوار می‌ماند.
او قومها را با عدالت داوری می‌کند.
۱۱ باشد که آسمان شادی و زمین به وجد می‌آیند،
دریا و ذخایرش غرّش نمایند،
۱۲ تمامی دشت‌ها در جشن و سرور باشند
و درختان جنگل فریاد شادی آورند؛
۱۳ پیش روی خداوند، چون او می‌آید.
او می‌آید تا زمین را داوری کند.
او جهان را با عدالت داوری خواهد کرد
و قومها را به انصاف.

ای خدا، آفریننده و پادشاه ما، آن زمانی که آسمان از جلال تو شادی می‌کند و دریا می‌غرّد، آنگاه که دهکده‌ها و جنگلهای زمین برای ملکوت تو، به وجد آیند، آیا ما تنها آفریدگان تو نخواهیم بود که کارهای شگفت تو را اعلام می‌کنیم؟ آیا تنها کسانی نخواهیم بود که به دنیا بگوییم: «نجات یافته‌ای» و در حضور تو از شادمانی پایکوبی کنیم؟

مزمور ۹۷

«خدا متعال است بر تمامی زمین!»

- ۱ خداوند پادشاه است! زمین شادی کند!
بر جزیره‌های بی‌شمار سُور باد!
- ۲ تاریکی و ابرها او را دربرگرفته‌اند،
عدالت و راستی اساس تخت اوست.
- ۳ آتشی، پیش رویش می‌رود
و دشمنانش را می‌سوزاند.
- ۴ برقهایش دنیا را برمی‌افروزد،
زمین این را می‌بیند و می‌لرزد.
- ۵ در حضور خداوند مالک سراسر زمین،
کوهها چون موم ذوب می‌شوند.
- ۶ آسمانها عدالتش را اعلام می‌کنند
و همه امتها جلال او را نظاره.
- ۷ شرم باد بر خادمان بتها که فخر می‌فروشدند.
ای همه خدایان در حضور او سجده کنید!
- ۸ شادی بزرگی برای صهیون که می‌شنود!
شهرهای یهودا شادی می‌کنند
در برابر داوریهای تو، ای خداوند.
- ۹ تو ای خداوند،
بر سراسر عالم متعال هستی.
تو از آسمان بر همه خدایان حکم می‌رانی.

- ۱۰ ای شما که خداوند را دوست می‌دارید، از بدی دوری کنید،
زیرا او زندگی مؤمنانش را حفظ می‌کند
و از دست شریران آنها را می‌رهاند.
 - ۱۱ روشنایی برای عادلان افشانده شده
و شادی از برای ساده‌دلان.
 - ۱۲ ای عادلان در خداوند شادی کنید
با یادمان پاکی‌اش، او را بستایید.
- ای خدای متعال و سرور همه کائنات، زمانی که پسر تو در دنیا پدیدار شد تا
ملکوت عدالت و دوستی را اعلام نماید، در او جلال تو را دیدیم و این برای تمامی
زمین، شادی عظیم بود. به ما قلبی ساده ببخش تا بتهای این زمان را خدمت نکنیم
بلکه با بیزاری از بدی و در محبت نامت، در پیشبرد ملکوت تو بکوشیم.

مزمور ۹۸

«زمین پیروزی خدا را دیده است»

- ۱ برای خداوند سرودی تازه بسرایید،
زیرا کارهای شگفت کرده است
و با بازوی قدّوس و دست راست خویش،
پیروزی را یقین بخشیده.
 - ۲ خداوند فتحش را نمایاند
و عدالت خود را برامتها آشکار ساخت؛
 - ۳ وفاداری و محبت خود را
برخاندان اسرائیل به یاد آورد.
- تمام سرزمینهای دور دست،
پیروزی خدای ما را دیدند.

۴ ای تمامی زمین خداوند را بستایید،
بانگ برآورید! آواز سرایید، ترمّم نمایید.

۵ برای خداوند بنوازید،

با بریط و نوای همه سازها؛

۶ با صدای شیپور و آواز کرتا،
خداوند پادشاه خود را بستایید.

۷ تا دریا با فراوانیش بخروشد،

دنیا و تمامی ساکنانش!

۸ رودها دست به هم کوبند

و کوهها با شادی هم آوا شوند.

۹ همه پیش روی خداوند،

چون او برای دآوری زمین می آید.

جهان را با عدالت،

و امتها را به انصاف داوری خواهد کرد.

تو ای خداوند وفاداری خود را به یاد آوردی، آنگاه که پسر را به جهان فرستادی
و او را بر مرگ پیروز گرداندی. بگذار که مردم این زمان، ملکوت و عدالت او را
بشناسند تا تمامی زمین از دیدن کارهای شگفت تو، با سرودی همیشه تازه سپاست
را بسرایند.

مزمور ۹۹

«او قدوس است»

۱ خداوند پادشاه است، قومها می لرزند،

او بر کزّوبیان جلوس فرموده، زمین می لرزد.

۲ خداوند در صهیون عظیم است،

او بر تمامی قومها حکم می راند.

۳ نامش را می ستایند، عظیم و مُهیب،
زیرا که قدّوس است!

۴ فرمانروای دوستدار عدالت، تواناست.

تویی که انصاف را برقرار می کنی،

تویی که عدالت و راستی را در یعقوب پایدار می گردانی.

۵ خداوند، خدای ما را بستایید،

در برابر تختش سر بر خاک سایید،

زیرا او قدّوس است.

۶ موسی، هارون در میان کاهنانشان،

سموییل در میان نمازگزاران،

آنان همگی خداوند را خواندند،

و ایشان را اجابت نمود.

۷ او در ستون ابر با آنها سخن گفت.

آنها فرمانها، احکام و شریعت او نگاه داشتند.

۸ ای خداوند، خدای ما، آنان را مستجاب نمودی،

برایشان خدایی صبور بودی،

اما خطایایشان را سزا می دادی.

۹ خداوند، خدای ما را بستایید،

بر کوه مقدّسش سجده کنید،

زیرا خداوند، خدای ما قدّوس است.

ای خدا، تنها تو قدوسی، ای خدا، تنها تو پادشاهی، تو که پیام نوین انجیل را به ما دادی، درستی و عدالت را در کلیسای خود برقرار ساز. تو که به خاطر خطاهایمان ما را اصلاح می کنی تا در قدوسیت تو شریک باشیم، به خاطر صبرت، تو را می سراییم.

مزمور ۱۰۰

«او را سپاس گوئید زیرا وفادار است»

۱ ای تمامی زمین خداوند را بستائید،
۲ در شادی، خداوند را بندگی کنید،
با آواز شادمانی به سوی او آیید.

۳ بدانید که خداوند، خداست؛
او ما را آفرید و ما از آن وی هستیم،
قوم و گله چراگاه او.

۴ به درگاه او آیید و او را شکر کنید.
در صحنهایش، او را سپاس گوئید،
شکرش نمایید و نام او را بستائید.

۵ آری خداوند نیکوست،
محبتش جاودانه،
وفاداری او نسل پس از نسل استوار.

ای خدای محبت و همیشه وفادار، قربانی مقدس قوم خود را بپذیر، آنچه برای ما کردی درک می کنیم و با متبارک خواندن نام تو در شادی روح القدس، سوی تو می آییم تا ترا بندگی کنیم.

مزمور ۱۰۱

«از کاملترین راه»

۱ عدالت و نیکویی را خواهیم سرایید،
سرودهایم برای توست، ای خداوند.
۲ در کمال راه خواهیم گذارد؛
کی به نزد ما خواهی آمد؟

۳ در خانه خود،
با قلبی پاک روزگار خواهیم گذراند؛
حتی نیم نگاهی
بر پلیدی ها نخواهیم انداخت.

۴ از بت پرستی بیزارم،
فریفته ام نمی کنند.
دل ناراست از من دور است،
به شریر اعتنا نمی کنم.

۵ آن که در نهان، همسایه اش را بد گوید،
او را خاموش سازم.
نگاه متکبر و قلب جاه طلب را
تاب نخواهم آورد.

۶ چشمانم شایستگان این سرزمین را می شناسد،
اینان همنشینم خواهند بود.
آن که نیک کردار باشد،
او خادم من خواهد بود.

۷ در میان اهل خانه‌ام،
برای فریبکاران جایی نیست؛
و نه دروغگو را توان،
که در زیر نگاهم تاب آورد.

۸ همه خطاکاران این سرزمین را،
هر سپیده‌دم خاموش خواهم ساخت
تا بدکاران،
از شهر مقدس خداوند دور شوند.

ای خدا تنها تو کامل هستی، تو که از ما می‌خواهی همانند تو کامل باشیم، ما را در تن مسیح - که بدی بر آن قدرت ندارد - حفظ کن. نگاه او و قلب او را به ما ده. سخنان دروغ ما را به سکوت تبدیل کن تا در میان این جهان، کلیسای تو با فقر و فروتنی خویش، نشانه عدالت تو باشد.

مزمور ۱۰۲

«آنان می‌گذرند، تویی که می‌مانی!»

الف

۲ خداوندا، دعای مرا بشنو،
فریادم به نزد تو برسد!
۳ در روز تنگی‌ام
بر من نظر انداز؛
آنگاه که تو را می‌خوانم،
بشتاب و پاسخم ده.

۴ روزهایم چون دود می‌روند،
استخوانهایم همچون هیزم در آتش است؛
۵ دل من به سان علف هرز کاهیده می‌شود
و نان خوردن خود را از یاد می‌برم.
۶ آنقدر شیون کرده‌ام
که پوست به استخوانهایم چسبیده است.

۷ به مرغ سقای بیابان می‌مانم،
حکایت جغد ویرانه‌ها شده‌ام.
۸ شب را به بیداری می‌گذرانم،
این منم، مثال پرنده‌ای گوشه‌گیر بر روی بام.
۹ هر روز دشمنانم مرا سرزنش می‌کنند،
بر من غضبناک شده، مرا نفرین می‌کنند.

۱۰ نانی که می‌خورم خاکستر است
و آبی که می‌نوشم به اشک آلوده.
۱۱ چون تو در بیزاری و خشم خود،
مرا برافراشته و به زیر افکنده‌ای.
۱۲ روزهایم مثل سایه رو به زوال،
و من همچو علف خشک می‌شوم.

ب

۱۳ اما تو ای خداوند که بر تخت نشسته‌ای تا به ابد،
نسل بعد از نسل تو را یاد خواهند کرد.
۱۴ برخیز و بر صهیون رحم کن،
وقت آن است که او را بیامرزی.
۱۵ خدمتگزاران تو سنگهایشان را عزیز می‌دارند
و بر ویرانه‌هایش دل می‌سوزانند.

- سالهای تو، برابر تمامی قرن‌هاست.
 ۲۶ از قدیم اساس زمین را گذاردی،
 آسمان ساخته دستهای توست.
 ۲۷ آنها نابود می‌شوند، اما تو می‌مانی؛
 آنها همچون لباسی پوسیده می‌شوند
 و تو چون تن پوشی آنها را عوض می‌کنی.
- ۲۸ اما تو همان هستی که بودی،
 سالهای تو بی پایان است.
 ۲۹ فرزندان بندگان خواهند ماند
 و نسل آنان در برابرت پایدار.

ای خدا که از ازل تا به ابد هستی، اما آسمان و زمین همچون جامه کم کم از بین می‌روند. ای خدا تو ابتدا و انتها نداری، اما انسان همچون علف نابود می‌شود. تو ناله مسیح را که به او توهین شد و تنها و بی کس محکوم به مرگ گردید شنیدی. ساعت آن فرا رسیده که بر کلیسای خود رحم نمایی، پس بگذار که کلیسا با مدد به انسانهای محروم، جلال تو را آشکار سازد و نیز قوم نوینی باشد که تمامی اقوام زمین در آن جمع شوند تا تو را نسل بعد از نسل به یاد آورند.

مزمور ۱۰۳

«محبت پدر به فرزندان»

الف

- ۱ ای جان من خداوند رامتبارك بخوان
 و نام قدوسش را از اعماق وجود؛
 ۲ ای جان من، خداوند رامتبارك بخوان
 و نیکی‌هایش را از یاد مبر.

- ۱۶ ملتها از نام خداوند خواهند ترسید
 و تمامی پادشاهان زمین از جلال او.
 ۱۷ آنگاه که خداوند صهیون را دگربارنا کند،
 آنگاه که او در جلالش پدیدار شود،
 ۱۸ خداوند به داد مظلومان خواهد رسید
 و دعای آنان را خوار نخواهد شمرد.
- ۱۹ باشد که اینها برای نسل آینده نوشته شود
 و قوم باز آفریده، خدای خود را بسراید.
 ۲۰ «خداوند از بلندبهای قدس الاقداس خود خم شده،
 از آسمان بر زمین می‌نگرد؛
 ۲۱ تا ناله اسیران را بشنود
 و محکومین به مرگ را رهایی بخشد.»
- ۲۲ نام خداوند را در صهیون برمی‌افرازند
 و سپاسش را در سراسر اورشلیم.
 ۲۳ آنگاه اقوام امتهای به هم خواهند پیوست
 تا خداوند را بپرستند.

ج

- ۲۴ قدرتم را در نیمه راه گرفت
 و از شمار روزهایم کاست.
 ۲۵ به او گفتم: «ای خدای من،
 در نیمه عمر مرا برمدار.»

- ۱۴ او سرشت ما را می‌شناسد
و می‌داند که ما از خاک هستیم.
- ۱۵ انسان، روزهایش چون علف است،
مانند گل‌های صحرایی می‌شکفتد،
- ۱۶ با يك وزش باد، نیست می‌شود
و مکانش، او را فراموش می‌کند.
- ج
- ۱۷ اما رحمت خدا [بر ترسندگان]،
از ازل تا ابد پایدار است
و عدالت او برای فرزندان فرزندان؛
برای ترسندگان که عهد او را نگاه می‌دارند
و اراده‌اش را فرمانبردار.
- ۱۸ خداوند تختش را در آسمان قرار داده
و سلطنت او بر جهان گسترده است.
- ۲۰ ای فرشتگان خدا، او را بستابید،
ای پیام‌آوران نیرومند خداوند
که به فرمانهای او گردن می‌نهدید،
- ۲۱ ای همه لشگریان او، خدا را بستابید؛
و ای خادمان او که اراده‌اش را به جا می‌آورید.
- ۲۲ ای جمیع مخلوقاتش،
در سراسر ملکوت او خداوند را ستایش کنید،
- ای جان من، خداوند را متبارک بخوان!

ای خدای مهربان، پدر ما، تو که می‌خواهی فرزندان حیات داشته باشی، تو که عظمت و عمق محبت خود را در مسیح بر ما آشکار ساختی، در او کلیسای خود را تازه ساز، توسط او، آن را به پیمان خود وفادار نگاه دار، تا با او همواره ترا متبارک بخواند.

- ۳ زیرا او همه گناهانت را می‌آمرزد،
از هر مرضی شفایت می‌دهد؛
- ۴ جان تو را از هاویه می‌رهاند،
تاجی از مهر و محبت بر سرت می‌نهد؛
- ۵ ایام پیریت را لبریز از نیکی‌ها می‌کند،
و جوانی تو را همچو عقاب تازه می‌گرداند.
- ۶ خداوند عدالت را به جا می‌آورد
و داد مظلومان می‌ستاند؛
- ۷ او اراده‌اش بر موسی آشکار ساخت
و کارهای شگفت خود را بر فرزندان اسرائیل.
- ب
- ۸ خداوند رحیم و مهربان است،
دیر خشم و پر مهر؛
- ۹ او همواره بر انسان حکم نمی‌کند
و کینه ابدی به دل نمی‌گیرد.
- ۱۰ همسنگ گناهانمان با ما نمی‌کند،
و موافق خطاهایمان ما را جزا نمی‌دهد.
- ۱۱ همچون برتری آسمان بر زمین،
محبت او بر ترسندگان بسیار است؛
- ۱۲ همچو شرق که از غرب دور است،
او گناهانمان را از ما دور می‌کند؛
- ۱۳ چون مهر پدر بر فرزندان،
خداوند نیز با ترسندگان مهربان است.

مزمور ۱۰۴

«کارهایت، وه که چه بسیارند!»

الف

- ۱ ای جان من، خداوند را متبارک بخوان؛
خداوندا ای خدای من، تو بسیار عظیمی،
به شکوه و جلال آراسته،
۲ و ردایی از نور پوشیده‌ای!
- ۳ تو آسمانها را چون خیمه‌ای می‌گسترانی،
مسکنهای خود را بر آبهای برین بنا می‌کنی،
از ابرها ارابه می‌سازی
و بر بالهای باد به پیش می‌روی؛
۴ بادها را پیام آوران خود،
و برق‌های سوزنده را خادمان خویش ساخته‌ای.
- ۵ تو زمین را بر اساس استوار ساختی،
تا همچنان پایدار بماند.
۶ بر آن لباسی از اقیانوس پوشاندی،
آبها نیز بر کوهها گسترده‌اند.
- ۷ از بیم تو آبها می‌گریزند،
از آوای چون رعد تو می‌هراسند.
۸ چون آبشار از فراز کوهها به دره‌ها،
به جایی که بر آنها قرار دادی، فرو می‌ریزند.
۹ مرز می‌گذاری که از آن فراتر نروند،
که دیگر زمین را نپوشانند!

- ۱۰ چشمه‌ها را در دره‌ها پدیدار می‌سازی
و آب در میان کوهها روانست؛
۱۱ حیوانات صحرا را سیراب می‌نماید،
گورخران تشنگی را به آن فرو می‌نشانند؛
۱۲ در جوار آن پرندگان آشیانه می‌کنند
و در شاخسارها آواز سر می‌دهند.
- ب
- ۱۳ از مکانهای بلند خویش کوهها را سیراب می‌کنی
و از برکت دستهایت زمین سیر می‌شود؛
۱۴ علف تازه را برای گله‌ها
و گیاهان را به منفعت انسان می‌رویانی؛
- ۱۵ تا از زمین نان خود را به دست آورد،
و شراب که دل انسان را شاد سازد،
روغن را که به چهره‌اش نور می‌بخشد،
و نان، که به آن قلبش قوی سازد.
- ۱۶ درختان خداوند سیراب می‌شوند،
سروهای آزاد لبنان که او کاشته است؛
۱۷ در آنها گنجشک آشیانه می‌سازد
و لك لك در سرو مسکن می‌گزیند.
۱۸ فراز کوهها از آن بز کوهی است
و صخره‌ها پناهگاه موش‌های صحرايي.
- ۱۹ ماه را نشانه زمان کردی،
و خورشید را که زمان غروبش بشناسد.
۲۰ تاریکی را می‌فرستی و شب فرا می‌رسد؛
آنگاه حیوانات در جنگل بیدار می‌شوند.

- ۳۱ تا به ابد جلال بر خداوند باد!
باشد که خداوند در کارهای خویش خوشنود شود.
۳۲ با نگاه او زمین می لرزد،
چون کوهها را بساید، آتشفشان شوند.
- ۳۳ می خواهیم برای خداوند بسرایم
تا آنگاه که زنده ام،
و برای خداوند بنوازم تا که هستم.
۳۴ باشد که سرود من او را پسند آید!
شادی من در خداست.
۳۵ باشد که گناهکاران از زمین محو شوند
و شیران دیگر هرگز نباشند!

ای جان من، خداوند را متبارك بخوان!

ای خدای بزرگ، تو را برای عظمت و فراوانی کارهایت سپاس گویند! تو را سپاس گویند برای کار انسان و برای نانی که جان او را نیرو می بخشد توراسپاس گویند برای روح القدس که چهره نوینی به زمین می بخشد!

مزمور ۱۰۵ «خدا به کلامش وفادار است»

الف

- ۱ خداوند را سپاس گویند، نامش را بخوانید،
در میان قومها کارهای شگفتش را ذکر کنید؛
۲ برای او بسرایید، سرود خوانید،
عجایبش را پیوسته بازگویند؛
۳ به نام قدوس او فخر نمایید
که شادمانی از برای طالبان خداست!

- ۲۱ شیر بچه از پس صید می غرّد
و خوراك از خدا می خواهد.
- ۲۲ با طلوع خورشید آنها برمی گردند
و در لانه خویش پناه می گیرند.
۲۳ انسان برای کار بیرون می آید
و تا شامگاهان تلاش می کند.
- ج
- ۲۴ ای خداوند کارهایت وه که چه بسیارند!
هر چیز را با حکمت آفریده ای،
زمین از مخلوقات تو پُر است.

- ۲۵ این است دریای بی کران،
آنجا که جانداران بی شمار
از بزرگ و کوچک آفریده ای؛
۲۶ آنجا که کشتی ها می گردند،
و «لویاتان» را، که بازیچه شان سازد.

- ۲۷ اینها همه به تو امید دارند
تا قوتشان را به موقع برسانی.
۲۸ تو می بخشی و آنان جمع می کنند،
تو دست خود را می گشایی، آنها سیر می شوند.

- ۲۹ رویت را می پوشانی، هراسان می شوند،
نفس آنان را می گیری، می میرند
و به خاك باز می گردند.
۳۰ روح خود را می دمی، به وجود می آیند.
تو روی زمین را تازه می گردانی.

- ۱۴ اما خدا نگذاشت که بر آنها ظلم شود،
به خاطر آنها پادشاهان را تنبیه می کرد؛
- ۱۵ «بر مسیحان من دست مگذارید
و پیامبرانم را نیازارید.»
- ۱۶ قحطی بر آن سرزمین فرستاد
چنان که نان یافت نمی شد.
- ۱۷ اما پیش روی آنها مردی فرستاد،
یوسف را، که به غلامی فروخته شد.
- ۱۸ به پاهایش زنجیر،
به گردنش طوق بردگی بستند؛
- ۱۹ تا آن روز که پیشگویی اش به انجام رسید
و کلام خداوند بی گناهی اش را معلوم کرد.
- ۲۰ پادشاه، فرمان آزادی اش صادر کرد،
فرمانروای قومها او را آزاد ساخت؛
- ۲۱ او را بر خانه خود،
و بر تمامی اموالش اختیار داد.
- ۲۲ تا شاهزادگان او را فرمان برند
و او بزرگان را حکمت آموزد.
- ج
- ۲۳ آنگاه اسراییل وارد مصر شد،
یعقوب به سرزمین حام کوچ کرد.
- ۲۴ خدا قوم خود را نعمت بخشید
و نیرومندتر از تمامی دشمنانش گردانید.
- ۲۵ قلب مصریان را دگرگون ساخت
تا به قومش نفرت ورزند و بر ایشان تباری کنند.

- ۴ خداوند و قوتش را بجوید،
همواره جویای روی او باشید.
- ۵ اعمال شگفت او را به یاد آرید،
معجزات و داوری هایش که به زبان آورده.
- ۶ شما ای نسل ابراهیم، خدمتگزار او،
ای فرزندان یعقوب که برگزیده او هستید،
- ۷ این است خداوند خدای ما،
عدالتش بر سراسر جهان گسترده است.
- ۸ او همیشه پیمان خود را به یاد داشته،
و قانونش برای هزار نسل.
- ۹ وعده ای که به ابراهیم داد
و با سوگند خود به اسحاق، او را دیگر بار اطمینان بخشید.
- ۱۰ برای یعقوب بایسته شد،
و برای اسراییل پیمانی جاودانه.
- ۱۱ او گفت: «دیار کنعان را به شما می بخشم
که این میراث شما خواهد بود.»
- ب
- ۱۲ آن زمان آنان انگشت شمار بودند،
و نه بیش از مشتی مهاجر؛
- ۱۳ از دیاری به دیار دیگر
و از سرزمینی به سوی زمینی دیگر می رفتند.

- در قبیله خویش حتی يك نفر عقب نماند.
 مصر از رفتن آنان شادمان شد ۳۸
 زیرا قوم برگزیده به وحشتشان انداخته بود.
- او ابری از برای حفاظتشان بگسترد،
 شب هنگام، آتشی ایشان را روشنی می داد.
 چون خواستند، بلدرچین برایشان فرستاد،
 با نان آسمان سیرشان نمود. ۳۹
- صخره را شکافت، آب فوران زد ۴۰
 و نهری در بیابان روان گردید. ۴۱
- او سخن مقدسش را به یاد داشت،
 آن که به ابراهیم، خدمتگزار خویش گفته بود.
 قوم خود را در شعف بیرون آورد
 و برگزیدگان خویش را با فریاد شادمانی. ۴۲
- زمین امتها را به آنها بخشید ۴۳
 و دست رنج قومها نصیب ایشان شد؛
 تا فرمانهایش را نگاه دارند
 و قوانین او را گردن نهند.
 هلولیاه! ۴۴
- ای خدایی که به وعده های خود وفادار هستی، به راستی نیکوست که پیوسته کارهای
 شگفت تو را بیان کنیم یعنی آنچه برای قوم خود با ابراهیم، یوسف و موسی انجام
 دادی و در مسیح، فرستاده خود، برای ما آن را به کمال رساندی. تو عهد جاودانی
 خود را به یاد می آوری و با بخشش آب و نان و روح القدس دائماً کلیسای خود را
 آزاد می سازی؛ باشد که کلیسایت، در این جهان به جستجوی روی تو و به سوی
 جشن جاودانی تو رهسپار شود!

- اما خدمتگزار خود موسی را فرستاد ۲۶
 و هارون که برگزیده اش بود؛
 تا آیات و معجزات میان ایشان
 و در سرزمین حام آشکار کنند. ۲۷
- ظلمت را فرستاد و تاریکی همه جا را فرا گرفت،
 تا کسی با کلامش مخالفت نرزد.
 آبها را خون کرد ۲۸
 ماهی ها را از بین برد. ۲۹
- وزغها سرزمینشان را پوشاندند
 و حتی سرای پادشاه را.
 او گفت و حشرات آمدند،
 پشه ها سراسر آن دیار را پوشاندند. ۳۰
- تگرگ به جای باران فرستاد
 و رعد و برقها که مزارع را سوزاند.
 تاکها و انجیرها را زد
 و درختان آن زمین را شکست. ۳۱
- او گفت و ملخها رسیدند
 و حشرات بی شمار،
 که تمامی علفها را خوردند
 و همچنین میوه زمینشان. ۳۲
- نخست زادگان آن دیار را زد
 شکوفه های نسل ایشان را.
 او قوم خود را با بارهای طلا و نقره خارج ساخت، ۳۳

مزمور ۱۰۶

«همچون پدرانمان، ما نیز گناه کرده ایم!»

۱ هلولویاه؛

الف

خداوند را شکر گوئید زیرا که نیکوست
و محبتش جاودانی.

۲ کیست که از کارهای عظیم خداوند سخن گوید
وجلالش را بانگ برآورد؟

۳ خوشایه حال عادلان
و آنان که انصاف را همواره نگاه می دارند!

۴ خداوند مرا به یاد آور،

در لطف خویش برقوم خود،

به دیدار من بیا، نجات من باش.

۵ باشد که خوشبختی برگزیدگان ترا ببینم،

در شادمانی قومت شریک شوم

و با میراث تو فخر نمایم!

۶ همچون پدرانمان، ما نیز گناه کرده ایم،

خطا کرده تو را انکار نموده ایم.

۷ پدرانمان که در مصر بودند، کارهای عجیب تو را درك نکردند،

محبت عظیم تو را از یاد بردند

و در ساحل دریای سرخ بر تو شوریدند.

۸ اما خدا به خاطر نام خود، آنان را نجات داد

تا جلال یابد.

۹ او بر دریای سرخ هراس افکند، دریا خشکید.

بر لجه ها راهشان بُرد

همچنانکه در صحرا.

۱۰ آنان را از دست ستمگران،

واز جنگ دشمن رهانید.

۱۱ آبها بر حریفانشان ریخت

که حتی یکی از آنها نجات نیافت.

۱۲ آنگاه به سخنش ایمان آوردند

و ستایش او را سراپیدند.

ب

۱۳ زودا آنچه کرده بود از یاد بردند،

بی آنکه بخواهند اراده اش را دریابند.

۱۴ در بیابان شهوت رانی کردند

و آنجا خدا را آزمودند.

۱۵ و خدا آنچه را خواستند به آنان بخشید

آنقدر که بی میل شدند.

۱۶ در اردوگاه به موسی حسادت کردند

و به هارون، کاهن خداوند نیز.

۱۷ زمین شکافته شده، داتان را بلعید

و جماعت آبیرام را زنده به گور کرد؛

۱۸ آتشی آنان را نابود ساخت

و شعله ای این شریران را بلعید.

- ۳۰ اما فینحاس از برای داوری برخاست
و بلا باز ایستاد؛
- ۳۱ و این، برایش عدالت شد،
نسل بعد از نسل و تا به ابد.
- ۳۲ نزد آبهای مریبه خدا را خشمگین کردند،
برای موسی بدبختی آوردند؛
- ۳۳ چون روح او را آزدند،
لبانش نسنجیده سخن گفتند.
- ج
- ۳۴ قوم‌هایی که خداوند امر کرده بود
از میان نبردند،
- ۳۵ بلکه با بت پرستان آمیختند،
طریق ایشان را آموختند.
- ۳۶ بت‌های ایشان را بندگی کردند
که برایشان دامی بیش نیست؛
- ۳۷ پسران و دختران خود را،
برای اهریمنان قربانی نمودند.
- ۳۸ خون بی‌گناه را ریختند،
خون پسران و دخترانشان را.
برای بت‌های کنعان قربانی گذرانیدند
و زمین از آن ناپاک شد.
- ۳۹ با چنین کارها خود را آلودند
و زناکار شدند.

- ۱۹ در حوریب گوساله‌ای ساختند،
بت فلزی را پرستش نمودند.
- ۲۰ آنچه را که جلالشان بود،
با چهره گاو نر، و با نشخوار کننده‌ای! عوض کردند.
- ۲۱ نجات دهنده خود را از یاد بردند،
خدایی که در مصر کارهای عظیم کرد.
- ۲۲ معجزاتی در سرزمین حام
و کارهای شگفت در دریای سرخ.
- ۲۳ خدا اراده کرد از میانشان ببرد؛
آنگاه موسی برگزیده او،
بر شکاف صخره در برابرش ایستاد
تا غضب مُهلک او را از ایشان دور کند.
- ۲۴ آنان زمین برکت را پست شمردند
و نخواستند به سخن او ایمان آورند.
- ۲۵ در خیمه‌هایشان ناسزا گفتند
بی آنکه به صدای خداوند گوش فرا دهند.
- ۲۶ او دستش بر آنها برافروخت
و سوگند خورد که در بیابان رهایشان سازد؛
- ۲۷ نسلشان را در میان امتهای انداخت
و ایشان را بین قوم‌ها پراکنده ساخت.
- ۲۸ پس به بعل قغور پیوستند،
در قربانی‌های مردگان شریک شدند؛
- ۲۹ با اعمال خود خشم خدا را برانگیختند،
ناگاه مصیبتی بر آنان فرود آمد.

- ۴۰ خداوند بر قومش برافروخت،
از میراث خود بیزار شد؛
- ۴۱ به دست بت پرستان تسلیمشان نمود،
دشمنانشان بر آنها فرمانروا شدند.
- ۴۲ دشمنانشان بر آنها ستم کردند
و دست آنان، بر ایشان سنگین شد.
- ۴۳ بارها از سوی خدا رهایی یافتند،
اما بر اندیشه‌های خود پا فشردند
و در خطاهای خویش فرو رفتند.
- ۴۴ آنگاه خدا تنگی ایشان را نگریست
وقتی که فریادشان را شنید.
- ۴۵ او عهد خود را با آنها به یاد آورد،
در محبت عظیم خود، پشیمان شد.
- ۴۶ در دل اسیر کنندگان ایشان،
ترحم را بیدار کرد.
- ۴۷ خداوندا، ای خدای ما، ما را نجات ده،
از میان بت پرستان برگیرمان
تا به نام قدوس تو، شکر گوئیم،
با افتخار سپاست را سراییم!
- ۴۸ خداوند، خدای اسرائیل ستایش باد،
از ازل تا جهان باقی است؛
و تمامی قوم خواهند گفت:
آمین! آمین! هلولویاه!

ای خدای همیشه بخشنده، به درستی که ما وارث پدرانمان هستیم، گاهی سرکش و نافرمان و گاهی نجات یافته و آزاد! آنگاه که کارهای محبت تو را از یاد می‌بریم عهد خود را با انسانها به یاد آور. ای خداوند، خدای ما، ما را نجات ده، در تن مسیح خود ما را جمع کن، تنها نام تو را می‌ستاییم و تنها سپاس تو را سراییدن افتخار ماست.

مزمور ۱۰۷

«شناختن محبت خداوند»

الف

- ۱ خداوند را سپاس گوئید، زیرا که نیکوست
و محبتش جاودانی!
- ۲ نجات یافتگان خداوند این را خواهند گفت،
آنانی را که از دست ستمگر فدیه داده
- ۳ و از میان ملتها دیگربار، آنان را گردهم آورده است،
از شرق و غرب، از شمال و جنوب.
- ۴ در بیابان سرگردان بودند
و راه به هیچ شهری نمی‌یافتند.
- ۵ از گرسنگی و تشنگی در رنج،
با حس از پا در آمدن.
- ۶ در تنگی خود سوی خداوند فریاد برآوردند
و او ایشان را از پریشانی رهایی داد؛
- ۷ آنان را به راهی مستقیم هدایت نمود
تا به شهری مسکون رسند.

- ۱۹ آنگاه در تنگی خود سوی خداوند فریاد برآوردند
و او ایشان را از پریشانی رهایی داد؛
- ۲۰ کلام خود را می فرستد، شفایشان می دهد
و جانشان را از هاویه رها می سازد.
- ۲۱ باشد که خداوند را برای محبتش، سپاس گویند
و نیز برای کارهای شگفت او برای انسان!
- ۲۲ قربانی های سپاسگزاری تقدیم دارند
و اعمال خدا را با فریاد شادی بازگو کنند!
- ۲۳ برخی به کشتی ها درآمده به دریا رفتند،
بر آبهای عظیم به کار پرداختند.
- ۲۴ آنان نیز کارهای خدا را،
و اعمال شگفت او را در میان لُجّه ها دیدند.
- ۲۵ به کلام او طوفانی برخاست،
بادی که امواج دریا را برمی افراشت؛
- ۲۶ به سوی آسمانها برخاسته، به اعماق فرود می شدند.
آنها تا حد مرگ بیمار بودند.
- ۲۷ چونان مَستان، افتان و خیزان چرخ می زدند
و حکمتشان غرق شده بود.
- ۲۸ در تنگی خود سوی خدا فریاد برآوردند
و ایشان را از پریشانی رهایی داد،
- ۲۹ طوفان را خاموش ساخت
و امواج را آرام نمود.
- ۳۰ آنان از این آرامش شاد شدند
و ایشان را به ساحل مرادشان رسانید.

- ۸ باشد که خداوند را برای محبتش، سپاس گویند
و نیز برای کارهای شگفت او برای انسان!
- ۹ زیرا عطش تشنگان را فرو می نشاند
و گرسنگان را از نعمت سیر می نماید.
- ۱۰ ساکنان دیار ظلمت و مرگ،
آنها که زندانی مذلت و بسته زنجیر بودند.
- ۱۱ زیرا که از فرمان های خدا سرپیچی کرده
و اراده قادر مطلق را حقیر شمرده بودند.
- ۱۲ پشتشان در زیر باز مشقت خم شد،
تا از پادرامدند و یاری دهنده ای نبود.
- ۱۳ آنگاه در تنگی خود به سوی خداوند فریاد برآوردند
و او ایشان را از پریشانی رهایی داد؛
- ۱۴ از تاریکی موت رهایشان ساخت،
زنجیرهای ایشان را بگسست.
- ۱۵ باشد که خداوند را برای محبتش سپاس گویند
و نیز برای کارهای شگفت او برای انسان!
- ۱۶ زیرا او دروازه های برنجین را می شکند،
و میله های آهنین را خرد می کند.
- ب
- ۱۷ به راه گناهانشان گمراه شده،
و زیر بار خطایایشان پشت خم کرده بودند.
- ۱۸ هیچ خوراکی از گلویشان نمی گذشت،
اشتهایشان کور شد.

- ۴۱ اما مسکین را از مشقتش برمی خیزاند
و خانه‌ها را چون گله‌ها افزون می‌کند.
۴۲ راستدلان این را دیده شاد می‌شوند
و شرارتها دهان می‌بندند.
۴۳ هر که خواهان حکمت است، این را در دل نگاه خواهد داشت
و در اینها، محبت خداوند را خواهد شناخت.

ای خدای همه رهایی‌ها، تو را سپاس می‌گوییم که ما را در شهری جمع آوردی که در آن تشنگی را از بین می‌بری و زنجیرها را می‌گسلی؛ آنجا که طوفانها را آرام می‌کنی و لبه‌ایمان را برای سپاس می‌گشایی. این شهر را برکت ده؛ مگذار به دست قدرتمندان بیفتد، بیاموز که چگونه فقیران را یاری داده و بیدادگری را برچینی.

مزمور ۱۰۸ «محبت تو عظیم تر از آسمانهاست»

- ۲ ای خدا، دل من استوار است،
می‌خواهم سرودها بسرایم و ترنم نمایم، جلال من این است!
- ۳ ای عود و بربط بیدار شوید
تا سپیده را برخیزانم!
- ۴ ای خداوند، در میان قومها تو را شکر خواهم گذارد
و در تمامی ملتها سرودهایم را خواهم سرایید.
- ۵ محبت تو عظیم تر از آسمانها،
و حقیقت تو برتر از ابرهاست.
- ۶ ای خدا، بر آسمانها برخیز،
جلال تو بر سراسر زمین بگسترده
و محبوبانت رهایی یابند.
- ۷ با دست راست خود آنها را نجات ده، ما را پذیراباش!

- ۳۱ باشد که خداوند را برای محبتش، سپاس گویند
و نیز برای کارهای شگفت او برای انسان!
۳۲ او را در جماعت قوم، بستایید
و در مجلس بزرگان، جلال دهید.

ج

- ۳۳ اوست که رودخانه‌ها را بیابان می‌کند
و چشمه‌های آب را زمین خشک؛
۳۴ سرزمین حاصلخیز را کویر،
آنگاه که ساکنانشان شرارت ورزند.

- ۳۵ اوست که صحرا را برکه پرآب
و زمین خشک را چشمه می‌سازد؛
۳۶ در آنجا، گرسنگان را مسکن می‌دهد
تا برای خود شهری سازند.

- ۳۷ در مزارع بذر می‌پاشند و تاك می‌کارند
که محصول فراوان می‌دهد.
۳۸ خدا آنها را برکت می‌دهد و شمارشان می‌افزاید،
او نمی‌گذارد که بهایمشان تلف شود.

- ۳۹ آنها زیر بار درد و مشقت،
از پا می‌افتادند و از بین می‌رفتند.
۴۰ زورمندان با سرافکنندگی خوار می‌شوند
و خدا ایشان را در هرج و مرج گمراه می‌سازد.

۸ خدا در قدس الاقداس خود سخن گفت:
«پیروزی از آن منست، من «شکیم» را تقسیم می‌کنم!
و وادی «سُکوت» را نیز؛

۹ «جلعاد و منسی از آن من است،
«أفرایم» خود سر من،
و «یهودا» عصای سلطنت من!

۱۰ «موآب» پیاله پاکیزگی دستهایم،
و نعلین خود را بر «آدوم» خواهم انداخت
و بر «فلسطین» فریاد پیروزی خواهم زد.»

۱۱ چه کسی مرا به شهر استوار رهبری خواهد کرد؟
چه کسی مرا به «آدوم» خواهد رساند؟
۱۲ به جز تو ای خدا، که ما را طرد می‌نمایی
و دیگر با لشگریان ما بیرون نمی‌آیی!

۱۳ مقابل ستمگران، ما را یاور باش.
نجات از آدمیان نمی‌آید.

۱۴ با خدا دلیری خواهیم یافت
و او ستمگران ما را پایمال خواهد کرد.
ما را ترک مکن ای خداوند، به ما پاسخ ده. قلب‌هایمان را آماده ساز تا محبت و وفاداری پسرت را بسرایند. در او، ما محبوب تو، و در پیروزی او سهم هستیم.

مزمور ۱۰۹ «آنان نفرین می‌کنند، اما تو! تو برکت می‌دهی»

۱ ای خدای نیایش‌هایم! سکوت خویش را بشکن،
۲ دهان شریب و لبان حیل‌گر
بر من گشوده شده،

۳ به ناراستی سخن از من می‌گویند؛
با کینه تیزی، دور مرا گرفته‌اند،
بی‌دلیل بر من هجوم می‌آورند.

۴ به عوض دوستی، مرا متهم می‌سازند،
منی که سراپا دعا هستم.

۵ بدی را به جای نیکی به من برمی‌گردانند
و نفرت را به عوض محبت.

۶ «شریری را علیه او برانگیز
تا در کنارش او را متهم کند.

۷ در دادگاه مجرم شود
و دعایش، گناه به حساب آید!

۸ «روزهای زندگیش کوتاه شود،
مقام او را دیگری بگیرد!

۹ فرزندانش یتیم شوند
و همسر او بیوه گردد!

۱۰ «فرزندانش آواره شده و لگردی نمایند،
گدایی کنند و از خرابه‌ها نیز رانده شوند!

۱۱ رباخواری، تمامی دارایی‌اش را ببلعد!
و دیگران ثمره زحماتش را به یغما بَرند.

- ۲۲ ببین من فقیر و مسکینم
و در اعماق وجودم، قلبی زخم خورده دارم.
- ۲۳ همچون سایه‌ای رو به زوال هستم
به سان حشره‌ای که شکار می‌کنند.
- ۲۴ آن قدر روزه گرفته‌ام که زانوانم می‌لرزد،
جان ضعیفم، نحیف شده است.
- ۲۵ در نزد ایشان مایه تمسخر شده‌ام،
مرا که می‌بینند سر تکان می‌دهند.
- ۲۶ یاریم کن! خداوندا، خدای من،
با محبت خود مرا نجات ده.
- ۲۷ تا بدانند این، کار دست تو است!
و این تویی ای خداوند که عمل می‌کنی.
- ۲۸ آنان نفرین می‌کنند، اما تو، برکت می‌دهی؛
باشد که دشمنانم شرمند شوند
و خادم تو شادمان گردد!
- ۲۹ تهمت زندگانم رسوا شوند
و خجالت خویش را مثل ردا بپوشند.
- ۳۰ به آواز بلند خداوند را شکر خواهم کرد،
در میان جماعت، او را خواهم ستود؛
- ۳۱ زیرا او به دست راست مسکین ایستاده
تا او را از سرزنش کنندگانش رهایی دهد.

ای خدایی که عیسی را برخیزانیدی، او که به عوض نیکی‌هایش بدی دید، بی‌گناهی
که تا دم مرگ زخمیش نمودند و رهگذران در برابرش سر تکان می‌دادند؛ می‌دانیم

- ۱۲ «کسی به او وفادار نمآید،
به یتیمانش ترحم نکند!
- ۱۳ تا نسل او از بین برود،
نام فرزندانش محو شود!
- ۱۴ «خطاهای پدرانش به یاد خداوند آید،
گناهان مادرش پاک نشود!
- ۱۵ خداوند اینها را در برابر دیدگانش نگاه دارد
و یادشان را از زمین برکنند.
- ۱۶ زیرا که وفاداری را فراموش کرده،
از پس فقیر و مسکین می‌رفت
وازیبی دلشکسته، تا نابودش کند.
- ۱۷ او که نفرین را دوست می‌دارد، باشد که به خود او باز گردد!
او که برکت را رد می‌نماید، باشد که از او دور شود!
- ۱۸ او لعنت را چونان ردایی به برکرده است،
باشد که چون آب در او فرو شود
و چون روغن در استخوانهایش رود.
- ۱۹ همچو تن پوشی او را بپوشاند،
به سان کمربندی که پیوسته با اوست.
- ۲۰ خداوند تهمت زندگان مرا چنین جزا خواهد داد،
آنانی که بر من بدی را به زبان می‌آورند.
- ۲۱ اما تو، ای خداوند خدای من،
به خاطر نام خود با من عمل کن،
محبت تو پایدار است، مرا رهایی ده.

تو دست راست فقیر هستی تا او را از دست سرزنش کنند گانش برهانی؛ به ما پیاموز تا هرگاه بی دلیل به ما حمله می کنند، تنها ترا خوانیم. ما را یاری ده تا دشمنانمان را ببخشیم همانگونه که پسر تو جلادان خود را بخشید.

مزمور ۱۱۰

«به دست راست من بنشین!»

- ۱ خداوند به خداوند من گفت:
«به دست راست من بنشین،
تا دشمنانت را، پای انداز تخت تو سازم.»
- ۲ خداوند عصای قوت تو را از صهیون آشکار می سازد؛
«بر قلب دشمنان حکمرانی کن!»
- ۳ روزی که قدرت تو عیان شود، تو پادشاه هستی،
ای که از ازل در قدوسیت می درخشی.
«به سان شبنم که سپیده دمان رخ می نماید،
تو را قبل از سپیده صبح مولود گرداندم.»
- ۴ خداوند به عهدی استوار سوگند خورده است:
«تو کاهن هستی تا به ابد، به رتبه ملکِ یَصِدِّق.»
- ۵ خداوند که به دست راست توست،
به روز غضب خود، پادشاهان را شکست می دهد؛
۶ امتها را داوری می کند، [اجساد انباشته می شوند]
و سروران آنها را در سراسر زمین می کوبد؛
۷ سیلابه بر سر راه آب می نوشد،
پس سر خود را برمی افرازد.

ای عیسی، مسیح خدا، شاه شاهان، سرور سروران، پسر جاودانی، مولود و نه مخلوق، کاهن عهد جدید، داور ایام آخر، انسانی که در جلال آسمان ستوده شد، متبارک باد نام تو، ستایش و سپاس بر تو باد!

مزمور ۱۱۱

«کارهای خداوند عظیم است»

- ۱ هَلَلویاه!
- با همه وجود خداوند را شکر خواهم کرد
در جماعت و در میان عادلان.
- ۲ کارهای خداوند عظیم است،
سزاوار اندیشیدن و عشق ورزیدن.
- ۳ اعمالش پُرشکوه و کبریایی،
عدالتش تا به ابد پایدارست.
- ۴ از کارهای شگفت خویش یادگاری گذاشته،
خداوند بخشنده و مهربان است.
- ۵ به ترسندگان خود روزی عطا می کند،
پیمان خود را همیشه به یاد دارد.
- ۶ قدرت خویش را به قومش نمایاند
و میراث امتها را به او بخشید.
- ۷ عدالت و راستی کار دستهای اوست،
احکامش همه بی عیب و نقص.
- ۸ همواره تا به ابد برقرار شده،
و با راستی و انصاف ادا می شود.

۹ از برای قومش آزادی فرستاد
و عهدش را تا به ابد استوار ساخت.
نام او قدوس و مَهیب است.

۱۰ ترس خدا آغاز حکمت است
و خردمند کسی است که در آن بماند.
تا جهان باقی است ستایش او پایدار خواهد ماند.

ای پدر ما، از صمیم قلب ترا سپاس می گوئیم برای کاری که در مسیح انجام دادی،
او سخن توست که دنیا را آفرید، پسر محبوب که ما را نجات داد، اوست نان پاره
شده برای عهد جدید؛ محبت و حکمت به ما ده تا نشانه های ترا دریابیم و کارهای
شگفت تو را به یاد آوریم و با آنانی که ترا تسبیح می خوانند بگوئیم: خداوند
بخشنده، مهربان و راستی است و نام او قدوس و مَهیب!

مزمور ۱۱۲

«خوشابه حال آن که از خداوند می ترسد»

۱ هَللویاه!

خوشابه حال آن که از خداوند می ترسد
و اجرای فرمانهایش خشنودی اوست.
۲ نسل او بر زمین نیرومند خواهد بود،
تبار درستکاران متبارک است.

۳ برکت به خانه او رومی آورد،
عدالتش تا همیشه برجای می ماند.
۴ برای راستدلان، ظلمت روشنایی می شود!
مرد عادل، مهربان و رحیم است.

۵ مرد نیکو، رحم دارد و می بخشد،
کارهایش را با راستی انجام می دهد.
۶ چنین انسان هرگز نمی لغزد
و نام او جاودانه در خاطرهاست.

۷ از خبر بد نمی هراسد،
دلی استوار دارد و خداوند تکیه گاه اوست؛
۸ قلب او استوار است، نمی ترسد؛
و سرانجام، حقارت دشمنانش را خواهد دید.

۹ سخاوتمند است، به فقیر می بخشد؛
عدالتش تا همیشه برجای می ماند
و سربلند و سزاوار می شود.

۱۰ شیران او را می بینند و خشمگین می گردند،
دندانها بر هم فشرده ناتوان می شوند؛
شیران را جاه طلبی شان نابود خواهد کرد.

ای خدا، ای برکت دهنده دوستداران اراده ات، ما را یاری ده تا به تو اعتماد کنیم
بی آنکه در این جهان از چیزی بهراسیم. مهربانی و رحمت، درستی و عدالت را به
ما بیاموز تا آن روزی که برای کارهایمان داوری خواهیم شد، بتوانیم با مسیح در
جلال تو برخیزیم.

مزمور ۱۱۳

۱ هلولویاه!

«متبارک باد نام خداوند»

۱ بستایید ای خادم‌ان خداوند،

نام خداوند را بستایید!

۲ مبارک باد نام خداوند

اکنون، تا جهان باقی است!

۳ از طلوع خورشید تا غروبش،

ستوده باد نام خداوند!

۴ خداوند بر همه قوم‌ها فرمانرواست،

جلال وی فوق آسمانهاست.

۵ کیست چون خداوند، خدای ما

که در برترین آسمانها به تخت نشسته،

۶ و نگاهش به زیر می‌افکند،

به سوی آسمان و زمین.

۷ مسکین را از خاک برمی‌افرازد،

و فقیر را از خاکستر بیرون می‌کشد،

۸ تا ایشان را در میان بزرگان نشانند،

به منزلت شاهزادگان قوم خود.

۹ در خانه خود از زن نازا،

مادری خوشبخت در میان فرزندان می‌سازد.

هلولویاه!

تو که زمین را با محبت می‌نگری تا فقیران را نجات بخشی! سپاس بر نام تو باد و
ترا متبارک می‌خوانیم برای شادی کلیسا، مادر ما!

مزمور ۱۱۴

«دریا می‌بیند و می‌گریزد»

۱ وقتی اسراییل از مصر بیرون آمد

و خاندان یعقوب از نزد قومی وحشی،

۲ یهودا قدس خدا گردید،

و اسراییل قلمرو وی شد،

۳ دریا می‌بیند و می‌گریزد،

آبهای اردن به عقب می‌روند؛

۴ کوهها مثل قوچها جهیدن می‌گیرند

و تپه‌ها همچون بره‌ها!

۵ ای دریا، ترا چه شده که می‌گریزی؟

و ای آبهای اردن، چرا به عقب باز می‌گردید؟

۶ ای کوهها، چرا مثل قوچها می‌جهید؟

و ای تپه‌ها، چرا همچون بره‌ها؟

۷ ای زمین، در حضور سرور گیتی بلرز!

در برابر چهره خدای یعقوب؛

۸ او که صخره را برکه،

و سنگ را چشمه می‌سازد.

ای فرمانروای دنیا و نجات‌دهنده انسانها، زمانی که قوم تو از دریا و از رود
می‌گذشت نجات کلیسای تقدیس شده در آبهای تعمید را اعلام کردی؛ بگذار
آنهايي را که از بردگی ریشه کن می‌نمایی یادبود کارهای شگفت تو را نگاه دارند
و در روح تو را برای کارهایت سپاس گویند.

ستایش و سپاس بر تو باد ای خداوند، خدای ما، تو که عیسی را از مرگ برخیزانیدی
و او را بر تخت جلال خویش نشانیدی! ستایش و سپاس بر تو ای خداوند بی‌همتا،

مزمور ۱۱۵

«نام خود را جلال ده»

- ۱ ما را نه ای خداوند، ما را نه، بلکه نام خود را جلال ده، از برای محبت و راستی خود؛ تا بت پرستان نگویند: «خدای ایشان کجاست؟»
- ۲ خدای ما در آسمان است، هرچه اراده کند انجام می دهد.
- ۳ بت‌های ایشان از نقره و طلاست و ساخته دست انسان.
- ۴ دهان دارند و سخن نمی گویند، چشم دارند و نمی بینند، گوش دارند و نمی شنوند، بینی دارند و نمی بویند؛
- ۵ دستشان نمی تواند لمس کند، پایشان نمی تواند گام بردارد، هیچ صدایی از گلویشان خارج نمی شود؛
- ۶ سازندگانشان چقدر به خود آنها شبیه اند و همه آنانی که به آنها ایمان دارند!
- ۷ ای خاندان اسراییل، بر خداوند توکل نما، او یاور و سپر توست.
- ۸ ای خاندان هارون، بر خداوند توکل نما، او یاور و سپر توست،
- ۹ ای ترسندگان او، بر خداوند توکل کنید، او یاور و سپر شماست.

- ۱۲ خداوند ما را به یاد می آورد و برکت خواهد داد! او خاندان اسراییل را برکت خواهد داد، او خاندان هارون را برکت خواهد داد؛
- ۱۳ او ترسندگانش را برکت خواهد داد، از کوچک ترین تا بزرگترین آنها.
- ۱۴ خداوند شما و فرزندانان را افزون گرداند، خداوند شما را برکت دهد.
- ۱۵ اوست که آسمان و زمین را آفرید.
- ۱۶ آسمان، آسمان خداوند است، زمین را به فرزندان آدم بخشید.
- ۱۷ مردگان خداوند را سپاس نمی گویند و نه آنانی که به خاموشی فرو روند.
- ۱۸ اما ما خداوند را متبارک می خوانیم اکنون، و تا جهان باقی است. هلولیاه!

ای خدایی که آسمان قلمرو توست و زمین را به ما می بخشی، برکت از تو می آید و جلال از آن توست؛ عطا کن آنهایی را که در پست برکت می دهی، تنها به تو ایمان آورند. با او، از سکوت مرگ خلاصی خواهیم یافت، و توسط او تمامی افتخار و جلال را به تو تقدیم خواهیم داشت.

مزمور ۱۱۶

«ناتوان بودم، او مرا نجات داد»

۱ خداوند را دوست دارم؛ زیرا ناله مرا می شنود،

۲ به من گوش فرا می دهد،

همواره در زندگیم او را خواهم طلبید.

۳ زنجیرهای موت مرا دربر گرفته بود،

در تنگیهای هاویه اسیر بودم،

در تنگی و اندوه بودم؛

۴ آنگاه نام خداوند را خواندم:

«خداوندا، تمنا اینکه جانم را برهانی!»

۵ خداوند عدالت و محبت است، خدای ما مهربان است.

۶ خداوند حامی مسکینان است.

ناتوان بودم، او مرا نجات داد.

۷ ای جان من به آرامی خویش باز گرد،

زیرا خداوند به تو نیکی کرده است.

۸ تو مرا از مرگ رهایی دادی،

چشمانم را از اشک و پایهایم را از لغزش.

۹ در حضور خداوند گام برخواهم داشت؛

در زمین زندگان.

۱۰ ایمان داشتم آنگاه که گفتم:

«بسیار تیره بخت هستم.»

۱۱ در پریشانیم می گفتم:

«آدمی جز دروغی بیش نیست»

۱۲ چگونه خداوند را سپاس گویم

برای همه نیکی هایی که در حقم کرده است؟

۱۳ جام نجات را برخواهم گرفت،

نام خداوند را خواهم خواند؛

۱۴ سوگندهای خود را به خداوند وفا خواهم نمود،

آری، در حضور تمامی قوم او!

۱۵ چه گرانبهاست در نظر خداوند

موت محبوبان وی.

۱۶ ای خداوند، مگر بنده تو نیستم،

بنده تو، فرزند کنیز تو،

که بندش را گشودی.

۱۷ قربانی شکرگزاری به تو تقدیم خواهم کرد،

نام خداوند را خواهم خواند.

۱۸ سوگندهای خود را به خداوند وفا خواهم کرد،

بلی، در حضور تمامی قوم او،

۱۹ در آستانه خانه خداوند؛

در تو، ای اورشلیم!

هللویاه!

ای خدای رحیم و حامی مسکینان، تو نگذاشتی پسرت در بندهای مرگ بماند

همان گونه که پسرت در اضطرابش تو را خواند ما نیز تو را می خوانیم، ما را بشنو؛

ما را توسط رنج و زحمتهای او برهان، تا با او قیام کرده در حضورت زندگی کنیم.

ای خدایی که از مرگ فرزندان رنج می بری و زنجیرهای مسکینان را می گسلی،

چگونه می توانیم به تمام نیکی هایی را که برای ما کرده ای، پاسخ دهیم؟ عطا کن

قربانی خادم تو، پسر کنیز تو را، به عنوان قربانی شکرگزاری، به تو تقدیم داریم.

مزمور ۱۱۷

«پایدارترین محبت»

- ۱ ای امته‌ها خداوند را سپاس گوید،
ای قوم‌ها، او را جلال دهید.
۲ محبت او به ما عظیم است.
آری، راستی خداوند جاودانی است.
هللویاه!

ای خدایی که در میان اقوام، ما را برگزیدی، تا تو را سپاس و ستایش گوئیم. عطا کن کلیسایت نشانه محبت و وفاداری تو در این جهان باشد.

مزمور ۱۱۸

«روزی که خداوند ساخت»

- ۱ خداوند را سپاس گوید زیرا که نیکوست
و محبتش جاودانی.
۲ اسرائیل بگوید:
محبت او جاودانی است!
۳ نسل هارون بگوید:
محبت او جاودانی است!
۴ ترسندگان خداوند بگویند:
محبت او جاودانی است!

- ۵ در تنگی خود سوی خداوند فریاد برآوردم،
مرا اجابت کرد و آسایش یافتم.
۶ خداوند نصیب من است، دیگر هراسی ندارم؛
انسان را بر من چه قدرت است؟
۷ خداوند یاور من است؛
پس دشمنانم را حقیر می‌دانم.

- ۸ در خداوند پناه جُستن،
بہتر است از اعتماد بر آدمیان؛
۹ در پناه خداوند بودن نیکوتر،
از تکیه بر قدرتمندان.
۱۰ بت پرستان گرداگردم هستند،
در نام خداوند نابودشان سازم؛
۱۱ چون زنبور بر من حلقه زده، دور مرا گرفته‌اند،
در نام خداوند نابودشان سازم؛
۱۲ چون آتش خار و خس محو شوند،
در نام خداوند نابودشان سازم.
۱۳ ناگاه بر من هجوم آوردند برای از پا افکندم،
اما خداوند نگاهم داشت.
۱۴ قوت و سرود من، خداوند است.
او نجات من است.
۱۵ فریاد شادی و پیروزی،
در خیمه عادلان است.
۱۶ خداوند بازویش را برافراشت،
بازوی خداوند قوی است.
۱۷ نخواهم مُرد، زندگی خواهم کرد
تا اعلام کنم کارهای خداوند را.
۱۸ خداوند تنبیه‌ام نمود، جزایم داد،
ولی به دست موت رهایم نساخت.

۱۹ بگشایید بر من دروازه‌های عدالت را،
وارد خواهم شد، خداوند را سپاس خواهم گفت.

۲۰ این است دروازه خداوند؛
باشد که عادلان از آن گذر کنند.

۲۱ تو را سپاس می‌گویم، چون اجابت‌م کردی،
تو نجات من هستی.

۲۲ آن سنگ که معماران رد نمودند،
همان، سنگ زاویه شد.

۲۳ این کار خداوند است
و چه شگفت در نظر ما!

۲۴ این است روزی که خداوند ساخت
که در آن جشن گیریم و شادی کنیم.

۲۵ ای خداوند، نجات ده!

ای خداوند، پیروزی ده!

۲۶ مبارک باد آن که به نام خداوند می‌آید!
از خانه خداوند شما را برکت یافته می‌خوانیم.

۲۷ خداوند، خداست، او ما را روشنی می‌بخشد.
شاخه در دست به راه افتید تا به قربانگاه!

۲۸ تو خدای من هستی، تو را شکر می‌گویم،
ترا متعال می‌خوانم، ای خدای من!

۲۹ بیهوه را سپاس گوید زیرا که نیکوست
و محبتش جاودانی!

ای خداوند تو را در شادی سپاس می‌گوییم، برای این روز که آفریدی، روزی که
پسر خود را سروری بخشیدی، پسر تو که در این دنیا آمد تا ضد قدرتمندان مبارزه
نماید؛ اوست سنگ رد شده توسط معماران، که همان سر زاویه کلیسای تو شده
است. همراه با قومی که رستاخیز مسیح آن را آزاد ساخت و دیگر از مرگ هیچ
هراسی ندارد اعلام می‌کنیم: محبت تو جاودانی است، در نام تو، مبارک باد آن که
می‌آید، عیسی مسیح، نجات دهنده ما!

مزمور ۱۱۹

«من با چه محبتی شریعت ترا دوست دارم»

(الف) «در طریق او پیش می‌روند»

۱ خوشابه حال درستکاران که در زندگیشان،

از پی شریعت خداوند می‌روند.

۲ خوشابه حال آنانی که احکام او را پاس می‌دارند

و با تمامی قلب او را می‌طلبند.

۳ هرگز شرارت نمی‌ورزند

و در طریق او پیش می‌روند.

۴ تو، خود فرمانهایت را صادر می‌نمایی

برای اطاعت محض.

۵ باشد که راههای من،

در فرمانبرداری از احکامت استوار شوند.

۶ چون در فرمانهایت بیندیشم،

هرگز خجل نخواهم شد.

۷ تو را با قلبی پاک خواهم ستایید

چون احکام عادلانه تو را آموخته‌ام.

۸ می خواهم فرایض تو را نگاه دارم،
هیچگاه رهايم مکن.

ای خدایی که مسیح را به ما دادی، تنها آن کسی که آن حکم تو را اجرا می کند؛ مرا
بیاموز که چگونه از پی او گام بردارم، خوشابه حالم اگر خواستهای تو را برآورم.

(ب) «در فرایض تو اندیشیدن»

۹ چگونه مرد جوان راه خود را پاك نگاه دارد؟

با فرمانبرداری از کلام تو.

۱۰ با همه وجود در جستجوی توأم،

مگذار از شریعت تو دور شوم.

۱۱ وعده هایت را در دل نگاه داشتم

مبادا به تو گناه ورزم.

۱۲ ای خداوند، تو متبارك هستی،

احکام خود را به من بیاموز.

۱۳ بر لبانم آوردم،

داوری های دهانت را.

۱۴ در پی احکام تو بودن،

بیش از هر ثروتی مرا شادمان می کند.

۱۵ می خواهم در فرایض تو بیندیشم

و راههای تو را به نظاره بنشینم.

۱۶ لذت من در فرمانهای توست

و کلام تو را فراموش نخواهم کرد.

چه راهی را انتخاب کنم، ای خدای من، مگر عیسی نگفته بود «من راه به سوی پدر
هستم» بگذار تمام خوشی هایم را در او بیابم.

(ج) «در سوز اشتیاق»

۱۷ به بنده خود احسان نما تا زنده بمانم؛

کلام تو را مطیع هستم.

۱۸ چشمان مرا بگشا

تا شگفتی های شریعت ترا بنگرم.

۱۹ بر زمین غریب هستم،

احکامت را از من مخفی مکن.

۲۰ هر لحظه جان من،

در اشتیاق داوری های تو می سوزد.

۲۱ متکبران و ملعونان را توبیخ می نمایم،

آنانی که از فرمان های تو دور افتاده اند.

۲۲ ننگ و رسوایی را از من دور نما

زیرا احکام تو را پاس می دارم.

۲۳ اگر امیران بر علیه من شور نمایند،

بنده ات به مشیت تو می اندیشد.

۲۴ لذت من در فرمانهای توست

و شریعت تو مرا اندرزگو.

ای خداوند، بگذار خادم وفادار شریعت تو باشم، بیگانه از روح دنیا، گشوده به
کلام تو.

(د) «دل بسته به احکام تو»

۲۵ جان من به خاک چسبیده است،

موافق کلام خود مرا زنده ساز.

۲۶ طریق خود را بیان کردم و مرا اجابت نمودی،

احکام خود را به من بیاموز.

۲۷ داوری های خود را بر من بنما

- تا از تو بترسیم.
 ۳۹ ننگی که مرا می ترساند، از من دور نما
 زیرا داوریهای تو نیکوست.
 ۴۰ آری، به فرمانهایت اشتیاق داشته‌ام،
 در عدالت خود مرا زنده ساز.

ای خداوند، چشمانم به سوی توست! قلبم تنها از آن توست! تمامی راه‌هایم سوی تو! با شریعت خویش زندگی را به من بیاموز.

(و) «داوری‌هایت را دوست می‌دارم»

- ۴۱ خداوند، باشد که محبت تو بر من آید
 و نجات تو، طبق وعده‌ات.
 ۴۲ بر آن که مرا اهانت می‌کند، پاسخی خواهم داشت
 زیرا که به کلام تو اعتماد دارم.
 ۴۳ کلام راستی را از دهانم مگیر
 زیرا به داوریهای تو امید دارم.
 ۴۴ همواره مطیع شریعت تو هستم؛
 همواره و تا به ابد.
 ۴۵ در آرامش گام برمی‌دارم
 زیرا که فرایض تو را می‌طلبم.
 ۴۶ در حضور پادشاهان بی‌آنکه شرمنده شوم
 احکام تو را خواهم گفت.
 ۴۷ فرمان‌های تو مرا خشنود می‌سازد،
 به راستی آنها را دوست دارم.
 ۴۸ به فرمان‌های تو رغبت دارم،
 آنها که دوستشان دارم.
 در داوری‌های تو اندیشه می‌کنم.

- تا در کارهای شگفت تو اندیشه کنم.
 ۲۸ از بسیاری اندوه، اشکم سرازیر شده،
 به حسب کلام خود مرا برافراز.
 ۲۹ مرا از ناراستی دور بدار
 و شریعت خود را بر من ارزانی دار.
 ۳۰ طریق وفاداری را برگزیده‌ام،
 داوریهای تو را فرمانبردارم.
 ۳۱ به احکام تو دل بسته‌ام،
 ای خداوند، مگذار شرمنده شوم.
 ۳۲ در طریق احکامت راه می‌سپارم،
 زیرا قلب مرا فراخ گردانیدی.

ای خداوند اگر بر زمین دل بندم، در من روح القدس را قرار ده و آن سخنی را که برمی‌خیزاند چونان روزهای آفرینش! عطا کن در راه اراده تو، به سویت بشتابم.

(ه) «قلب مرا مایل گردان»

- ۳۳ خداوند، طریق فرمانهای خود را بر من نمایان ساز
 تا پاسدارای از آنها، پاداش من باشد.
 ۳۴ مرا هوشیار کن تا شریعت ترا نگاه دارم،
 به تمامی دل می‌خواهم آن را حفظ نمایم.
 ۳۵ مرا به راه اطاعت از فرمان‌هایت، هدایت فرما
 زیرا شادی من در آن است.
 ۳۶ قلب مرا به سوی احکام خود مایل گردان
 و نه در راه سودجویی.
 ۳۷ نگاه مرا از بت‌ها بگردان
 تا گام برداشتن در راههای تو، مرا حیات بخشد.
 ۳۸ وعده خود را برای بنده‌ات به جای آر

ای خدای محبت، عطا کن محبت شریعت تو مرا آزاد سازد!

(ز) «نام ترا به یاد می آورم»

- ۴۹ کلام خود به بندهات رابه یاد آور
که امید مرا بر آن نهاده‌ای
۵۰ و در مصیبت تسلائی خاطر من است.
و عده تو مرا زنده نگاه می‌دارد.
۵۱ متکبران مرا استهزاء نمودند،
اما از شریعت تو دور نشدم.
۵۲ داوری‌های گذشته تو را به یاد می‌آورم
و تسلی می‌یابم، ای خداوند.
۵۳ در برابر شریران خشم من فروخته می‌شود
چون شریعت ترا ترك کرده‌اند.
۵۴ در خانه غربت خود،
فرايض تو را می‌سرایم.
۵۵ شبانگاه نام تو را به یاد می‌آورم
و شریعت تو را نگاه می‌دارم.
۵۶ خداوندا، آنچه از من برمی‌آید،
این است که فرمان‌های ترا پاس دارم.

ای خداوند به یاد آور؛ من از دنیای گناهکار هستم نام تو را به یاد می‌آورم، عطا کن حکم ترا نگاه دارم.

(ح) «شریعت ترا فراموش نمی‌کنم»

- ۵۷ به خداوند گفتم:
«نصیب من اطاعت از کلام توست.»

- ۵۸ خشنودی تو را با همه وجود خواهانم.
بر حسب وعده خود بر من رحم فرما!
۵۹ در طریق خود می‌اندیشم
و به سوی احکام تو باز می‌گردم.
۶۰ بی‌درنگ می‌شتابم،
تا فرمان‌های ترا گردن نهم.
۶۱ دامهای شریر مرا احاطه کرده‌اند،
ولی شریعت تو را فراموش نمی‌کنم.
۶۲ نیمه شب برمی‌خیزم و تو را،
برای داوری‌های عادلانه‌ات سپاس می‌گویم.
۶۳ ترسندگان نامت را دوست می‌دارم
و پاسداران فرایض ترا نیز.
۶۴ خداوندا، زمین پر از محبت توست،
داوری‌هایت را به من بیاموز.

ای خداوند، مگذار فراموش کنم که حکم تو حکم محبت است.

(ط) «به خاطر خوبی ام رنج برده‌ام»

- ۶۵ خداوندا، بر حسب کلام خود
به بنده خویش احسان نموده‌ای.
۶۶ درك و قضاوت صحیح را به من بیاموز
زیرا که به فرایض تو ایمان دارم.
۶۷ پیش از اینکه خوار باشم، گمراه بودم؛
اکنون کلام ترا نگاه می‌دارم.
۶۸ تو نیک هستی و نیکی می‌کنی،
داوری‌هایت را به من بیاموز.
۶۹ متکبران مرا به دروغ آلودند،

اما من از صمیم دل فرایض ترا نگاه می‌دارم.

۷۰ دل‌های آنها سنگین و بسته شده،

اما لذت من در شریعت توست.

۷۱ چه خوب که مصیبت را دیدم

چون سبب شد که احکام تو را فرا گیرم.

۷۲ شریعت دهان تو،

بیش از انبوه طلا و نقره مرا شاد می‌کند.

ای استاد من، نیکوست که از دهانت بشنوم، که حکم تو خوشبختی من است.

«مرا نورانی ساز» (ی)

۷۳ دست‌های تو مرا آفریدند و نگاه داشتند،

مرا هوشیار کن تا فرمانهایت را بیاموزم.

۷۴ ترسندگان تو چون مرا ببینند، شادمان می‌شوند

زیرا به کلام تو امید بسته‌ام.

۷۵ خداوندا، می‌دانم که داوری‌های تو عادلانه است،

حق داشتی که مرا خوار کنی.

۷۶ باشد که محبت تو تسلائی من گردد،

آن‌طور که به بنده خود وعده داده‌ای.

۷۷ باشد که رحمت تو بر من برسد پس زنده خواهم ماند

زیرا لذت من در شریعت توست.

۷۸ ننگ بر متکبران که بر من تهمت دروغ می‌زنند

چون من در فرایض تو می‌اندیشم.

۷۹ باشد که ترسندگان تو به سوی من آیند

آنها که احکام ترا می‌شناسند.

۸۰ باشد که احکام تورا با قلبی استوار به جا آورم،

آنگاه شرمنده نخواهم شد.

ای خداوند، پس از آزمایش، مهر تو بر من برسد، آنگاه حکم تو خوشی من خواهد بود

«هنوز به کلام تو امیدوارم» (ك)

۸۱ جان من در انتظار نجات تو کاهیده می‌شود

اما به کلام تو امیدوارم.

۸۲ چشمانم در انتظار وعده تو تار شده است.

گفتم: «چه وقت مرا تسلی خواهی داد؟»

۸۳ به سان مَشکی بی آب شده‌ام،

اما داوری‌های ترا فراموش نمی‌کنم.

۸۴ مگر روزهای زندگی بنده تو چقدر است؟

کی بر جفا کنندگانم داوری خواهی کرد؟

۸۵ بی توجه به شریعت تو،

متکبران بر سر راهم چال کنده‌اند.

۸۶ تمامی فرمان‌های تو راستی است،

دروغگویان بر من جفا می‌رسانند، مرا یاری کن.

۸۷ خسته و به خاک افتاده‌ام،

اما فرایض تو را رها نکرده‌ام.

۸۸ بر حسب محبت خود مرا زنده نگاهدار

تا اوامر دهان ترا نگاه دارم.

ای خداوند هرگاه قوتم از انتظار نجات تو ناتوان شود، عطا کن حکم تو مرا تسلی دهد.

«وفاداری تو پایدار است» (ل)

- ۸۹ خداوندا، کلام تو تا به ابد
بر آسمانها افراشته است؛
- ۹۰ وفاداری تو نسل بعد از نسل پایدار.
آن زمین را که بنا نموده‌ای، استوار می ماند.
- ۹۱ در اراده‌ات همه چیز تا به امروز باقی است
زیرا هر چه هست و نیست از آن توست.
- ۹۲ اگر لذت من در شریعت تو نبود
در مصیبت هلاک می شدم.
- ۹۳ هرگز فرایض تو را از یاد نخواهم برد،
با آنهاست که مرا زنده نگاه می داری.
- ۹۴ از آن تو هستم، مرا نجات ده،
زیرا فرایض تو را می طلبم.
- ۹۵ شریران نابودی مرا خواهند،
ولی من مطیع احکام تو می مانم.
- ۹۶ برای هر کمالی انتهایی دیدم
اما عظمت شریعتت را حدی نیست.

ای خدای وفادار، باز به من بگو که برای نگهداشتن خود از گمراهی، کفایت
حکم ترا نگاه دارم.

«شیرین به کام من» (م)

- ۹۷ شریعت تو را چقدر دوست دارم،
پیوسته در آن می اندیشم.
- ۹۸ من از دشمنانم حکیم تر هستم
زیرا مطیع فرمانهای تو آم.
- ۹۹ از جمیع معلمان خود هوشیارتر شده ام

- زیرا در احکام تو اندیشه کرده ام.
۱۰۰ از مشایخ داناتر گشته ام
زیرا احکام ترا نگاه می دارم.
- ۱۰۱ گامهای خود را از راههای بد دور می سازم
تا کلام ترا نگاه دارم.
- ۱۰۲ از داوری های تو روی بر نمی گردانم
زیرا تو خود مرا تعلیم داده‌ای.
- ۱۰۳ وعده های توبه کام من چه شیرین است،
به دهانم شیرین تر از عسل.
- ۱۰۴ احکام تو مرا بصیرت می بخشد؛
این است که از هر ناراستی نفرت دارم.

ای عیسی، یوغ حکم تو بر من است! حکمی شیرین تر از عسل!

«چراغی برای راه من» (ن)

- ۱۰۵ کلام تو برای گامهای من چراغ
و برای راه من نور است.
- ۱۰۶ سوگند خوردم و وفا خواهم کرد
که داوری های عادلانه ترا نگاه دارم.
- ۱۰۷ خداوندا بسیار خوار شده ام،
برحسب کلام خود مرا زنده ساز.
- ۱۰۸ ای خداوند، دعایم را چون هدیه ای بپذیر
و داوری های خود را به من بیاموز.
- ۱۰۹ همیشه جان بر کف دارم،
اما شریعت ترا فراموش نمی کنم.
- ۱۱۰ شریران برایم دام گذاردند،
اما من از فرایض تو جدا نشدم.

۱۱۱ احکام تو میراث جاودان من است
و مایه شادمانی جانم.

۱۱۲ قلب من به اطاعت از فرمانهای تو مایل است
و این پاداش ابدی من است.

ای عیسی، نور راه من، مگذار از حکم تو دور شوم آنگاه که برای من دام می گسترند.

(س)

«دوست دارم، امید دارم»

۱۱۳ از مردمان دو رو نفرت دارم
اما شریعت ترا دوست می دارم.

۱۱۴ تو پناه و سپر من هستی،
به کلام تو امیدوارم.

۱۱۵ ای شریبان از من دور شوید،

من فرمانهای خدایم را به جای خواهم آورد.

۱۱۶ باشد که وعده تو مرا یاری کند تا زنده بمانم!
مرا از انتظارم ناامید مگردان.

۱۱۷ حامی من باش و نجات خواهم یافت.

داوری های تو را همواره پیش روی خواهم داشت.

۱۱۸ همه آنانی را که از فرایض تو دوری می کنند رد می نمایم
زیرا خیانتشان، گمراهی است.

۱۱۹ زیرا تمامی شریبان زمین را چون فضل به دور می افکنی.

۱۲۰ ترس تو تمام وجودم را می لرزاند
و از داوری های تو می هراسم.

ای خداوند بدون دوست داشتن حکم تو چگونه تو را دوست داشته باشم؟
پس من شریعت ترا دوست دارم.

(ع) «اکنون وقت آن است که عمل نمایی»

۱۲۱ راستی و عدالت را به جا آوردم
مرا به دست ظالمان رها مکن.

۱۲۲ سعادت بنده خود را ضامن باش
تا متکبران بر من ظلم نکنند.

۱۲۳ چشمانم در انتظار نجات تو،
و برای وعده عدالت تو تار شده اند.

۱۲۴ با بنده خود موافق محبتت رفتار نما
و داوری های خود را به من بیاموز.

۱۲۵ من بنده تو هستم، مرا هوشیار ساز
تا احکام تو را بشناسم.

۱۲۶ خداوندا، اکنون وقت آن است که عمل نمایی
زیرا از شریعت تو سرپیچی نموده اند.

۱۲۷ آری فرمانهای تو را،

بیش از طلای ناب دوست دارم؛

۱۲۸ پس فرایض تو را اطاعت می کنم
و از هر راه دروغ نفرت دارم.

خوشبختی ام را استوار ساز ای خدای من، بگذار که در محبت که حکم توست کار کنم

(ف)

«کلام تو نور می بخشد»

۱۲۹ احکام تو شگفت آند؛

از این سبب جانم آنها را نگاه می دارد.

۱۳۰ کشف کلام تو نور می بخشد

و ساده دلان را دانا می گرداند.

۱۳۱ در اشتیاق خواسته های تو،

دهانم را گشوده نفس می کشم.

اما فرمانهای تو، لذت من است.
 ۱۴۴ احکام تو ابدی است.
 مرا هوشیار ساز تا زنده بمانم.

ای خداوند مگذار فراموش کنم که حکم تو حقیقت است و عدالت تو زندگی.

(ق) «تو را می خوانم، تو نزدیک هستی»
 ۱۴۵ با تمامی وجود تو را می خوانم، مرا جواب ده،
 احکام تو را نگاه خواهم داشت.
 ۱۴۶ تو را می خوانم ای خداوند، مرا نجات ده،
 احکام تو را حفظ خواهم کرد.
 ۱۴۷ بر طلوع فجر سبقت جست، استغاثه می کنم.
 به کلام تو امیدوارم.
 ۱۴۸ چشمانم بر پاسهای شب پیش می افتند،
 تا در وعده تو تفکر نمایم.
 ۱۴۹ ای خداوند، در محبت خود صدای مرا بشنو،
 به حسب داوری های خود مرا زنده ساز.
 ۱۵۰ جفاکاران روسیاه پیش می آیند،
 آنان که از شریعت تو دورند.
 ۱۵۱ اما تو ای خداوند نزدیک هستی
 و تمامی فرمان های تو راست است.
 ۱۵۲ آگاهم که از قدیم،
 احکام جاودانه ای را بنیان نهاده ای.

به من بیاموز ای خدای من، برای نزدیک شدن به خواسته تو و آشکار کردن اینکه
 چقدر تو نزدیک هستی، برسپیده دم سبقت جویم.

۱۳۲ به سویم نظر کن و بر من رحم نما
 آن سان که بر دوستداران نامت رحم می نمایی.
 ۱۳۳ باشد که وعده تو گامهای مرا استوار سازد،
 تا بدی بر من پیروز نشود.
 ۱۳۴ مرا از ظلم آدمیان رهایی ده
 تا فرایض ترا نگاه دارم.
 ۱۳۵ رویت را برای بنده خود روشن ساز،
 قوانین خود را به من بیاموز.
 ۱۳۶ نهر اشک از چشمانم جاری است
 زیرا شریعت ترا نگاه نمی دارند.

ای خداوند اگر حکم تو را نگاه دارم کلام تو نور است، نور روی تو!

(ص) «شریعت تو راستی است»
 ۱۳۷ خداوندا، تو عادل
 و داوری های تو راستی است.
 ۱۳۸ احکامی که امری فرمایی،
 کمال عدالت و حقیقت است.
 ۱۳۹ آنگاه که دشمنانم کلام تو را فراموش کنند،
 درون من در تب و تاب می سوزد.
 ۱۴۰ کلام تو کمال خلوص است
 و خدمتگزار تو آن را عزیز می دارد.
 ۱۴۱ اگرچه مسکین و حقیرم،
 اما فرایض ترا فراموش نمی کنم.
 ۱۴۲ عدالت تو منصفانه،
 و شریعت تو راست است.
 ۱۴۳ گرچه در رنج و عذابم،

«مرا زنده ساز»

(ر)

- ۱۵۳ بر مصیبت من نظر افکن و مرا رهایی ده،
 زیرا شریعت تو را از یاد نمی برم.
- ۱۵۴ از حق من دفاع کن،
 طبق وعده‌ات مرا زنده ساز.
- ۱۵۵ نجات از شیران دور می شود
 زیرا اوامر تو را نمی طلبند.
- ۱۵۶ خداوندا، رحمت تو بی انتهاست،
 موافق داوری خود مرا زنده ساز.
- ۱۵۷ جفا کنندگان و دشمنان من بسیارند،
 اما از احکام تو برنخواهم گشت.
- ۱۵۸ کافران را دیده و از ایشان بیزارم
 زیرا کلام تو را نگاه نمی دارند.
- ۱۵۹ خداوندا ببین که چگونه فریض تو را دوست می دارم،
 بر حسب رحمت خود مرا زنده ساز.
- ۱۶۰ بنیان کلام تو راستی است
 و داوریهای عادلانه‌ات تا به ابد پایدار.

ای خدای محبت مگذار حکم تو را فراموش کنم زیرا آن است که مرا زنده نگاه
 می دارد.

«آرامش بر آنانی که شریعت تو دوست دارند»

(ش)

- ۱۶۱ بزرگان بی سبب بر من جفا می کنند،
 قلبم را هراسی نیست جز از کلام تو.
- ۱۶۲ وعده‌های تو مایه شادی من است،
 همچون کسی که گنجی عظیم یافته.
- ۱۶۳ از دروغ نفرت و انزجار دارم،

اما شریعت تو را دوست می دارم.

- ۱۶۴ از برای داوریهای عادلانه‌ات،
 هفت بار در روز تو را سپاس می گویم.
- ۱۶۵ آن که دوستدار شریعت توست ، آرامشی عظیم دارد؛
 او هیچگاه لغزش نخواهد خورد.
- ۱۶۶ خداوندا، نجات تو را چشم به راهم
 و فرمانهای تو را به جا می آورم.
- ۱۶۷ با تمامی وجود احکام تو را نگاه می دارم،
 به راستی آنها را دوست می دارم.
- ۱۶۸ فریض و احکام تو را نگاه می دارم
 و راههای خود را از نظر تو می گذرانم.

جلال بر تو باد ای خداوند، تو صلح و آرامش به دوستداران احکام خود می بخشی.

(ت)

« بنده خود را درباب »

- ۱۶۹ خداوندا، باشد که فریاد من به حضور تو رسد،
 موافق کلامت مرا هوشیار ساز.
- ۱۷۰ باشد که دعای من به حضور تو رسد،
 طبق وعده خود مرا خلاصی ده.
- ۱۷۱ باشد که لبهای من، ستایش تو را سرایند
 زیرا که احکام خود را به من آموخته ای.
- ۱۷۲ باشد که زبان من، وعده تو را بازگویند
 زیرا که تمامی فرمانهای تو عادلانه است.
- ۱۷۳ بگذار دست تو یاور من باشد،
 زیرا فریض ترا برگزیده‌ام.
- ۱۷۴ خداوندا، مشتاق نجات توهستم
 و لذت من در شریعت توست.

۱۷۵ باشد که زنده بمانم تاسپاس تو گویم
و داوری‌های تو یاور من باشند.
۱۷۶ مانند گوسفندی گمشده، سرگردانم.
بنده خود را دریاب؛
زیرا شریعت تو را فراموش نکرده‌ام.

ای عیسی، شبان وفادار به وعده‌های خود، آیا فریاد من به تو می‌رسد؟ بیا و گوسفندی
را که خواستار توست بازگردان.

مزمور ۱۲۰

«در تبعید باید زندگی کنم»

۱ در تنگی خویش سوی خداوند فریاد کردم،
و او مرا اجابت کرد.

۲ ای خداوند، از زبان دروغگو
و دهان حيله گر رهايم ساز.

۳ به تو چه داده شود ای زبان حيله گر؟
ديگر چه کيفري سزاوار توست؟

۴ تيرهايي که جنگجویان
بر آتش هيمه تيز می کنند.

۵ وای بر من که باید در میان وحشیان زندگی کنم
و زیر خیمه‌های قیدار مسکن گزینم.

۶ دير زمانی است که در میان آدمیانی به سر می برم
که از صلح و آرامش بیزارند.

۷ صلح، من طالب صلح هستم، اما آنگاه که سخن می گویم،
آنان جنگ می خواهند.

ای خدای که در هر تنگی، ما را پاسخ می دهی، ما را از دروغ و جنگ رها ساز. عطا
کن همچون صلح جویان زندگی و شادی نماییم تا ما را فرزندان تو بخوانند.

مزمور ۱۲۱

«خدا نگاهبان توست»

۱ به سوی کوهها چشم ها برمی افرازم؛

نجات من از کجاست؟

۲ نجات من، از جانب خداوند خواهد بود

که آسمان و زمین را آفریده است.

۳ او نمی گذارد که پای تو بلغزد،

محافظ تو به خواب نمی رود.

۴ نه، او نمی خوابد، خواب به چشم او راه ندارد،

او که پاسبان اسراییل است.

۵ خداوند نگهدار توست و بر سرت سایه می افکند،

خداوند به دست راست توست.

۶ خورشید گاه روز به تو آسیبی نخواهد رساند

و نه ماه، در شب.

۷ خدا تو را از همه بدی ها نگاه می دارد،

او زندگی تو را حفظ می کند.

۸ خداوند به گاه رفتن و بازگشتن، ترا حفظ می کند،

اکنون و تا جهان باقی است.

ای خدایی که آسمان و زمین را آفریدی، به یاری کلیسای خود که در راه است
بشتاب، نزد او باش و مگذار بیفتد، در تمامی راهش به سوی تو، نگاهبان او باش.

مزمور ۱۲۲

«صلح بر اورشلیم باد»

- ۱ چه شادمان شدم آنگاه که مرا گفتند:
«به خانه خدا رویم!»
- ۲ اینک ای اورشلیم! گام هایمان،
در میان دروازه های تو ایستاده است.
- ۳ ای اورشلیم، تو به شهری می مانی
که همه يك تن و روح شده؛
- ۴ آنجاست که قبیله ها بالا می روند،
قبیله های خداوند.
- می روند تا نام خداوند را،
موافق قانون اسرابیل سپاس گویند.
- ۵ زیرا تخت عدالت در آنجاست،
تخت خاندان داود.
- ۶ برای اورشلیم صلح بطلبید:
«صلح بر دوستان تو،
صلح بر حصارهایت سلطنت کند،
صلح بر کاخ های تو!»
- ۸ به خاطر برادران و نزدیکانم
خواهم گفت: «صلح بر تو باد!»
- ۹ به خاطر خانه خدای ما،
سعادت تو را آرزومندم!

ای خداوند، برای کلیسایت تو را متبارک می خوانیم و برای آن نزد تو دعا می کنیم:

اتحادش را محکم ساز، همواره در شکرگزاری نگاهش دار و به آن صلح و خوشبختی
ببخش. تا به راستی نشانه مسیح در این دنیا باشد و تمامی برادران را به سوی تو
جذب نماید.

مزمور ۱۲۳

«چشمان برافراشته، سوی تو!»

- ۱ نگاهم را به سوی تو برمی افرازم،
به سوی تو، که در آسمانها حکم می رانی.
- ۲ همچون نگاه برده ای،
به دست آقايش؛
همچون نگاه کنیزی
که به دست خاتونش خیره شده؛
نگاه ما نیز سوی خداوند است،
در انتظار رحمت او.
- ۳ بر ما رحم کن ای خداوند، بر ما رحم کن،
از این همه حقارت سیر شده ایم.
- ۴ ما بسیار سیر شده ایم،
از تمسخر بی نیازان
و تحقیر متکبران.
- ای پدر ما که در آسمانی، چشمانمان به سوی تو می نگیرد؛ هر چیز را از دست تو
انتظار می کشیم. اگر به خاطر مسیح حقیر شمرده می شویم، از یاد مبر که خادمان تو
هستیم، بر ما رحم کن.

مزمور ۱۲۴

«دام گسسته شد»

- ۱ اگر خداوند با ما نبود،
اسرائیل این را باز گوید:
- ۲ اگر خداوند با ما نبود،
وقتی که آدمیان بر ما هجوم می آوردند،
۳ هر آینه در آتش غضبشان،
ما را زنده می بلعیدند.
- ۴ آنگاه آنها ما را غرق می ساختند،
سیلاب از سر ما می گذشت
۵ و موجهای خشمگین،
ما را دربر می گرفتند.
- ۶ ستایش باد برخداوند
که ما را صید دندان ایشان نساخت.
- ۷ همچون پرنده، از دام صیاد گریختیم؛
دام گسسته شد و ما رهایی یافتیم.
- ۸ نجات ما در نام خداوند است
که آسمان و زمین را آفرید.

ای خدایی که آسمان و زمین را آفریدی، بدون تو سیلاب بدی ما را گمراه می سازد.
تو که به یاری مسیح آمدی و او را از بند مرگ نجات دادی، جلال بر تو باد که با ما
نیز همانند او کردی.

مزمور ۱۲۵

«قوم خود را دربرمی گیرد!»

- ۱ هر که به خداوند تکیه کند،
همچون کوه صهیون،
تزلزل ناپذیر است
و تا به ابد استوار می ماند.
- ۲ کوهها اورشلیم را دربرمی گیرند،
خداوند نیز همچنین
قوم خویش را در آغوش می گیرد؛
اکنون و تا جهان باقی است.
- ۳ هرگز عصای شریب
بر عادلان سنگین نخواهد بود!
تا مبادا دست عادلان
به سوی جنایت دراز شود.
- ۴ خداوندا، به نیکوکاران و راستدلان
برکت ده.
- ۵ اما گمراهان خطاکار،
خداوندا آنها را با شیران همراه ساز.
صلح بر اسرائیل باد!

ای خداوند، تو که کلیسا را با فیض خود دربرمی گیری تا همیشه پایدار بماند، عطا
کن به تو توکل کنیم تا مقدس شویم همانگونه که او مقدس است، تا آنگاه که میان
عادلان و شیران به داوری می نشینی، ما از فیض تو دور انداخته نشویم.

مزمور ۱۲۶

«اسیران ما را بازآور!»

- ۱ خداوند چون اسیران صهیون را باز آورد،
مثل خواب بینندگان می شدیم؛
- ۲ آنگاه دهانمان از خنده پُر می شد
و به ترانه زبان می گشودیم.
- در میان امت ها گفتند:
«خداوند چه کارهای شگفتی برایشان کرده است.»
- ۳ به راستی خداوند چه کارهای شگفتی بر ایمان کرده است
که از آنها بس شادمان می شدیم.
- ۴ ای خداوند، اسیران ما را باز آور!
مانند آب های بسیار در بیابان خشک.
- ۵ آنانی که با اشک می کارند،
با ترنم درو خواهند کرد.
- ۶ می رود، گریان می رود
و بذر می افشاند؛
باز می آید، شادمان باز می آید
و بافه گندم را برمی دارد.

ای خداوند، تو کاری عجیب و شگفت برای مسیح انجام دادی آنگاه که او را از مرگ برخیزانیدی. این کار عجیب را نیز برای کلیسای خود با رهایی آن از هر نوع بردگی به انجام رسان، تا بعد از رنج بردن با او، همراهش شادی محصول را دریابد.

مزمور ۱۲۷

«اگر خداوند بنا نکند!»

- ۱ اگر خداوند خانه را بنا نکند،
بنّایان زحمت بیهوده می کشند.
اگر خداوند شهر را نگاه ندارد،
پاسبانان بیهوده بیدار می مانند.
- ۲ بیهوده، پیش از سپیده برمی خیزی،
شب بیداری هایت بیهوده است.
تو نان رنج را می خوری،
اما او محبوب به خواب رفته اش را مسرور می کند!
- ۳ پسران، میراث خداوند هستند،
ثمره رحم، پاداشی از اوست؛
- ۴ مانند تیری در دست جنگجو،
چنین اند پسران روزگار جوانی.
- ۵ خوشابه حال مرد دلیر
که ترکش خود را از آن ها پُر کرده است.
اگر در کارزار با دشمنانش روبرو شود،
سرافکنده نخواهد شد.

ای خدایی که به ایمانداران خود نعمت بیکران می بخشی، معمار کلیسای خود باش و نگاهبان وفاداری های ما؛ ما را تعلیم ده آنگونه کار کنیم که گویی همه چیز به دست ما سپرده شده، به ما بیاموز که از خود گذشت کنیم چون در فیض تو در انتظار همه چیز هستیم.

مزمور ۱۲۸

«فرزندان فرزندان خود را خواهی دید!»

- ۱ خوشایه حال آن که از خداوند می ترسد و در راههای او گام برمی دارد.
 - ۲ تو از دسترنج خود نان خواهی خورد، خوشایه حال تو، خوشبختی از آن توست.
 - ۳ همسرت در خانه تو چون تاکی بار آور است و فرزندان تو، گرداگرد سفره ات، همچون نهالهای زیتون.
 - ۴ ببین! چقدر مبارك است آن که از خداوند می ترسد.
 - ۵ «باشد که خداوند ترا از صهیون برکت دهد! باشد که در سراسر روزهای زندگی خویش، اورشلیم را در سعادت ببینی و فرزندان فرزندان خود را بشناسی. صلح بر اسرائیل باد!»
- ای خدایی که بیش از خود انسانها، خواستار خوشبختی آنها هستی، اعمال ما، خانه های ما، خویشان ما و کلیسای خود را برکت ده؛ فرزندان خود را در اطراف قربانگاه گرد آور تا توسط دستهای عیسی مسیح، قربانی پرستش و صلح را به تو تقدیم دارند.

مزمور ۱۲۹

«بر من پیروز نشدند!»

- ۱ چه بسیار در جوانی قصد جانم کردند، اسرائیل آنرا بگوید-
- ۲ بارها در جوانی قصد جان مرا کردند، اما بر من پیروز نشدند.
- ۳ شیران بر شانه ام چنگ زدند و شیارهای طویل گندند.
- ۴ اما خداوند که عادل است، یوغ شیران را درهم کوبید.
- ۵ باشد که دشمنان صهیون خوار و رانده شوند؛
- ۶ مثل علفهای روی بام ها نمو نکرده پژمرده گردند.
- ۷ خوشه چینان حتی مشتی از آنها نتوانند پُرکنند و نه بافه بندان، بافه ای از آنها را!
- ۸ دیگر رهگذران نگویند: «برکت خداوند بر شما باد، ما به نام خداوند شما را برکت یافته می خوانیم.»

ای خدا، ای که عادل هستی، تو نخواستی آزمایش، خادم با وفای تو عیسی را از بین ببرد. مگذار دشمنان کلیسا پیروز شوند، قدرتهای بدی را بشکن و ما را شایسته گردان تا تو را متبارک خوانیم.

مزمور ۱۳۰

«نزد خداوند فدیة فراوان است»

- ۱ از اعماق وجودم، ای خداوند
نزد تو فریاد برمی آورم،
- ۲ ای خداوند، التماس مرا بشنو
و به زاری من گوش فرا ده!
- ۳ خداوندا، اگر گناهانم را در نظر آوری،
کیست که برجا ماند؟
- ۴ لیکن بخشش نزد توست
تا انسان از تو بترسد.
- ۵ با تمامی وجود به خداوند امید دارم
و در انتظار سخن اویم.
- ۶ جان من در انتظار خداوند است،
بیش از منتظران صبحگاه.
- ۷ همچون شبگرد، چشم به راه سپیده دم،
ای اسرائیل منتظر خداوند باش.
- ۸ زیرا رحمت نزد خداوند است
و فدیة نزد او فراوان.
- ۹ او قوم برگزیده را،
از همه گناهانشان فدیة خواهد داد.

ای خدای محبت و بخشش، با فرستادن کلمه خود به دنیا، طلوع نجات را بر قوم خود نمایان ساختی، ما را در ورطه خطاها رها مکن، فریاد کلیسای خود را بشنو و با بخشیدن نجات کامل به او، انتظارش را برآور.

مزمور ۱۳۱

«همچون طفلی کوچک»

- ۱ ای خداوند دل من مغرور نیست
و نه نظری متکبر دارم؛
از پی کارهای بزرگ نمی روم
و نه کارهایی که از عقل من به دور باشند.
- ۲ ولی جان خود را
آرام و ساکت نگاه می دارم.
جانم در من به مانند طفل است،
به سان طفلی در آغوش مادر خود.
- ۳ ای اسرائیل منتظر خداوند باش،
از حالا و تا به ابد.

ای خداوند برای تمام مایحتاج روزانه، برای نان، باد، زمین و آب، برای سخن و سکوت، برای آرامش که از تو می آید و برای انسان های ساده دل سپاست می گویم، تو را شکر می کنم که در عیسی، فرزند خود، نزد ما هستی.

مزمور ۱۳۲

«برای محبت داود»

الف

- ۱ ای خداوند، داود را به یاد آور
و رنجهای بسیار او را.
- ۲ سوگندی را که به خداوند خورد
و نذری که برای خدای یعقوب نمود:

- ۳ «هیچگاه به خیمه خود داخل نخواهم شد و به بستر خویش نخواهم رفت،
۴ به چشمان خود خواب راه نخواهم داد و پلکهایم برهم نخواهم گذاشت تا مکانی برای خداوند پیدا کنم؛ جایگاهی برای قادر مطلق یعقوب.
۶ اینک ذکر آن در آفرانه بود و آن را در بیابان «چنگل» یافتیم.
۷ وارد مسکن خدا شویم، و در برابر تخت او به خاک افتیم.
۸ برخیز ای خداوند و به مسکن خویش بیا، تو و صندوقچه قوت تو! کاهنان تو ردای عدالت به تن خواهند کرد و ایماندارانت فریاد شادمانی سرخواهند داد،
۱۰ به خاطر خدمتگزار تو داود.
۱۱ روی از مسیح خود برنگردان. خداوند برای داود سوگند یاد کرد و به سخن خود وفادار خواهد ماند.

ب

- «ثمره‌ای از نسل توست که بر تخت تو خواهم نشاند. اگر فرزندان عهد مرا نگاه دارند و نیز فرایضی را که به ایشان آموختم، فرزندان ایشان نیز تا به ابد، بر تختی که از برای توست، خواهند نشست.»

- ۱۳ زیرا خدا صهیون را برگزیده، و برای جایگاه خویش خواسته است:
۱۴ «اینست آرامگاه من تا به ابد، اینست مسکنی که می‌خواستم.
۱۵ «محصولاتش را پُر برکت خواهم کرد، فقیرانش را از نان سیر خواهم نمود؛ کاهنانش را ردای نجات می‌پوشانم و ایماندارانش، آواز شادمانی سرخواهند داد.
۱۷ «این جا جوانه داود را نمُو خواهم داد و برای مسیح خویش، چراغی مهیّا خواهم ساخت؛ دشمنانش را به شرم خواهم پوشانید اما بر سر او تاجی شکوفه خواهد زد.

ای خداوند، ای که همیشه در سوگندهای خود وفاداری، تو عیسی، مسیح خود را بر تخت داود پدر او، نشاندی، همان طوری که قول داده بودی و خواستی که کلیسای او مکان آرامش تو برای همیشه باشد. امروز برای خویشتن در ما مسکنی مهیا ساز، بگذار ایمانداران و کاهنانت، نگهبانان پیمان نوین و مدافع قدوسیّت تو در این جهان باشند.

مزمور ۱۳۳

«به یکدلی با هم زندگی کردن!»

- ۱ آری چه نیکوست و چه شادمانه، که برادران به یکدلی با هم به سر بزنند.
۲ همچون روغنی گرانبها، یا عطری که بر سر پاشند، که بر ریش هارون روان شود و بر دامان ردایش فرود آید.

۳ همچون شبنم خرمون است
که بر تپه‌های صهیون می‌نشیند.
آنجا که خداوند برکت می‌فرستد
و زندگی جاودانه می‌دهد.

ای پدر، تو که بر قوم خود قدرت و محبت روح القدس را فرود آورده‌ای، آن را در اتحاد نگاه دار. یک قلب و یک روح به ما ده تا دنیا ببیند که کلیسای مسیح جای برکت و زندگی در توست.

مزمور ۱۳۴

«به درازای شبها»

۱ بیایید خداوند را متبارک خوانیم،
ای شما که خادمین او هستید،
شما که در خانه خداوند
شبها به عبادت می‌گذرانید!

۲ دستهای خود را به سوی قدس الاقداس برافرازید
و خداوند را ستایش کنید.

۳ باشد که خداوند از صهیون تو را برکت دهد،
او که آسمان و زمین را آفرید!

ای خدای آسمان و زمین، دستهایمان را به سوی تو برمی‌افرازیم تا ترا متبارک خوانیم، زیرا تو در پسر محبوب خود ما را برکت داده‌ای. در شبی که به ما ارزانی می‌داری تا دعای ما با دعای او متحد شود، التماس داریم که باز هم ما را برکت دهی.

مزمور ۱۳۵

«خداوند اراده اش را به انجام می‌رساند»

۱ هلولیاه

نام خداوند را بستایید،
ای خادمین خداوند او را ستایش کنید،
۲ ای شما که در خانه خداوند
و در صحن‌های خانه خدای ما عبادت می‌کنید.

۳ خداوند را بستایید، زیرا که نیکوست،
نام او را بسرایید، زیرا که محبوب است.

۴ خداوند یعقوب را برگزید
و اسراییل را میراث خویش قرار داد.

۵ می‌دانم، خداوند بزرگ است
بزرگتر از همه خدایان.

۶ هرچه خداوند اراده کند، انجام می‌دهد؛
در آسمان و بر روی زمین،
در دریاها و لُجّه‌ها.

۷ از افق، ابرها را می‌آورد،
که رعد و برق را می‌آفرینند تا باران ببارد
و باد را از انبارش بیرون می‌کشد.

۸ نخست زادگان مصر را زد،
نخست زادگان انسان و حیوان را.

۹ نشانه‌ها و کارهای شگفت آشکار ساخت،
(برتو ای سرزمین مصر) بر فرعون و تمامی بندگانش.

- ۱۰ امتهای بسیار را زد
و پادشاهان زورمند را نابود کرد:
- ۱۱ سیحون پادشاه آموریان، عوج پادشاه باشان
و همه ممالک کنعان را.
- ۱۲ زمینهایشان را به میراث بخشید،
میراث به اسرائیل، قوم برگزیده خود.
- ۱۳ خداوندا، نام تو جاودانه است
و یاد تو قرنها پابرجا.
- ۱۴ زیرا خداوند قوم خود به انصاف داوری می کند
و به خاطر خادمان خویش شفقت می نماید.
- ۱۵ بت های امتهای از طلا و نقره است
و ساخته دست انسان.
- ۱۶ آنها دهان دارند ولی سخن نمی گویند،
چشم دارند، ولی نمی بینند.
- ۱۷ گوشهایشان نمی شنود
و در دهانشان نیم نفسی هم نیست.
- ۱۸ باشد که سازندگانشان همچون آنها شوند
و ایماندارانشان نیز.
- ۱۹ ای خاندان اسرائیل خداوند را متبارک خوانید،
ای خاندان هارون خداوند را متبارک خوانید،
ای خاندان لاوی خداوند را متبارک خوانید
و شما ای ترسندگان او، خداوند را متبارک خوانید.

۲۱ خداوند از صهیون ستایش باد،
او که در اورشلیم ساکن است!

هللوویه!

ای خدای جاودانی که در برابر تو نه در آسمان، نه در زمین و نه در هاویه، هیچ چیز نمی تواند پایداری کند، برای ما نیکوست که نام ترا توسط عیسی مسیح خداوندمان بستاییم؛ توسط او بر دشمنان ملکوت تو پیروز شده ایم که در او حق خادمانت را ادا کردی. مگذار که کلیسای تو در این زمانه، به روح این جهان اعتماد کند، بلکه در ستایش و سپاس خود نگاهش دار و باز هم افتخار برکت خود را تا به ابد به او ده.

مزمور ۱۳۶

«محبت او جاودانی است»

- ۱ خداوند را سپاس گویند زیرا که نیکوست،
و محبت او جاودانی.
- ۲ بر خدای خدایان سپاس گویند،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۳ رب الارباب را سپاس گویند،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۴ تنها او کارهای شگفت انگیز کرد،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۵ آسمان را بر بنیان حکمت نهاد،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۶ زمین را بر آبها استوار گرداند،
زیرا محبت او جاودانی است.

- ۱۹ سیحون پادشاه آموریان را،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۲۰ وعوج پادشاه باشان،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۲۱ زمینهایشان را میراث داد
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۲۲ به میراث خادم خود، اسرائیل،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۲۳ خوارشدگان را به یاد می آورد،
زیرا محبت او جاودانی است؛
- ۲۴ و ما را از دست ستمگر می رهاند،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۲۵ به همه جانداران روزی می بخشد،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۲۶ خدای آسمانها را سپاس گویند،
زیرا محبت او جاودانی است.

ای خدای محبت جاودانی، نیکوست که توسط عیسی مسیح خداوند ما، که در او تمامی فیض به ما رسید، تو را سپاس گوئیم. توسط او و برای اوست که هرچیزی در آسمانها و زمین آفریده شد؛ در او و به همراه اوست که از مرگ به زندگی بازگشتیم. با این وجود، ضعف ما را به یاد آور، همچنان کلیسای خود را هدایت کن و نانی را که نیاز داریم تا به دیدار تو آئیم به ما ارزانی دار.

- ۷ او دو نیّر بزرگ ساخت،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۸ خورشید را که در روز سلطنت نماید،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۹ ماه و ستارگان را برای حکمرانی در شب،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۱۰ او نخست زادگان مصر را زد،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۱۱ اسرائیل را از زمین آنها بیرون آورد،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۱۲ با دست قوی و بازوان قراخ،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۱۳ او دریای سرخ را به دو نیم کرد،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۱۴ اسرائیل را از آن گذرانید،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۱۵ فرعون و لشگریانش را در آن سرنگون ساخت،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۱۶ او قوم خود را در بیابان رهبری نمود،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۱۷ او که پادشاهان نامور را زد،
زیرا محبت او جاودانی است.
- ۱۸ شهریان زورمند را از میان برداشت،
زیرا محبت او جاودانی است.

مزمور ۱۳۷

«اگر تو را فراموش کنم، ای اورشلیم!»

- ۱ کنار نهرهای بابل
می‌نشستیم و می‌گریستیم.
چون صهیون را به یاد می‌آوردیم،
بر درختان بید اطرافمان،
عودهای خود را می‌آویختیم.
- ۲ در آنجا که زندانبانانمان
از ما سرود خواستند
و ربایندگانمان از ما شادی طلب کردند.
می‌گفتند: « برای ما بخوانید،
سرودی از صهیون بخوانید. »
- ۳ چگونه سرودهای خداوند را
در سرزمین بیگانه می‌خواندیم؟
خشک شود دست راست من
ای اورشلیم اگر تو را فراموش کنم!
- ۴ می‌خواهم تا زیانم به کامم بچسبید،
اگر یاد تو از خاطر من برود،
اگر اورشلیم را
بالاترین شادی خود ندانم.
- ۵ (ای خداوند به یاد آور
پسران آدوم را در روز اورشلیم،
آن‌گاه که فریاد می‌زدند: « براندازید!
براندازید! از ریشه برافکنیدش. »)

- ۸ (ای بابل سیاه روز!
خوشابه حال کسی که به تو باز پس دهد
بدی‌هایی را که به ما کردی.)
- ۹ خوش به حال کسی که فرزندان را اسیر کند،
بر صخره بکوبد و خردشان نماید.)
- ای خداوند اگر دنیا به خاطر نام عیسی ما را تعقیب می‌کند، ما را به یاد آور! به ما کمک کن تا به اسم عیسی آنها را ببخشیم، بدون اینکه هیچگاه با بدی سازش کنیم. به ما بیاموز تا برای نجات و آزادیمان، خود را به دست تو بسپاریم.

مزمور ۱۳۸

«خداوند برایم هر کار می‌کند!»

- ۱ خداوندا، به همه وجود سپاست می‌گویم،
زیرا سخنان دهانم را شنیده‌ای.
- ۲ در حضور فرشتگان تو را می‌سرایم،
به سوی معبد مقدس تو به خاک می‌افتم.
- ۳ از برای محبت و حقیقت تو، نام تو را سپاس می‌گویم،
زیرا تو نام و کلامت را برتر از هر چیز برمی‌افرازی.
روزی که به فریادم رسیدی،
به قلبم نیرو دادی.
- ۴ همه پادشاهان زمین تو را سپاس خواهند گفت،
آنگاه که سخنان دهان تو را بشنوند.
- ۵ آنها راههای خداوند را خواهند سراپید:
« چه عظیم است جلال خداوند! »

- ۶ خداوند از مکان بلند خویش بر مسکین نظر می کند،
و از دور متکبر را می شناسد.
- ۷ اگر در تنگی ها راه روم، تو به من زندگانی می بخشی
و بر خشم دشمنانم دست خود می گشایی.
- ۸ دست راست تو مرا پیروز می کند،
خداوند برایم هر کار می کند.
خداوندا، محبت تو جاودانه است،
ساخته دست خود را ترك مکن.

سپاس بر تو باد ای خدای حقیقت و محبت، در پسر تو عیسی، خداوند ما، همه چیز
برای ما انجام دادی؛ در او نام تو و سخن تو برتر از هر چیز قرار می گیرد، با او
فروتنان در پیروزی قطعی تو گام برمی دارند. در برابر کار دست های تو، قوم تو با
فرشتگان می سرایند «جلال تو عظیم است ای خداوند.»

مزمور ۱۳۹

«خداوندا، تو می دانی!»

الف

- ۱ خداوندا، تو باطن مرا می بینی و از آن آگاهی،
تو گاه نشستن و برخاستن مرا می دانی،
فکرهایم را از دور می شناسی.
- ۳ اگر راه روم یا استراحت کنم، تو ناظری؛
همه راههایم برای تو آشناست.
- ۴ پیش از آن که کلامی بر زبانم آید
تو آن را می دانی ای خداوند.

- ۵ از پیش و از پس مرا دربرگرفته ای،
دست خویش را بر من گذارده ای.
- ۶ دانشی عجیب که از درك آن عاجزم،
فرازی که نمی توانم بدان رسم!
- ۷ به کجا روم که از دم تو دور باشم؟
از روی تو کجا بگریزم؟
- ۸ اگر به آسمانها روم، تو آن جا هستی،
به هاویه نیز فرو روم، اینك حاضری.
- ۹ اگر به بالهای سحر بیاویزم
و به آن سوی دریاها رسم،
- ۱۰ آن جا نیز دست تو هادی من است
و دست راست تو مرا نگاه می دارد.

ب

- ۱۱ گفته بودم: «تاریکی مرا دربر گیرد،
روشنایی گرداگردم نیز خاموش شود!»
- ۱۲ ولی حتی تاریکی برای تو، تاریکی نیست
و شب برای تو، مثل روز روشن است.
- ۱۳ قلبم را تو آفریدی،
در رحم مادرم، تو مرا سرشتی.
- ۱۴ تو را سپاس می گویم که مرا آفریدی،
مرا، موجودی چنین حیرت انگیز.
کارهای تو شگفت انگیزند،
این را تمامی وجودم خوب می داند.

۱۵ آنگاه که در نهان ساخته می‌شدم
و در اندرون زمین نقش می‌بستم،
استخوانهایم بر تو پنهان نبود.
۱۶ نطفه‌ام را چشمانت دیده است.
در کتاب تو روزهایم نوشته شده بود،
شمرده شده، پیش از آغاز اولین روز!

۱۷ درك اندیشه تو، برایم چه دشوار است؛
خدایا، آنها چه عظیمند!

۱۸ آنها را می‌شمرم، زیاده از شن‌هاست.
آنگاه که بمیرم، هنوز با تو هستم.

۱۹ خدایا اگر می‌خواستی شریر را نابود می‌کردی.
ای خونریزان از من دور شوید!

۲۰ شما که با دسیسه‌هایتان رو در روی خدا می‌ایستید
و فکرهايش را به هیچ می‌شمردید.

۲۱ خداوندا، چگونه از دشمنان تو بیزار نباشم!
چگونه از پرخاشگران به تو متنفر نشوم؟

۲۲ از آنها نفرت دارم، نفرتی بی‌کاست،
و آنان را دشمن خود می‌دانم.

۲۳ درون مرا ببین ای خدای من، قلبم را خواهی شناخت،
مرا ببازما، فکرهاي مرا خواهی دانست.

۲۴ ببین! آیا راهی مرگ‌آور در پیش گرفته‌ام،
و مرا به طریق جاودانگی هدایت کن.

ای خداوند، بر آدمیان این روزگار وقتی که به تو افترا می‌زنند که مانع زندگی آنها

هستی خویشتن را آشکار نما. باشد که شگفتی‌های دانش تو عظمت و قدرتت را
آشکار سازد! بگذار آنهايي که از تو گریزانند، بفهمند که خوشبختی شان تنها در
بازگشت به سوی توست. ما را زیر سایه دست خود نگاه دار تا دست تو توسط دست ما
عمل کند. قلب ما و قلب خود و آن شباهت عجیب را که به تو داریم بر ما نمایان ساز.
افتخار زیستن به خاطر تو را، به ما ارزانی دار تا در مسیح، حیات ما تو را سپاس گوید.

مزمور ۱۴۰

«در برابر ستمگر، مدافع من باش»

۲ خداوندا، از شریر مرا رهایی ده،

از مردمان ستمگر مرا حفظ نما؛

۳ از آنان که در اندیشه بدی هستند

و تمامی روز جنگ را دامن می‌زنند.

۴ آنها، زبانی چون نیش افعی دارند

و دهانشان آکنده از زهر است.

۵ خداوندا! مرا از دست شریران نگاه دار،

از مردمان ستمگر مرا حفظ نما؛

از آنها که در اندیشه ناکامی من هستند.

۶ متکبران برایم دام نهاده‌اند،

بر سر راهم کمین گذارده‌اند

و بر من ریسمان‌ها و تور بافته‌اند.

۷ به خداوند گفتم: «تو خدای من هستی».

ای خداوند فریاد دعایم را بشنو.

۸ ای خداوند سرور من، تو قوت نجات من هستی.

در روز نبرد، تو سر مرا حفظ می‌کنی.

۹ ای خداوند، مرا به آرزوی شریران وا مگذار،

مخواه که نیرنگ ایشان به انجام رسد.

- ۱۰ آنهایی که گرداگردم هستند سرافرازند،
باشد که جنایات زبانشان بر سرشان آید!
۱۱ که اخگر سوزان بر ایشان ببارد!
باشد که به گودال بیفتند و دیگر برنخیزند!
۱۲ سخن چینان بر زمین پایدار نخواهد ماند،
شریران را شرارت در حصار خواهد کشید.)
۱۳ می دانم که خداوند داد مسکین را خواهد گرفت
و از فقیر دفاع خواهد کرد.
۱۴ عادلان نام تو را سپاس خواهند گفت
و راستدلان در حضور تو زندگی خواهند کرد.

ای خدایی که به داد فقیر و مسکین می رسی، تو نیرومند هستی که پسر خود را نجات دادی و از دست شریران رهایش نمودی. فریاد آنانی را که هنوز در پنجه جنگ، آزار و خشونت اسیرند، بشنو. تزویر جهان را برهم زن و دفاع کن از آنانی که به همراه عیسی به تو می گویند «خدای ما تو هستی!»

مزمور ۱۴۱

«تقدیمی شب»

- ۱ خداوندا تو را می خوانم، به سوی من بشتاب،
چون تو را بخوانم، فریاد مرا بشنو.
۲ باشد که دعای من همچون بُخور به حضور تو برسد
و دستهایم به سان تقدیمی شب!
۳ ای خداوند بر لبهایم نگاهبانی قرار ده
و دهانم را مراقب باش.
۴ مگذار قلبم به سوی بدی رود
یا با بدان همدست شوم.

- هرگز مزه لذت‌هایشان را نخواهم چشید،
۵ اگر مرد عادل تأدیب کند، بر من مهربانی کرده،
چون روغنی گرانبهاست که بر سرم بریزد.
برای آن بدی که بر من می کنند دعاگو خواهم بود.
۶ اینک داوران‌شان از صخره به زیر افتاده‌اند،
آنهایی که از شنیدن این سختم لذت می بردند:
۷ «همانند خاکی که می کنند و زیر و رو می کنند،
استخوانهای ما در دهان هاویه ناپدید می شود.»
۸ خداوندا، ای خدای من! به سوی تو می نگرم،
تو پناهگاه من هستی، زندگی‌م را نگاه دار!
۹ از دامی که برایم گسترده‌اند
و از کمندهایی که شریران ساخته‌اند مرا حفظ کن.
۱۰ شریران در دام خود سرنگون خواهند شد
و تنها من، به تنهایی گذر خواهم کرد.

ای خدا، چگونه نزد تو آیم اگر از راه عیسی که قوت قیامت ماست، نرویم. تنها او قربانی شب را به تو تقدیم نمود، آری با دستهای برافراشته بر روی صلیب و در کمال آزادی! دعای ما را در دعای او نگاه دار و قلب ما را در قلب او، و همانگونه که او را از هر بدی نگاه داشتی ما را هم از بدی دور نگاه دار.

مزمور ۱۴۲

«کسی نیست که به یاد من باشد»

- ۲ به آواز بلند سوی خداوند فریاد می‌زنم،
به آواز بلند به خداوند التماس می‌کنم،
- ۳ ناله‌ام رابه حضور او سر می‌دهم،
در حضورش اندوه خود بیان می‌کنم.
- ۴ هنگامی که نفس بر من تنگ می‌شود،
تویی که راه مرا می‌دانی.
در راهی که می‌روم،
گرداگردم برایم دام گذارده‌اند.
- ۵ اطراف مرا بنگر و ببین:
کسی نیست که مرا بشناسد،
دیگر پناهی ندارم،
کسی نیست که به یاد من باشد.
- ۶ نزد تو ای خداوند فریاد زدم،
گفتم: «تو پناه من هستی،
نصیب من در زمین زندگان.»
- ۷ به فریاد من گوش فرا ده
زیرا که دیگر توانی ندارم.
مرا از دست ستمگرانم رهایی ده
زیرا آنها از من قوی‌ترند.

- ۸ مرا از زندانی که در آن هستم، رهایی ده
تا نام ترا سپاس گویم.
برای محبتی که به من خواهی کرد،
عادلان گرداگرد من خواهند بود.

ای خدایی که همه چیز را می‌دانی، فریاد انسان را بشنو؛ ناله اسیر و ناله ستمدیده را، ناله آن کسی را که دیگر هیچ چیز ندارد، نه دوست و نه پناهگاهی. در صدای او صدای عیسی را بشنو، او را آزاد ساز، همانگونه که عیسی را آزاد کردی، اندوه او را به سپاسگزاری تبدیل کن.

مزمور ۱۴۳

«قوت تو، مرا هدایت کند»

- ۱ خداوندا، دعایم را بشنو، به التماسم گوش فرا ده.
تو عادل و با وفا هستی، مرا جواب ده.
- ۲ بر خادم خود حکم مکن،
هیچ زنده‌ای نزد تو از عیب بری نیست.
- ۳ دشمن در طلب نابودی منست،
زندگی مرا پایمال می‌کند
و همچون مردگان ایام قدیم،
مرا در ظلمت می‌نشانند.
- ۴ نفسی برایم نمانده
و قلبم در درونم پریشان است.
- ۵ روزگار گذشته را به یاد می‌آورم،
در تمامی اعمال تو تفکر نموده،
در کارهای دست تو می‌اندیشم.
- ۶ دستهایم را سوی تو برمی‌افرازم،
اینک در مقابل تو، همچون زمین تشنه هستم.

۷ ای خداوند، برای اجابت من بشتاب،
نَفْسِی نمانده است.
روی خود را از من میپوشان
مبادا مثل آنانی شوم
که به قبر فرو روند.

۸ بگذار بامدادان محبت تو را بشنوم
زیرا که به تو توکل دارم.
راهی که باید روم به من نشان ده،
چون روحم را به سوی تو برمی افرازم.

۹ ای خداوند مرا از دشمنانم برهان،
به تو پناه آورده ام.
۱۰ مرا پیاموز که اراده تو را به جا آورم،
چون خدای من تو هستی.
باشد که قوَت تو،
مرا بر زمین هموار هدایت کند!

۱۱ به خاطر نام خود، ای خداوند مرا زنده ساز،
در عدالت خود، جانم را از تنگی برهان.

۱۲ (به خاطر رحمت خود دشمنانم را نابود خواهی کرد
و همه حریفانم را هلاک خواهی نمود،
زیرا که خادم توهستم.)

ای خدایی که با وفا و دادگر هستی، دعای کلیسای خود را پذیرا باش، همانطور که
به عیسی، خادم خود پاسخ دادی. وقتی نَفْس در کلیسا ضعیف و ناتوان می شود عطا
کن با نفس روح تو زنده شود. عطا کن در کار دستهای تو ببندیشد و آزاد و مطمئن
به سوی صبح رستاخیز پیش رود.

مزمور ۱۴۴ «خوشابه حال آن که یهوه خدای اوست»

الف

۱ ستایش باد بر خداوند، او صخره من است،
بازوانم را برای نبرد آماده می سازد
و دستهایم را برای کارزار.

۲ او، قلعه و حصار من است،
قلعه من و رهاننده من،
او سپری است که مرا حفظ می کند،
او مرا بر قومم برتری داده است.

۳ مگر آدمی چیست که تو ای خداوند او را بشناسی؟
مگر فرزند انسان کیست که در اندیشه او باشی.

۴ انسان نَفْسِی بیش نیست
و روزهایش چون سایه در گذر است.

۵ ای خداوند، آسمانها را به زیر افکن و فرود بیا،
کوهها را لمس کن تا بسوزند!

۶ به هر سو رعد و برق را پراکنده ساز،
تیرهایت را پرتاب کن، آنها را بگستران.

۷ از آن بالا، دست خود را دراز کن،
از ژرفای آنها مرا بگیر، نجاتم ده،
از دست قوم بیگانه رهایم ساز.

۸ آنها سخنان دروغ می گویند،
دست راست ایشان پیمان شکن است.

ب

- ۹ برای تو ای خدای من، سرودی تازه خواهم سراپید،
برای تو با چنگ ده سیم خواهم نواخت،
۱۰ برای تو که به پادشاهان پیروزی می‌بخشی

- و خادم خود داود را نجات می‌دهی.
۱۱ مرا از شمشیر کشته نجات ده،
از دست قوم بیگانه رها ساز.
آنها سخنان دروغ می‌گویند
و دست راست ایشان پیمان شکن است.

- ۱۲ پسران ما، همچون نهالانند
که از جوانیشان نیکو برویند؛
و دختران ما، چونان ستونهایند
که از برای کاخی تراشیده باشند.

- ۱۳ انبارهای ما انباشته شده،
و از هر چیز نیکو لبریزند.
گله‌های ما هزاران هزار،
رمه‌هایمان دشتها را پُر کرده‌اند.
۱۴ گریزی در کار ما نیست

- و نه فریاد کمکی به گوش می‌رسد.
۱۵ خوشابه حال قومی که از نعمت خدا لبریز است،
خوشا به حال قومی که خداوند، خدای اوست!

متبارک باشی ای خدایی که با قوم خود پیوسته هستی و او را به نبرد بر علیه بدی و
می‌داری، ای خدایی که به سوی قوم خود دست می‌گشایی و او را از دست دشمن

می‌رهانی، ما را نجات ده! ای خدایی که خوشبختی قوم خود هستی و او را از هر
نیکویی در مسیح لبریز می‌گردانی، جلال بر تو باد و ما را نجات ده!

مزمور ۱۴۵

«توزندگان را با نیکویی سیر می‌نمایی!»

الف

- ۱ تو را متعال خواهم خواند ای خدای من و ای پادشاه من؛
نام تو را همواره تا به ابد متبارک خواهم خواند.

- ۲ هر روزه ترامتبارک خواهم خواند،
نام ترا همواره و تا ابد سپاس خواهم گفت.
۳ خداوند عظیم است و در خور ستایش،
عظمت او در اندیشه نمی‌آید.

- ۴ نسل بعد نسل کارهای تو را خواهند ستود،
اعمال شگفت‌انگیز تو را اعلام خواهند نمود.
۵ شکوه بزرگی تو عظیم است
و من کارهای عجیب را نقل خواهم کرد.

- ۶ از قوت مْهیب تو سخن خواهند گفت،
و من عظمت ترا بیان خواهم کرد.
۷ محبت عظیم ترا به یاد خواهند آورد
و عدالت تو را خواهند ستود.

- ۸ خداوند بخشنده و مهربان است،
دیر خشم و سرشار از محبت.
۹ نیکویی خداوند بر همگان است،
و محبت او در تمامی کارهایش.

ب

- ۱۰ باشد که آفریدگانت تو را بستایید
و وفادارانت، تو را متبارك خوانند!
- ۱۱ جلال ملکوت تو را بازگو کنند
و از عجایب تو سخن گویند!
- ۱۲ کارهای عظیم تو را به مردم بشناسانند
و نیز شکوه و جلال ملکوت تو را.
- ۱۳ ملکوت تو، ملکوتی جاودانی است،
سلطنت تو تا به ابد پایدار.
- خداوند هر آنچه گوید، راستی است
و در آنچه که انجام دهد وفادار.
- ۱۴ خداوند افتادگان را برمی دارد،
خم شدگان را برمی خیزاند.

ج

- ۱۵ همه به تو چشم دارند، همه امیدوارند:
در وقتش روزی می بخشی؛
- ۱۶ دست خود را می گشایی،
تو نیاز زندگان را سیرمی نمایی.
- ۱۷ خداوند در تمامی راههای عادل است،
در هر آنچه می کند وفادار.
- ۱۸ او نزد کسانی است که او را می خوانند،
نزد همه آنانی که به راستی او را می خوانند.

- ۱۹ او آرزوی ترسندگانش را برآورده می کند،
فریادشان را می شنود و ایشان را نجات می دهد.
- ۲۰ خداوند دوستدارانش را نگاه خواهد داشت،
اما همه شریران را از بین خواهد برد.
- ۲۱ باشد که زبانم ستایش خداوند را گوید!
باشد که همگان، نام قدوس او را بستایند،
همواره و تا به ابد!

ای خداوند عیسی، برای ما مهر و محبت پدر باش. امروز چون دیروز همه به سوی تو چشم دوخته و امیدوارند. امروز چون دیروز به برادرانت رحم کن: نزدیک باش، دستت را بگشا، آنهایی را که می افتند نگاه دار، آنانی را که از پا افتاده اند برخیزان، دوستانت را نگهدار، ما را جواب ده. عطا کن بتوانیم تو را تا ابد متبارک خوانیم.

مزمور ۱۴۶

«خوشا به حال آن که خدا یاور اوست»

۱ هلولویاه!

- ۱ ای جان من خداوند را ستایش نما!
- ۲ می خواهم تا زنده ام خداوند را سپاس گویم
و تا هستم برای خدای خود سرود بخوانم.
- ۳ بر قدرتمندان تکیه مکنید،
این فرزندان آدم قادر به نجات دادن نیستند.
- ۴ روح آنها بیرون می رود و به خاک باز می گردند
و تدابیرشان فنا می شود.

- ۵ خوشباه حال کسی که خدای یعقوب یاور اوست،
و به خداوند، خدای خود امیدوار؛
- ۶ او که آسمان و زمین،
دریا و هر آنچه در آن است آفرید.
- ۷ او همواره حقیقت را پاس می‌دارد،
مظلومان را دادرسی می‌کند،
گرسنگان را نان می‌بخشد،
خداوند اسیران را آزاد می‌سازد.
- ۸ خداوند چشم کوران را می‌گشاید،
خداوند خم شدگان را برمی‌افرازد،
خداوند عادلان را دوست می‌دارد؛
- ۹ خداوند غریب را حفظ کند،
بیوه زن و یتیم را نگاه می‌دارد،
اما قدم‌های شریر را به بیراهه می‌کشد.
- ۱۰ نسل بعد نسل خداوند سلطنت خواهد کرد،
او تا به ابد خدای توست ای صهیون.

هللویاه!

ای خدایی که آسمان و زمین و هر آنچه در آن است آفریدی، ما به تو توکل می‌کنیم،
ما ایمان داریم که مسیح عدالت‌ترا همواره، به انجام می‌رساند. از او انتظار نجات
داریم، قلب کلیسای خود را به سوی فقرا بگردان و کلیسای خود را از توکل بر
قدرتمندان برحذر دار.

مزمور ۱۴۷

«خداوند مسکینان را برمی‌افرازد!»

- ۱ هللویاه!
- چه نیکوست خدای ما را با شادی سراییدن،
سزاست ستایش و تسبیح او را گفتن!
- ۲ خداوند اورشلیم را دیگر بار بنا می‌کند
و تبعیدیان اسرائیل را گرد هم می‌آورد؛
- ۳ شکسته دلان را شفا می‌بخشد
و بر زخم‌هایشان مرهم می‌گذارد.
- ۴ ستارگان را می‌شمارد
و یک به یک نام می‌نهد.
- ۵ خداوند ما نیرومند و عظیم
و حکمتش بی‌نهایت است.
- ۶ خداوند مسکینان را قوت می‌دهد
و شیران را بر زمین می‌زند.
- ۷ برای خداوند سرود شکر بخوانید،
برای خدای ما با بربط بنوازید.
- ۸ اوست که آسمان را با ابرها می‌پوشاند
و برای زمین باران می‌فرستد؛
اوست که علف را بر کوهساران می‌رویاند
و گیاهان را برای منفعت آدمیان.
- ۹ به رمه‌ها روزی می‌دهد
و جوجه کلاغها که او را می‌خوانند.

- ۱۰ او قدرت اسبان را دوست نمی دارد
و قوت انسان او را پسند نمی آید.
- ۱۱ خشنودی خداوند از ترسندگانش است
و آنانی که به رحمت او امید دارند.
- ۱۲ ای اورشلیم خداوند را جلال ده،
ای صهیون، خدای خویش را ستایش کن!
- ۱۳ او ستونهای دروازه هایت را استوار ساخته،
فرزندان را برکت داده است؛
- ۱۴ در مرزهای آرامش حکمفرما می کند
و تو را از مغز گندم سیر می گرداند.
- ۱۵ او کلامش را بر زمین می فرستد،
کلام او به سرعت آن را می پیماید.
- ۱۶ برف را همچون پشم می گستراند
و تگرگ را همچون خاکستر می افشانند.
- ۱۷ دانه های یخ را مشت مشت می باراند،
چه کسی توان ایستادن در این سرما را دارد؟
- ۱۸ کلام خود را می فرستد و یخها آب می شوند،
باد را می وزاند و آبها به سیلان در می آیند.
- ۱۹ کلام خویش را بر یعقوب،
مشیت و احکامش را بر قوم خود آشکار می کند.
- ۲۰ با هیچ امتی چنین نکرده،
و هیچیک را از اراده خود آگاه نساخته است.
هللویاه!

ای خدای پر توان، یگانه سرور ما، به وسیله عیسی خداوند تو را شکر می کنیم؛
توسط او کلیسا را بازمی سازیم، تو بشریت را جمع می سازی، گناهکاران را
می بخشی، فروتنان را سرافراز می نمایی و متکبران را به زیر می افکنی و به همه
زندگی می بخشی. به خاطر محبتت، متبارک باشی. ترا جلال می دهیم ای خداوند
توسط پسر محبوبت عیسی یعنی آن کلام زنده ای که تو بر ما آشکار ساختی. با او
کلیسای تو استوار است تا صلح را برقرار سازد، تا نان را پاره نماید و روح تو را
بفرستد. فرزندان خویش را برکت ده و با محبت با آنان رفتار نما.

مزمور ۱۴۸ «از فراز آسمانها تا روی زمین، او را سپاس گوید»

- ۱ هللویاه!
- از فراز آسمانها خداوند را سپاس گوید،
از اوج سپهر او را سپاس گوید.
- ۲ شما ای تمامی فرشتگانش، او را سپاس گوید،
شما، ای تمامی لشگریانش، او را سپاس گوید.
- ۳ ای خورشید و ماه، او را سپاس گوید،
ای ستارگان درخشان او را سپاس گوید،
- ۴ ای آسمانهای برین، او را سپاس گوید
و ای آبهایی که بر فراز آسمانهایید.
- ۵ باشد که همه نام خداوند را سپاس گوید
زیرا به فرمان او آفریده شدند.
- ۶ هم اوست که آنها را تا به ابد،
و بر قانون ابدی استوار گردانده است.

- ۷ از زمین، خداوند را سپاس گویند،
ای هیولاهای دریایی و تمامی لجه ها،
- ۸ ای آتش و تگرگ، برف و مه
و ای باد و طوفانها که مطیع کلام او هستید،
- ۹ ای کوهها و تمامی تپه ها،
ای درختان میوه و همه سروهای آزاد،
- ۱۰ ای حیوانات وحشی بهایم رام،
ای خزندگان، ای پرندگان که در پروازید،
- ۱۱ ای پادشاهان زمین، ای همه امتهای،
ای شاهزادگان و تمامی داوران جهان،
- ۱۲ ای جوانان و دوشیزگان،
ای پیران و کودکان،
- ۱۳ باشد که همگی ایشان نام خداوند را سپاس گویند!
زیرا تنها نام او برتر است
و جلالش بر آسمان و زمین حکمفرما.
- ۱۴ او بر قدرت قوم خویش می افزاید،
زیرا تمامی ایماندارانش او را ستایش می کنند؛
فرزندان اسراییل، قوم برگزیده او.
هللویاه!

ای خدا، هر چه هست، تو آفریده ای. نام تو بالاتر از تمامی نامهای ستودنی است!
بلی قوم تو، تو را می ستایند، ای خدای متعال، زیرا تو نزد او هستی در عیسی پسر
محبوب خود.

مزمور ۱۴۹ «خداوند را در جماعت ایمان دارانش ستایش کنید!»

- ۱ هللویاه!
- سرودی تازه برای خداوند بسرایید،
باشد که او در جماعت ایماندارانش جلال یابد.
- ۲ برای آفریننده خود، در اسراییل شادمانی کنید
و در صهیون برای پادشاه خویش وجد نمایید.
- ۳ با رقص نام او را ستایش کنید،
برایش بربط و عود بنوازید.
- ۴ زیرا خداوند قوم خویش را یآوری می کند،
او به مسکینان جلال پیروزی می بخشد.
- ۵ مؤمنان در شکوه فخر نمایند
و در معابد شادی می کنند.
- ۶ به آواز بلند خدا را بستایید،
چون شمشیری دو دمه در دست؛
- ۷ تا از امتها انتقام گیرند
و قومها را تأدیب کنند؛
- ۸ زنجیر پادشاهان را سنگین نمایند
و شاهزادگان را زندان بیفکنند.
- ۹ فرمان مکتوب را در حق ایشان روا دارند.
این افتخاری است برای همه ایمانداران.
هللویاه!

ای خدا، آفریننده و خداوند ما، عطا کن ملکوت تو در قلب ایمان دارانت بیاید،
بگذار کلیسایی را که تو دوست می داری، طرفدار فروتنان باشد و با مسیح بر بدی
پیروز شود.

مزمور ۱۵۰

«هر که روح دارد، خداوند را ستایش کند»

۱ هلولیاه!

خدا را در معبد مقدسش ستایش کنید،

قدرت لایزال او را بستایید؛

۲ برای کارهای عظیمش، او را بستایید،

برای جلال بی‌پایانش، او را ستایش کنید.

۳ او را با آواز کرتا بستایید،

او را با نوای چنگ و عود بستایید،

۴ با آوای تار و نی، او را بستایید،

با طبل و رقص او را بستایید.

۵ با سنجهای بلند آوا، او را بستایید،

با سنجهای خوش نوا، او را بستایید!

۶ هر که روح دارد

جلال خداوند را بسراید.

هلولیاه!

برای هر آنچه که تو انجام می‌دهی، با هر آنچه که تو را می‌سرایند و با هر آنچه که هستیم
ستایش و سپاس بر تو باد ای خدای ما؛ ای پدر قدوس، پسر محبوب، روح محبت!

سرودهای عهدقدیم

۱

خروج ۱:۱۵-۱۸

«عظمت جلال تو!»

۱ خداوند را سرودی می‌سرایم زیرا جلال او عظیم است،
اوست که اسب و سوارش را به دریا انداخت.

۲ قوت و سرود من، خداوند است،

نجاتم از اوست.

او خدای من است، او را ستایش می‌کنم.

آری، خدای پدر خود را می‌ستایم.

۳ خداوند در نبردها رزم آور است،

«خداوند» نام اوست.

۴ ارابه‌های فرعون و لشگریانش را

به دریا انداخت.

حتی مبارزان برگزیده‌شان،

در دریای سرخ غرق شدند.

۵ لجه‌ها ایشان را می‌پوشاند،

چون سنگ که به ژرفای آبها فرو می‌رود.

۶ دست راست تو ای خداوند، قوتی پُر جلال دارد،

دست راست تو ای خداوند، دشمن را می‌کوبد.

- ۱۶ (وحشت، زورمندان موآب را فرا می گیرد،
کنعانیان از ترس خشک می شوند،
خوف و هراس ایشان را فرا می گیرد.)
- (از قدرت بازوی تو، چون سنگ ساکت می شوند
آنگاه که قوم تو می گذرد، ای خداوند،
قومی می گذرد که آن را مالک شدی.)
- ۱۷ تو ایشان را با خود میبری
و بر کوه میراث خود می نشانی؛
جایی که برای مسکن خود درست کرده ای ای خداوند،
مکانی مقدس، که با دست خویش استوار ساخته ای،
خداوند تا به ابد سلطنت خواهد کرد.

۲

تثنيه ۱:۳۲-۱۲

- ۱ «تنها خداوند او را رهبری نمود»
ای آسمانها گوش فرا دهید تا سخن گویم،
باشد که زمین سخنان دهانم را بشنود!
تعلیم من چون باران خواهد بارید
و کلام من مثل شبنم.
همچون قطرات باران بر سبزه تازه
و چون رگبار بر برگ.

- ۷ عظمت جلال تو حریفانت را شکست داد.
غضب خود را می فرستی، تا ایشان را چون خاشاک بسوزاند.
- ۸ به نفخه بینی تو آبها جمع می گردند،
موجها همچون سدی برافراشته،
و لجه ها در قلب دریا یخ می بندند.
- ۹ دشمن می گفت: «تعقیبشان می کنم،
بر ایشان چیره می شوم؛
غنایم را تقسیم کرده، نصیب خواهم بُرد.
شمشیرم را می کشم
و برایشان دست می یازم.»
- ۱۰ تو نفس خود را می دمی، دریا ایشان را می پوشاند
همچون سرب در آبهای هایل فرو می روند.
- ۱۱ ای خداوند، کیست چون تو در میان خدایان؟
کیست مانند تو پُر جلال در تقدس،
مُهیب در اعمال شگفت انگیز و خالق عجایب؟
- ۱۲ تو دست راستت را پیش می آوری و زمین آنها را می بلعد.
- ۱۳ با محبت خود، قومی را که فدیة دادی رهبری می کنی
و با قدرت خویش، این قوم را به سوی زمین مقدست، هدایت می نمایی.
- ۱۴ (قومها شنیده اند و می لرزند؛
فلسطینیان لرزیدند،
شاهزادگان آدوم را ترس فرا گرفت.)

- ۳ نام خداوند را ندا می‌کنم،
آری، خدای ما را بستابید،
- ۴ او صخره است و کارهایش به کمال.
همه راههای او عدالت است.
خدای راستی، به دور از بدی،
عادل و باانصاف.
- ۵ آنان او را بی‌حرمت ساختند،
دیگر فرزندان او نیستند،
بلکه نسلی خائن و خطاکارند.
- ۶ آیا این چنین خداوند را شکر می‌کنید
ای قوم احمق و جاهل؟
مگر او پدر تو نیست، آیا تو را نیافریده،
آیا تو را نساخته، مگر او نیست که تو را حفظ می‌کند؟
- ۷ روزهای پیشین را به یاد آور،
در گذر دورانها اندیشه کن؛
از پدر خود جويا شو، او تو را آگاه خواهد ساخت
و مشایخ به تو خواهند گفت.
- ۸ آنگاه که حضرت اعلیٰ به امتهای نصیب ایشان را بخشید،
آنگاه که بنی آدم را از یکدیگر جدا ساخت،
به حسب عدد فرزندان خویش،
قلمرو قوم‌ها را قرار داد،
- ۹ نصیب خداوند، قوم وی شد،
یعقوب، سهم میراث او.

- ۱۰ او را در صحرا می‌یابد،
مکانی مملو از هرج و مرج و خروش وحشیانه؛
او را دربر می‌گیرد، می‌پروراند،
همچون مردمک چشم او را حفظ می‌کند.
- ۱۱ چونان عقابی که آشیانه‌اش را حرکت دهد
و بر فراز جوجه‌هایش به پرواز آید،
او نیز بالهای خود را گسترده، قوم را برمی‌دارد
و بر بالهایش می‌برد.
- ۱۲ خداوند به تنهایی او را رهبری کرد،
در نزد او هرگز خدایی بیگانه نبود.

۳

۱ سموئیل ۲: ۱-۱۰

- ۱ «او فرو می‌افکند و بر می‌افرازد»
قلب من از رحمت خداوند به وجد می‌آید،
سرم از محبتش افراشته می‌شود،
در برابر دشمنانم، دهانم گشوده می‌گردد
زیرا برای پیروزی تو شادمانی می‌کنم.
- ۲ نه، قدوسی جز تو نیست،
دادگری به سان خدای ما نی.
- ۳ سخنان تکبرآمیز نگویند،
گستاخی را از دهان خود دور کنید،
خداوند، خدایی داناست،
اوست که اعمال ما را می‌سنجد.

۴

کتاب اول تواریخ ۲۹:۱۰-۱۳

«تو بر همه چیز مسلط هستی!»

۱۰ متبارك باشی ای خداوند،

خدای اسرائیل، پدر ما؛

از ازل تا به ابد!

۱۱ قدرت و عظمت از آن توست ای خداوند،

شکوه، قدرت، جلال

و همه چیز در آسمانها و بر روی زمین!

پادشاهی از آن توست ای خداوند،

و برتری بر تمامی عالم.

۱۲ شکوه و توانگری از تو می آید،

تو بر همه چیز سروری،

قدرت و توانایی در دست توست،

همه چیز به دست تو، بزرگ و پایدار می شود.

۱۳ هم اینك ای خدای ما،

در اینجا تو را شکر می کنیم

و شکوه نام تو را می سراییم.

۴ کمان زورمندان شکسته خواهد شد،

اما ناتوان به قدرت آراسته می شود.

۵ سیرشدگان، برای نان اجیر می شوند

و گرسنگان آرامش می یابند.

آنگاه که نازا هفت بار می زاید،

مادر فرزندان بسیار ناتوان می شود.

۶ خداوند می میراند و زنده می کند،

به قبر فرو می برد و برمی خیزاند؛

۷ خداوند فقیر می سازد و ثروتمند می گرداند،

فرو می اندازد و برمی افرازد.

۸ بینوا را از خاك برمی دارد

و مسکین را از خاکستر بیرون می کشد؛

تا به مجلس شاهزادگانش برسد

و بر کرسی افتخارش نشاند.

ستونهای زمین از آن خداوند است

که جهان را بر آنها استوار کرده.

۹ او گامهای وفادارانیش را مراقب است،

ولی شیربان در ظلمت نابود خواهند شد.

قدرت، انسان را پیروز نمی گرداند.

۱۰ مخالفین خداوند درهم خواهند شکست.

حضرت اعلی از آسمان صاعقه فرستاده،

و بر تمامی زمین را داوری خواهد کرد.

به پادشاه خود توانایی داده،

مسیح خود را سرافراز خواهد کرد.

۵

اشعیا ۲: ۲-۵

«به کوه خداوند بالا رویم»

۲ در روزهای آخر چنین خواهد شد
که کوه خانه خداوند،برفراز دیگر کوهها خواهد بود،
و برتر از تپه‌ها افراشته خواهد شد.۳ تمامی امتها به سویس خواهند شتافت
و قومهای بسیار نزد آن خواهند آمد.آنها خواهند گفت: «پیش آید تا به کوه خداوند صعود کنیم،
به خانه خدای یعقوب!
باشد که طریق‌های خود را به ما بیاموزد
و ما از پی راههای او خواهیم رفت.آری، شریعت از صهیون خواهد آمد
و کلام خداوند، از اورشلیم.۴ او داور امتها خواهد بود
و اقوام بی‌شمار را دادرسی خواهد کرد.آنها از شمشیرهایشان گاو آهن،
واز نیزه‌هایشان، داسها خواهند ساخت.دیگر امتی بر امتی، شمشیر نخواهد کشید
و دیگر جنگ را نخواهند آموخت.

۵

پیش آید ای خاندان یعقوب،
تا در نور خداوند ره سپاریم.

۶

اشعیا ۹: ۱-۶

«پادشاه صلح و آرامش»

۱ قومی که در تاریکی راه می‌رفت،
نور عظیمی دید.بر ساکنان سرزمین ظلمت،
نوری درخشید.۲ تو شعف آنان را فزون گردانیدی
و شادی آنها را وسعت بخشیدی.
آنها در حضور تو شادمانی می‌کنند،
چنان که در موسم درو شادی می‌کنند؛
چنان که در وقت تقسیم غنیمت مسرور می‌شوند.۳ زیرا یوغی که بر او سنگینی می‌کرد
و چوبی که شانه‌هایش را می‌آزرد،
و عصای ستمگر را،
تمامی اینها را شکستی، همچون روز مدیان.۴ چکمه‌هایی که بر زمین پای می‌کوبیدند
و عبای پیچیده و به خون آغشته،
تنها سوختن را سزاوارند
و اینکه طعمه آتش شوند.

۵ آری، طفلی برای ما زاده شد،
پسری به ما عطا شد.
سلطنت بر دوش اوست.
نام او اعلام شده:
ناصر شگفت، خدای قادر،
مشاور جاودان و سرور صلح؛

۶ و بر کرسی داود و مُلکش،
قدرت او می‌گسترَد
و صلح، جاودانه می‌شود،
تا آن را بر راستی و عدالت،
برقرار و پایدار کند
از اکنون تا به ابد.

این است آنچه خداوند جهان
از سر غیرت خواهد کرد.

۷

اشعیای نبی ۱۲: ۱-۶

«چشمه‌های نجات!»
۱ ای خداوند تو را شکر می‌کنم زیرا غضبت را برانگیخته بودم
اما تو از خشم باز می‌گردی و مرا تسلی می‌دهی.
۲ این اوست خدایی که مرا نجات می‌دهد.
توکل کردم و دیگر نترسیدم.
شادی و قوت من، خداوند است،
او نجات من است.

۳ از چشمه‌های نجات،
شادی کنان آب خواهید کشید
۴ و آن روز خواهید گفت:
«خدا را سپاس گوئید، نام او را جلال دهید،
کارهای شگرف او را در میان اقوام بازگو کنید،
پیوسته گوئید: نام او برتر است.»

۵ برای خداوند بسرایید، زیرا کارهای شگفت کرده است،
که زیانزد سراسر زمین شد.
۶ وجد نمائید، شادمانی کنید ای ساکنان صهیون،
چه عظیم است در میان تو، قدوس اسراییل!

۸

اشعیای ۲۶: ۱-۴ و ۷-۹ و ۱۲

«بر صخره جاودان توکل کنید»
۱ شهری استوار داریم که خدا پاسبانی می‌کند،
او بر آن حصار و دیوارها قرار داده است.
۲ دروازه‌ها را بگشایید تا داخل شود،
آن امت عادل‌ی که وفادار می‌ماند.
۳ اراده تو تغییرناپذیر است، تو حافظ صلح هستی؛
صلح، برای آن که به تو توکل کند.
۴ به خداوند تا به ابد توکل نمائید،
خداوند که صخره جاودانی است.

- ۵ خداوند برتر است
از آن رو که در اعلیٰ علیین ساکن است.
صهیون را از عدالت و انصاف پُر می‌سازد،
او آسایش روزهای تو خواهد بود.
- ۶ حکمت و دانش ثروتهای نجات هستند،
ترس خداوند، گنج تو خواهد بود.
- ۷ اینک دلاوران در کوچه‌ها فریاد می‌زنند
و رسولان صلح به تلخی می‌گیرند.
- ۸ جاده‌ها بایر و تهی شده،
رهگذری بر جاده‌ها نیست؛
پیمان شکسته شده، شاهدان خوار گشته
دیگر انسان را دستگیری نمی‌کنند.
- ۹ زمین ماتم‌زده به نیستی می‌گراید،
لبنان شرمسار، تیره و تار می‌شود،
«شارون» همچون بیابان،
«باشان» و «کرمَل» خشک می‌شوند.
- ۱۰ خداوند می‌گوید: اینک برمی‌خیزم،
اینک برفراز می‌شوم، هم اینک بر می‌خیزم.

- ۷ راستی، طریق مرد عادل است.
تو عادل را بر راه راست هدایت می‌کنی؛
- ۸ آری، در طریق داوربهای تو.
ای خداوند، در انتظار تو هستیم.
- ۹ جان من شبانگاه مشتاق توست
و روح من در اعماق قلبم تو را می‌جوید.
زمانی که داوربهای تو زمین را فراگیرد،
جهانیان عدالت را می‌آموزند.
- ۱۲ ای خداوند، تو صلح را برای ما پایدار می‌سازی،
در تمامی اعمالمان، همه چیز از توست.
- ۹
اشعیای نبی ۳۳: ۲-۱۰
- ۲ «اینک برمی‌خیزم!»
ای خداوند، بر ما رحم کن،
ما در انتظار تو هستیم!
هرسپیده بازوی ما باش،
نجات ما در روز تنگی.
- ۳ از صدای رعد، قومها می‌گریزند،
آنگاه که بر می‌خیزی امتها پراکنده می‌شوند.
- ۴ غنیمت بروی هم انباشته می‌شود
چنان که ملخ جمع می‌شود؛ همه به آن سو هجوم می‌آورند.

۱۰

اشعیا ۳۳:۱۳-۱۶

«بی هیچ زحمتی»

۱۳ ای مردمان دور دستها، بشنوید که چه کارها کرده‌ام،
و شما که نزدیک هستید، در قدرت من اندیشه کنید.

۱۴ در صهیون، گناهکاران به وحشت افتاده‌اند،

لرزه‌ای بت پرستان را دربرگرفته است.

«کدام يك از ما پایداری خواهد کرد؟ آتشی سوزنده است!
و کدام يك از ما استوار خواهد ماند؟ کوره‌ای بی انتهاست!»

۱۵ آن کس که به راه عدالت می‌رود،

و با صداقت سخن می‌گوید.

آن که منفعت بد را خوار شمارد،

و دست خویش را از گرفتن رشوه کنار کشد.

آن که گوش خود را بر تدابیر خونخوار می‌بندد

و چشمانش را به زیر می‌افکند تا بدی را ننگرد.

۱۶ آن شخص در بلندیها ساکن خواهد شد،

در پناه صخره‌ها دور از دست؛

نان او مهیتا،

و آب او ایمن خواهد بود.

۱۱

اشعیا نبی ۳۸:۱۰-۲۰

«زندگانند که تو را سپاس می‌گویند»

۱۰ می‌گفتم: در نیمه راه عمر

از جهان می‌روم،

برای باقی سالهایم،

بر درِ هاویه جای دارم.

۱۱ می‌گفتم: دیگر خداوند را

در زمین زندگان نخواهم دید

و دیگر بر چهره انسانی

در میان ساکنان جهان نخواهم نگریست.

۱۲ خانه من کنده شد،

دریده همچون چادر چویان.

مثل بافنده‌ای کلاف زندگی‌ام را پیچیدم،

پود مرا بریده‌اند.

از طلوع تا غروب، جان مرا می‌گیری،

۱۳ تا صبح فرا رسد، نیست گردیده‌ام.

همچو شیر، تمامی استخوانهایم را کوبیده،

از طلوع تا غروب، جان مرا می‌گیری.

۱۴ همچون چلچله می‌خوانم

و مثل کبوتر ناله سر می‌دهم.

آن قدر آسمان را نگریسته‌ام که چشمانم ضعیف شده‌اند،

ای خداوند در تنگی هستم نگهبان من باش!

۱۵ چه بگویم تا جوابم دهد،
حال آن که اوست که این را می‌کند.
سراسر زندگیم را با تلخ‌کامی خویش به سر خواهم برد.

۱۶ خداوندا، با این وجود، چیزی که قلبم از تو می‌خواهد،
زندگی روح من است.
تو مرا شفا خواهی داد و دوباره زنده خواهی کرد،
۱۷ تلخ‌کامی من به آسایش بدل خواهد شد.

تو به جان من پیوستی
تا از عمق نیستی مرا دور کنی.
همه گناهانم را،
پشت سر خود به دور افکندی،

۱۸ زیرا موت ثناگوی تو نیست
و هاویه ستایش ترا نمی‌گوید؛
و نه آنانی که به قبر فرو می‌روند،
در انتظار وفای تو.

۱۹ زندگانتند، زندگان که تو را سپاس می‌گویند
چنانکه من امروز می‌گویم.
آری، پدر به فرزندان خویش
وفاداری تو را خواهد آموخت.

۲۰ ای خداوند بیا، مرا نجات ده!
و ما همه روزهای عمرمان،
نغمه‌های خویش را
در حضور خانه خداوند خواهیم سرود.

۱۲

اشعیای نبی ۴۰:۱-۸

«آن زمان جلال خداوند آشکار خواهد شد»
۱ خدای شما می‌گوید: تسلی دهید، قوم مرا تسلی دهید،
۲ بر قلب اورشلیم سخن گویند،
او را ندا دهید
که خدمتش به انجام رسیده،
که جرم او کفاره شده،
که او از دست خداوند
برای همه گناهانش دو چندان بازیافته است.

۳ صدایی ندا می‌کند:
«در بیابان راه خداوند را آماده سازید،
جاده‌ای در زمینهای خشک
برای خدای ما هموار نمایید.

۴ «هر دره‌ای برافراشته شود
و هر کوه و تپه‌ای پست گردد.
صخره‌ها مبدل به دشت،
و بلندیها هموار شوند.

۵ «آنگاه جلال خداوند آشکار خواهد شد
و همه جان‌ها، همزمان آن را خواهند دید،
زیرا دهان خداوند است که چنین می‌گوید.

۶ صدایی گفت: «ندا کن!»
و من گفتم: «چه چیز را؟»

«انسان همچون علف است
و زیبایی اش چون گل صحرائی؛

۷ آنگاه که نفخه خدا بر آن بگذرد،
علف خشك و گل پژمرده می شود.

۸ آری، مردم همچون گیاه هستند.
علف خشك و گل پژمرده می شود،
اما کلام خدای ما،
تا ابد پایدار می ماند.»

۱۳

اشعیای نبی ۹:۴۰-۱۷

۹ «کیست که روح خداوند را کاوش نماید؟»
این خدای شماست،
۱۰ خداوند خدای شما.

او با قوت می آید،
بازوی وی همه چیز را زیر حکم او می آورد.
مزد او به همراهش است
و اجرش درمقابل او.

۱۱ همچون شبانی گله اش را می چراند
و به بازوی خویش آنها را جمع می کند.
بره هایش را بر سینه خویش می نهد
و گوسفندان شیرده را به نرمی هدایت می کند.

۱۲ چه کسی آبهای دریا را به مشمت خویش اندازه گرفت؟
آسمانها را با انگشتان حساب نموده،
خاك زمین را با «کیل» پیمانہ کرده،
کوهها و تپه ها را با ترازو وزن کرده است؟

۱۳ کیست که روح خداوند را کاوش نماید؟
کدام مشاور می تواند او را تعلیم دهد؟

۱۴ با که مشورت کرد تا درك کند،
تا راههای داوری را فرا گیرد،
تا دانش بیاموزد،
و از راههای حکمت، تعلیم گیرد؟

۱۵ اینك امتهها همچون قطره ای هستند
که از مَشکی بچکد.
همچون ذره ماسه ای بر کفّه ترازو!
اینك جزیره ها برای او، گرد و غباری بیش نیستند.

۱۶ تمامی لبنان کفاف آتش قربانی او را نمی دهد
و همه حیواناتش برای قربانی سوختنی بس نیست.
۱۷ تمامی امتهها در حضور او هیچ هستند،
برای او اینان پوچ و تهی اند.

۱۴

اشعیای نبی ۱۰:۴۲-۱۶

«نابینایان را رهبری خواهم کرد»

۱۰ سرودی تازه برای خداوند بسرایید،
از اقصای زمین او را ستایش کنید،
ای مردمان دریاوهر چه در آن است،
ای جزیره ها و تمامی ساکنانشان.

۱۱ صحرا و شهرهایش،
و اردونشینان قیدار، آواز بلند سردهند،
ساکنان «سالع^۱» به وجد آیند
و بر قله کوهها هلله کنند.
۱۲ جلال خداوند را بستایند،
در جزیره ها ستایش او را ندا کنند.

۱۳ خداوند همچون پهلوان پیش می آید،
چون جنگجویی، غیرت خویش را برمی انگیزد؛
فریاد می زند، نعره می کشد،
دشمنان خویش را به مبارزه می طلبد.

۱۴ «دیر زمانی سکوت کردم،
ساکت ماندم و خودداری نمودم.
اینک چون کودکان گریه سر می دهم،
نقسم را می جویم و دم می زنم.

۱۵ هم اکنون تپه ها و کوهها را ویران می سازم،
تمامی سبزه ها را می خشکانم،
رودخانه ها را به ساحل بدل می کنم
و برکه ها را خشک می نمایم.

۱۶ «آنگاه نابینایان را، در راهی نا آشنا
رهبری خواهم کرد،
در طریق های ناشناخته هدایتشان خواهم نمود.
ظلمت را برای ایشان نور،
و گودالهای زمین را گذرگاهی هموار خواهم ساخت.»

۱۵

اشعیای نبی ۱۵:۴۵-۲۵

۱۵ «من خدای نجات دهنده هستم، جز من، دیگری نیست»
به درستی تو خدایی هستی که روی خود می پوشانی،
ای خدای اسراییل، ای نجات دهنده!

۱۶ همه تحقیر و رسوا شده اند،
سازندگان بتها شرمگین می روند.

۱۷ اسراییل را خداوند نجات داده،
او نجات یافته است تا به ابد.
شما هرگز شرمنده و حقیر نخواهید شد،
تا جهان باقی است.

۱۸ خداوند چنین سخن می گوید،
خالق آسمانها،
خدایی که زمین را ساخت و به آن شکل داد،
او که آن را استوار نمود،
که زمین را آفرید، نه برای این که تهی و بایر باشد،
بلکه تا در آن سکنی گزینند:

«من خداوند هستم،
خدایی جز من نیست.

۱۹ «آنگاه که سخن گفتم، خود را در جایی، در ظلمت پنهان نساختم،
به خاندان یعقوب نگفتم:
مرا بیهوده بجوید!

۲۰ «من، خداوند، به عدالت سخن می گویم
و حقیقت را اعلام می کنم.
جمع شوید، پیش آید، همگی نزدیک شوید،
ای بازماندگان امتهای،

«بلی، آنانی که بتهای چوبین خویش را حمل می کنند
در نادانی هستند! و نیز آنانی،
که به خدایی که قادر به نجاتشان نیست دعا می کنند.

۲۱ «ندا کنید، حجت آورید،
با یکدیگر مشورت نمائید:
چه کسی زودتر آشکار کرد
و پیشتر اعلام نمود؟

«مگر من، خداوند، نبودم؟
جز من، دیگری نیست؛
خدایی عادل و نجات دهنده،
جز من کسی نیست!

۲۲ به سوی من باز گردید که نجات خواهید یافت،
ای تمامی ساکنان دوردست های زمین!
زیرا من خدا هستم و نه کسی دیگر.

۲۳ به ذاتم سوگند یاد می کنم،
از دهانم عدالت برمی آید،
کلامی است بی بازگشت.

۲۴ «در برابرم هر زانویی خم خواهد شد،
آری، هر زبانی سوگند خواهد خورد.
به من خواهند گفت:

عدالت و قوت تنها در خداوند است!»
همه آنهایی که بر او خشمگین می شدند،
نزد او شرمگین خواهند آمد.

۲۵ تمامی خاندان اسراییل،
توسط خداوند به عدالت و فخر می رسند.

۱۶

اشعیای نبی ۴۹:۷-۱۳

«تو عهد قوم خواهی بود»
 خداوند رهاننده و قدوس اسراییل،
 به خدمتگزار تحقیر شده، عار امتهای
 و برده زورمندان چنین می گوید:

«پادشاهان خواهند دید و به پا خواهند خواست،
 سروران خواهند دید و به خاک خواهند افتاد،
 به خاطر خداوند که وفادار است،
 و قدوس اسراییل که تو را برگزید.

۸ «در موسم رحمت تو را اجابت می کنم،
 در روز نجات، تو را یاری می نمایم.
 تو را پرورده، پایدار ساختم
 تا عهد قوم باشی.

۹ «تا زمین را بازسازی نموده
 و میراث از دست رفته را بازگردانی.
 تا به زندانیان بگویی: بیرون آیید!
 و به اسیران ظلمت: خود را آشکار سازید!

«در کنار راهها، چراگاه خواهند یافت
 و در جلگه بی بر، علفزار.
 تشنه و گرسنه نخواهند شد،
 و نه بیمناک از خورشید و بادهای گرم.

۱۰

«او که سرشار از رحمت است، آنها را رهبری خواهد نمود
 و به سوی چشمه های آب هدایت خواهد کرد.

۱۱ از کوههای خویش، راهها خواهم ساخت
 و راههای من، مرتفع خواهد بود.

۱۲ «ببینید، آنها از دور دستها می آیند،
 از شمال، از باختر، و از دیار جنوب.»

۱۳ ای آسمانها، فریاد شادمانی سردهید، ای زمین! وجد نما.
 کوهها! هلله کنید،
 زیرا خداوند قومش را تسلی می دهد
 و بر فقیران خویش ترخم می نماید.

۱۷

اشعیای نبی ۶۱:۶-۹

«عهدی جاودان خواهم بست»
 «کاهنان خداوند» نامیده خواهید شد،
 «خدمتگزاران خدای ما» لقب می گیرند.
 از ثروت امتهای زندگی خواهید کرد
 و جلال ایشان، فخر شما خواهد بود.

۷ به عوض شرمساری، نصیب دو چندان می برید
 و به جای سرافکنندگی، فریاد شادمانی!
 در سرزمینهای خود، میراث دو چند خواهند گرفت
 و شادی جاودانی خواهند داشت.

۸ زیرا که من، خداوند، عدالت را دوست دارم،
زیرا که از چپاول و بیدادگری بیزارم.
به وفاداری پاداش آنها را خواهم داد
و با آنان عهدی جاودان خواهم بست.

۹ نسل ایشان در میان قومها،
و فرزندانشان در میان امتها شناخته خواهد شد،
هر که آنها را ببیند تصدیق خواهد کرد
که نسل برکت یافته خداوند هستند.

۱۸

اشعیای نبی ۱۰:۶۱ و ۱۱ و ۱:۶۲-۷

۱۰ تو «سوگلی من» نامیده خواهی شد!
شادی می‌کنم، به خاطر خداوند شادی می‌کنم،
جان من در خدایم به وجد می‌آید،
چون مرا به لباس نجات آراست
و با ردای عدالت پوشانید.
همچون داماد، که خویشان را به تاج می‌آراید،
و چون عروس، که خود را به زیورها زینت می‌دهد،

۱۱ آن سان که زمین جوانه‌هایش را می‌شکوفاند
و باغ بذرهايش را می‌رویاند،
همچنین خداوند،
عدالت و سپاسش را پیش روی تمامی امتها آشکار می‌کند.

۱ به خاطر صهیون سکوت نخواهم کرد
و از برای اورشلیم خاموش نخواهم ماند
تا عدالت او چون سپیده طلوع کند
و نجاتش چون مشعل فروزان شود.

۲ امتها عدالت تو را،
و تمامی پادشاهان جلالت را خواهند دید.
بر تو نامی تازه خواهند گذارد
که دهان خداوند می‌گذارد.

۳ تاج تابناکی خواهی بود
در دست خداوند؛
تاج پادشاهی،
در میان انگشتان خدایت.

۴ دیگر تو را «مطرود» نمی‌نامند،
هیچ کس زمین تو را «متروک» نمی‌خواند.
تو «سوگلی من» نامیده خواهی شد
و به این زمین «عروس» گفته خواهد شد،
زیرا خداوند تو را برگزیده
و این زمین «عروس» خواهد شد.

۵ چونان جوانی که دوشیزه‌ای را به نکاح خویش درمی‌آورد،
تو نیز به نکاح پسران خود درخواهی آمد.
چونان که عروس شادی داماد است،
تو نیز شادی خدای خویش خواهی بود.

- ۶ (ای اورشلیم، بر روی حصارهایت، دیده بانانی گذارده‌ام، که نه در روز، نه شبانگاه، هیچگاه نباید سکوت کنند: «شمایی که ذکر خدا را به جا می‌آورید، هرگز آرام نگیرید؛ به تمامی دل بخواهید که اورشلیم را پایدار، و مایه ستایش و جلال بر روی زمین سازد.»)

۱۹

اشعیای نبی ۶۳: ۱-۵

- ۱ «سال فدیة فرا رسیده بود» این کیست که از آدوم می‌رسد؟ از بَصَرَ با لباس سرخ می‌آید، به لباس پر جلال خود آراسته است و در بسیاری قوت خویش می‌خرامد؟ «این منم که از عدالت سخن می‌گویم و از برای نجات بخشیدن می‌رزمم.»
- ۲ این لباسهای سرخ، برای چیست؟ آیا این جامه پایمال کنندگان چرخشت است؟
- ۳ «در چرخشت، به تنهایی پایمال نمودم، هیچکس از قوم من با من نبود!

- ۴ «در خشم خود آنها را لگدکوب کردم، در غضب خویش پایمالشان نمودم؛ خونشان به لباسم پاشیده شد، همه جامه‌ام به آن آلوده شد.
- ۵ «آرزو داشتم که انتقامم را بگیرم، سال فدیة فرا رسیده بود. نگریستم: هیچ کس برای یاری من نبود؛ و متعجب شدم: هیچ کس برای یاری من نبود. بازویم مرا نجات داد و غضبم پشتیبان من شد.»

۲۰

اشعیای نبی ۶۶: ۱۰-۱۴

- ۱۰ «در اورشلیم، تسلی خواهید یافت» شما که اورشلیم را دوست دارید در شادیش شریک شوید. شما که برایش ماتم گرفته بودید از شادمانیش به وجد آیید.
- ۱۱ آنگاه از شیر او خواهید خورد، از تسلی‌های او سیر خواهید شد. آن وقت از فراوانی جلالش لذت خواهید برد.

۱۲ زیرا خداوند می گوید:
«اینک صلح و سلامتی را
چون نهری به سوی او روان می کنم،
و جلال امتهای را،
چون سیلاب به آن سو جاری می سازم.

۱۳ «در آغوش او شیر خواهید نوشید
و بر روی زانویش به ناز پرورده خواهید شد.
همچون مادری که طفلش را تسلی می دهد،
من شما را تسلی خواهم بخشید،
در اورشلیم تسلی خواهید یافت.»

۱۴ چون این را بینید دلتان شاد خواهد شد،
اعضایتان چون علف سبز زنده خواهند گردید.

۲۱

ارمیای نبی ۷:۲-۷

۲ «شما را در این مکان ساکن خواهم کرد»
به سخن خداوند گوش دهید
ای مردم یهودا،
شما که از این دروازه ها
برای پرستش خداوند داخل می شوید،

۳ خداوند جهان، خدای اسرائیل
چنین می گوید:
«راهها و اعمال خود را اصلاح کنید
و من شما را در این مکان ساکن خواهم کرد.

۴ «به سخنان دروغ توکل نکنید
و نگوئید: معبد خداوند،
معبد خداوند، این معبد خداوند است!

۵ «اگر به واقع راهها و اعمالتان را
اصلاح کنید،
اگر به واقع حامی عدالت
میان هرکس و همسایه اش باشید،

۶ «اگر بر غریب و یتیم و بیوه زن ظلم نکنید،
اگر در این مکان خون بی گناه را نریزید،
به سبب بدبختی خویش خدایان دیگر را پیروی ننمایید،

۷ «آنگاه من شما را در این مکان ساکن خواهم کرد
در زمینی که از ازل تا به ابد
به پدران شما بخشیدم.»

۲۲

ارمیای نبی ۱۴:۱۷-۲۱

۱۷ «عهد خویش را بشکن!»
ای چشمهای من، اشک بریزید،
شب و روز آرام نگیرید،
زیرا آن دوشیزه، یعنی دختر قوم من،
زخمی شده، زخمی سخت،
و آسیب دیده از جراحی عمیق.

۱۸ اگر به صحرا روم،
قربانیان شمشیر را می بینم،
اگر به شهر وارد شوم،
رنجوران از گرسنگی را.

کاهن و نبی،
این سرزمین را می پیمایند و هیچ نمی فهمند.
۱۹ آیا یهودا را طرد کرده‌ای؟
آیا به صهیون بی میل شده‌ای؟

چرا ما را به دردی بی علاج مبتلا می کنی؟
در انتظار صلح بودیم، اما خبر خوشی نیامد،
در انتظار درمان بودیم، وحشت پدیدار شد.

۲۰ ای خداوند، ما بدی خویش
و گمراهی پدرانمان را می شناسیم؛
آری، بر تو گناه ورزیده ایم.

۲۱ به خاطر نام خود، ما را حقیر مشمار
و نه تخت جلال خویش را خوار.
عهد خویش را با ما به یاد آور و آن را مَشکن.

۲۳

ارمیای نبی ۱۷: ۷-۸

۷ «همچون درختی بر کنار آب»
متبارک باد آن که بر خداوند توکل نماید!
خداوند تکیه گاه او خواهد بود.

۸ او درختی نشانده بر کنار آب را مآند
که به سوی نهر ریشه می دواند.

با آمدن گرما نمی ترسد
و برگهایش سبز می ماند.

در خشکسالی هراسان نمی شود
و همچنان بار می آورد.

۲۴

ارمیای نبی ۳۱: ۱۰-۱۴

۱۰ «قوم من، از رحمت من سیر می شود»
ای امتهای سخن خداوند را بشنوید
و در جزیره‌های دور دست ندا کنید:
«آن که اسراییل را پراکنده ساخت، آن را جمع می کند
همچون شبانی که گله خویش پاسبانی می کند.
۱۱ خداوند یعقوب را فدیة داد
و از دست کسی که از او قویتر بود رهایی بخشید.

۱۲ «شادی کنان بر بلندبهای صهیون می آیند،
به سوی برکت خداوند روانه می شوند،
گندم، شراب نو و روغن تازه،
گوساله‌ها و بره‌های گله.
جان ایشان همچو باغ سیراب شده خواهد بود،
دیگر غمگین نخواهند شد.

- ۱۳ «آنگاه باکره شادی می نماید، می رقصد؛
جوانان و پیران همه می رقصند.
عزای ایشان را به شادمانی مبدل می سازم.
پس از رنج، آنها را تسلی می بخشم و شاد می سازم.
کاهنان خود را با ضیافت سیر می سازم،
قوم من از رحمت من سیر می شود.»
- ۱۴ (خداوند چنین می گوید)

۲۵

مراثی ارمیا ۵: ۱-۷ و ۱۵-۲۱

- ۱ «چرا فراموشمان کرده ای؟»
خداوندا، آنچه بر ما گذشت به یاد آور،
بنگر و شرم ما را ببین.
- ۲ میراث ما از آن غریبان شده،
و خانه های ما به بیگانگان رسیده است.
- ۳ یتیم و بی پدر شده ایم
و مادران ما بیوه گردیده اند.
- ۴ آبی را که از آن ماست، در ازای پول می نوشیم
و هیزم خود را می خریم.
- ۵ ستم دیده و مطیع شده ایم،
جانمان به لب آمده و امان نداریم.

- ۶ از برای نان روزانه خویش،
دستمان به سوی مصر و آشور دراز است.
- ۷ پدران ما گناه کردند و دیگر نیستند،
اما این ما هستیم که بار گناهان ایشان بر دوش می کشیم.
- ۱۵ شادی از قلبمان رخت بر بسته،
و رقصمان ماتم گردیده است.
- ۱۶ آری، تاج از سرمان افتاده است،
وای بر ما، زیرا گناه کرده ایم!
- ۱۷ حال اگر قلبمان سوگوار است،
اگر چشمانمان تار شده،
- ۱۸ برای این است که کوه صهیون تهی گشته
و شغالان در آن پرسه می زنند.
- ۱۹ اما تو ای خداوند، همیشه حکم می رانی،
تخت تو تا به ابد پابرجاست.
- ۲۰ چرا دیرزمانی است که فراموشمان کرده ای
و برای بقیه عمر رهایمان نموده ای؟
- ۲۱ ما را به سوی خود بازگردان و بازخواهیم گشت.
روزهای پیشین را برای ما از سر گیر.

۲۶

حزقیال نبی ۲۴:۳۶-۲۸

- ۲۴ «قوم من خواهید بود»
از میان امته‌ها شما را برخواهم گرفت،
شما را از تمامی کشورها گرد خواهم آورد
و به زمین خودتان شما را هدایت خواهم کرد.
- ۲۵ آب پاك بر روی شما خواهم پاشید
و شما پاکیزه خواهید شد.
آری، از همه آلودگی‌هایتان، از تمامی بت‌هایتان،
شما را پاك خواهم نمود.
- ۲۶ قلبی تازه به شما خواهم بخشید
و روحی نوین در شما خواهم نهاد.
قلب سنگی را از جانتان جدا خواهم کرد
و قلبی از گوشت در شما خواهم گذاشت.
- ۲۷ روح خود را درون شما خواهم نهاد،
شما را پیرو احکام خود خواهم ساخت
تا فرمانهای مرا نگاه داشته
و به آنها عمل کنید.
- ۲۸ ساکن زمینی خواهید شد که به پدران شما بخشیده‌ام.
شما قوم من خواهید بود و من خدای شما.

۲۷

هوشع نبی ۱:۶-۶

- ۱ «محبت می خواهم نه قربانی»
بیایید به سوی خداوند بازگردیم:
او زخمی کرده و هم اوست که ما را شفا خواهد داد.
او زده و هم اوست که ما را تیمار خواهد کرد.
- ۲ بعد از دو روز، ما را زندگی دوباره خواهد داد،
روز سوم ما را برپا خواهد داشت
و آنگاه در حضور او زندگی خواهیم کرد.
- ۳ بکشیم خداوند را بشناسیم.
طلوع او همچون فجر به یقین است.
او همانند باران نزد ما خواهد آمد،
چونان رگباری که زمین را سیراب می کند.
- ۴ «ای آفرایم با تو چه کنم؟
ای یهودا با تو چه کنم؟
محبت شما به سان مه صبحگاهی است،
همچون شب‌نم سحرگاهی، زودگذر.
- ۵ «برای این بود که توسط انبیاء آنها را کوبیدم،
با سخنان دهانم کشتار کردم
و داوری من همچو نور درخشید.
محبت آن چیزی است که می خواهم نه قربانی؛
و شناخت خدا را، بیش از قربانیهای سوختنی.»

۲۸

یونس نبی ۲: ۳-۱۰

- ۳ در تنگی خود سوی خداوند فریاد برمی آورم
و او به من جواب می دهد.
از دل هاویه ندا می کنم
و تو به صدای من گوش می دهی.
- ۴ مرا به ژرفای اقیانوس انداختی،
جریانها مرا در برگرفته اند.
کوه خیزابها و موجهایت،
بر من گذشت.
- ۵ آنگاه گفتم: «از پیش چشم تو
به دور افتاده ام.
چگونه خواهم توانست
سوی معبد مقدس تو بنگرم؟»
- ۶ آبها مرا تا گلویم دربر گرفته اند،
جبه مرا فرا گرفته است،
خزه ها سرم را پوشانده اند.
تا اعماق کوهها،
- ۷ در سرزمینی نزول کردم
که درهای آن برای همیشه به رویم بسته اند.
اما تو مرا از قبر زنده بیرون می آوری
ای خداوند، ای خدای من!

- ۸ هنگامی که نفس در سینه ام تنگ می شود،
خداوند را یاد می کنم
و دعایم نزد تو،
به معبد مقدست می رسد.
- ۹ آنها که بتهای باطل را خدمت می کردند،
اعمال شرم آور خود را ترك خواهند نمود.
ولی من با نغمه سپاسگزاری،
به تو قربانیها تقدیم خواهم کرد
و نذرهای خود را به جا خواهم آورد.
نجات از آن خداوند است.

۲۹

حبقوق نبی ۳: ۲-۱۸

- «بیا، ای خداوند»
۲ ای خداوند، دربار تو سخن شنیده ام،
در برابر اعمال تو ای خداوند، هراسان شدم.
در گذشت ایام، اعمال خویش را زنده ساز،
در گذشت ایام، کار خویش را بنمایان.
آنگاه که از خشم می لرزی،
رحمت خود را به یاد آور.
- ۳ خدا از «تیمان» می آید،
و قدوس از کوه «فاران».
عظمت او آسمانها را می پوشاند
و جلالش زمین را دربر می گیرد.

- ۱۱ در آن بالا، خورشید دستهایش را پس کشیده،
ماه در مسکن خویش ایستاده است؛
در درخشش تیرهایت،
و برق نیزه‌ات محو می‌شوند.
- ۱۲ با غضب بر زمین می‌خرامی،
با خشم امتها را لگدکوب می‌کنی.
- ۱۳ بیرون آمده‌ای تا قوم خود
و مسیحت را نجات بخشی.
- بر سر در خانه شریر می‌کوبی،
پی‌هایش را از بین می‌بری و جزسنگ سخت نمی‌ماند.
۱۴ سرکرده جماعتشان را با تیرهایت زخم می‌زنی؛
آنان که هجوم می‌آوردند
تا ما را پراکنده سازند
و فخرشان این است که مسکین را در خفا می‌درند.
- ۱۵ دریا این گرداب آبهای عظیم را،
با اسبهایت در نوردیدی.
- ۱۶ شنیدم و همه وجودم می‌لرزد؛
به این آواز، لبهایم می‌لرزید.
پوسیدگی در استخوانهایم رخنه می‌کند،
از هیجان پاهایم سست می‌شوند،
در سکوت، چشم انتظار روز سختی هستم.
بر قومی که به ضدّ ما می‌آید برخواهد خواست.

- ۴ پرتو او همانند نور است
و از دستانش دو شعاع خارج می‌شود.
آنجا، نیرویش پنهان است.
پیشینیان به سوی او راه می‌سپارند.
- ۵ و با پیش روی او می‌رود
و صاعقه از جای پایهای وی برمی‌خیزد.
- ۶ می‌ایستند؛ زمین را می‌لرزاند،
می‌نگرد و امتها را پریشان می‌سازد.
کوههای قدیم متلاشی می‌شوند،
تپه‌های کهن می‌شکافند.
[پیشینیان به سوی او راه می‌سپارند]
- ۷ خیمه‌های «کوشان» را مبتلا می‌بینم،
چادرهای «مدیان» لرزانند.
- ۸ آیا خداوند بر نهرها غضبناک شده؟
آیا غضبت سوی دریاست
که بر اسبها
و ارابه‌های پیروزمندت سوار شده‌ای؟
- ۹ کمانت را بیرون می‌کشی،
آموریان را نشانه می‌روی.
با سیلاب زمین را شیار می‌دهی.
- ۱۰ کوهها تو را می‌بینند و به لرزه می‌افتند،
سیل جاری می‌شود،
لجّه صدای خود را به گوش می‌رساند.

۱۷ اگر درخت انجیر دگریار شکوفه نیاورد،
در تاکها ثمری نباشد،
میوه درخت زیتون ضایع گردد،
در مزارع دیگر محصولی نباشد،
آغل از گوسفندان خالی،
در چراگاه دیگر رمه‌ای یافت نشود،

۱۸ من در خداوند شاد خواهم بود،
در خدا که رهاننده و قوت من است به وجد می‌آیم.
او چابکی آهو را به من می‌بخشد
و مرا در بلندیها می‌خراماند.

۳۰

صفنیا‌ی نبی ۳: ۸-۱۳

۸ « نزد تو باقیمانده‌ای خواهم گذاشت»
این است کلام خداوند:
در انتظار زمانی باشید که چون محکوم‌کننده‌ای بیایم.
در محکمه‌ای که امتها
و ممالک را گرد هم می‌آورد،

«می‌آیم تا غضب خویش
و تمامی شدت خشم خود را بر آنها بریزم.
آری، آتش غیرت من،
سراسر زمین را خواهد بلعید.

۹ « آنگاه لبان قوم‌ها را پاك خواهم کرد
تا همه نام خداوند را ذکر کنند
و به يك دل او را بندگی نمایند.

۱۰ پرستندگان من
که در ماورای نهرهای حَبَش پراکنده‌اند
برایم قربانی می‌آورند.

۱۱ « آن روز،
دیگر از گناهان خود و از خطاییت بر من،
شرمسار نخواهی بود.
از درونت، تکبر را بیرون می‌کشم.
دیگر بر کوه مقدس من، بر خود فخر نخواهی کرد.

۱۲ « در نزد تو قومی کوچک و فقیر خواهم گذاشت
که در نام خداوند پناه می‌برد.

۱۳ باقی اسراییل، دیگر بی‌عدالتی نخواهد کرد،
دیگر دروغ در دهانش و مکر بر لبانش نخواهد بود.
خواهد چرید و آرامش خواهد یافت.
دیگر هیچ چیز نمی‌تواند آنها را هراسان کند.»

۳۱

طوبیا ۱۳: ۲-۹

۲ «اوست که می‌زند و اوست که می‌بخشد»
متبارک باد خدا، آن که تا به ابد زنده است
و متبارک باد ملکوت وی.

اوست که جزا می‌دهد و هم اوست که می‌بخشد.
به مردگان فرو می‌آورد و از هلاکت عظیم بازمی‌ستاند.
هیچ کس نمی‌تواند از دست او بگریزد.

۳ ای فرزندان اسراییل در حضور امتها او را شکر گذارید،
آنجایی که خود او، شما را پراکنده ساخته است.
۴ آنجا، عظمت او را بیان کنید،
در حضور زندگان او را بستایید.

او خداوند و خدای ماست،
پدر ما تا به ابد.

۵ از برای گناهانتان، شما را تنبیه نمود
و اینک بر شما رحمت می‌کند.
از میان امتها، از آنجایی که پراکنده بودید،
شما را دیگر بار جمع خواهد کرد.

۶ با زیستن در حضور او در راستی،
با دل و جان به سوی او باز گردید.
آنگاه او، به سوی شما باز خواهد گشت
و دیگر هرگز چهره خویش را پنهان نخواهد ساخت.

۷ آنچه را که برایتان کرده بنگرید،
به آواز بلند او را شکر گوید؛
خدای عدالت را متبارک خوانید،
پادشاه جاودانی را بستایید.

۸ و من در سرزمین تبعید،
می‌خواهم او را سپاس گویم؛
جلال و قوت او را،
بر قومی گناهکار اعلام نمایم:

«ای گناهکاران توبه کنید،
در حضور او عدالت را به جا آورید.
شاید به شما لطف کند،
به شما رحمت نماید.»

۹ خدای خود، پادشاه آسمان را خواهم ستود
و جانم از شادی به وجد خواهد آمد.
ای کاش عظمت وی بر همه لبها باشد
و در اورشلیم او را بسرایند!

۳۲

طوبیا ۱۳: ۱۰-۱۸

«خانه خود را بنا خواهد کرد»

۱۰ ای اورشلیم، شهر مقدس،
خدا که برای کارهای پسرانت تو را تنبیه کرد،
بار دیگر بر اولاد عادلان رحمت خواهد نمود.

۱۱ خداوند را ستایش نما
و پادشاه جاودانی را متبارک بخوان.

باشد که برای تو معبدش را در شادمانی باز سازد.
 ۱۲ تبعید شدگان را در تو شادی بخشد،
 مسکینان را در تو دوست بدارد،
 برای نسلهای آینده!

۱۳

نوری درخشنده،
 بر اقصای زمین خواهد تابید.
 از دور دست، قومهای بسیاریه سوی تو،
 به سوی نام تو که قدّوس است، خواهند آمد.
 دستهای ایشان،
 از برای پادشاه آسمان پُر از هدیه خواهد بود.
 نسل بعد نسل تو را سرشار از شادی خواهند کرد
 و نام تو ای شهر برگزیده، تا قرنهای بر جای خواهد ماند.

۱۴

نفرین باد آن که تو را ناسزا گوید،
 نفرین بر آن که تو را ویران کند،
 آن که دیوارهایت را واژگون سازد،
 برجهایت را خراب و خانه‌هایت را بسوزاند!
 برای همیشه متبارک باشند
 آنانی که تو را خواستارند!

۱۵

برای نسل عادلان شادباش، وجد نما.
 همگی جمع شده، خدای جاودانی را متبارک خواهند خواند.
 خوشا به حال آنانی که تو را دوست می‌دارند،
 خوشا به حال آنانی که از آرامش تو به وجد می‌آیند.

۱۶ خوشا به حال آنانی که غمگین می‌شدند
 آنگاه که تو آن همه عقوبت را تاوان می‌دادی!
 زیرا در تو مسرور خواهند شد
 و جلال ابدی تو را خواهند دید.

۱۷

می‌خواهم خداوند را متبارک خوانم،
 اوست پادشاه بزرگ.
 زیرا اورشلیم دوباره برپای خواهد شد
 و خاندانش تا همه قرن‌ها.
 (چه سعادت‌ی اگر بازمانده قوم من،
 پیروزی تو را ببیند و پادشاه آسمان را سپاس گوید!)

(دروازه‌های اورشلیم از زمرّد و لاجورد،
 همه دیوارهایش از سنگهای قیمتی خواهند بود.
 برجهای اورشلیم از طلا ساخته خواهند شد
 و حصارهایش از طلای خالص.
 کوچه‌های اورشلیم با یاقوت
 و سنگهای اُفیر مفروش خواهند شد.

۱۸

(دروازه‌هایش به آواز شادی خواهند لرزید،
 تمامی خانه‌هایش فریاد خواهند کشید:
 «هللویاه متبارک باد خدای اسراییل!»)
 و برگزیدگان نام مقدس را،
 تا به ابد ستایش خواهند کرد.

۳۳

یهودیت ۱:۱۶ و ۲ و ۱۳-۱۵

«خدایی که درهم کوبنده جنگهاست!»

- ۱ برای خدایم با طبلها بخوانید،
برای خداوند، با سنجها بنوازید؛
با سرود جلالش را بستابید،
او را سپاس گویند و نامش را ذکر کنید.
- ۲ خداوند در هم کوبنده جنگهاست.
۱۳ برای خدای خود سرودی تازه فراهم سزایید:
ای خداوند، تو پر جلال و عظیمی،
در قدرت، ستودنی و شکست ناپذیری.
- ۱۴ باشد که خلقت تو، تو را ستایش کند،
زیرا آنچه تو بگویی خواهد شد.
تو نفس خود را می‌دمی به وجود می‌آید،
کسی در برابر سخن تو توان ایستادن ندارد.
- ۱۵ اگر بنیان کوهها در آبها فرو ریزد،
اگر صخره‌ها در حضور روی تو چون موم ذوب شوند،
لطف تو از آن کسانی است
که ترس تو در دل دارند.

۳۴

دانیال نبی ۳:۲۶-۴۱

- ۲۶ «محبت خود را، از ما باز مگیر»
متبارک باشی ای خداوند، خدای پدرانمان،
ستایش و جلال بر نام تو باد تا به ابد!
- ۲۷ تو عادل‌ی که با ما چنین کردی.
تمامی کارهایت درست،
همه طریق‌هایت راستی،
و داوری‌هایت برحق است.
- ۲۸ هر آنچه بر ما روا داشتی
بر ما و بر اورشلیم شهر مقدس پدرانمان،
حکمی منصفانه بود که اجرا کردی.
- ما را موافق حقیقت و راستی،
به سبب گناهانمان جزا دادی.
- ۲۹ گناه کردیم و خطا ورزیدیم
آن قدر که از تو جدا شدیم.
بسیار گناه ورزیدیم،
به فرامین تو گردن ننهادیم،
- ۳۰ آنچه برای منفعت خودمان امر فرموده بودی،
نه اطاعت کردیم و نه عمل نمودیم.
- ۳۱ با ما، همواره عادلانه رفتار کردی.

- ۳۹ باشد که با قلبهای شکسته و روح مسکینمان،
مقبول تو شویم!
همچون قوچها ، گاوهای قربانی،
همچون هزاران بره پرور.
- ۴۰ باشد که قربانی ما در این روز به حضور تو پسند آید،
زیرا آن که بر تو امید دارد خجل نخواهند شد!
و اینک به تمامی دل در پی تو هستیم.
از تو می ترسیم و روی تو را می جوییم.

۳۵

دانیال نبی ۳: ۵۲-۵۷

- «ستایش و جلال بر تو باد»
۵۲ متبارك باشی ای خداوند، خدای پدرانمان؛
ستایش و جلال، همواره بر تو باد!
- متبارك باد نام پر جلال قدّوست،
ستایش و جلال، همواره بر تو باد!
- ۵۳ در معبد مقدس جلالت، متبارك باشی،
ستایش و جلال، همواره بر تو باد!
- ۵۴ بر تخت سلطنت خویش متبارك باشی،
ستایش و جلال، همواره بر تو باد!
- ۵۵ تو که اعماق را می بینی، متبارك باش،
ستایش و جلال، همواره بر تو باد!

- ۳۲ ما را به دست دشمنانمان سپردی
انسانهای بی شریعت، پدران شریران.
(به دست پادشاهی بی انصاف،
بدترین در سراسر زمین.)
- ۳۳ و اینک نمی توانیم دهان بگشاییم.
برای بندگانت که تو را می پرستند
شرم و ننگ مانده است.
۳۴ به سبب جلال نامت،
ما را تا همیشه رها نکن
و عهد خویش را مشکن.
- ۳۵ به خاطر یار تو ابراهیم،
خدمتگذار اسحاق،
و اسراییل که تو او را برگزیدی،
محبتت را از ما باز مگیر.
- ۳۶ تو بدیشان وعده دادی که نسل آنان را فراوان گردانی،
همچون ستارگان آسمان و همچون ماسه های ساحل دریاها.
- ۳۷ ای خداوند، هم اینک ما،
حقیرترین قوم در میان قوم ها شده ایم
و از برای خطاهایمان،
امروز در سراسر زمین سرافکنده گشته ایم.
- ۳۸ نه پیشوا، نه نبی ، نه شاهزاده ای برجای مانده است،
نه قربانی، نه قربانی سوختنی و نه گندری.
دیگر جایی نیست که نوبرهایمان را به تو تقدیم کنیم
و در برابر تو فیض بیابیم.

تو که بر فراز کروی‌بان می‌نشینی، متبارک باش،
ستایش و جلال، همواره بر تو باد!

۵۶ در فلک، در آسمانها، متبارک باش،
ستایش و جلال، همواره بر تو باد!

۵۷ ای تمامی مخلوقات خداوند، او را متبارک خوانید،
ستایش و جلال، همواره بر تو باد!

۳۶

دانیال نبی: ۳: ۵۷-۸۸

«خداوند را متبارک خوانید»

۵۷ ای همه مخلوقات خداوند،
خداوند را متبارک خوانید:
ستایشی جاودانه و جلالی عظیم بر او باد!
۵۸ شما ای فرشتگان خداوند،
خداوند را متبارک خوانید:
ستایشی جاودانه و جلالی عظیم بر او باد!

۵۹ شما ای آسمانهای خداوند،
خداوند را متبارک خوانید.

۶۰ شما ای آبهای برین،
خداوند را متبارک خوانید.

۶۱ و شما ای تمامی قوت‌های خداوند،
خداوند را متبارک خوانید!

۶۲ شما ای خورشید و ماه،
خداوند را متبارک خوانید.

۶۳ شما ای ستارگان آسمان
خداوند را متبارک خوانید.

۶۴ و شما ای همه بارانها و شبنمها،
خداوند را متبارک خوانید!

۶۵ همه شما ای نسیمها و بادهای،
خداوند را متبارک خوانید.

۶۶ شما ای آتش و گرما،
خداوند را متبارک خوانید.

۶۷ شما ای خنکی و سرما،
خداوند را متبارک خوانید!

۶۸ شما ای شبنم و بوران،
خداوند را متبارک خوانید.

۶۹ شما ای سرما و یخبندان،
خداوند را متبارک خوانید.

۷۰ و شما ای برفها و یخها،
خداوند را متبارک خوانید!

۷۱ شما ای و روزها و شبها،
خداوند را متبارک خوانید!

۷۲ شما ای روشنایی و تاریکیها،
خداوند را متبارک خوانید!

۷۳ و شما ای ابرها و آذرخشها،
خداوند را متبارک خوانید!

- ۸۶ ای روح و جان عادلان،
خداوند را متبارک خوانید!
- ۸۷ ای مقدسین و ای قلبهای مسکین،
خداوند را متبارک خوانید!
- ۸۸ ای خنایا و عزریا و میشاییل،
خداوند را متبارک خوانید!

ستایشی جاودانه و جلالی عظیم بر او باد!

۳۷

امثال سلیمان ۹:۱-۶ و ۱۰-۱۲

- «هوشمندی، شناخت خداوند است»
- ۱ حکمت، خانه خود را ساخت
و هفت ستون تراشید.
- ۲ حیوانات خود را سر برید و شراب خویش را مهیا کرد،
همچنین سفره خود را چید.
- ۳ خدمتگزارانش را
به بلندترین مکانهای شهر می فرستد و دعوت می کند:
- ۴ «ای نادانان به این سو بیایید!»
این است آنچه به نادان می گوید:
- ۵ «پیش آید نان مرا تقسیم کنید،
شرابی را که آماده کرده‌ام بنوشید.
- ۶ از نادانی بیرون آید و خواهید زیست.
راه عقل را در پیش گیرید.»

- ۷۴ ای تمامی زمین خداوند را متبارک خوانید:
ستایشی جاودانه و جلالی عظیم بر او باد!
- ۷۵ شما ای کوهها و تپه‌ها،
خداوند را متبارک خوانید!
- ۷۶ شما ای گیاهان زمین،
خداوند را متبارک خوانید!
- ۷۷ شما ای چشمه‌ها و چشمه‌سارها،
خداوند را متبارک خوانید!
- ۷۸ شما ای اقیانوسها و رودها،
خداوند را متبارک خوانید!
- ۷۹ و شما ای نهنگها و ماهیان،
خداوند را متبارک خوانید!
- ۸۰ همه شما پرندگان آسمان،
خداوند را متبارک خوانید!
- ۸۱ همه شما ای حیوانات وحشی و رمه‌ها،
خداوند را متبارک خوانید!
- ۸۲ و شما ای فرزندان انسان،
خداوند را متبارک خوانید!
- ۸۳ تو ای اسرائیل، خداوند را متبارک خوان،
ستایشی جاودانه و جلالی عظیم بر او باد!
- ۸۴ شما ای کاهنان خداوند،
خداوند را متبارک خوانید!
- ۸۵ و شما ای خادمان خداوند،
خداوند را متبارک خوانید!

۳۹

- بن سیراخ ۳۱:۸-۱۱
- ۸ «انسان کامل، در آزمایش!»
خوشا به حال انسانی که سزاوار ملامت نباشد
و در پی ثروت ندویده باشد.
- ۹ او کیست؟ سعادت‌مندش خواهیم خواند،
در میان قوم، او اعجاز می‌کند.
- ۱۰ کیست که از آزمایش سرافراز می‌شود؟
او لایق است که مغرور باشد.
چه کسی توان گناه را داشت و نکرد
و بدی را می‌توانست و انجام نداد؟
- ۱۱ داراییش در خداوند پایدار می‌شود
و جماعت، سخاوت او را اعلام خواهد کرد.

۴۰

- بن سیراخ ۳۶:۱-۱۷
- ۱ «شگفتی‌هایت را دیگر بار آغاز کن»
ای سرور من، ای خدای جهان، بر ما رحم کن،
ترس خود را بر همه امتها بگستر.
- ۲ بر سرزمینهای بیگانه دست خویش را برافراز
تا قدرت تو را ببینند!

- ۱۰ حکمت، با ترس خداوند آغاز می‌شود
و هوشمندی، شناخت خدای قدوس است.
- ۱۱ توسط من روزهایت افزون،
و سالهای زندگیت طولانی می‌شوند.
- ۱۲ اگر حکیم هستی، از برای خویش هستی؛
اگر بی شرم هستی ثمر آن را خواهی دید.

۳۸

- بن سیراخ ۱۴:۲۰، ۲۱، ۱۵:۳-۵
- «عصاره حکمت»
- ۲۰ خوشا به حال کسی که در حکمت اندیشه کند
و با خرد خویش دلیل جوید.
- ۲۱ در دل خود به راههای حکمت بیندیشد
و در رازهایش تفکر کند.
- ۳ او را نان خرد می‌خوراند
و عصاره حکمت را به او می‌نوشاند.
- ۴ بر حکمت تکیه می‌کند و نمی‌لغزد،
به آن می‌پیوندد و شرمسار نمی‌شود.
- ۵ حکمت است که او را در میان نزدیکانش سرافراز می‌کند
و در میان جماعت، دهان او را می‌گشاید.

- ۳ توسط ما، قدوسیت خویش را بر ایشان آشکار ساختی،
با وجود ناسازگاریشان، عظمت خویش را بر ما نمایان ساز.
- ۴ تا آنها بدانند، همانگونه که ما می دانیم:
خدایی نیست جز تو، ای خداوند.
- ۵ معجزات خود را دوباره بنما و شگفتیهایت را دگر بار آغاز کن،
دست و بازوی راست خود را جلال ده.
- ۶ (خشم خود را بر انگیز و غضب خود را بریز،
حریف را از میان ببر، دشمن را ریشه کن ساز.)
- ۷ زمان را پیش انداز و پیمان را به یاد آر
تا کارهای شگفت انگیز تو را بستایند!
- ۸ (باشد که آتش انتقام، بازماندگان را ببلعد
و جلادان قوم تو، نابود شوند!
- ۹ سر شاهزادگان دشمن را خرد نما
که می گویند: «هیچ کس همچو ما نیست!»)
- ۱۰ قبیله های یعقوب را گرد آور،
چونان ابتدا، میراث خود را به آنها ببخش.
- ۱۱ به قومی که نام تو را دارد،
به اسرائیل که نخست زاده توست رحم کن.
- ۱۲ غمخوار شهر مقدس خود باش،
اورشلیم، که مکان آرامش توست.
- ۱۳ صهیون را از ستایش خود،
و قدس الاقداس خویش را، از جلالت لبریز ساز.

- ۱۴ آفریده های قدیم خود را گواه گیر،
نبوتهایی را که به نام تو گفته شده، به جای آور.
- ۱۵ آنانی را که به انتظار تو هستند، پاداش ده،
باشد که انبیای تو، به ایمان شناخته شوند.
- ۱۶ نیایش خدمتگذار خود را،
موافق لطف خود، نسبت به قوم خویش گوش گیر.
- ۱۷ باشد که همه بر روی زمین بدانند:
که تو خداوند هستی خدای جاودان!
- ۴۱
- بن سیراخ ۳۹:۱۳-۱۶
- «همه کارهای خدا نیکوست»
- ۱۳ ای فرزندان پرهیزگار، به من گوش فرا دهید.
همچون گل سرخی نشانده بر لب جوی، نمو کنید.
- ۱۴ به سان کُندر، عطر خویش را بیفشانید
و چون گل سوسن شکوفا شوید.
- آواز خود را برافرازید با هم بسرایید،
خداوند را برای همه کارهایش بستایید.
- ۱۵ جلال را به نامش بازگردانید،
با آوازا و نوای سه تارهای خویش او را سپاس گویند؛
- و برای شکرگزاری بگویید:
- ۱۶ «وه چه زیبا هستند، تمامی کارهای خداوند!»

۴۲

حکمت ۳: ۱-۷

- ۱ «آنها در آرامش اند»
جان عادلان در دست خداوند است،
هیچ آزاری بر آنها چیره نمی شود.
۲ از چشم نادان، آنها چون مردگان بودند؛
تبعیدشان مصیبت،
۳ و دوری ایشان چون بدبختی به نظر آمد.
اما آنها در آرامش اند.
- ۴ اگر چه در نظر مردمان مجازات شدند،
به واقع آنان به جاودانه ماندن امید داشتند.
۵ پس از رنجهای زود گذر،
پاداشی بزرگ در انتظار آنهاست،
زیرا خدا آنان را آزمود
و شایسته خویشان یافت.
- ۶ چنانکه طلا را محک زنند آنها را آزموده،
چونان قربانی کامل، ایشان را می پذیرد.
۷ به وقت دیدار با او، خواهند درخشید،
همچون آتشی که به گاه اُفتد، پیش خواهند رفت.

۴۳

حکمت ۳: ۷-۹

- ۷ به وقت دیدار او، عادلان خواهند درخشید،
همچون آتشی که به گاه اُفتد، پیش خواهند رفت.
- ۸ امتها را داوری خواهند کرد
و بر قومها حکم خواهند راند،
خداوند تا همیشه بر آنها سلطنت خواهد نمود.
- ۹ هر که به او ایمان آورد، حقیقت را درک خواهد کرد؛
در محبت استوار خواهد بود و نزد او خواهد ماند.
- او به دوستدارانش فیض و رحمت می بخشد
و از برگزیدگان خویش دیدار خواهد کرد.

۴۴

حکمت ۹: ۱-۱۱

- «از تخت جلال خود حکمت فرود آر!»
۱ ای خدای پدران ما و ای خداوند پرمهر،
که با کلام خود جهان را آفریدی،
۲ با حکمت خود آدم را سرشتی،
تا بر تمامی آفرینش تو چیره شود،
۳ با عدالت و تقدس جهان را حکمرانی کند،
و آن را به انصاف داوری نماید،

- ۴ مرا حکمت ده، آن حکمتی را که پیش تخت توست.
مرا از شمار فرزندان خود کنار مگذار.
- ۵ بنده تو هستم، فرزند کنیز تو،
انسانی ناتوان، که زندگی زودگذری دارد،
که توان فهم عدالت و احکام تو را ندارد.
- ۶ اگر حکمت را از او دریغ کنی،
آن که در برابرت می ایستند،
حتی کاملترین فرزند انسان،
هیچ شمرده می شود.
- ۷ تو مرا برگزیده ای که پادشاه قوم تو باشم
و بر پسران و دختران تو حکمرانی کنم.
- ۸ به من گفتی تا معبدی بر کوه مقدس تو بسازم،
در شهری که تو ساکن هستی، قربانگاهی بنا کنم؛
همچون آن خیمه مقدس، که تو از ابتدا پی ریختی.
- ۹ حکمت به همراه توست،
او کارهای تو را می شناسد.
زمانی که جهان را می آفریدی، او با تو بود.
او آنچه را که به چشم تو زیباست
و آنچه را که موافق فرمانهای توست، می داند.
- ۱۰ از برترین آسمانها، پذیرای آن باش،
بگذار که از تخت جلال تو فرود آید،
تا نزد من کار کند
و آنچه را که دوست می داری، بیاموزم.

- ۱۱ زیرا حکمت همه چیز را می داند
و همه چیز را می فهمد.
مرا با تدبیر هدایت خواهد کرد
و در جلال خود مرا نگاه خواهد داشت.
- ۴۵
- حکمت ۱۰:۱۷-۲۱
- «وادی شگفتیها!»
۱۷ حکمت، پاداش رنج های مقدسین را داد،
آنها را در راهی شگفت هدایت کرد.
- در روز برای ایشان پناه،
و در شب چون نور ستارگان بود.
- ۱۸ ایشان را از دریای سرخ گذراند
و از آبهای عمیق عبور داد.
- ۱۹ دشمنان ایشان را غرق ساخت،
سپس از اعماق لجه به بیرون قی کرد.
- ۲۰ آنگاه عادلان، شریبان را غارت کردند
و عادلان نام مقدس تو را، ای خداوند، سراییدند
و آن دستی را که ایشان را رهانید، ستایش کردند.
- ۲۱ خداوند دهان گنگان را گشود
و زبان کودکان را باز کرد.

سرودهای عهد جدید

۴۶

حکمت ۱۶:۲۰، ۲۱، ۲۶:۱۷

«نان آسمانی»

- ۲۰ تو به قوم خود، خوراک فرشتگان را دادی. از آسمان، نان آماده فرستادی؛ به رایگان، بی هیچ زحمتی، نانی با طعم های گوناگون که هر ذائقه ای را خوش می نمود.
- ۲۱ جوهری که محبت تو را، به فرزندان ظاهر می کرد. آن چه که، میل هر کسی را پسند می آمد و هر خاطری را راضی می گرداند.
- ۲۶ فرزندان که تو دوست می داشتی، بدین سان می آموختند: انسان از ثمره بذرها سیر نمی شود، بلکه کلام توست که ایماندارانت را نگاه می دارد. داوریهای تو عظیم آند و شرح آن بس دشوار. کسانی که اینها را نیاموخته اند، گمراه می شوند.
- ۱ * * *
- ۱ لوقا ۱: ۴۶-۵۵
- ۴۷ «محبت خویش را به یاد می آورد» جان من خداوند را می ستاید، روح من در خدا، نجات دهنده ام، به وجد می آید!
- ۴۸ او بر کنیز ناچیز خود نظر کرده است؛ از این پس تمامی نسلها مرا خوشبخت خواهند خواند.
- ۴۹ آن قادر، کارهای شگفت برای من کرده است، مقدس است نام او!
- ۵۰ محبت او نسل اندر نسل بر ترسندگانش است.
- ۵۱ قدرت بازوانش را ظاهر ساخته، متکبران را پراکنده می سازد.
- ۵۲ زورمندان را از تختهایشان به زیر می افکند، و فروتنان را سرافراز می کند.
- ۵۳ گرسنگان را از نعمت ها پُر می سازد، و ثروتمندان را تهی دست روانه می کند.

- ۵۴ اسرائیل، خدمتگزار خویش را سرافراز می‌کند و محبت خویش را به یاد می‌آورد؛
- ۵۵ و پیمانی را که با پدران ما، از روی لطف با ابراهیم و فرزندان او بسته بود.

۲

لوقا ۱: ۶۸-۷۹

- «او قوم خود را ملاقات می‌کند»
 ۶۸ متبارک باد خداوند، خدای اسرائیل که بر قوم خود نظر کرده آنان را فدیه می‌دهد.
- ۶۹ قدرتی را که نجات دهنده ماست، در خاندان داود، بنده خود، پدیدار می‌سازد؛
- ۷۰ آن سان که از قدیم، از دهان مقدسین و انبیای خود گفته بود.

- ۷۱ نجاتی که ما را از دست دشمن، از دست تمامی ستمگرايمان رهایی می‌بخشد .
- ۷۲ محبتی که به پدرانمان ظاهر می‌کند ، به یادبود پیمان مقدسش است .

- ۷۳ سوگندی که برای پدرمان ابراهیم یاد کرد و عطا کرد که ما، عاری از ترس، رها شده از دست دشمنان،
- ۷۴ در عدالت و قدوسیّت، او را بندگی کنیم و تمامی روزهای زندگی مان، در حضورش به سر بریم.

- ۷۶ و تو ای طفل خردسال، پیامبر حضرت اعلی نامیده خواهی شد، پیش روی خداوند گام برخواهی داشت تا راه او را آماده سازی؛
- ۷۷ تا به قوم او نوید نجات دهی، زیرا گناهانشان آمرزیده می‌شود؛
- ۷۸ و این از برکت محبتی است که در دل خدای ماست. این آفتاب طالع که به دیدار ما می‌آید،
- ۷۹ تا بر آنانی تابّد که در ظلمت و سایه مرگ به سر می‌برند و قدمهای ما را در طریق صلح هدایت کند.

۳

لوقا ۲: ۲۹-۳۱

- ۲۹ «نوری که بر امتها آشکار می‌شود!» اینک ای قادر مطلق، می‌توانی برحسب سخن خود، بنده خویش را به سلامت روانه کنی.
- ۳۰ زیرا چشمان من نجات تو را دیدند، که آن را در حضور قومها مهیّا می‌کنی.
- ۳۱ نوری که بر امتها ظاهر می‌شود، و به اسرائیل، قوم تو، جلال می‌بخشد.

۴

افسیان ۱: ۳-۱۰

«او، ما را در مسیح برکت داده»

متبارک باد خدا

و پدر خداوند ما عیسی مسیح!

۳

او ما را در آسمان، در مسیح برکت داده،
و از بخشش های روحانی ما را لبریز گردانیده است.

۴

پیش از آفرینش جهان،

ما را در مسیح برگزید

تا از راه فیض و محبت او،

در حضورش بی گناه شمرده شده، مقدس گردیم.

۵

چنین اراده کرد که ما،

توسط عیسی مسیح، فرزندخواندگان او شویم.

۶

محبت وی چنین اراده کرد.

برای ستایش جلال فیضش،

ما را در پسر محبوب خود بهره مند ساخت.

۷

در او، به واسطه خون او، فدیة یافتیم

و گناهانمان آمرزیده شد؛

۸

به اندازه فراوانی فیضی

که او، در تدبیر و حکمت کامل

به ما عطا فرموده بود.

۹

بدین گونه راز اراده اش را بر ما عیان کرد،

عزیمی نیک که در مسیح جزم کرده بود؛

۱۰

تا زمان را به کمال خود رساند

و همه چیز، یعنی هرچه در آسمان و زمین است

در مسیح خلاصه شود.

۵

فیلیپیان ۲: ۶-۱۱

«خود را فروتن ساخت، خدا او را سرافراز نمود»

۶

مسیح عیسی با این که همذات با خدا بود،

برابر بودن با خدا را

غنیمت ندانست.

۷

بلکه خود را حقیر نمود،

به صورت غلام درآمد،

شباهت با انسان را پذیرفت.

۸

چون به شکل انسان شد،

خود را فروتن ساخت

و تا به مرگ مطیع گردید؛

مرگ بر روی صلیب.

۹

از این سبب، خدا او را سرافراز نمود

و به او نامی بخشید

که برتر از همه نامهاست.

۱۰ تا سرانجام به نام عیسی،
هر زانویی در آسمان،
در زمین و در عمق زمین خم شود

۱۱ و همه زبانها بگویند:
«عیسی مسیح، خداوند است
برای جلال خدای پدر.»

۶

کولسیان ۱: ۱۲-۲۰

۱۲ «همه چیز در او پایدار»
خدای پدر را سپاس گوید
که ما را شایسته گردانید
تا در نور،
شریک میراث مقدسین شویم.

۱۳ ما را از قدرت ظلمت بیرون کشید
و به ملکوت پسر محبوب خود وارد کرد:

۱۴ در او، فدیة یافتیم،
یعنی بخشش گناهان را.

۱۵ او، صورت خدای نادیدنی است،
نخست زاده تمامی آفرینش.

۱۶ در او همه چیز آفریده شد،
هر آنچه در آسمان و بر زمین است.

موجودات دیدنی و نادیدنی،
قدرتها و سلطنتها،
تختها و حکومتها،
همه چیز به وسیله او و از برای او آفریده شد.

۱۷ او ابتدا بر همه چیز است
و همه چیز در او پایدار.

۱۸ همچنین او سر آن بدن یعنی کلیساست.
او آغاز است،

نخست زاده از میان مردگان؛
تا در همه چیز برتری داشته باشد.

۱۹ زیرا اراده خدا این است که در او همه چیز
در کمال مطلق ساکن شود

۲۰ و همه چیز در مسیح، آشتی پذیرد،
و به خون صلیب وی، صلح و سلامتی پدید آید؛
صلح برای همه موجودات روی زمین و در آسمانها.

۷

رساله اول تیموتاؤس ۳: ۱۶

«من ایمان دارم!»

۱۶ ای مسیح، جسم پوشیدی
و به روح القدس استوار شدی.

بر فرشتگان پدیدار گشتی
و به امتهای اعلام شدی.

ای مسیح، در دنیا به تو ایمان آوردند
و در جلال ستوده شدی.

۸

رساله اول پطرس ۲: ۲۱-۲۴

«او گناه ما را برداشت»

برای ما بود که رنج کشید،
برای ما نمونه‌ای برجای گذارد،
تا بر اثر گام او، ره سپاریم.

۲۱ گناه را نشناخت،

در دهانش دروغی یافت نشد.

۲۲ ناسزا شنید، بی آنکه ناسزا گوید،

رنج کشید، بی آنکه تهدید کند.
خویشتن را به داور عادل سپرده بود.

۲۳ این گناهان ما بود

که بر تن خود، روی صلیب بر خود گرفت
تا ما به گناه مرده،
و برای عدالت زندگی کنیم.

۹

مکاشفه ۴: ۱۱، ۵: ۹، ۱۰، ۱۲

« بر بره قربانی شده جلال باد »

۱۱ ای خداوند، خدای ما،
ستایش و جلال و قوت تو را سزاست.
تو هستی که دنیا را آفریدی،
تو خواستی که آن باشد و آفریده شد.

۹ ای مسیح، ای خداوند،

تو شایسته‌ای که کتاب را برداری و مُهرهایش را بگشایی؛
زیرا تو قربانی شدی و به بهای خون خود،
انسانها را از هر قبیله،
زبان، قوم و ملت، برای خدا باز خریدی.

۱۰ برای خدای ما قلمرویی ساختی

و ما را فرمانروایان و کاهنان آن کردی؛
و ما بر زمین سلطنت خواهیم کرد.

۱۲ به راستی بره قربانی شده شایسته است

تا قوت و دولت، حکمت و توانایی،
و ستایش و سپاس و جلال را بیابد!

۱۰

مکاشفه ۱۱:۱۷, ۱۸؛ ۱۲:۱۰-۱۲

«اینک سلطنت خدای ما»

۱۷ تو را سپاس می‌گوییم، ای خداوند، ای خدای عالم،
تویی که بودی، تویی که هستی!
تو قوت عظیم خود را
به دست گرفتی و بر تخت سلطنت نشستی.

۱۸

قومها خشمگین شدند،
آنگاه که خشم تو آشکار شد
و زمان داوری مردگان فرا رسید.

زمان پاداش بندگان تو،
یعنی مقدسین و انبیاء،
آنانی که از کوچک و بزرگ،
از نام تو می‌ترسند.

۱۰

اینک پیروزی، سلطنت و قوت خدای ما،
و اینک قدرت مسیح او ظاهر می‌شود.

کسی که به برادران ما تهمت می‌زد،
او که شبانه روز در حضور خدای ما، آنها را متهم می‌ساخت،
به بیرون رانده شد.

۱۱ توسط خون بره،
با کلام شهادت خود او را شکست دادند.
از جان خویش گذشتند
و حتی مرگ را پذیرا شدند.

۱۲ در شادمانی به لرزه آیدد ای آسمانها!
و شما، ای ساکنان آسمانها!

۱۱

مکاشفه ۱۵:۳, ۴

۳ «داوریهای تو آشکار می‌شوند»
عظیم و شگفت‌انگیزند کارهای تو،
ای خداوند، پادشاه جهان!

۴ راههای تو حقیقت و انصاف است
ای پادشاه امتها!
کیست که از تو نترسد ای خداوند؟

کیست که نام تو را جلال ندهد؟
آری، تنها تو قدوس هستی!

تمامی امتها خواهند آمد،
و در حضور توبه خاک خواهند افتاد
زیرا داوریهای خود را آشکار کرده‌ای.

۱۲

مکاشفه ۱۹: ۱، ۲، ۵-۷

«جلال بر خدای ما باد!»

۱ نجات، قدرت و جلال از آن خدای ماست!

هللویاه!

۲ داوریهای تو درست و عادلانه‌اند!

هللویاه!

۵ خدای ما را سپاس گویند ای تمامی بندگان خداوند.

هللویاه!

همگی شما، از کوچک و بزرگ که از او می‌ترسید.

هللویاه!

۶ خداوند سلطنت می‌کند، خدای ما، خداوند قادر مطلق.

هللویاه!

۷ شادی و وجد نماییم، او را جلال دهیم!

هللویاه!

زیرا عروسی بره فرا رسیده است.

هللویاه!

از برای او، عروسی خود را آراسته است.

هللویاه!

ضمیمه

مزامیر انتخاب شده

که در رابطه با رازهای مسیح در طول سال پرستشی کلیسا،

رازهای هفتگانه مقدس،

و موقعیتهای مختلف زندگی مسیحی هستند.

توضیح:

۱- برای هر موضوع، مهمترین مزامیر طبق سنت کلیسا ارائه شده است.

۲- ترتیب ذکر شماره‌های مزامیر نیز بر اساس اهمیت هر مزمور در ارتباط با آن موضوع خاص است.

۱ رازهای مسیح در سال پرستشی کلیسا

الف) رازهای بشارت، تن‌گیری و ظهور مسیح

مژده: ۸۰، ۸۵، ۲۵، ۱۳۰

میلاذ: ۲، ۱۱۰، ۱۳۲، ۸۹، ۷۲، ۴۵، ۱۹، ۹۳، ۹۸

ظهور: ۷۲، ۹۵، ۲۴، ۲۹، ۴۷، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰

زمان بعد از ظهور: ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۴۷، ۶۶

ب) راز گذر

آمادگی برای ایام روزه: ۳۱، ۱۸، ۶۳، ۹۰، ۴۴

ایام روزه: ۹۱، ۲۵، ۱، ۲۷، ۱۱۹، ۸۶ (ر.ک توبه)

ایام رنج مسیح: ۲۲، ۶۹، ۴۳، ۷۰، ۱۴۰، ۴۱، ۵۵، ۱۴۲

مرگ و رستاخیز: ۳۰، ۴۰، ۱۶، ۵۷، ۵۹، ۷۱، ۱۰۲، ۱۴۳، ۱۲۶

گذر: ۱۱۸، ۳، ۹۳، ۱۱۴، ۶۶، ۹۸، ۳۳، ۱۴۹، ۱۵

صعود: ۴۷، ۶۸، ۸، ۱۹، ۹۷، ۱۱

نزول روح القدس: ۶۸، ۴۸، ۱۰۴، ۸۱، ۷۸، ۲۹، ۳۳، ۱۴۸

ج) حضرت مریم و مقدسین

مریم باکره متبارک: ۴۵، ۸۷، ۴۸، ۱۲۲، ۱۴۷، ۱۱۳، ۱۲۷، ۱۹،
رسولان: ۱۹، ۴۷، ۱۱۷، ۱۳۹،
شهدا: ۱۱۶، ۱۲۶، ۳۴، ۱۴۵،
معترفین: ۱، ۱۵، ۹۲، ۱۱۲، ۳۷

۲ رازهای هفتگانه کلیسا

تعمید: ۴۲، ۲۹، ۸، ۲۳، ۶۶
تثبیت روح القدس: ۶۸، ۲۸، ۲۳، ۱۰۴
عشای ربانی: ۳۴، ۲۳، ۴، ۴۲، ۸۴، ۱۰۴، ۱۱۶، ۱۴۷، ۱۳۶، ۲۷،
توبه: ۵۱، ۶، ۳۲، ۳۸، ۱۰۲، ۱۳۰، ۱۴۳،
تدهین بیماران: (ر.ک بیماری)
دستگذاری خادمین: ۱۶، ۲۴، ۱۱۰، ۱۳۲،
ازدواج: ۲۰، ۱۲۷، ۱۲۸

۳ زندگی مسیحی

دعای صبح: ۶۳، ۱۷۸، ۱۵۰، ۵، ۹۲،
دعای ظهر: ۱۰۵، ۱۲۱، ۲۳،
دعای شب: ۱۴۱، ۴، ۹۱، ۱۳۴

شرایط مختلف:

اتحاد: ۱۳۳، ۸۷، ۱۲۲، ۱۴۷،
بیماری: ۸۸، ۴۱، ۱۴۳،
تجربه: ۸۶، ۱۳، ۷۰، ۳۱، ۱۲۶ (ر.ک وسوسه)
تولد: ۸ (ر.ک سرود زکریا)
جمع آوری محصول: ۶۵، ۶۷،
جنگ: ۴۴، ۸۰، ۹۰ (ر.ک صلح)
زیارت: مزامیر درجات (۱۲۰-۱۳۴)، سرود زکریا

سپاسگزاری: ۱۰۳، ۳۰، ۴۰، ۶۱، ۱۳۶، ۱۳۸،
شادی: ۱۰۳، ۱۲۶ (ر.ک سپاسگزاری)
صلح: ۸۵، ۱۲۲، ۱۳۳،
کار: ۱۲۷، ۱۰۵،
مردگان: ۴۲، ۶۵، ۲۳، ۶۳، ۱۲۰، ۱۳۰، ۱۲۸، ۱۴۶،
مرگ: (ر.ک مردگان)
مسافرت: (ر.ک زیارت)
وسوسه: ۹۱، ۷۳، ۷۷، ۱۳۹ (ر.ک تجربه)
وعده و پیمان: ۱۶، ۱۵، ۱۴۶